

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقاومت اسلامی
از منظر امام خامنه‌ای دام‌ظنّه
۱۳۶۸-۱۳۹۶

مهدی مهدوی اطهر

سرشناسه	:	مهدوی اطهر، مهدی، ۱۳۶۵ -
عنوان و نام پدیدآور	:	مقاومت اسلامی از منظر امام خامنه‌ای/مهدوی اطهر.
مشخصات نشر	:	تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	:	۲۸۸ ص.
شابک	:	۴-۲۸۱-۱۶۷-۹۶۴-۹۷۸-۱۲۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- دیدگاه درباره نهضت‌های مقاومت
موضوع	:	Khamene'i, Ali, Leader of IRI -- Views on resistance movements
موضوع	:	خامنه‌ای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- پیام‌ها و سخنرانی‌ها
موضوع	:	Khamenei, Sayyed Ali -- Messages and speech
موضوع	:	نهضت‌های مقاومت
موضوع	:	Resistance movements*
موضوع	:	جنبش‌های اسلامی
موضوع	:	Islamic movements*
رده بندی کنگره	:	DSR ۱۶۹۲ ۱۳۹۷ ۹م۹/ن۹
رده بندی دیویی	:	۹۵۵/۰۸۴۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۴۰۵۸۲۳



مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

نام کتاب:	مقاومت اسلامی از منظر امام خامنه‌ای
گردآوری و تدوین:	مهدوی اطهر
ویراستاری و صفحه آرایی:	سیدمحمد حسینی‌زاده
ناظر فنی:	عبدالله براتی
ناشر:	مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی - معاونت فرهنگی
نوبت چاپ:	اول، ۱۳۹۷
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
شابک:	۴-۲۸۱-۱۶۷-۹۶۴-۹۷۸
قیمت:	۱۲۰۰۰ ریال
نشانی:	قم، بلوار ۱۵ خرداد، نبش خیابان ۴ (شهادی منا)، ساختمان معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، صندوق پستی: ۳۸۷۳۳۷۱۸۵ تلفن: ۰۲۵۳۷۷۱۱۳۸۸

فهرست

۱۵.....	سخن ناشر.....
۱۷.....	پیشگفتار.....
۱۷.....	مقاومت اسلامی.....
۱۹.....	تاریخچه مقاومت اسلامی.....
۲۱.....	فصل اول: مفاهیم و کلیات
۲۳.....	مقاومت.....
۲۴.....	محورها و ابعاد مقاومت.....
۲۵.....	استقامت.....
۲۶.....	نظام سلطه.....
۲۷.....	استکبار.....
۲۹.....	اردوگاه استکبار.....
۳۱.....	امریکا، مظهر دستگاه سیاسی استکبار.....
۳۲.....	صهیونیسم، دستگاه اقتصادی استکبار.....
۳۳.....	اهداف و راهبردهای اردوگاه استکبار.....
۳۳.....	سلطه گری و کنترل جوامع.....
۳۷.....	استثمار ملت‌ها و تاراج ثروت‌ها.....
۳۹.....	پاک کردن خط حاکمیت دین در دنیا.....
۴۰.....	مبارزه با جهان اسلام و نابودی آن.....
۴۲.....	ارتجاع به غرب.....
۴۳.....	نفوذ.....
۴۴.....	استعمار.....
۴۴.....	انواع استعمار.....
۴۸.....	کشور اسلامی.....
۴۸.....	نشانه‌های جامعه اسلامی.....
۴۹.....	سیاست.....

فصل دوم: ضرورت مقاومت اسلامی ۵۳

۵۵..... معادلات بین المللی قدرت محور.

۵۶..... اردوگاه نظام سلطه و استکبار.

۶۳..... جنگ استکبار و اسلام.

۶۴..... وجود جریان مخالفت با نظام سلطه.

۶۵..... نظم ظالمانه جهان.

۶۶..... میدان جنگ نظام بین الملل.

۶۶..... غارت، قتل و نیرنگ بین المللی.

۶۹..... تهدیدات و توطئه‌های بین المللی.

۷۰..... تنوع شیوه‌های دشمنی با اسلام.

۷۱..... نقشه دشمن علیه جهان اسلام.

۷۱..... اختلاف افکنی.

۷۳..... تحریک عصبیت‌های مذاهب مختلف اسلامی علیه یکدیگر.

۷۳..... انحراف از نقطه حقیقی دشمنی.

۷۴..... مشغول سازی مسلمانان.

۷۵..... اسلام ستیزی.

۷۶..... مقابله با اسلام در پوشش اسلام.

۷۷..... عدم توجه جهان اسلام به دشمنان و توطئه‌های آنها.

۷۸..... جریان تکفیری و تروریسم.

۸۰..... حمله نظامی و ناامنی.

۸۱..... تحول و پیچ تاریخی جهان و موازنه‌های قدرت بین المللی.

۸۶..... بازگشت اسلام به مرکز تحولات جهانی.

۸۷..... آینده متعلق به اسلام.

فصل سوم: اهداف مقاومت اسلامی ۹۱

۹۳..... اطاعت و عبودیت الهی و نفی طاغوت.

۹۵..... حقیقت توحید.

۹۷..... گستره عبودیت خداوند.

۹۷.....	مراتب اطاعت از خداوند متعال
۹۹.....	تحقق و اعتلای دین اسلام
۱۰۱.....	لزوم تحقق کامل دین اسلام
۱۰۲.....	مذموم و مردود بودن دین حدائقی
۱۰۵.....	عدم عمل به اسلام
۱۰۶.....	تحقق جامعه اسلامی و تمدن اسلامی
۱۰۹.....	مراحل تحقق تمدن اسلامی
۱۱۲.....	دفاع و پاسداری از اسلام
۱۱۴.....	عدالت خواهی و ظلم ستیزی
۱۱۹.....	ویژگی‌های عدالت
۱۲۱.....	شروط تحقق عدالت
۱۲۲.....	حمایت از مستضعفان و محرومان جهان
۱۲۴.....	دفاع از حق و حقیقت
۱۲۵.....	کسب استقلال و عزت
۱۲۷.....	عزت در کلام الهی
۱۲۹.....	استکبار ستیزی
۱۳۱.....	ویژگی‌های اردوگاه استکبار ستیز
۱۳۳.....	عوامل عدم سلطه پذیری کشورها
۱۳۳.....	عوامل ملت
۱۳۳.....	عوامل کارگزاران
۱۳۷.....	فصل چهارم: بایسته‌ها و راهکارهای تقویت مقاومت اسلامی
۱۳۹.....	بایسته‌های مبارزه با دشمن
۱۳۹.....	انگیزه ایمانی
۱۴۰.....	بصیرت
۱۴۰.....	تدبیر
۱۴۱.....	شجاعت
۱۴۲.....	هوشیاری

- ۱۴۲.....بایسته‌های مقاومت
- ۱۴۲.....توجه به ریسمان الهی
- ۱۴۳.....عدم ترس
- ۱۴۴.....عدم نرمش و عقب نشینی
- ۱۴۴.....فراگیری زمانی و مکانی
- ۱۴۵.....همراهی مقاومت با ایمان و باور
- ۱۴۶.....راهکارهای تقویت مقاومت
- ۱۴۶.....ایمان و ارتباط با خدا
- ۱۵۱.....بازگشت به اسلام ناب و عمل به آن
- ۱۵۳.....اتحاد جهان اسلام
- ۱۵۵.....عوامل و بایسته‌های وحدت بین مسلمین
- ۱۵۵.....تمسک به قرآن
- ۱۵۶.....جهت‌گیری وحدت به سوی حاکمیت اسلام
- ۱۵۷.....وحدت با محوریت اهل بیت:
- ۱۵۸.....انسجام شیعیان در عین وحدت
- ۱۶۰.....جلوگیری از تعصبات و فرقه‌گرایی
- ۱۶۲.....هوشیاری در برابر تفرقه افکنی‌ها
- ۱۶۳.....رفع تعارض‌ها و کشمکش‌ها
- ۱۶۴.....بهره‌گیری از ظرفیت حج
- ۱۶۸.....نزدیک کردن دل‌ها، فکرها و ایمان‌ها
- ۱۶۹.....وحدت ملی
- ۱۶۹.....ایجاد جبهه متحد کشورهای اسلامی
- ۱۷۰.....سازمان کنفرانس اسلامی
- ۱۷۲.....تشکیل قرارگاه دفاع
- ۱۷۲.....کسب قدرت و اقتدار
- ۱۷۷.....تفاوت الگوی اقتدار در نظام اسلامی و نظام‌های مادی
- ۱۷۹.....مرزبندی با دشمنان

۱۷۹.....	حمایت از گروه‌های مقاومت و بیداری اسلامی
۱۸۰.....	اتحاد نگرش آرمانگرایی واقع بین
۱۸۲.....	رابطه پلکانی واقعیت‌ها با آرمان‌ها
۱۸۳.....	جهاد و مجاهدت در راه خدا
۱۸۸.....	شعبه‌های جهاد
۱۸۹.....	شرایط اصلی جهاد
۱۹۰.....	انواع جهاد
۱۹۱.....	لوازم حرکت در میدان جهاد
۱۹۲.....	پیش بینی راهکارهای دشمن و دستیابی راه حل‌ها
۱۹۲.....	بهره‌گیری از بصیرت
۱۹۴.....	بصیرت شرط لازم موفقیت نه شرط کافی
۱۹۵.....	اظهار آمادگی
۱۹۶.....	تولید ضد توطئه و حمله
۱۹۷.....	آگاهی بخشی به ملت‌ها
۱۹۷.....	حفظ و تقویت روحیه صبر و بردباری
۲۰۰.....	عدم غفلت
۲۰۳.....	فصل پنجم: آثار و پیامدهای مقاومت اسلامی
۲۰۵.....	پیشرفت و تعالی
۲۰۷.....	نصرت الهی
۲۰۸.....	دستیابی به اهداف و پیروزی‌های مکرر
۲۱۰.....	تدریجی بودن پیامدهای مقاومت در برابر نظام سلطه
۲۱۰.....	تحقق وعده‌های الهی کوچک؛ نشانه تحقق وعده‌های بزرگ‌تر
۲۱۲.....	استحکام بخشی به نظام سیاسی
۲۱۳.....	وصول حق با مقاومت
۲۱۳.....	خنثی سازی تهدیدات
۲۱۴.....	عزت دنیوی و سربلندی اخروی
۲۱۴.....	تغییر لحن نظام سلطه

۲۱۵.....	احترام به بشریت.....
۲۱۷.....	فصل نهم: وضعیت جبهه‌های مقاومت اسلامی.....
۲۱۹.....	جمهوری اسلامی ایران.....
۲۲۰.....	مرکزیت مقاومت جهانی.....
۲۲۱.....	ایستادگی در مقابل امریکا.....
۲۲۲.....	ارائه کننده راه نو به بشریت.....
۲۲۳.....	ایجاد گفتمان نو هویت اسلامی و سلطه ناپذیری.....
۲۲۴.....	اثبات امکان پیشرفت بدون سلطه پذیری.....
۲۲۴.....	مواضع منطقی ایران در برابر استکبار.....
۲۲۵.....	نوآوری ایران در مقابله با نظام سلطه.....
۲۲۶.....	پیروزی حتمی ایران در برابر دشمنان.....
۲۲۷.....	فلسطین.....
۲۳۱.....	علل اشغال فلسطین.....
۲۳۱.....	تفرقه مسلمانان و عدم تکیه به معنویت اسلام.....
۲۳۲.....	غفلت از هویت اسلامی.....
۲۳۲.....	غفلت مسلمین از توانایی خود.....
۲۳۳.....	خیانت مسئولین فلسطین.....
۲۳۳.....	جریان‌های عربی.....
۲۳۴.....	ابتکار عمل صهیونیست‌ها.....
۲۳۵.....	دخالت‌های امریکا.....
۲۳۵.....	خصوصیات مبارزات امروز فلسطین.....
۲۳۷.....	چشم انداز فلسطین.....
۲۳۷.....	بازگشت قطعی فلسطینیان به سرزمین فلسطین.....
۲۳۸.....	محو و نابودی اسرائیل.....
۲۳۹.....	سوریه.....
۲۴۰.....	بحران سوریه، دعوایی سیاسی.....
۲۴۰.....	حضور متجاوزانه آمریکا در سوریه.....

- ۲۴۱..... سوریه؛ انتقام‌گیری از حکومت ضدصهیونیستی
- ۲۴۲..... تلاش آمریکا در ایجاد جنگ داخلی در سوریه
- ۲۴۲..... لبنان
- ۲۴۳..... حقایق جنگ سی و سه روزه لبنان
- ۲۴۳..... پدیده‌های تاریخی
- ۲۴۵..... ضربه مهلک بر ارتش اسرائیل
- ۲۴۵..... دگرگونی حوادث منطقه بعد از جنگ ۳۳ روزه
- ۲۴۷..... سیاست امریکا در لبنان
- ۲۴۷..... تضعیف حزب الله
- ۲۴۸..... فشار بر فلسطین
- ۲۴۸..... عراق
- ۲۴۸..... اهداف حمله امریکا به عراق
- ۲۴۸..... تسلط بر منابع نفتی
- ۲۴۹..... سلطه‌گری
- ۲۵۰..... قبضه اوپک و نفت
- ۲۵۱..... شکست‌های امریکا در عراق
- ۲۵۲..... شکست شعار دموکراسی و آزادی غربی
- ۲۵۳..... شکست سیاسی
- ۲۵۴..... شکست ابهت نظامی
- ۲۵۴..... شکست اعتبار رسانه‌ای
- ۲۵۵..... نقشه نظام استکبار، تجزیه عراق
- ۲۵۵..... افغانستان
- ۲۵۶..... مقاصد حمله امریکا به افغانستان
- ۲۵۶..... استقرار و حضور در منطقه
- ۲۵۶..... تسویه حساب با مدافعین فلسطین
- ۲۵۶..... تشکیل دولت امریکایی
- ۲۵۸..... ضررهای نظام سلطه در حمله به افغانستان

۲۵۸.....	افشاء چهره لیبرالیزم غربی.....
۲۵۹.....	تسریع شدن نهضت ضد استکباری علیه امریکا.....
۲۶۱.....	یمن.....
۲۶۱.....	جنایت و نسل کشی سعودی ها.....
۲۶۲.....	خسران و عدم پیروزی سعودی ها.....
۲۶۳.....	دخالت امریکا در یمن.....
۲۶۳.....	بحرین.....
۲۶۳.....	تحولات بحرین، قیام مردم بر مطالبه خواسته های خود.....
۲۶۵.....	عدم مداخله ایران در تحولات بحرین.....
۲۶۶.....	منفور گشتن دولت سعودی بر اثر تجاوز به بحرین.....
۲۶۷.....	فهرست بیانات و مکتوبات.....
۲۶۹.....	سال ۱۳۶۸.....
۲۶۹.....	سال ۱۳۶۹.....
۲۷۰.....	سال ۱۳۷۰.....
۲۷۱.....	سال ۱۳۷۱.....
۲۷۲.....	سال ۱۳۷۲.....
۲۷۲.....	سال ۱۳۷۳.....
۲۷۲.....	سال ۱۳۷۴.....
۲۷۲.....	سال ۱۳۷۵.....
۲۷۲.....	سال ۱۳۷۶.....
۲۷۳.....	سال ۱۳۷۷.....
۲۷۴.....	سال ۱۳۷۸.....
۲۷۴.....	سال ۱۳۷۹.....
۲۷۵.....	سال ۱۳۸۰.....
۲۷۵.....	سال ۱۳۸۱.....
۲۷۶.....	سال ۱۳۸۲.....
۲۷۷.....	سال ۱۳۸۳.....

٢٧٧.....	سال ١٣٨٤
٢٧٧.....	سال ١٣٨٥
٢٧٨.....	سال ١٣٨٦
٢٧٩.....	سال ١٣٨٧
٢٧٩.....	سال ١٣٨٨
٢٨٠.....	سال ١٣٨٩
٢٨٠.....	سال ١٣٩٠
٢٨١.....	سال ١٣٩١
٢٨٢.....	سال ١٣٩٢
٢٨٢.....	سال ١٣٩٣
٢٨٣.....	سال ١٣٩٤
٢٨٤.....	سال ١٣٩٥
٢٨٤.....	سال ١٣٩٦
٢٨٥.....	منابع و مأخذ

سخن ناشر

تقابل حق و باطل در طول حیات بشر امری دائمی و ثابت بوده است. از منظر اسلام، جبهه حق، امت اسلامی است و در مقابل آن جبهه‌های کفر و طاغوت قرار دارد؛ لذا جهاد و صبر و مقاومت از واژگان کلیدی در تعالیم اسلامی به شمار می‌آیند. در تاریخ اسلام میان این دو نبردهای عظیمی صورت گرفته است و جبهه اسلام بر مبنای موازین شرعی و عقلی و همچنین تکالیف الهی در برابر دشمنان حق و اسلام مقاومت نموده است؛ در تاریخ معاصر نیز مقاومت اسلامی به‌ویژه پس از پیدایش نظام سلطه در عالم و اشغال فلسطین توسط رژیم جعلی اسرائیل از یک سو، و پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ (ه.ش) از سوی دیگر، رنگ و بوی تازه‌ای به خود گرفته است.

شناخت ابعاد مقاومت اسلامی و فلسفه وجودی آن بسیار حائز اهمیت است، چرا که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران خون تازه‌ای در رگ‌های امت‌ها جاری شده و نه تنها جهان اسلام، بلکه مردمان جای‌جای این کره خاکی نیز در حال بیداری نسبت به نظام سلطه، امپریالیسم و جاهلیت مدرن هستند.

شناخت مقاومت اسلامی از منظر دانشمندان اسلامی به‌عنوان مفسران و متفکران دین‌هدایت‌گر و رها بخش از ظلم، امری راهبردی و راهگشا است، بر همین مبنا در این اثر، مقاومت اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای دامت‌تله به‌عنوان عالم دینی و رهبر کشوری اسلامی که در خط مقدم جبهه مقاومت اسلامی است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

راهبرد کلان جمهوری اسلامی ایران مبارزه با دشمنان اسلام، مقابله با حرکت‌های تفرقه‌افکنانه، تلاش در جهت ایجاد، حفظ و تقویت نظام و امت واحده اسلامی و همچنین حمایت همه جانبه از گروه‌های مقاومت اسلامی در برابر نظام سلطه و

استکبار و دشمنان خونین اسلام و انسانیت، بوده و هست و به حول و قوه الهی تا نیل به «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۱ ایستادگی و مقاومت خواهد نمود. در این کتاب - که امید است منبع مهمی پیرامون مقاومت اسلامی باشد - کلام و مکتوبات امام خامنه‌ای دامنه‌ای متناسب با نوع اثر و مخاطبین آن، بدون هیچ دخل و تصرفی به صورت منظم با صورت‌بندی علمی تدوین گردید تا مخاطبان ضمن شناخت چیرستی مقاومت اسلامی، از علل، آثار و پیامدهای آن از منظر معظم له مطلع گردند و در پایان نیز وضعیت جبهه‌های مقاومت اسلامی در عصر کنونی، مطابق تبیین ایشان ارایه شده است.

در پایان لازم است از برادر بزرگوار جناب حجة الاسلام مهدی مهدوی اطهر که متقبل زحمت تدوین این اثر گردیدند، تشکر و سپاس‌گزاری نماییم.

معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

۱. توبه: ۳۳: تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

پیشگفتار

عبارت‌های متن حاضر، نص کلام و یا پیام حضرت امام خامنه‌ای دام‌ظله، پیرامون مقاومت اسلامی است؛ قبل از ارائه کلام معظم له، لازم است اشاره‌ای به مفهوم مقاومت اسلامی و تاریخچه مقاومت اسلامی داشته باشیم.

مقاومت اسلامی

لفظ مقاومت برگرفته از ثلاثی مجرد «قَام» به معنای به پا خاستن، برخاستن و پایدار ماندن است. این واژه در فرهنگ زبان فارسی به معنای «ایستادگی، برابری، پافشاری، پایداری، استقامت و ضدیت کردن» به کار می‌رود و در فرهنگ زبان‌های عربی در چهار معنا استعمال می‌شود:

۱. قَاوَمَ أَعْدَاءَ بِلَادِهِ: ناضل ضدهم، عَارَضَهُم بِالْقُوَّةِ: بر ضد آنان مبارزه کرد.
۲. ظَلَّ يُقَاوِمُ الْمَرَضَ: يُصَارِعُ الْمَرَضَ، يُوَاجِهُهُ: در برابر بیماری مقاومت و ایستادگی کرد.

۳. قَاوَمَهُ فِي الْمَصَارَعَةِ، غَالِبُهُ: بر او چیره شد.

۴. قَاوَمَهُ فِي الْحَاجَةِ: قَاوَمَ مَعَهُ فِيهَا: در نیازی با او مجادله و محاجه کرد.

بنابراین بیشترین کاربرد مقاومت، در معانی ایستادگی و مقاومت کردن در برابر چیزی است که توازن و تعادل را بر هم زده، خواه این عامل درونی باشد مانند امیال نفسانی یا بیرونی، مانند بیماری یا تجاوز و اشغالگری.

در قرآن کریم لفظ مقاومت به کار نرفته؛ اما «قیام» که مصدر دیگر باب مفاعلة است، در مقابل قعود به معنای بر پا کردن و یا قوام زندگی آمده، مانند: «فَمَا اسْتَطَاعُوا

مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنْتَصِرِينَ^۱. اما مشتق آن «استقامه» از باب استفعال بسیار به کار رفته است و در مورد راهی است که بر یک طریق هموار بنا شده است و راه حق نیز به همین تشبیه شده است «إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۲ و همچنین در قرآن کریم استقامت انسان به معنای تعهد به ثابت قدم بودن در راه، آمده است مانند: آیات «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا»^۳ و «فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ»^۴.

در تعریف اصطلاحی مقاومت چنین بیان شده است: «ایستادگی و پایداری در برابر تهاجم، تخاصم زور، یا ورود هر عامل ناخواسته با استفاده از هر ابزاری که امکان پذیر باشد». بنابراین بر مبنای معانی لغوی و اصطلاحی مقاومت چنین برمی آید که محدود به رویارویی در میدان جنگ نیست و هر نوع مقاومت و پایداری در برابر عوامل برهم زننده تعادل و توازن را شامل می شود، با این حال مقاومت، شامل پایداری در برابر هرگونه عامل بیرونی و درونی است، همان طور که شوان بن سعید حمیری در کتاب گران قدر شمس العلوم و دواء کلام العرب من الكلوم به صراحت بیان می کند که مقاومت به قیام و ایستادگی در جنگ و غیر آن تعبیر شده است.

بنابراین مقاومت، اختصاص به جنبه های نظامی ندارد و ابعاد فرهنگی، علمی، سیاسی و اقتصادی را دربر می گیرد. مقاومت، تدبیر و سلوکی مستمر است و با ثبات قدم در مبارزه با دشمن درونی یا بیرونی تا رسیدن به غایت مطلوب اطلاق می شود. همیشه در حقیقت مقاومت، جبهه های حق و باطل وجود دارند؛ بنابراین از مهم ترین ویژگی های مقاومت «پایداری، ثبات، گسترده ای ابعاد و توجه به دشمن» است.

۱. الذاریات: ۴۵: در نتیجه نه توانستند به پای خیزند و نه طلب یاری کنند.

۲. هود: ۵۶: به راستی پروردگار من بر راه راست است.

۳. فصلت: ۳۰: در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خداست سپس ایستادگی کردند.

۴. فصلت: ۶: پس مستقیماً به سوی او بشتابید.

با توجه به مفهوم مقاومت و حقایق آن، می‌توان مقاومت اسلامی را این‌چنین تعریف نمود: «هرگونه پایداری و ایستادگی در برابر دشمن درونی یا بیرونی در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، علمی و نظامی و مبتنی بر مبانی، اصول، اهداف و روش اسلامی باشد».

تاریخچه مقاومت اسلامی

مقاومت امری ساری و جاری در جریان تقابل دو جبهه حق و باطل بوده و ادامه خواهد داشت و با توجه به حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و علمی مسئله مقاومت می‌توان گفت تاریخچه مقاومت اسلامی از همان ابتدای بعثت رسول گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است چراکه مقاومت اسلامی شامل ابعاد فردی و اجتماعی و در موضوعات مختلف است. ابعاد اجتماعی مقاومت اسلامی از کوچک‌ترین عضو اجتماع، یعنی خانواده تا سازمان‌ها و دولت‌های عظیم در نظام بین‌الملل را دربر می‌گیرد و به‌طور کلی اعضای اصلی مقاومت اسلامی آحاد امت، گروه‌ها، سازمان‌ها و دولت‌ها در حوزه داخلی و بین‌المللی هستند.

در دوران معاصر پس از اشغال فلسطین توسط رژیم صهیونیستی، مقاومت اسلامی در آن خطه عظیم و استراتژیک جهان اسلام، جان تازه‌ای گرفت و توجه امت مسلمان و سازمان‌ها و دولت‌های اسلامی به مقابله و مبارزه با دشمن اسلامی دقیق‌تر و بیشتر گشت. پس از پیروز انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ (ه.ش) به رهبری حضرت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و احیای شعائر اسلامی و هشدارهای ایشان در مورد خطرهای داخلی و بین‌المللی اسلام و همچنین بازگویی تهدیدات نظام بین‌الملل، مانند نظام استکبار و رژیم اشغال‌گر قدس، مقاومت اسلامی انسجام و جهت‌دهی بهتری به خود گرفت و در همین راستا جنبش‌ها و گروه‌های مختلفی همچون حزب‌الله لبنان، جنبش جهاد اسلامی، حماس و ... برای دفع تجاوز رژیم صهیونیستی تشکیل شد.

روشن‌گری‌ها، رهنمودها، آسیب‌شناسی و طراحی استراتژی‌های مقاومت اسلامی توسط حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای دامنه‌ای موجب بیداری آحاد امت اسلام، و نضج گرفتن حرکت‌ها و فعالیت‌های گروه‌های مقاومت اسلامی گردید، که نمایش آن را در پیروزی‌های پی‌درپی در جبهه‌های مختلف در برابر استکبار جهانی به سرکردگی آمریکای جنایتکار و سگ‌ها در آن در منطقه، یعنی رژیم غاصب صهیونیستی شاهد بوده و هستیم.

همانگونه که اشاره شد، این اثر تبیینی است از چیستی، چرایی، چگونگی و همچنین بایسته‌ها و پیامدهای مقاومت اسلامی، که از نص کلام و یا پیام حضرت امام خامنه‌ای دامنه‌ای استخراج، و طبق نظام مشخصی که پیش رو دارید، بازآرایی و ارائه گردیده است.

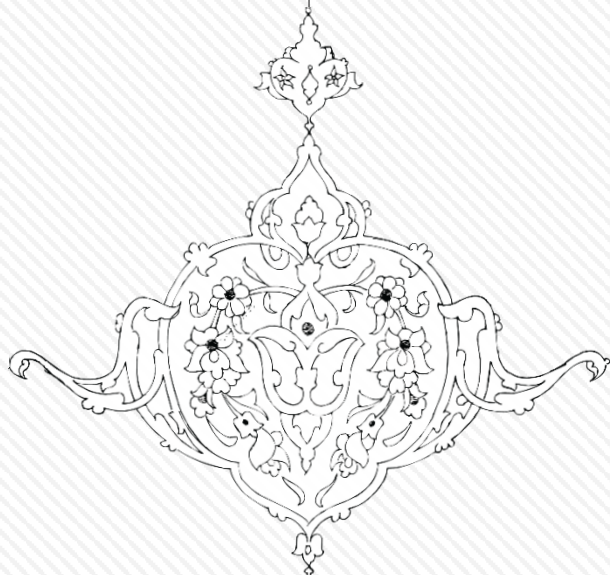
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

مهدی مهدوی اطهر

۵ بهمن ۱۳۹۶ (ه.ش)

مصادف با ۷ جمادی‌الاول ۱۴۳۹ (ه.ق)

فصل اول:
مفاهیم و کلیات



مقاومت

در بین جهادها جهادی هست که خدای متعال در قرآن آن را «جهاد کبیر» نام نهاده: «وَجِهْدُهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا»؛^۱ در سوره مبارکه فرقان است؛ «بِه» یعنی به قرآن، «جِهْدُهُمْ بِهٖ» یعنی به وسیله قرآن با آن‌ها جهاد کن؛ جهاداً کبیراً. این آیه در مکه نازل شده. درست توجه کنند جوان‌های عزیز! در مکه جنگ نظامی مطرح نبود؛ پیغمبر و مسلمان‌ها مأمور به جنگ نظامی نبودند، کاری که آن‌ها می‌کردند کار دیگری بود؛ همان کار دیگر است که خدای متعال در این آیه شریفه می‌گوید: «وَجِهْدُهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا» آن کار دیگر چیست؟ آن کار دیگر، ایستادگی و مقاومت و عدم تبعیت [است]. «فَلَا تُطِيعِ الْكُفْرِينَ وَجِهْدُهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا» از مشرکین اطاعت نکن. اطاعت نکردن از کفار همان چیزی است که خدای متعال به آن گفته جهاد کبیر. این تقسیم‌بندی غیر از تقسیم‌بندی جهاد اکبر و جهاد اصغر است؛ جهاد اکبر که از همه سخت‌تر است، جهاد با نفس است، همان چیزی است که هویت ما را، باطن ما را حفظ می‌کند؛ جهاد اصغر، مجاهدت با دشمن است، منتها در بین جهاد اصغر یک جهاد هست که خدای متعال آن را «جهاد کبیر» نام نهاده، که آن همین است. «جهاد کبیر» یعنی چه؟ یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر؛ از خصمی که در میدان مبارزه با تو قرار گرفته اطاعت نکن. اطاعت یعنی چه؟ یعنی تبعیت؛ تبعیت نکن. تبعیت نکردن در کجا؟ در میدان‌های مختلف؛ تبعیت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدان‌های مختلف از دشمن تبعیت نکن؛ این شد «جهاد کبیر»^۲.

۱. فرقان: ۵۲. «پس از کافران اطاعت مکن و با [الهام گرفتن از] قرآن با آنان به جهادی بزرگ بپرداز».

۲. بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام ۱۳۹۵/۳/۳.

ملت‌ها در مقابل رژیم صهیونیستی مقاومت کردند، یعنی تسلیم نشدند!^۱
 معنای مقاومت بی‌تدبیری نیست. در روایت^۲ حضرت نبی صلی الله علیه و آله خطاب به عبد الله بن مسعود - صحابی معروف - می‌فرماید: «يَا بَنَ مَسْعُودٍ! إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَأَعْمَلْ بِلَعْمٍ وَعَقْلٍ!»؛ ای پسر مسعود! هر کاری که می‌خواهی انجام بدهی، با دانش و خرد انجام بده. این، استثناء ندارد و شامل همه کارها می‌شود؛ این‌ها شعارهای اسلامی است. حالا عدّه‌ای می‌خواهند به مسلمانان - که این مطالب هزار و چهار صد سال جزو فرهنگشان بوده است - یاد بدهند که دنبال علم و خرد بروند! این حرف‌ها کهنه بشو هم نیست؛ همیشه تازه است. «وَأَيُّكُمْ وَ أَنْ تَعْمَلَ عَمَلًا بَغَيْرِ تَدَبُّرٍ وَ عِلْمٍ»؛ مبدا هیچ کاری را بدون تدبیر و دانش انجام دهی؛ همه کارها باید سنجیده و علمی صورت گیرد. «فَإِنَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ وَ لَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَفَضَتْ غَرْهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا»^۳؛ چون خداوند می‌فرماید: مثل آن پیرزنی نباشید که پشم را نخ می‌کرد، بعد نخ‌ها را دوباره پشم می‌کرد. اگر کار را بی‌منطق و بی‌دانش و بی‌تدبیر انجام دهید، قوتی را که خدا به شما داده، واژگون کرده‌اید و ذخیره علم و عقل را به زمین ریخته‌اید و به عقب برگشته‌اید. ما نباید به عقب برگردیم. مقاومت باتدبیر، جزو شعارهای نظام اسلامی است^۴.

محورها و ابعاد مقاومت

مسجد هسته مقاومت است، منتها مقاومت بانواعه؛ مقاومت فرهنگی، مقاومت

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۹۴/۴/۲۷.

۲. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۴۵۸.

۳. نحل: ۹۲، «و مانند آن [زنی] که رشته خود را پس از محکم بافتن، [یکی یکی] از هم می‌گسست مباحثید».

۴. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان زنجان ۱۳۸۲/۷/۲۲.

سیاسی و در جای خود هم مقاومت امنیتی و نظامی؛ کما اینکه در مساجد [این گونه بوده است] مسجد عبارت است از هسته مقاومت. مقاومت نظامی و امنیتی و امثال این‌ها هم قطعاً مقاومت است، اما بالاتر از آن، مقاومت فرهنگی است.^۱

استقامت

استقامت، یعنی راه را گم نکردن؛ فریب جلوه‌های مادی را نخوردن؛ اسیر هوی و هوس نشدن؛ دستورها و فرایض اخلاقی و معنوی و ادب اسلام را رها نکردن و به لذت‌طلبی و عشرت‌طلبی رو نیاوردن.^۲ اگر این پابندی به ارزش‌های اساسی وجود داشت - که این شاخص اول [انقلابی‌گری] بود- حرکت، حرکت مستمر و مستقیم خواهد بود و در تندباد حوادث، این حرکت تغییر پیدا نمی‌کند. [اما] اگر این پابندی وجود نداشت، نقطه مقابل این پابندی، عمل‌گرایی افراطی است؛ یعنی هر روزی به یک طرف رفتن و هر حادثه‌ای انسان را به یک طرف کشاندن:

می‌کشد از هر طرف، چون پر کاهی مرا و سوسه این و آن، دمدمه خویشتن
این می‌شود عمل‌گرایی؛ هر روزی انعطاف به یک جهت و به یک سمت؛ این منافات دارد با آن پابندی. در تعبیر قرآنی، این پابندی به ارزش‌ها را «استقامت» نام نهاده‌اند: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ»^۳ - آیه قرآن در سوره مبارکه هود - یا «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ»^۴؛ در تعبیر قرآنی، اسم این پابندی به مبانی و ارزش‌ها استقامت است.^۵

۱. بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران ۱۳۹۵/۵/۳۱

۲. بیانات در دیدار گروه کثیری از پاسداران به مناسبت سالروز میلاد امام حسین علیه السلام و روز پاسدار ۱۳۸۱/۷/۱۷.

۳. هود: ۱۱۲: «پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن».

۴. فصلت: ۳۰: «به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: «اترستید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است!».

۵. بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام ۱۳۹۵/۳/۱۴.

نظام سلطه

معنای نظام سلطه آن است که کشورها، ملت‌ها و دولت‌ها یا باید سلطه‌گر باشند، یا سلطه‌پذیر. دنیا تا چند سال قبل، دو قطبی بود؛ یک طرف نظام غربی به سرپرستی و رهبری امریکا بود، یک طرف هم نظام شرقی به سرپرستی شوروی. این دو نظام، در صد مسئله هم با یکدیگر توافق داشتند. یکی از آن مسائل حفظ نظام سلطه بود. یعنی هر دو این را پذیرفته بودند که دنیا به دو منطقه تقسیم می‌شود. با هم توافق کرده بودند که هر دو طرف به یکدیگر کاری نداشته باشند و هر کدام نظام سلطه را در مجموعه خودش مستقر کند.

معنای نظام سلطه آن است که اگر رژیم امریکا برای خود در نقطه‌ای از دنیا منافی فرض کرد، حق دارد در آن نقطه حضور قدرتمندانه نظامی پیدا کند و هر کسی را که با منافعش مخالفت کند، بکوبد. موضوع بر سر مشروع یا نامشروع بودن این منافع نیست. برای نظام سلطه فرق نمی‌کند؛ ولو این منافع برخلاف همه پیمان‌های بین‌المللی باشد. نظام سلطه، زمانی سلطه‌جویی‌های خود را مخفیانه انجام می‌دهد؛ زمانی هم با صراحت و وضوح اعلان می‌کند که فلان سازمان، دولت، جمعیت یا حرکت، با منافع ما تضاد داشته است و این بهانه حقیقی برای امریکا ایجاد می‌کند که آن سازمان، شخص، دولت و ملت را بکوبد. این قانون جنگل و نظامی غیرانسانی برخلاف فطرت انسان است. تنها کسانی از نظر سلطه‌گر مورد قبول‌اند که سلطه‌پذیر باشند. عرض کردم که نظام سلطه، مثل اختاپوسی خطرناک و مثل سرطان دنیا را گرفته است.^۱

نظام سلطه این است که بعضی از کشورهای دنیا سلطه‌گر و بعضی از کشورهای

۱. بیانات به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۷۵/۸/۹.

دنیا سلطه‌پذیرند. رسم بر این است که امروز کشورهای جهان را به شمال و جنوب تقسیم می‌کنند. کشورهای شمال یعنی کشورهای ثروتمند و کشورهای جنوب یعنی کشورهای مثلاً فقیر؛ یا کشورهای توسعه یافته و کشورهای رو به توسعه^۱. نظام سلطه یعنی آن سازوکاری در دنیا که کشورها و ملت‌های دنیا تقسیم می‌شوند به دو قسم: سلطه‌گر و سلطه‌پذیر^۲.

استکبار

استکبار، معنای وسیعی دارد. در قرآن هم شاخه‌ها و مشتقات استکبار، مکرر به کار رفته است. خود کلمه استکبار هم در قرآن به کار رفته است^۳. استکبار یک تعبیر قرآنی است؛ در قرآن کلمه استکبار به کار رفته است؛ آدم مستکبر، دولت مستکبر، گروه مستکبر، یعنی آن کسانی و آن دولتی که قصد دخالت در امور انسان‌ها و ملت‌های دیگر را دارد، در همه کارهای آن‌ها مداخله می‌کند برای حفظ منافع خود؛ خود را آزاد می‌داند، حقّ تحمیل بر ملت‌ها را برای خود قائل است، حقّ دخالت در امور کشورها را برای خود قائل است، پاسخگو هم به هیچ‌کس نیست؛ این معنای مستکبر است^۴. در قرآن درباره امثال فرعون و گروه‌های بدخواه و معارض حقّ و حقیقت به کار رفته است^۵. کلمه استکبار و مستکبر و در مقابلش استضعاف و مستضعف، در قرآن هست^۶.

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک ۱۳۷۹/۸/۲۴.

۲. بیانات در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش ۱۳۹۱/۲/۳.

۳. برای نمونه، آیات ۳۱ جائیه، ۸۷ سوره بقره، ۴ و ۳۹ سوره قصص.

۴. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۹۲/۸/۱۲.

۵. بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور در مصلای امام خمینی علیه السلام ۱۳۹۲/۸/۲۹.

۶. بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۷۸/۸/۱۲.

به نظر می‌رسد که استکبار، غیر از تکبر است. شاید این طور بشود گفت که تکبر، بیشتر به یک صفت قلبی و روحی اشاره می‌کند؛ یعنی انسان خود را برتر از دیگران بداند و بگیرد. استکبار، بیشتر به جنبه عملی تکبر توجه دارد. یعنی کسی که کبر می‌ورزد و خود را بالاتر از دیگران می‌داند، در رفتار خود با دیگران هم طوری کار را سازماندهی می‌کند که این تکبر، در عمل مشخص و واضح می‌شود. دیگران را حقیر می‌کند، به دیگران اهانت می‌کند، در کار دیگران دخالت می‌کند و برای دیگران، به عنوان تصمیم‌گیرنده ظاهر می‌شود.

البته در هر زمانی و برای هر ملتی، ممکن است استکبار معنای خاصی پیدا کند. برای ما ملت ایران، در جریان انقلاب و پیش از انقلاب و بعد از آن تا این ساعت، استکبار معنای خاصی داشته و عبارت از قدرت‌های مسلطی در جهان بوده است که در مسائل این کشور و در سرنوشت و کارهای این ملت، حضوری ظالمانه و قدرتمندانه و قلدرانه را در پیش گرفتند. برای ما، معنای استکبار، این بوده است^۱.

اگر بخواهیم استکبار را درست ترجمه کنیم، امروز با دولت متجاوز و مستکبر و یاغی و گردنکش آمریکا تطبیق می‌کند. امروز عمده مستکبرین عالم آن‌ها هستند. داستان استکبار برای همه ملت‌ها، داستان تلخی است. استکبار، یعنی در دنیا قدرتی هست که به منافع ملت‌ها و به خواست انسان‌ها، توجهی نمی‌کند. به مفاهیم ارزشی انسانی هیچ اعتنایی نمی‌کند. برای او فقط یک چیز اهمیت دارد و آن خود اوست؛ آن هم با روحیه تکبر، افزون خواهی و زورگویی! آن هم با زبان زور، با خشونت، با شدت، با بی‌رحمی و سفاکی! امروز آمریکا چنین وضعی دارد^۲.

۱. بیانات به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۷۵/۸/۹.

۲. بیانات در دیدار با مردم مشهد و زائران حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در صحن امام خمینی رحمته الله علیه ۱۳۷۵/۱/۴.

استکبار، یعنی حالت فرعونیت، یعنی دیکتاتوری در سطح بین‌المللی^۱! در فرهنگ ما، استکبار به آن مجموعه قدرتی گفته می‌شود که با تکیه بر توانایی‌های سیاسی و نظامی و علمی و اقتصادی خود و با الهام از نگرش تبعیض آمیز به نوع بشر، مجموعه‌های بزرگ انسانی - یعنی ملت‌ها و دولت‌ها و کشورها - را با سیطره‌ای قلدرانه و تحقیر آمیز، به سود خود زیر فشار و استثمار می‌گذارد؛ در کار آن‌ها دخالت و به ثروت آن‌ها دست‌اندازی می‌کند؛ به دولت‌ها زور می‌گوید و به ملت‌ها ستم می‌ورزد و به فرهنگ‌ها و سنت‌های آنان، اهانت روا می‌دارد^۲.

استکبار، یعنی روح تکبر و بی‌اعتنایی به ارزش‌های ملت‌های دیگر و دخالت در امور ملت‌ها و به خود حق دادن؛ همین چیزی که الان در کلمات رؤسای امریکایی ملاحظه می‌کنید. راجع به دخالت خودشان در عراق یا هر جای دیگر طوری حرف می‌زنند، مثل اینکه این‌ها صاحبان دنیایند! واقعاً انسان کمتر دولتی را می‌تواند پیدا کند که با لحنی حرف بزند که این‌ها راجع به کشورهای خاورمیانه حرف می‌زنند! این کشورها را مال خودشان می‌دانند. استکبار یعنی این^۳.

اردوگاه استکبار

متأسفانه امروز دنیا غالباً به اردوگاه استکبار و زورگویی از یک طرف و اردوگاه کسانی که حاضر شده‌اند زورگویی زورگویان را بشنوند از طرف دیگر، تقسیم شده

۱. بیانات در دیدار با گروه کثیری از دانش‌آموزان، دانشجویان و اقشار مختلف مردم به مناسبت یوم‌الله ۱۳ آبان ۱۳۷۶/۸/۱۴.

۲. بیانات در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی ۱۳۷۶/۹/۱۸.

۳. بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت گرامیداشت سالروز ۱۳ آبان ۱۳۸۱/۸/۱۳.

است. می‌بینید که دستگاه استکباری، با تشبُّث به همه امکانات، در صدد است که قدرت ظالمانه و غاصبانه خود را در هر نقطه‌ای از نقاط عالم که بتواند، گسترش دهد. امروز دولت امریکا به این قانع نیست که بر کشور و منافع خود تسلط داشته باشد و خود را به عنوان یک کشور و یک ملت، طبق میل و اراده خود اداره کند. آن‌ها می‌خواهند در هر نقطه‌ای از عالم که موقعیت جغرافیایی حسّاسی وجود دارد، حضور داشته باشند؛ هر جا آبراه مهمی وجود دارد، بر آن مسلط باشند؛ هر جا منابع حیاتی زیرزمینی‌ای وجود دارد، زیر کلید آن‌ها باشد؛ هر جا پول و قدرت و امکانی هست، آن‌ها بتوانند بر آن تسلط داشته باشند و هر جا مجموعه‌ای از انسان‌ها زندگی می‌کنند تا آنجا که می‌توانند، اراده خودشان را بر آن مجموعه انسانی تحمیل کنند. استکبار، یعنی این^۱.

دشمن برای بیست سال، سی سال، چهل سال، پنجاه سال بعد نقشه می‌کشد؛ چون دشمن که یک شخص نیست؛ دشمن یک اردوگاه است. اردوگاه اسلام هم اردوگاه است. اردوگاه اسلام هم برای ده سال، بیست سال، پنجاه سال، صد سال، آمادگی ایجاد می‌کند. آری؛ فقط این دشمن نیست که پنجاه سال بعد را می‌بیند؛ ما صد سال بعد را می‌بینیم و به فضل پروردگار خواهید دید که «أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ»^۲، «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا»^۳.^۴

خوی استکباری که امروز رژیم ایالات متحده امریکا دارد، در بُن و بنیاد، یک مسئله اخلاقی است و ریشه اخلاقی دارد. استکبار هم یک امر اخلاقی است؛ یک

۱. بیانات در اجتماع نیروهای شرکت‌کننده در مانور عظیم طریق‌القدس ۱۳۷۶/۲/۳.

۲. فیل: ۲: «أَيَا نَقْشَةَ أَنهَا رَا دَر ضَلَالَت وَ تَبَاهِي قَرَار نَدَاد؟!».

۳. نساء: ۷۶: «نَقْشَةَ شَيْطَان، (هَمَانَد قَدْرَتَش) ضَعِيفَ اسْت.».

۴. بیانات در مراسم صبحگاه لشکر سیدالشهداء علیه‌السلام ۱۳۷۷/۷/۲۶.

اخلاق فاسد است. این‌ها انصاف ندارند. اگر انصاف داشتند؛ اگر مروّت داشتند؛ اگر انسانیت در آن‌ها بود، با ملت‌های دنیا این‌طور عمل نمی‌کردند. همان ریشه اخلاقی فاسد است که یک دولت و یک نظام سیاسی را این‌گونه به ظلم و جور و تعرّض و نامردمی و بی‌انصافی وادار می‌کند.^۱

می‌گویند ناقضین حقوق بشر؛ در حالی که بزرگترین ناقض حقوق بشر آن‌ها هستند. می‌گویند طرفداران تروریسم؛ در حالی که بانیان و طرفداران تروریسم خود آن‌ها هستند. امروز از دولت صهیونیسم، تروریست‌تر در دنیا کیست؟ از بسیاری از دولتمردانی که امروز در سطح دنیا مطرح‌اند، ظالم‌تر و متجاوزتر به حقوق انسان کیست؟ بشریت از چه کسانی و از چه قدرت‌هایی بیشتر صدمه دیده و رنج برده است؟ مایه عقب‌افتادگی آسیا و آفریقا و امثال آن‌ها کیست؟ کدام دولت‌هایند که سال‌های متمادی ملت‌ها را در زیر تیغ استعمار نگاه داشته‌اند؟ آنچه آن‌ها داشتند، ربودند؛ نفت آن‌ها را مفت و ارزان بردند؛ ثروت‌های زیرزمینی آن‌ها را بردند؛ فرهنگشان را نابود کردند؛ از پیشرفت و ترقّی و پیمودن قافله علم، آن‌ها را مانع شدند. این‌ها مستکبرین عالم و همین دولت‌هایی که امروز در دنیا دم از حقوق انسان می‌زنند، هستند. این‌ها بزرگترین بلاهای بشریت‌اند.^۲

امریکا، مظهر دستگاه سیاسی استکبار

این استکبار عرض کردیم، مظهرش امروز آمریکا است؛ اما این دستگاه سیاسی استکبار است.^۳

۱. بیانات در دیدار کارکنان «وزارت آموزش و پرورش»، «سازمان بهزیستی» و «سازمان تأمین اجتماعی» ۱۳۷۲/۴/۲۳.

۲. بیانات در دیدار عمومی به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۷۷/۱۰/۲۸.

۳. بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در آستانه روز بسیج مستضعفین ۱۳۹۴/۹/۴.

دولت آمریکا یک دولت استکباری است، حقّ مداخله در کشورها را برای خود قائل است، جنگ‌افروزی می‌کند، در امور کشورها مداخله می‌کند؛ امروز مشاهده می‌کنید [که] این قضیه دیگر از محدوده کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین فراتر رفته است، به اروپا رسیده؛ در امور آن‌ها هم دخالت می‌کنند^۱.

صهیونیسم، دستگاه اقتصادی استکبار

استکبار فقط دستگاه سیاسی نیست؛ دستگاه مالی گاهی مهم‌تر و مؤثرتر است؛ [مثل] این شرکت‌ها و کمپانی‌های بزرگ و پول‌دارهای بزرگ دنیا که عمدتاً هم صهیونیست هستند؛ مجموعه استکبار این‌ها هستند؛ این‌ها دائم مشغولند^۲. شبکه سرطانی صهیونیسم و دولت‌مردان شرور و جنگ‌افروز آمریکا که امروز خطرناکترین و اصلی‌ترین مرکز استکبارند از راه‌های گوناگون به معارضة با امت اسلام برخاسته‌اند از جنگ روانی و تبلیغاتی تا مقابله اقتصادی تا اقدامات عنودانه سیاسی و تا خشونت و ترور و تقابل نظامی. آنان برای حفظ منافع نامشروع خود از هیچ جنایتی رویگردان نیستند. نگاهی گذرا به جنایات تکان‌دهنده صهیونیست‌های غاصب در فلسطین که با حمایت دولت آمریکا صورت می‌گیرد و نیز مطالعه رفتار اشغالگران در عراق و افغانستان عمق شقاوت کسانی را آشکار می‌سازد که دنیا را از ادعای ریاکارانه حقوق بشر و طرفداری از دموکراسی و آزادی پر کرده‌اند.

آنان با شعار مبارزه با تروریسم، فجیع‌ترین شکل ترور را مرتکب می‌شوند، به نام آزادسازی ملت‌ها، دیکتاتوری و غارتگری خود را بر ملت‌ها تحمیل می‌کنند. آمریکا صریحاً خود را در تجاوز به کشورها و ملت‌ها ذی‌حق می‌شمارد. دولت صهیونیست صریحاً

۱. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ۱۲/۸/۱۳۹۲.

۲. بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در آستانه روز بسیج مستضعفین ۹/۴/۱۳۹۴.

شخصیت‌های فلسطینی را به ترور تهدید می‌کند. صهیونیست‌ها در فلسطین، خون پیر و جوان و زن و مرد و کودک را می‌ریزند و خانه‌ها را ویران می‌سازند. آمریکا و انگلیس در عراق به تظاهرکنندگان بی‌سلاح حمله می‌کنند و حریم خانه‌ها و حرمت نوامیس مردم را می‌شکنند. هنوز آتش برافروخته آنان فرو ننشسته، دنیای اسلام را به آتش افروزی‌های دیگر نوید می‌دهند. این رفتارهای عصبی و شرارت آمیز، بیش از آنکه برخاسته از قدرت و اعتماد به نفس باشد، ناشی از سراسیمگی و وحشت است. آنان بیداری اسلامی را حس می‌کنند و از فراگیری اندیشه «اسلام سیاسی» و حاکمیت اسلام به شدت احساس خطر می‌کنند. آنان از فکر روزی که امت اسلامی یکپارچه و امیدوار، بپاخیزد به خود می‌لرزند. در آن روز، امت اسلامی با ثروت طبیعی و میراث عظیم فرهنگی و تاریخی و با گستردگی جغرافیایی و نفوس پرشمار انسانی، به قدرت‌های سلطه‌گری که دویست سال خونش را مکیده و حرمت و کرامتش را پایمال کرده‌اند، اجازه نخواهد داد که این طغیان و تجاوز را ادامه دهند!

اهداف و راهبردهای اردوگاه استکبار

سلطه‌گری و کنترل جوامع

امروز قدرت استکباری آمریکا هدفش تسلط بر دنیاست و این چیزی نیست که پنهان و پوشیده باشد. حتی دولت‌های اروپایی از تهاجم فرهنگی و از دخالت و از نفوذ مداخله جویانه پول آمریکا گله دارند. مسأله، مسئله تصرف و دست‌اندازی است.^۱

مسأله برای ابرقدرت‌ها، سیطره بر عالم است. امروز قدرت‌های بزرگ جهان، چه به خاطر انرژی - نفت و گاز - چه به خاطر بازارها، چه به خاطر فروش محصولاتشان

۱. پیام به کنگره عظیم حج ۱۳۸۲/۱۱/۸.

۲. بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت سالروز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا ۱۳۷۸/۸/۱۲.

و چه به خاطر پشتوانه سیاسی و اقتدار نظامی‌شان، ناچارند دامنه سیطره و نفوذ خود را در دنیا توسعه دهند. اگر ملت‌ها پامال می‌شوند و منافع ملی‌شان نابود می‌گردد، برای آن‌ها هیچ اهمیتی ندارد. آن‌ها فقط به منافع خود - که در بسیاری از موارد، نامشروع هم هست - می‌اندیشند. البته هر ملتی - از جمله، ملت‌های قدرت‌های بزرگ - حق دارند به منافع خود بیندیشند؛ آن منافی است که به خاطر پامال کردن منافع ملت‌های دیگر، نامشروع نباشد؛ ولی آن‌ها این حد و مرز را قائل نیستند. پرچمی که برمی‌دارند، پرچم حقوق بشر و آزادی و دموکراسی است. بر روی پرچم‌های خود، عناوین فریبنده را نقش می‌کنند؛ اما آن‌ها، هم به مردم دنیا دروغ می‌گویند، هم به مردم خود دروغ می‌گویند. هدف آن‌ها سیطره بر دنیا است.^۱

امروز قدرت‌های طاغوتی دنیا می‌توانند هدف خودشان را سلطه بر جهان، همه بشریت و بر همه ثروت‌های بشری قرار دهند؛ می‌توانند هدف خودشان را کوبیدن همه مواعی که آن‌ها را از این راه باز می‌دارد، قرار دهند؛ و متأسفانه در مواردی طغیان‌های بزرگ که نشانگر یک چنین اهداف پلید و خبیثی است در دنیا مشاهده می‌شود. امروز وظیفه خیلی سنگین است.

آن روزی که بعد از فروپاشی اردوگاه کمونیزم، رییس جمهور وقت امریکا - پدر رییس جمهور فعلی - نظم نوین جهانی را اعلام کرد، هدف استکباریِ دیرین امریکا را آشکار کرد؛ ما فی الضمیر خودش و دستگاه سیاستگذار امریکایی را نشان داد و آشکار کرد. البته این مخصوص آن روز نبود؛ از ده‌ها سال پیش تصمیم گرفتند و اعلان کردند که اجازه نخواهند داد هیچ قدرت دیگری وارد امریکای لاتین شود. امریکای لاتین به عنوان یک منطقه اختصاصی دولت ایالات متحده امریکا به حساب

۱. بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی ۱۳۸۰/۱۱/۱۸.

آمد. بعد به تدریج این به همه دنیا توسعه داده شد؛ منتها این را به عنوان یک هدف اعلام شده ذکر نمی‌کردند و بر زبان نمی‌آوردند. بعد از آن که احساس کردند در مقابلشان رقیب بزرگی مثل شوروی وجود ندارد، این هدف را تقریباً به صراحت اعلام کردند: دنیای تک قطبی؛ نظم نوین جهانی با یک قدرت واحد و مسلط بر همه عالم. هدفی که برنامه‌های کاری امریکا در طول این ده‌ها سال گذشته، همه همین را نشان می‌دهد. هدف، گسترش سلطه نظامی و به دنبال آن، سلطه سیاسی و اقتصادی است؛ و تماماً در جهت منافع کمپانی‌هایی که در واقع سیاست دولت امریکا را آن‌ها تعیین می‌کنند؛ جهت‌گیری‌ها را آن‌ها به وجود می‌آورند. این‌ها واقعیاتی است که بشر امروز اگر این واقعیات را بداند، به موقع تصمیم خواهد گرفت. انسان‌ها اگر بفهمند در دنیای آن‌ها چه می‌گذرد، قدرت تصمیم‌گیری و موضع‌گیری دارند. آحاد ملت‌ها کارهای بزرگی می‌توانند انجام دهند.

به من آماری دادند که دولت امریکا از سال ۱۹۴۵ تا امروز در سرنوینی چهل دولت مستقل، که تابع امریکا نبودند، نقش ایفا کرده و در بیست و چند مورد دخالت نظامی داشته است! این دخالت‌ها بدون استثناء با کشتار عمومی و با فجایع بزرگ همراه بوده است. البته در مواردی موفق شده و در مواردی هم ناکام مانده و موفق نشده است. آنچه که در ذهن خود ماست و از یاد ماها دور نیست، مثال‌های روشنی است؛ از جمله بمباران اتمی ژاپن در پایان جنگ جهانی دوم، که آقای رییس جمهور اشاره کردند؛ مثال ویتنام، آن جنگ‌های خونین، آن فجایع فراموش نشدنی که بالاخره هم با ناکامی امریکا تمام شد؛ مثال شیلی؛ مثال خود ایران در کودتای ۲۸ مرداد - که مأمور امریکایی به تهران آمد و مشغول برنامه‌ریزی و اقدام شد؛ و بعد هم خودشان این موضوع را اعلام کردند و اسنادش نیز منتشر شد که الان در دسترس همه است - و همچنین در جاهای متعدد دیگر. عامل همه این‌ها، کمپانی‌های بزرگ اقتصادی، سردمداران مالی

بزرگ امریکا، احزاب اقتدارطلب، دسته‌جات پُرنفوذ صهیونیستی، شخصیت‌های معیوب از لحاظ فکری و اخلاقی - که در رأس کارها هستند - می‌باشند. این پرونده بسیار سنگین و گذشته بسیار ننگینی است. این‌ها چیزهای کوچکی نیست. برای این‌ها نابودی انسان‌ها مهم نیست، نابودی ثروت‌ها مهم نیست، نابودی عدالت مهم نیست، فاجعه‌های بشری مهم نیست؛ این مسائل هیچ کدام مانع سر راه این‌ها محسوب نمی‌شوند. البته برای حفظ ظاهر، امکانات فراوان تبلیغی و رسانه‌ای را هم در اختیار دارند. تعبیر کردند به «صدای بلندتر»، تعبیر درستی است. سعی می‌کنند با صدای بلندتری فضای دنیا را آن‌طور تنظیم کنند که این فاجعه‌آفرینی را بیوشاند؛ چهره آن‌ها را باز هم طرفدار صلح، طرفدار مردم‌سالاری و دموکراسی، طرفدار حقوق بشر نشان دهد^۱.

استکبار جز جهان‌خواری و سلطه بر منابع انسانی و حیاتی ملت‌ها هدفی ندارد و برای او ملت‌ها هیچ ارزشی ندارند. اگر ملت‌ها و دولت‌های اسلامی، اصلی را که ملت ایران با کمال عزت و قدرت برای خود محترم شمرد، محترم بشمارند، استکبار نمی‌تواند هیچ کاری در این منطقه بکند^۲. محور سلطه در دنیا، امروز دستگاه‌های بسیار خطرناک و بسیار بی‌رحمی هستند که مجموعه کارتل‌ها و تراست‌ها - یعنی شرکت‌ها و کمپانی‌های اقتصادی - را در سرتاسر دنیا تشکیل می‌دهند و بیشترین تسلط را هم این‌ها بر دولت امریکا دارند. اینکه ما امریکا را یک دولت مستکبر می‌دانیم؛ اینکه ما وقتی می‌گوییم استکبار جهانی، به ذهن همه دولت امریکا خطور می‌کند؛ این به خاطر آن است که تسلط دستگاه‌های استکباریِ سودجویِ قدرت‌طلب

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۱۲/۲۷.

۲. بیانات در اجتماع با شکوه مردم استان زنجان ۱۳۸۲/۷/۲۱.

زرسالارِ عالم بر آن حکومت از همه جا بیشتر است و همه ابزارهای علمی و تسلیحاتی و سیاسی آن دولت در راه استثمار ملت‌ها به کار می‌رود^۱.

استثمار ملت‌ها و تاراج ثروت‌ها

امت اسلامی را که اتفاقاً از لحاظ وضعیت جغرافیا در نقطه حساسی از دنیا هم قرار گرفته‌اند - هم از لحاظ سوق‌الجیشی، هم از لحاظ اقتصادی و منابع طبیعی - علی‌رغم میل خودشان، مورد استثمار قرار می‌دهند. ما رسالت‌مان این است، همت‌مان این است که به دنیای اسلام هشدار بدهیم؛ و این هشدار، مؤثر هم واقع شده؛ می‌بینید در جابه‌جای دنیای اسلام، نفرت از سلطه‌گران، از سیطره‌خواهان، از خصوص آمریکا، روزافزون است^۲.

اگر شما اوضاع و احوال قرن هجدهم و قرن نوزدهم و قرن بیستم میلادی را مطالعه کرده باشید - همانی که خود غربی‌ها تدوین کردند و گفتند، نه آنچه که مخالفان آن‌ها و دشمنان آن‌ها تدوین کردند - می‌بینید که این‌ها چه کردند در شرق آسیا، در هند، در چین، در آفریقا، در آمریکا؛ چه بلایی بر سر بشریت آوردند؛ چه جهنمی برای ملت‌ها و انسان‌ها به وجود آوردند و آن‌ها را سوزاندند؛ فقط برای بهره‌کشی، برای استثمار. در علم پیشرفت کردند، در فناوری پیشرفت کردند، صنعت خودشان را به اوج رساندند، اما این را در خدمت بدبخت کردن ملت‌ها به کار بردند؛ چرا؟ چون آن تمدن پایه معنوی نداشت، معنویت در آن نبود. وقتی معنویت نبود، اخلاق هم نخواهد بود. ادعای آن‌ها نسبت به اخلاق، ادعای دروغین است؛ هیچ

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک ۱۳۷۹/۸/۲۴.

۲. دیدار دست‌اندرکاران ساخت ناوشکن جماران ۱۳۸۸/۱۱/۳۰.

واقعیتی ندارد. بله در فیلم‌های سینمایی، در تلاش هالیوودی، اخلاق هست، صبر هست، عقل هست؛ اما در واقعیت زندگی، این حرف‌ها وجود ندارد. وقتی دوری از معنویت شد، این می‌شود^۱.

سیاست کلان نظام سلطه، عبارت است از بردگی ملت‌ها و تسلط بر سرنوشت ملت‌ها بدون اینکه کمترین اعتنایی به مصالح ملت‌ها و خواسته‌آحاد ملت‌ها داشته باشند؛ این سیاست کلان استکبار است؛ به این باید توجه داشت^۲. روزبه‌روز هم نظام سلطه تقویت شده است؛ یعنی از وقتی که استعمار بر اثر ارتباطات آسان دنیا با یکدیگر و پیشرفت علم به‌وجود آمد، نظام سلطه هم پدید آمد. هرچه استعمار پیش رفته، نظام سلطه تقویت شده است. با امکانات جدید و وسایل ارتباطی سریع و فوق‌العاده‌ای که وجود دارد و امکانات نظامی و پولی و تبلیغاتی و غیره، نظام سلطه هرچه میخ‌های خود را بر سرزمین محل زندگی ملت‌ها و انسان‌ها بیشتر فرو کرده، انسان‌ها محکوم شده‌اند به توسری‌خوری و سلطه‌پذیری. نظام ما آمد این مدار را قطع کرد؛ گفت نمی‌شود^۳.

استعمارگران اروپایی آمدند و بر مناطق بسیاری از آسیا، آفریقا و امریکای لاتین تسلط پیدا کردند؛ ملت‌های آن مناطق را ذلیل کردند؛ فرهنگ آن‌ها را، هویت آن‌ها را، ثروت آن‌ها را به تاراج بردند؛ حتی زبان آن‌ها را، خط آن‌ها را، سابقه و سنت آن‌ها را زیر پا له کردند. ملت‌ها را ذلیل کردند؛ آن‌ها را دوشیدند؛ ثروت آن‌ها را غارت کردند؛ فرهنگ آن‌ها را نابود کردند؛ تا آن وقتی که ممکن بود، ماندند، بعد هم رفتند^۴.

۱. بیانات در محفل انس با قرآن ۱۳۹۱/۴/۳۱.

۲. بیانات در دیدار دانشجویان در بیست و پنجمین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۵/۵/۱.

۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۸۳/۸/۶.

۴. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۷۹/۷/۱۴.

در یک چنین جامعه‌ای دیگر مهم نیست این پول از کجا آمده باشد. در جوامع غربی - تقریباً به طور عموم - از راه استعمار آمده است. ثروتی که انگلستان در قرن هجدهم و نوزدهم به دست آورد و توانست به وسیله آن ثروت و پول نقد و طلای نقد، سیاست خودش را بر کل اروپا و مناطق دیگر سیطره بدهد، به خاطر پولی بود که انگلیسی‌ها از استعمار کشورهای شرقی و عمدتاً شبه قاره هند به دست آورده بودند؛ شبه قاره هند و کشور سیام سابق و بقیه کشورهای آن منطقه را غارت کردند! شما به تاریخ مراجعه کنید، مطالعه کنید؛ واقعاً در یکی دو کلمه نمی‌شود گفت که این‌ها با هند چه کردند؛ انگلیسی‌ها ثروت هند را و ثروت آن منطقه را - که منطقه بسیار پرثروتی بود - مثل یک انار آب‌لمبویی فشردند و همه رفت توی خزانة دولت انگلیس و کشور انگلیس تبدیل شد به یک ثروتمند! دیگر سؤال نمی‌شود این ثروت از کجا آمد. این ثروت احترام دارد! خب پیشرفت در این کشور یک معنا پیدا می‌کند؛ اما در کشوری که استعمار را حرام می‌داند، استثمار را گناه می‌داند، غارت را ممنوع می‌داند، غصب را حرام می‌داند، تجاوز به حقوق دیگران و گرفتن مال دیگران را ممنوع می‌داند، پیشرفت یک معنای دیگری پیدا خواهد کرد. بنابراین مبانی معرفتی، مبانی اخلاقی و تفکرات اصولی و فلسفی، در تعریف پیشرفت در یک کشور تعیین کننده است!

پاک کردن خط حاکمیت دین در دنیا

می‌بینید که امروز قدرت‌های دنیا اصرار دارند و پول‌ها خرج می‌کنند برای اینکه بتوانند خط حاکمیت دین را از دنیا پاک کنند. در بخشی از عالم اتّفاقی افتاده است؛ ملتی قیام کرده و حاکمیت دینی و ارزش‌های دینی را علی‌رغم میل قدرتمندان به وجود آورده است. این، درسی در عالم برای ملت‌های دیگر شد. امروز تلاش این

است که این خط را پاک کنند. مسئله فقط این نیست که این نظام را به شکست برسانند؛ مسئله این است که اصل قضیه از ذهنیت بشر و از مجموعه درس‌هایی که برای بشر می‌ماند، پاک شود و کسانی نتوانند از آن درس بگیرند؛ نه امروز و نه آینده. این تلاش تبلیغاتی برای این است، و الاً اگر فرض کنیم نظامی که با ادعایی، با حقیقتی، با فکری و با ایمانی بر سر پا شده است، بماند، اما فکر خود را رها کند؛ قالب نظام بماند، اما روح خود رها کند؛ اشخاص بمانند، اما از آن فکر، اعلام برائت و بیزاری کنند؛ این نظام شکست خورده است و خواست دشمنان دین برآورده شده است. برای آن‌ها دین مهم است. بیش از نابود کردن آدم‌ها و بیش از تلاش تشکیلات سیاسی نظامی که مطلوب آن‌ها نیست، مهم این است که آن فکر، آن خواست، آن هدف و آن داعیه از بین برود و شکست بخورد^۱.

مبارزه با جهان اسلام و نابودی آن

برای استکبار، مسئله اصلی، دنیای اسلام است. آن‌ها می‌خواهند دنیای اسلام را که بیش از یک میلیارد جمعیت دارد؛ بخش عظیمی از منابع مالی و منابع طبیعی مورد نیاز امروز را در اختیار دارد؛ روح جدید و حرکت و بیداری اسلامی، امروز آن را سرپا نگه داشته است، از بین ببرند. هدف آن‌ها، دنیای اسلام است^۲.

در دنیا سیاست‌ها پشت سر آن ذهن‌های بیمار و خبیثی هستند که با پیامبر اسلام به شکل هتاکانه مواجهه می‌کنند. نمی‌شود باور کرد که اهانت به اسلام و اسلام‌ستیزی و مسلمان‌ستیزی در دنیا بدون دست‌های سرویس‌های امنیتی و بدون پول قدرت‌ها ادامه و انتشار پیدا کند؛ که امروز شما نمونه‌هایش را در دنیا مشاهده می‌کنید؛ این همان مبارزه با اسلام است. البته بهانه هم پیدا می‌کنند. در اعمال ما مسلمان‌ها گاهی

۱. بیانات در دیدار فرماندهان و گروه کثیری از پاسداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۷۸/۸/۲۲.

۲. بیانات در دیدار قاریان شرکت کننده در بیست‌ویکمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم ۱۳۸۳/۶/۲۶.

انحرافات پیدا می‌شود، جمودهایی، تحجرهایی، کارهای غلطی که این را شیاطین دستاویز قرار می‌دهند برای اینکه «وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ»^۱ تحقق پیدا کند؛ این را باید مسلمان‌ها بدانند.^۲

از اول تشکیل نظام اسلامی هم معارضة‌ها با «تکیه بر اسلام» شروع شد؛ نگوییم که استقلال کشور یا سیاست مبارزه با نظام استکبار موجب دشمنی‌های آن‌ها بود - که این حقیقتی است، همین است - منتها مبارزه با استکبار از دل اسلام جوشید، مردم‌سالاری ما از دل اسلام جوشید. بارها عرض شده است که این جور نیست که وقتی ما می‌گوییم مردم‌سالاری دینی، این به معنای یک ترکیب انضمامی بین مردم‌سالاری با یک مفهومی است و دین با یک مفهوم دیگری؛ این نیست. مردم‌سالاری ما از دین سرچشمه گرفته است، اسلام این راه را به ما نشان داده است، با هدایت اسلام است که ما به نظام جمهوری اسلامی رسیدیم؛ بعد از این هم به توفیق الهی همین جور خواهد بود. این دشمنی‌ها متمرکز و متوجه به اسلام است؛ اگر چنانچه اسلام را از این نظام گرفتند و حذف کردند، آنچه ناشی از اسلام هم هست، به‌طور طبیعی حذف خواهد شد یا تضعیف خواهد شد یا کم‌رنگ خواهد شد؛ با این نگاه باید مسائل را تحلیل کرد.^۳

با یک سیاستمدار آمریکایی مصاحبه کردند؛ مصاحبه‌گر از او می‌پرسد که دشمن آمریکا کیست؟ او در جواب می‌گوید دشمن آمریکا تروریسم نیست، دشمن آمریکا مسلمان‌ها هم نیستند، دشمن آمریکا «اسلام‌گرایی» است؛ اسلام‌گرایی؛ یعنی مسلمان‌ها تا

۱. انعام: ۱۱۳: «نتیجه (وسوسه‌های شیاطین) این خواهد شد که دل‌های کسانی که به قیامت ایمان ندارند، به آنها متمایل گردد.»

۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۲/۳/۱۷.

۳. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۲/۶/۱۴.

وقتی بی تفاوت راهش را بیاید و برود و انگیزه‌ای نسبت به اسلام نداشته باشد، احساس دشمنی با او نمی‌کنند؛ اما وقتی اسلام‌گرایی به میان آمد، پایبندی و تقید به اسلام و حاکمیت اسلام به میان آمد، پایه‌ریزی همان تمدن اسلامی وقتی به میان آمد، دشمنی‌ها شروع می‌شود؛ راست گفته، دشمن او اسلام‌گرایی است. لذا وقتی بیداری اسلامی در دنیای اسلام رخ می‌دهد، شما می‌بینید چقدر دستپاچه می‌شوند، تلاش می‌کنند، کار می‌کنند بلکه ضایعش کنند، بلکه نابودش کنند؛ یک جاهایی هم موفق می‌شوند^۱.

ارتجاع به غرب

امروز تئورسین‌ها و تبلیغاتچی‌های غربی در صدند خط ارتجاع به غرب - خط برگشت به همان تحمیل‌پذیری غربی - را دوباره برگرداندند. البته همان‌طور که گفتم، تحت عنوان یک تئوری شبه روشنفکرانه؛ به عنوان یک حرف نو؛ تئوری جهانی شدن و تئوری تغییر گفتمان. می‌گویند دانشجوی این دوره دیگر نمی‌تواند دانشجوی دوران ضد استعماری باشد. می‌گویند دوران ضدیت با استعمار و استکبار و مرگ بر استکبار گزشت، گذشته است؛ دوران عدالت‌خواهی و مبارزه با سرمایه‌داری سرآمده است؛ دوران آرمان‌خواهی و تبری و تولای سیاسی تمام شده است؛ گفتمان جدید دانشجویی عبارت است از گفتمان جهانی، جهانی شدن، گفتمان واقع‌بینی، گفتمان پیوستن به نظم نوین جهانی؛ یعنی سیاهی لشکر امریکا شدن! این جهانی شدن، اسمش جهانی شدن است؛ اما باطنش امریکایی شدن است. معنایش این است که ملت ایران علی‌رغم مجاهدت‌هایی که کرده، علی‌رغم پرچم‌هایی که بر قلّه‌های پیروزی کوبیده، علی‌رغم بیداری عظیمی که در ملت‌های مسلمان به وجود آورده، باید دوباره مثل دوران قبل

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۴/۱۰/۸.

از انقلاب، سیاهی لشکر و عمله و ابزار تأمین منافع امریکایی‌ها شود. هدف به صورت لخت و پوست‌کنده جز این چیز دیگری نیست؛ اما می‌خواهند در زیر نام‌های زیبا - جهانی شدن و تحوّل و پیشرفت - این هدف را پنهان کنند.^۱

نفوذ

روزگار، روزگار فوق‌العاده حسّاسی است. یک دستگاه پیگیر و یک جبهه فراگیر علیه انقلاب اسلامی مشغول کاراند؛ پول به بازار می‌آورند، سلاح به بازار می‌آورند، توطئه می‌آورند، به قول خودشان اتاق‌های فکر دارند و دائم دارند کار می‌کنند؛ علت هم این است که احساس خطر می‌کنند. حق با آن‌ها است، واقعاً باید احساس خطر کنند؛ چون فکر اسلامی از محدوده نظام جمهوری اسلامی خارج شده. خودش خارج شده؛ من بارها مثال زده‌ام و گفته‌ام مثل هوای خوش، مثل باد لطیف، مثل بوی گل؛ بوی گل را که نمی‌شود در باغ محصور کرد، بوی گل می‌آید و اطراف باغ پنخس می‌شود. تفکر انقلابی، تفکر اسلامی ناب، تفکر اسلامی که دارای حاکمیت است و نه اسلامی که صرفاً حرف زدن است و همین‌طور به‌ظاهر و به‌صورت تقدّس‌مآبانه یک احترام ظاهری‌ای برایش قائل‌اند و هیچ‌هم به آن عمل نمی‌کنند، اسلامی که منشأ اثر است در ساخت جامعه و نظام جامعه. این یک فکری است که امروز در دنیای اسلام منتشر شده است و یک جاهایی انسان‌های قوی و کارآزموده‌ای را پرورش داده و تربیت کرده، لذا احساس خطر می‌کنند. فکر هم می‌کنند که کانون این حرکت عظیم و همه‌گیر اسلامی، جمهوری اسلامی است؛ باید اینجا را بمباران فکری و بمباران سیاسی بکنند و دارند می‌کنند؛ انواع و اقسام کارها را می‌کنند: پول خرج می‌کنند، توطئه می‌کنند، می‌روند و می‌آیند در سطوح مختلف که با جمهوری اسلامی، با ایران

۱. بیانات و پرسش و پاسخ در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر ۱۳۷۹/۱۲/۹.

اسلامی چه کار کنیم. همه کارهایی را هم که برایشان ممکن است انجام می‌دهند - ما خبر داریم؛ یعنی این چیزی که بنده عرض می‌کنم تحلیل نیست، اطلاع است - از تحریکات داخلی، از تحریکات اشرار، از پول خرج کردن، از دام‌های اخلاقی پهن کردن؛ انواع و اقسام کارها را دارند انجام می‌دهند برای اینکه بتوانند این نفوذ را انجام بدهند؛ بایستی به این توجه داشت و این بسیار مهم است^۱.

استعمار

معنای استعمار این است که یک کشوری با هزارها کیلومتر فاصله، دست‌اندازی کند به یک کشوری که منبع ثروت است - مثلاً شبه قاره هند - و آنجا را به قدرت شمشیر و به قدرت سلاح پیشرفته، در اختیار خودش بگیرد^۲.

انواع استعمار

مثال‌های بارز آن (استعمار) را استعمار کهن و سپس استعمار نو و اخیراً تهاجم همه جانبه سیاسی و اقتصادی و تبلیغاتی و حتی نظامی، از سوی استعمارگران دیروز و وارثان آن‌ها، در برابر چشم ملت‌های ما نهاده و طعم تلخ آن را به ایشان چشاندند است. قدرت‌های غربی در این تهاجم مؤثر، از پیشرفت علم و تکنولوژی و از برخی خصال ملی و بومی خود بهره برده‌اند^۳.

یک روز استعمار کهنه بود - استعماری که بعدها اسمش را گذاشتند استعمار کهنه و کهن - می‌رفتند بر کشورها تسلط پیدا می‌کردند؛ مثل هند، مثل الجزایر، مثل خیلی از کشورهای دیگر. با بیداری ملت‌ها این استعمار از بین رفت و دیگر نتوانستند ادامه

۱. بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور ۱۴/۱۰/۱۳۹۴.

۲. دیدار نخبگان جوان دانشگاهی با رهبر انقلاب ۵/۶/۱۳۸۷.

۳. بیانات در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی ۱۸/۹/۱۳۷۶.

دهند. البته در سال‌های دوران استعمار، ملت‌ها را فشرده و واقعاً رُمق آن‌ها را گرفتند؛ ولی به‌رحال استعمار کهن از بین رفت و جای آن، استعمار نو را آوردند.^۱

استعمار ملت‌ها - که لکه ننگ تاریخ بشر در یکی دو قرن اخیر هست - به نام پیشرفت ملت‌ها انجام گرفت. استعمار یعنی نوسازی. انگلیسی‌ها، هلندی‌ها، پرتغالی‌ها، فرانسوی‌ها در نقاط مختلف آسیا و آفریقا و امریکای لاتین رفتند بومی‌ها را قتل عام کردند، سرزمین‌ها را تصرف کردند، دزدی کردند، خیانت کردند، هزار فاجعه به‌وجود آوردند؛ زیر نام نوسازی، پیشرفت، استعمار.

در دوره بعد هم که نواستعمار پدید آمد، باز هم همین بود. این همه تجاوز، این همه جنگ‌افروزی، این همه کودتا که به وسیله سرویس‌های امنیتی کشورهای غربی - چه آمریکا، چه انگلیس و چه غیر این‌ها - انجام گرفته، همه زیر پرچم تجددخواهی و پیشرفت و تحول و توسعه انجام گرفته. همین الان شما افغانستان و عراق جلوی چشمتان است. امریکایی‌ها آمدند وارد عراق شدند برای اینکه دنیای نویی را، دنیای آزادی، دموکراسی و توسعه را برای مردم عراق به‌وجود بیاورند. شما ببینید الان در عراق چه خبر است! شاید در طول دوران حکومت‌های کودتایی عراق - که آخرینش صدام بود - محنتی را که امروز مردم عراق دارند از دست امریکایی‌ها می‌کشند تا حالا تحمل نکرده باشند. زن و مرد عراقی تحقیر می‌شوند. جوان امریکایی چکمه‌اش را می‌گذارد پشت گردن یک جوان عراقی؛ چرا؟ چون از خیابان عبور می‌کرده و به او مشکوک شده؛ او را می‌خواباند و جلوی چشم زن و بچه‌اش، صورتش را به خاک فشار می‌دهد. یا زن را

۱. بیانات در دیدار مردم استان قم به‌مناسبت سالروز قیام ۱۹ دی ۱۳۸۳/۱۰/۱۹.

جلوی چشم مرد خانه کتک می‌زنند؛ مردها زن خانه را به اسم توسعه و پیشرفت و به اسم نجات ملت عراق بازرسی بدنی می‌کنند. در افغانستان هم همین طور است^۱.

امروز همان داستان استعمار است، منتها با شیوه نو. استعمار نو این بود که در رأس کشورها بیگانگان نمی‌آمدند حکومت کنند؛ مثل دوران استعمار قدیم نبود که حاکم انگلیسی برود در هند حکومت کند؛ نه از خود کشورها کسانی را می‌گماشتند؛ مثل رژیم طاغوت، مثل رضاخان و پسرش و مثل بسیاری از دولت‌های دیگر کشورهای جهان سوم - به قول خودشان - و از جمله کشورهای اسلامی. سال‌های متمادی ملت‌ها را فشردند؛ مستبدان را آوردند؛ نظامی‌های کودتاجی را سرکار آوردند و هرطور توانستند، از حضور ملت‌ها مانع شدند.

امروز می‌بینند این هم بُردی ندارد؛ لذا راه دیگری را برای تسلط بر کشورها در پیش گرفته‌اند و آن، نفوذ در ملت‌هاست؛ که این همان چیزی است که من چندی پیش گفتم استعمار فرانو. بالاتر از استعمار نو، یک نوع استعمار دیگر است. ایادی خودشان را به کشورها بفرستند و با پول و تبلیغات و اغواگری‌های گوناگون و رنگین نشان دادن و موجه نشان دادن چهره مستکبران ظالم عالم، بخشی از ملت‌ها را اغوا و تحریک کنند. البته این هم به جایی نخواهد رسید؛ چون چهره استعمار و استکبار زشت‌تر از این حرف‌هاست؛ نمی‌تواند ظلم و ستمگری و ددمنشی خود را پنهان کند؛ نمونه‌اش عراق است. شما ببینید این‌ها در عراق چه می‌کنند. امروز پرچم حقوق بشر در دست امریکا و انگلیس و کشورهای از این قبیل، به یک چیز مسخره و خنده‌آور تبدیل شده است! امروز ماجرای زندان ابوغریب، زندان گواتاناموی امریکا، رفتار با ملت‌ها به وسیله مسلحین و چکمه‌پوشان امریکایی و انگلیسی، داستان همیشگی

۱. بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵.

ملت‌هاست. ممکن است ملت‌ها الان تظاهری نکنند، اما این وقایع در دلشان تأثیرات عمیقی دارد و یک روز خودش را نشان خواهد داد. امروز دل ملت‌های اسلامی پر از نفرت از امریکا و مستکبران است. در همین کشورهایی که ظاهراً بر حکام آن کشورها هم تسلط دارند، دل ملت‌ها از این‌ها پُر است؛ منتظر زمانی هستند که بتوانند این را نشان دهند^۱.

استعمار را برای ما تعریف کردند، استعمار نوین را هم در کتاب‌های گوناگون برای ما تعریف کرده‌اند؛ اما استعمار را وقتی تعریف کردند که سال‌های متمادی از آن گذشته بود. استعمار نو را هم جامعه‌شناس‌های دنیا زمانی برای ما تعریف کردند که سال‌های متمادی از آن گذشته بود. استعماری که امروز مطرح است، بالاتر از نو است؛ کاملاً جدید است؛ استعمار تازه‌ای که ملت‌ها را در چنبره خودش گرفتار می‌کند و مجال تکان خوردن را به آن‌ها نمی‌دهد و دقیقاً باید طبق میل همان مجموعه عمل شود. در این ذیل بشری - که میلیاردها انسان در آنجا حضور دارند - گرسنگی و فقر و بیسوادی و ناکامی و محرومیت در حد اعلی وجود خواهد داشت. در رأس، حد اعلای کامیابی و سلطه و اقتدار زر و زور وجود خواهد داشت؛ قدر متوسطی هم وجود دارند که به نحوی زندگی خود را می‌گذرانند. چشم‌انداز و چیزی که در نهایت این سیطره و سلطه پیش‌بینی می‌شود، این است. لذا مجموعه غیور با ایمان توانای آگاه از جوانب امر که مقابل این حادثه ایستاده، ایران اسلامی است^۲.

۱. بیانات در دیدار با مردم استان قم ۱۳۸۳/۱۰/۱۹.

۲. بیانات در دیدار رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما ۱۳۸۳/۹/۱۱.

کشور اسلامی

کشور اسلامی یعنی کشوری که اسلام حیات‌بخش، اسلام نشاط‌آور، اسلام تحرک‌آفرین، اسلام بدون کج‌اندیشی و تحجر و انحراف، اسلام بدون التقاط، اسلام شجاعت‌بخش به انسان‌ها و اسلام هدایت‌کننده انسان‌ها به سوی علم و دانش بر آن حاکم است؛ اسلامی که با همان شکلی که در قرن اول اسلامی به آن عمل شد، توانست یک مجموعه پراکنده را به اوج تمدن تاریخی و جهانی برساند و تمدن و دانش او بر دنیا سیطره پیدا کند. سیطره و تسلط علمی به دنبال خود عزت سیاسی هم می‌آورد؛ رفاه اقتصادی هم می‌آورد؛ فضایل اخلاقی هم می‌آورد؛ اگر کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی شود^۱.

نشانه‌های جامعه اسلامی

قرآن، جبهه‌گیری مقتدرانه در برابر دشمنان، عطف و مهربانی در میانه مؤمنان و عبودیت و خشوع در برابر خداوند را سه نشانه جامعه اسلامی دانسته است: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا»^۲ این، سه رکن اصلی برای برافراشتن پیکره عزتمند و باشکوه امت اسلامی است. این دو رکن عزت، یعنی از سویی مرزبندی و جبهه‌گیری مقتدرانه در برابر استکبار و از سویی تراحم و همگرایی و برادری میان مسلمانان، آنگاه که با رکن سوم، یعنی خشوع و تعبد در برابر پروردگار همراه شود، امت اسلامی در راهی که مسلمین صدر اسلام را به اوج عظمت و عزت رسانید، پی‌درپی به پیش خواهد رفت و ملت‌های مسلمان از عقب‌ماندگی حقارت‌باری که در قرن‌های اخیر بر آنان تحمیل شده نجات

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۴/۵/۲۸.

۲. فتح: ۲۹: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ رَسُولٌ مِمَّنْ مَلَأْنَا الْقُرْآنَ مِنْ قَبْلِهِ إِنَّكَ إِذْ تُنَادِي بِالنَّاسِ إِلَى الذَّمِّ وَالْحَمْدِ لَا تَسْمَعُ لِقَوْلِ أَهْلِ الذَّمِّ وَإِنَّمَا تَسْمَعُ لِلَّذِينَ يَدْعُونَكَ إِلَى الذَّمِّ وَالْحَمْدِ لَوْ كُنْتَ تَسْمَعُ لَلْإِنْسَانِ لَكُنَّ عَجُوزًا لَافْتًا».

خواهند یافت. طلیعه این حرکت بزرگ آغاز شده و امواج بیداری در همه جای دنیای اسلام کمابیش به حرکت درآمده است. رسانه‌ها و تبلیغات دشمن و عواملش می‌کوشند هر جنبش آزادی‌خواهانه و عدالت‌طلب را در هر نقطه جهان اسلام به ایران یا به شیعی‌گری نسبت دهند و ایران اسلامی را که نخستین پرچم‌دار پیروز بیداری اسلامی است، مسئول ضرباتی بدانند که از سوی غیرتمندان کشورهای مسلمان در عرصه سیاست یا فرهنگ بر آنان وارد می‌شود. آنان حماسه بی‌نظیر حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه، ایستادگی مدبرانه ملت عراق که به تشکیل مجلس و دولتی نابه‌دلخواه اشغالگران منتهی شد، صبر و استقامت اعجاب‌انگیز دولت قانونی فلسطین و ملت فداکار آن و بسیاری از آیات تجدید حیات اسلام در کشورهای مسلمان را، با تهمت‌هایی همچون ایرانی‌گری یا شیعی‌گری متهم می‌سازند تا حمایت یکپارچه دنیای اسلام را دچار محذور کنند. ولی این ترفند نخواهد توانست با سنت الهی که پیروزی مجاهدان فی سبیل‌الله و نصرت‌دهندگان دین خدا است، پنجه درافکند. آینده از آن امت اسلامی است و یکایک ما می‌توانیم به سهم خود و به‌قدر توان و ظرفیت و مسئولیت خود، آن آینده را نزدیک‌تر سازیم.^۱

سیاست

تلاش‌هایی که انسان‌ها می‌کنند، بعضی مربوط به مسائل شخصی آن‌هاست که بخش کوچک‌تری از فعالیت‌های انسانی را شامل می‌شود- مثل معیشت و معنویت و عواطف و ارتباطات شخصی آن‌ها با این و آن- اما بخش بزرگ‌تر فعالیت‌های انسانی، فعالیت‌هایی است که در صحنه جامعه با تلاش جمعی صورت می‌گیرد، که به آن «سیاست» می‌گویند؛ سیاست‌های اقتصادی، سیاست‌های اجتماعی، سیاست‌های

۱. پیام به مناسبت کنگره عظیم حج ۱۳۸۶/۹/۲۷.

نظامی، سیاست‌های فرهنگی، سیاست‌های مدنی، سیاست‌های بین‌المللی. این‌ها بخش عمده تلاش انسان‌ها در زندگی خود است. چرا عمده است؟ چون این سیاست‌ها در واقع افراد را در فعالیت‌های شخصی خود به سمت و سوی خاصی می‌کشاند. عمده تلاش انسان، تلاش کلانی است که جهت‌گیری‌های کلی فعالیت‌های شخصی و ریز و کوچک را هم جهت می‌دهد. دین، به هر دو صحنه مربوط می‌شود؛ هم صحنه تلاش‌های فردی انسان، هم صحنه سیاست که صحنه بسیار گسترده و وسیعی برای زندگی انسان است.^۱

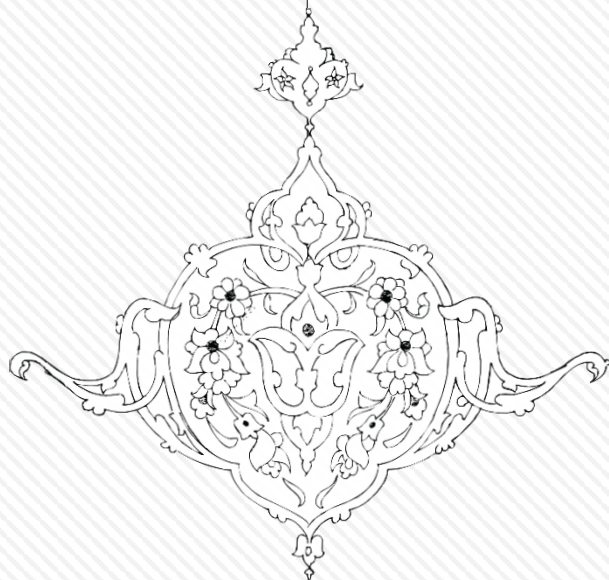
سیاست به معنای پشت هم‌اندازی و فریب و دروغ گفتن به افکار عمومی مردم، مطلوب اسلام نیست. سیاست یعنی اداره درست جامعه؛ این جزو دین است.^۲ معنای سیاست فقط این نیست که انسان طرف‌دار زید و مخالف عمرو باشد یا به‌عکس؛ سیاست یعنی نگاه به حرکت عمومی جامعه که کدام طرف داریم می‌رویم؛ آیا به سمت هدف‌ها داریم حرکت می‌کنیم یا زاویه گرفته‌ایم و داریم از هدف‌ها دور می‌شویم؟ معنای واقعی سیاست این است. آن وقت در خلال این نگاه، تکلیف آدم‌ها و اشخاص و گروه‌ها و احزاب و جریان‌ها روشن می‌شود که آیا داریم به سمت عدالت اجتماعی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت استقلال واقعی دینی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت ایجاد تمدن اسلامی می‌رویم، یا داریم به سمت وابستگی به غرب و وابستگی به آمریکا و تحت تأثیر قرار گرفتن نسبت به بافته‌ها و یافته‌های بی‌مغز غربی‌ها حرکت می‌کنیم؟ این خیلی مسئله مهمی است که سبک زندگی ما، ما را به کدام طرف دارد می‌کشاند؛ این نگاه، نگاه سیاسی است که می‌بینید از فرهنگ سرچشمه می‌گیرد؛

۱. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در روز عید سعید غدیر خم ۱۳۸۰/۱۲/۱۲.

۲. بیانات در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه سراسر کشور ۱۳۸۱/۵/۵.

بنابراین در دل فرهنگ، سیاست هم هست. با این نگاه به حوادث جامعه باید نگاه کرد. بعضی کوتاه‌نظری می‌کنند، کوتاه‌بینی می‌کنند و همه چیزها را منحصر می‌کنند در دوستی یا دشمنی با یک شخص. یک شخص یا یک جریان چه اهمیتی دارد؟ باید نگاه کرد، جریان‌شناسی کرد؛ در اغلب کسانی که پای‌شان می‌لغزد این [چور] است!

فصل دوم:
ضرورت مقاومت اسلامی



راه عزت، راه کرامت، راه سربلندی در دنیا و کسب رضای الهی در آخرت، راه انقلاب و راه ایستادگی در مقابل دشمنان خداست.^۱ امروز کشور ما، ملت ما و دنیای اسلام محتاج درست فهمیدن، درست عمل کردن و ایستادگی کردن است.^۲ ما تجربه کردیم؛ ما ملت ایران تجربه کردیم. در مقابل دشمنان اسلام و دشمنان قرآن تسلیم نشدیم، مقاومت کردیم؛ خدا به ما نیرو داد. هرچه بیشتر مقاومت کردیم، نیروی ما بیشتر شد؛ توانایی‌های ما بیشتر شد؛ امید ما به آینده بیشتر شد. این همان نسخه علاج دنیای اسلام است.^۳ این ملت (ایران)، برای اینکه حیثیتش و کیان حقیقی و انسانی و اسلامی و انقلابی و فرهنگ ملی‌اش حفظ شود، احتیاج به مجاهدت و مقاومت و ایستادگی در مقابل تهاجم دشمن و تهاجم کردن به نقاط ضعف دشمن دارد. این را خودی‌ها می‌توانند بکنند.^۴

معادلات بین‌المللی قدرت محور

امروز مناسبات بین‌المللی روی قدرت می‌چرخد. می‌بینید دیگر، قدرت‌ها به اتکاء و استناد قدرتمندی خودشان، زور می‌گویند و بی‌منطق و بی‌استدلال حرف می‌زنند. جرم خیلی از دولت‌های متوسط و دست پایین هم این است که زورگویی آن‌ها را به راحتی قبول می‌کنند؛ لذا زورگویی بر اساس قدرت، امر رایجی شده است. در همین قضیه هسته‌ای، در مسئله خاورمیانه، در قضایای گوناگون سیاسی و در مسائل گوناگونی که داریم، وقتی با دولت‌ها صحبت می‌شود، می‌گویند: چه کار کنیم، امریکا

۱. بیانات در جمع گروهی از خانواده‌های شهدا، مفقودان، آزادگان و جانبازان استان بوشهر ۱۳۷۰/۱۰/۱۱.

۲. بیانات در دیدار مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام) ۱۳۹۴/۱/۲۰.

۳. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در سی‌ودومین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم ۱۳۹۴/۳/۲.

۴. بیانات در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور ۱۳۷۱/۵/۲۱.

می‌گوید! یعنی این یک حجت قاطع است که چون امریکا دارای قدرت و زور است، دیگر چاره‌ای نیست!.

ازدوگاه نظام سلطه و استکبار

دنیای سیاست - بعد از چالش‌ها و زیر و رو شدن‌های فراوان - تبدیل شد به دنیای سلطه؛ یعنی تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. چند کشور سلطه‌گر و بقیه کشورها سلطه‌پذیرند؛ در کشورهای سلطه‌گر هم آحاد مردم سلطه‌پذیر و فقط یک عده معدودی سلطه‌گرند. یعنی هرم دنیا ناگهان از سطح وسیع قاعده، با یک حرکت تند و تیز به رأس کوچکی می‌رسد که دارد بر همه دنیا حکومت می‌کند؛ این دنیای سلطه است. بعد از فروریختن شوروی، دنیای سلطه باز هم دامنه‌اش تنگ‌تر شده؛ یعنی این رأس، به شکلی در انحصار یک دولت و یک قدرت درآمده و او امریکاست. امریکا هم قانع نیست؛ روسیه هم که در مقابل امریکا کوتاه آمد، باز امریکا قانع نیست و دارد همین‌طور پیشروی می‌کند؛ الان استقرار سامانه‌های موشکی در قلمرو ناتو - در اروپا - را ببینید، این یکی از آن کارهاست؛ یا حضور امریکا در قفقاز را ببینید؛ قفقاز یک روزی حیات خلوت روس‌ها بوده! امریکا همین‌طور دارد روسیه را هم محاصره می‌کند.

حالا در این دنیای سلطه - که حتی دولت‌های اروپایی هم که خودشان جزو خانواده قدرتند، جرأت نمی‌کنند در مقابل قدرت امریکا حرف زیاد بزنند و فقط گاهی نق می‌زنند؛ چه برسد به دولت‌های متوسط و پایین - ملتی به وجود آمده که تمام مسلمات آن رأس قدرت را زیر سؤال برده؛ همه مسلمات سیاسی رأس قدرت، رفته زیر سؤال. زیر سؤال رفتن، فی‌نفسه چیزی نیست؛ اما اشکالش برای امریکا این

است که این مجادله سیاسی، یک مجموعه عظیمی تماشاگر دارد. تماشاگرها کیستند؟ ملت‌ها؛ که دارند نگاه می‌کنند و می‌بینند. تأثیری که این در روحیه ملت‌ها می‌گذارد، برای قدرت استکباری امریکا از هر زهری تلخ‌تر است. امروز در همان کشورهایی که امریکا بر دولت‌های آن‌ها مسلط است - در آسیا و آفریقا و خاورمیانه و امریکای لاتین - در بین ملت‌های آن‌ها، امریکا منفورترین دولت‌های دنیاست. این به خودی خود پیش نیامده؛ این تصادفی پیش نیامده^۱.

نظام دنیا به خصوص بعد از پیدا شدن پدیده استعمار و به خصوص در این دو قرن اخیر و باز به خصوص در آن دوره سلطه استعمار که منتهی شد به جنگ‌های بزرگ این قرن، بر اساس سلطه‌پذیری و سلطه‌گری بود. چند کشور، چند تا دولت، به دلیل خاصی، سلطه‌گری می‌کنند و به نظر خودشان باید هم بکنند! بقیه دولت‌ها و بقیه ملت‌ها هم باید سلطه‌پذیری داشته باشند؛ باید زیر سلطه باشند و باید این سلطه را بپذیرند. به قول این نویسنده جامعه‌شناس معروف غربی که منتقد سیاست‌های غرب و امریکاست، در حقیقت ثروتمندان کشورهای سلطه‌گر، اغنیای کشورهای [سلطه‌گر]، سلطه‌گرند. سلطه مال آن‌هاست، مال همه آن کشورها هم نیست؛ و ثروتمندان کشورهای سلطه‌پذیر هم باید در خدمت آن‌ها قرار بگیرند؛ و قرار می‌گیرند. درست هم هست؛ تحلیل درستی است^۲.

آنچه نقطه مقابل نظام اسلامی است، استکبار است. جهت‌گیری خصومت‌های نظام اسلامی، با نظام استکبار است؛ ما با استکبار مخالفیم، ما با استکبار مبارزه می‌کنیم. استکبار یک واژه قرآنی است که در قرآن درباره امثال فرعون و گروه‌های بدخواه و معارض حق و حقیقت به کار رفته است. استکبار در گذشته هم بوده است تا امروز

۱. بیانات در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۸۶/۲/۳۱.

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۸۶/۶/۳۱.

هم وجود دارد. استخوان‌بندی استکبار در همه دوره‌ها یکی است؛ البته شیوه‌ها و خصوصیات و روش‌ها در هر زمانی تفاوت می‌کند. امروز هم نظام استکباری وجود دارد؛ رأس استکبار هم در دنیا، دولت ایالات متحده آمریکا است.^۱

مسئله‌ای که امروز جزو مسائل همه ملت‌های مسلمان است، حضور تجاوزکارانه قدرت‌های فراملیتی و متجاوزان بین‌المللی در منطقه است. این یک ابتلای بزرگ برای ملت‌های این منطقه است. دیروز به بهانه‌ای ملت افغانستان را زیر فشار قرار دادند و امروز به بهانه‌ای دیگر ملت عراق را به همان فشارها تهدید می‌کنند. پس این شعار ضد جنگ، شعار صلح دوستی، حقوق بشر و طرفداری از دموکراسی چه شد؟! آیا امروز دیگر مردم دنیا حق دارند قدرت مستکبر آمریکا را یک قدرت دروغگو و مسئولان آمریکا را فاشیست و هیتلرهای این زمان بدانند؟! صریحاً می‌گویند منافع ما اقتضا می‌کند که به عراق حمله کنیم و به خاطر حفظ منافع خود حمله می‌کنیم. «هیتلر» هم همین حرف را می‌زد و می‌گفت که آلمان به فضای حیاتی احتیاج دارد، لذا به کشورهای پیرامون خود حمله می‌کند و حمله کرد. امروز همه مردم دنیا هیتلر را یک فاشیست، یک متجاوز و یک قلدر زورگو و بی‌منطق می‌دانند.^۲

اساس مشکل در دنیای اسلام، آمریکاست. حضور مستکبرین و مستعمرین در دنیای اسلام، همیشه بیشترین و بزرگترین ضربه را به هویت اسلامی و مردمی ملت‌ها زده. از شرق دنیای اسلام بگیرید، از اندونزی و مالزی و هند تا برسید به آفریقا؛ همه جا حضور مستعمران بوده است که ملت‌ها را ضعیف کرده، خون آن‌ها را گرفته، اراده‌هایشان را تضعیف کرده. امروز آن مستکبر و مستعمر، آمریکاست؛ بقیه در

۱. بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور در مصلا‌ی امام خمینی علیه‌السلام ۱۳۹۲/۸/۲۹.

۲. بیانات در جمع مردم زاهدان در استادیوم آزادی ۱۳۸۱/۱۲/۴.

حاشیه‌اند. حضور آمریکا بزرگترین مشکل است. گفت: «وَجُودُكَ ذَنْبٌ لَا يُقَاسُ بِهِ ذَنْبٌ»^۱. از همه بدبختی‌های دنیای اسلام بزرگتر، امروز حضور آمریکاست؛ این را باید علاج کرد. باید آمریکا را از عرصه دور کرد، او را تضعیف کرد. خوشبختانه ضعیف هم شده‌اند. آمریکای امروز، آمریکای بیست سال قبل و سی سال قبل نیست. آمریکا امروز به شدت ضعیف شده است. این را باید نگه داشت. نباید ناامید بود^۲.

امروز گرفتاری‌های ملت‌های مسلمان در دنیا چیست؟ وجود قدرت‌های مسیطر و مستکبری است که از آن سوی دنیا بر ملت‌های مسلمان حکم می‌رانند؛ در زندگی آن‌ها دخالت می‌کنند؛ آن‌ها را در فقر و ضعف و اختلاف نگه می‌دارند؛ از ثروت‌های آن‌ها به شکل نامشروعی استفاده می‌کنند. نداشتن استقلال، نداشتن آزادی، نداشتن حیثیت انسانی، عقب ماندگی علمی و عقب ماندگی در شئون زندگی، از دیگر گرفتاری‌های ملت‌های مسلمان است. همه این گرفتاری‌ها به برکت بازگشت به اسلام، به برکت عمل به اسلام، به برکت حاکمیت اسلام برطرف می‌شود^۳.

امروز ملت‌های مسلمان درگیر مشکلات فراوانی هستند از ناحیه تسلط کسانی که نگاهشان به آفرینش، نگاه مادی است؛ نگاه سودجویانه است؛ نگاه پست یک انسانی است که از معنویت بویی نبرده. امروز تمدنی که امکانات نظامی را در اختیار مستکبران قرار داده، مبتنی بر نگاه مادی به عالم آفرینش است. همین نگاه مادی است که دنیا را بدبخت کرده؛ خود آن‌ها را هم بدبخت کرده. وقتی نگاه، نگاه مادی بود، سودپرستانه بود، دور از معنویت بود، دور از اخلاق انسانی بود، نتیجه این می‌شود که قدرت نظامی و قدرت سیاسی و قدرت اطلاعاتی در راه به زنجیر کشیدن ملت‌ها

۱. الوافی، ج ۱، ص ۱۰۳.

۲. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۸۹/۱۲/۱.

۳. بیانات در دیدار با میهمانان داخلی و خارجی دهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام ۱۳۷۸/۳/۱۲.

به کار می‌رود. تمدن غرب در این چند قرن اخیر که به اوج رسیده، هیچ هنری غیر از این نداشته است؛ بشریت را استثمار کردند، ملت‌ها را به زنجیر کشیدند، از علمشان استفاده کردند برای نابودی تمدن‌های ملت‌های دیگر و غلبه بر آن‌ها، بر فرهنگ آن‌ها، بر اقتصاد آن‌ها^۱.

دشمن، سرمایه‌داری آمریکا و استکبار جهانی است که امروز در رأس آن، آمریکا و صهیونیست‌ها - عناصر صهیونیست - که دولت صهیونیست در فلسطین اشغالی هم یک بخشی از آن مجموعه خطرناک و آن سرطان مهلکی است که صهیونیست‌ها در دنیا به وجود آوردند. در مقابل این‌ها بایستی ایستاد، در مقابل این‌ها بایستی به اسلام مراجعه کرد، به متون قرآن مراجعه کرد^۲.

این یک حقیقتی است که امروز در مقابل اسلام و مسلمین، جبهه‌ای وجود دارد. از زبان‌شان خارج شد - در واقع از دست‌شان در رفت - و اسم جنگ صلیبی را چند سال قبل آوردند. این معنایش این است که امت اسلامی به صورت واحدی مواجهه است با تهدید دشمنان. خطاست اگر خیال کنیم که دشمنان اسلام و مسلمین، این بخش از دنیای اسلام را دشمن می‌دارند، آن بخش از دنیای اسلام را دوست می‌دارند؛ این‌چنین نیست. آن‌ها با امت اسلام مخالفند؛ چون در ذات اسلام، در جوهر اسلام، ایستادگی در مقابل زورگویان و سلطه‌طلبان وجود دارد. با اسلام مواجه‌اند، با اسلام مقابله‌اند. این وظیفه ماست؛ وظیفه همه دنیای اسلام است^۳.

۱. بیانات در محفل انس با قرآن ۱۳۹۱/۴/۳۱.

۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی ۱۳۹۳/۱۰/۱۹.

۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۸۹/۶/۱۹.

در هر نقطه‌ای از نقاط دنیا که حرکت بیداری اسلام تقویت شود و پا بگیرد و مردم و جوانان آن کشور احساس کنند که به سمت اسلام نزدیک می‌شوند، همین تجدید هویت و عزت به‌وجود خواهد آمد. البته دشمنان اسلام این را نمی‌خواهند. فرمود: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا»^۱. امروز در رأس دشمنان اسلام، امریکا است که شرّ و شیطان مجسم است. امروز دشمن اساسی دنیای اسلام، استکبار جهانی است که در رأسش هم امریکا است. این جزو معارف رایج انقلاب و نظام ماست. انقلاب اسلامی بیست و چهار سال است که این را فریاد می‌زند؛ لیکن امروز مردم دنیا و جوامع مسلمین این را حس کرده و خودشان لمس می‌کنند. قضایای فلسطین و فجایی که به پشتیبانی امریکا، هر شب و روز در فلسطین اتفاق می‌افتد، جلو چشم مردم است. امت اسلام چگونه می‌تواند چشمش را ببندد و این فجایع را نبیند؟ آنچه در عراق در جریان است، جلو چشم مردم دنیاست؛ این آزمایشگاه تاریخی و سیاسی در مقابل چشم مردم دنیا و به‌خصوص امت اسلامی است. امریکایی‌ها با نام دمکراسی و آزادی به رژیم صدام حمله کردند؛ اما امروز به مردم عراق اجازه نمی‌دهند سرنوشت خود را در دست بگیرند؛ می‌گویند ما باید باشیم!^۲

امروز هرکس به جغرافیای سیاسی و فرهنگی عالم نگاهی بیندازد، حقیقتی را مشاهده می‌کند. آن حقیقت این است که امروز جهان از قطب‌های سلطه تشکیل شده است؛ مجموعه‌هایی که بر روی هم متأسفانه یک نظام سلطه جهانی را در این دوران به‌وجود آورده‌اند. نظام سلطه چیست؟ نظام سلطه این است که بعضی از کشورهای دنیا سلطه‌گر و بعضی از کشورهای دنیا سلطه‌پذیرند. رسم بر این است که امروز کشورهای جهان را به شمال و جنوب تقسیم می‌کنند. کشورهای شمال یعنی

۱. فاطر: ۶: «الْبَيْتَةُ الشَّيْطَانِ دُشْمَانِ شِمَاسْتِ، پَسْ اُو رَا دُشْمَانِ بَدَانِيْدِ».

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت سالروز هفدهم ربیع‌الاول ۱۳۸۲/۲/۲۹.

کشورهای ثروتمند و کشورهای جنوب یعنی کشورهای مثلاً فقیر یا کشورهای توسعه یافته و کشورهای رو به توسعه.

در دوره‌های قبل هم تقسیمات دیگری می‌کردند. من در آن زمان که شوروی سابق هنوز بود و دنیا را به بخش‌های سه‌گانه تقسیم می‌کردند، در یک مجمع جهانی این حرف را زدم؛ امروز هم که شوروی‌ای وجود ندارد و قطب‌های دوگانه متضاد قدرت در دنیا به آن صورت نیست، همان عقیده را دارم. هر چه زمان می‌گذرد، این حرف بیشتر تأیید می‌شود؛ و آن حرف این است که جهان دو بخش دارد: یک بخش سلطه‌گر، یک بخش سلطه‌پذیر. بخش سلطه‌گر لزوماً کشورهای نیستند که از ثروت‌های طبیعی برخوردار باشند؛ بخش سلطه‌پذیر هم لزوماً کشورهای نیستند که همه فقیر باشند. کشورهای آفریقایی بر روی دریا‌هایی از منابع طبیعی بسیار لازم برای مردمان‌شان زندگی می‌کنند. در آنجا الماس هست، مواد معدنی بسیاری هست که بشر به آن احتیاج یا اشتیاق دارد. این ثروت طبیعی مال آن‌هاست؛ بنابراین فقیر نیستند؛ اما ابزار سلطه از این جادوگری‌ها بسیار می‌کند؛ یک ملت فقیر را به صاحب ثروت کلان تبدیل می‌کند؛ اما ملت‌هایی را که از ثروت‌های بزرگ طبیعی برخوردارند، به کشورهای بی‌کسب و شب‌شان محتاج‌اند، تبدیل می‌نماید! امروز در آفریقا، در بسیاری از مناطق آسیا، در بسیاری از مناطق امریکای لاتین، در خود اروپا، از این‌گونه ملت‌ها هستند. این تقسیم دوگانه است؛ یک بخش، قدرت‌های سلطه‌گرند که در کشورهای حکومت می‌کنند؛ یک بخش، سلطه‌پذیرند. من نمی‌خواهم بگویم همه کسانی که سلطه‌گر نیستند، سلطه‌پذیرند؛ نه کشورهای هستند که سعی‌شان بر این است که سلطه‌پذیری نکنند و سلطه سلطه‌گران را نپذیرند؛ اما اگر بتوانند، بیشتر در جنبه اقتصادی از تسلط بیگانه فرار می‌کنند؛ یا اگر بتوانند، در جنبه سیاسی از تسلط بیگانگان می‌گریزند؛ اما در جنبه

فرهنگی، سلطه سلطه‌گران را پذیرفته‌اند. این واقعیتی است که باید انسان آن را درست درک کند. با انکار واقعیت‌ها هیچ‌کس نمی‌تواند به نتیجه برسد^۱.

امروز نظام سلطه در دنیا بنایش بر گرفتن و دادن نیست؛ بنایش بر گرفتنِ حداکثری و دادنِ حداقلی است؛ ثروت را می‌مکند، امکانات را می‌مکند، اختیارات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را در کشورها می‌مکند و در اختیار می‌گیرند و در مقابل، گاهی هیچ چیز نمی‌دهند، گاهی چیز مضر می‌دهند، گاهی هم یک چیزی به آن کشور نقطه مقابل می‌دهند. الان بافت سیاسی دنیا این است: سلطه‌گر و سلطه‌پذیر^۲.

جنگ استکبار و اسلام

این‌ها [نظام سلطه] با اصل اسلام مخالفند؛ آنچه واقعیت قضیه است [همان است که] در ماجرای یازدهم سپتامبر آمریکا در نیویورک و آن قضیه انفجار برج‌ها، رییس‌جمهور وقت آمریکا گفت که جنگ صلیبی است؛ او راست گفت؛ او آدم بدی بود اما این حرفش حرف راستی بود: دعوی بین اسلام و استکبار. البته او گفت مسیحیت و [جنگ] صلیبی، اما دروغ می‌گفت؛ مسیحی‌ها در درون دنیای اسلام با امنیت کامل زندگی می‌کردند و امروز هم در کشور ما این جور است، در بعضی کشورهای دیگر هم این جور است؛ مقصودش دعوی بین قدرت استکباری و قدرت‌های مسلط عالم با اسلام بود؛ این درست بود؛ آن حرف حرف صادقانه‌ای بود. این آقایان فعلی حاکم بر آمریکا که می‌گویند ما با اسلام موافقیم، با فلان فرقه اسلامی مخالفیم، با فلان فرقه مخالفیم، دروغ می‌گویند؛ این‌ها نفاق می‌ورزند و ریاکاری

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک ۱۳۷۹/۸/۲۴.

۲. بیانات در بازدید از پژوهشکده رویان ۱۳۸۶/۴/۲۵.

می‌کنند؛ این‌ها هم با اصل اسلام مخالفند؛ و راه را در ایجاد دعوا و جنگ بین مسلمان‌ها پیدا کردند^۱.

ملت‌های مسلمان در طول ده‌ها سال تحت سلطه و ستم مستکبران عالم قرار داشتند. جنگ‌های بین‌المللی که بین قدرت‌های مستکبر عالم واقع شد، از اروپا شروع شد؛ استعمارگران عالم به جان هم افتادند، اما ملت‌های مسلمان را، ملت‌های این منطقه را درگیر تبعات و مشکلات این جنگ‌ها قرار دادند. دنباله همین جنگ‌ها بود که زائده خطرناک مهلک صهیونیستی در منطقه حساس ما، میان کشورهای اسلامی و در قلب دنیای اسلام به وجود آمد. به دنبال همین جنگ‌ها بود که بنای غلط و هندسه معیوب سازمان ملل و شورای امنیت و دولت‌های دارای حق و توشکل گرفت؛ یعنی همان دست‌ها و سرپنجه‌های خونینی که آن جنگ‌های مهلک را به راه انداختند، به دنبال آن خواستند اختیار دنیا را به دست بگیرند و این منطقه حساس و مهم و سرشار از نعمت و مرکز اتحاد بالقوه دنیای اسلام را تحت سیطره خود درآورند؛ و همین کار را کردند. ما غافل بودیم؛ ملت‌های مسلمان در خواب بودند؛ به آن‌ها هجوم آورده شد؛ سرنوشت آن‌ها با مشکلات پیچیده و عظیمی که هنوز درگیر آن مشکلاتند، در آمیخته شد. ما غفلت کردیم. سران کشورهای اسلامی در یک روزگاری غفلت کردند و فریب بازی قدرت‌ها را خوردند^۲.

وجود جریان مخالفت با نظام سلطه

امروز یک جریانی در دنیا به وجود آمده است که همه دانسته‌اند و شناخته‌اند که این جریان با نظام سلطه مخالف است. ما با اشخاص مسأله‌ای نداریم - اشخاص مال

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۴/۱۰/۸.

۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۱/۵/۲۹.

این طرف دنیا، مال آن طرف دنیا؛ بالا، پایین - مسأله، مسئله نظام سلطه است. نظام سلطه یعنی چه؟ یعنی آن سازوکاری در دنیا که کشورها و ملت‌های دنیا تقسیم می‌شوند به دو قسم: سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. حالا بعضی‌ها از همین سلطه‌گران خبیث، این معنا و این مضمون را کتمان و انکار می‌کنند، به زبان نمی‌آورند؛ اما بعضی هم روی بلاهت ذاتی‌ای که دارند، این را به زبان می‌آورند؛ مثل آن رییس جمهور قبلی آمریکا که صریح گفت: در قضیه افغانستان و قضیه برج‌های دوقلو و این چیزها، هر کس با آمریکا نیست، علیه ماست! خب، این حماقت است. سلطه‌گران دنیا رابطه‌شان را با جهان اینجوری تنظیم می‌کنند؛ سلطه‌پذیر باید بود^۱.

نظم ظالمانه جهان

[نظام سلطه] نظم ظالمانه کنونی جهان و فرهنگی که آن را پدید آورده و در عین حال از آن به شدت تأثیر پذیرفته است، بر آنند که خود را بر همه ملت‌ها و همه فرهنگ‌ها تحمیل کنند و با هر کانون مقاومتی بی‌رحمانه و کینه‌جویانه به ستیزه‌گری برخیزند^۲. قدرتمندان، نه به قوانین بین‌المللی اعتنا می‌کنند، نه به قوانین انسانی اعتنا می‌کنند؛ سلاح‌های ممنوعه را به کار می‌برند و غیر نظامیان را هدف قرار می‌دهند که در جنگ‌هایی که آمریکا مستقیم یا غیر مستقیم در آن‌ها وارد بود، از این جنایت‌ها به وفور اتّفاق افتاد. این وضع ارتش‌های دنیا است^۳.

آخرین محصول لیبرال دمکراسی غرب، جهان‌گشایی و سلطه‌گری است که در مقابل چشم مردم دنیا است. می‌بینید؛ زورگویی و قانون جنگل. در ظرف یک‌سال و نیم

۱. بیانات در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش ۱۳۹۱/۲/۳.

۲. پیام به سی و پنجمین نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا ۱۳۷۹/۶/۱۹.

۳. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۴/۱/۳۰.

دو ملت مسلمان افغانستان و عراق را تارومار کردند؛ به خاک و خون غلتاندند. قلّه لیبرال دموکراسی با همه آن ادّعاها و علی‌رغم همه آن دعوی‌های باطل، این شد. به هیچ یک از مخالفت‌های جهانی هم کمترین اعتنایی نکردند؛ یعنی مردم و انسانیت و خواست انسان‌ها از نظر آن‌ها هیچ ارزشی ندارد. هیچ مرجع جهانی هم وجود ندارد و آن‌هایی که دلشان را به مجامع جهانی خوش می‌کنند، خودشان را فریب می‌دهند. می‌بینید سازمان ملل و مراجع جهانی در مقابل این فجایع چگونه برخورد می‌کنند!^۱

میدان جنگ نظام بین الملل

میدان جنگ است. [در] میدان جنگ، آدم می‌زند؛ انتظار خوردن هم باید داشته باشد. دشمن بیکار نیست، او هم ضربه می‌زند. انسان باید در این عرصه وسیع بین‌المللی، خود را در میدان جنگ مشاهده کند. بحث صلح و نوازش و این‌ها نیست. حتّی آنجایی هم که حرف نرم می‌زنند، پشت حرف نرم، یک خنجر آخته‌ای وجود دارد که منتظر غفلتی هستند [که آن را] تا دسته در جگر طرف مقابل خودشان فرو کنند. لذا باید بیدار بود، باید هشیار بود. این هشیاری هست، این بیداری هست. من توصیه و تأکیدم این است که این را حفظ کنیم، نگه داریم.^۲

در عرصه‌های گوناگون جهانی، درگیری‌ها غالباً جنگ اراده‌ها است؛ هر طرفی که اراده‌اش زودتر ضعیف شود، شکست خواهد خورد.^۳

غارت، قتل و نیرنگ بین المللی

امروز در دنیای لبریز از انگیزه‌های مادی، در دنیایی که خودکامگان عالم برای اهداف پلیدی شیطانی خود، جان انسان‌ها را قربانی می‌کنند و حریم امن زندگی انسان‌ها را

۱. بیانات در مراسم مشترک تحلیف دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ۱۳۸۲/۱۰/۴.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۰/۳/۸.

۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۲/۴/۳۰.

ناامن می‌کنند، نیروهای مسلح به جان و مال ملت‌ها تعرض می‌کنند؛ انسان‌ها نمونه‌های تلخ وحشی‌گری را دارند در فلسطین و عراق و افغانستان و لبنان و در بسیاری از مناطق دیگر دنیا می‌بینند. در یک چنین دورانی، ملتی که می‌خواهد عزت و سرافرازی خود را حفظ کند، باید متکی به اراده جوانان و مردان خود و متکی به ایمانی که از اعماق دل‌ها برخاسته است، باشد. اگر نیروهای مسلح از فرمانی هم اطاعت می‌کنند، با الهام از دستور دین و ایمان قلبی آن‌هاست؛ این، برای یک ملت افتخار است؛ این، یک ملت را پولادین می‌کند؛ این، یک کشور را از یک امنیت مستقر واقعی برخوردار می‌کند.^۱

دنیا هم دنیای زورگویی است؛ دنیای ظلم است؛ دنیای خوبی نیست؛ دنیای بدی است؛ دنیای جاهلیت است؛ دنیای غلبه شهوتران‌ها و زورگوها بر اکثر مردم جهان است. در یک چنین دنیایی خیلی باید مراقب بود، خیلی باید هوشیارانه عمل کرد، مدبرانه عمل کرد، شجاعانه عمل کرد. می‌بینید رفتار این سران دنیا را؛ برای اطماع خودشان، برای حرص خودشان، برای پشتیبانی و حمایت از کمپانی‌های مورد تأیید خودشان، برای پر کردن جیب‌های کمپانی‌داران و سرمایه‌داران بزرگ، می‌بینید چه فجایعی در دنیا دارد اتفاق می‌افتد؛ البته زیر نام نیک شعارهای توخالی و دروغین. جنگ‌طلبند، اسم صلح را می‌آورند و زیر تابلوی صلح می‌ایستند؛ برای انسان‌ها و بشر هیچ حق و اعتباری قائل نیستند، زیر تابلوی حقوق بشر قرار می‌گیرند؛ اهل تجاوزند، تجاوز جزو سیاست‌های اصلی کارهای‌شان است، ادعای مقابله با تجاوز می‌کنند؛ در سیاست‌های خودشان، در رفتارهای خودشان، از همه شیوه‌های کثیف استفاده می‌کنند و بهره می‌گیرند؛ از ترور استفاده می‌کنند، سازمان‌های تروریست به وجود می‌آورند، شرکت‌های تروریست استخدام می‌کنند - که این‌ها چیزهای واضح امروز دنیاست -

۱. بیانات در دیدار مشترک نظامی استان سمنان ۱۳۸۵/۸/۲۰.

در عراق شما نمونه‌اش را ملاحظه می‌کنید، در افغانستان نمونه‌اش را ملاحظه می‌کنید؛ در آنجاهایی که کودتا راه انداخته‌اند، می‌بینید؛ تجاوزی که به کشورها شده، این‌ها را می‌بینید؛ در عین حال یک ظاهر آرام، اتو کشیده، ادکلن زده، با الفاظ مناسب، می‌آید در مقابل چشم مردم ظاهر می‌شود، به عنوان رییس جمهور فلان کشور یا فلان کشور؛ با افکار عمومی مردم بازی می‌کنند، فریب می‌دهند؛ اصلاً مبنای کار بر فریب‌کاری است. دنیا یک چنین دنیایی است؛ دنیای مبتنی بر دروغ، بر فریب، بر ظلم و زور نقابدار؛ اگرچه حالا گاهی هم نقاب‌ها برطرف می‌شود. گاهی اوقات غرور و اعتماد به پایه‌های پوشالی قدرتی که در اختیارشان هست، اختیار را از دستشان خارج می‌کند^۱.

دنیا جای تعارض، جای کارشکنی و جای تعرض زورمندهاست به کسانی که زور ندارند یا کم زور دارند؛ به معنای واقعی، یک قانون جنگل در فضای سیاسی دنیا حاکم است. این کارهایی که الان دولت‌های مستکبر و در رأسشان امریکا انجام می‌دهند، منطق عقلایی و عقلانی و سیاسی و بین‌المللی پسند دنبالش نیست؛ منطق زور دنبالش است. می‌گوید: چون می‌توانیم، پس می‌کنیم! منطق، منطق زور است.

هیچ کشوری - از جمله کشور ما نخواهد توانست به آرزوهای ملی و بزرگ خود دست پیدا کند، مگر آن وقتی که در مسابقه علمی بتواند یک جایگاه و رتبه‌ای پیدا کند. عقب‌ماندگی علمی، حتماً عقب‌ماندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را به دنبال خود دارد. این وحشی‌هایی که امروز دنیا را در قبضه خودشان گرفته‌اند و حقیقتاً بویی از انسانیت و معنویت نبرده‌اند، به برکت علم است که توانسته‌اند این تسلط را پیدا کنند؛ علم را یاد گرفتند. من مکرر گفته‌ام: مثل یک آدم چاقوکشی که عاقل است؛ قداره‌بند و چاقوکش است؛ می‌رود یک علمی را یاد می‌گیرد و به برکت این علم،

۱. بیانات در دیدار فرماندهان ارشد نظامی و انتظامی ۱۳۸۹/۱/۲۲.

همان چاقوکشی را هم از دست نمی‌دهد! این‌ها همین‌طورند. آدم می‌بیند، این‌ها حقیقتاً چاقوکش‌های دنیایند؛ این مستکبرین، قداره‌بندها و عربده‌کش‌های دنیایند؛ منتها به علم مجهزند. حالا شما خیلی نجیب، خیلی متدین، خیلی شریف، خیلی اصیل، خیلی خانواده‌دار؛ او بی‌اصل و نسب، بی‌ریشه، بی‌خانواده؛ اما او مجهز است، شما مجهز نیستید؛ شما بی‌سوادید، او باسواد است؛ می‌آید بر شما تسلط پیدا می‌کند؛ بروبرگرد ندارد^۱.

تهدیدات و توطئه‌های بین‌المللی

نفسِ آمادگی و هوشیاری و حسّاس بودن یک ملت در قبال شرایط، می‌تواند او را از بسیاری از آسیب‌ها محفوظ نگه‌دارد. ملت‌ها چوب‌غفلت‌های خود را می‌خورند؛ همچنان که چوب‌اختلاف‌های خود را می‌خورند. امروز امت اسلامی اگر در مقابل تهدید قرار می‌گیرد و اگر به جنگ صلیبی تهدید می‌شود، این ناشی از غفلتی است که متأسفانه در بسیاری از بخش‌های این امت بزرگ به چشم می‌خورد؛ همچنین ناشی از یکپارچه نبودن این حجم عظیم و این پیکره بزرگ است. ما به سهم خود به عنوان ملت ایران، به عنوان پرچمداران اسلام، به عنوان منادیان استقلال و عزّت و شرف یک ملت، باید این آسیب‌ها را به درون خود راه ندهیم^۲.

کشورهای اسلامی، امروز با توطئه مواجه‌اند؛ این را می‌فهمیم یا نه؟ امروز نه علیه شیعه، نه علیه ایران، نه علیه فلان مذهب خاص، [بلکه] علیه اسلام توطئه است. چون قرآن مال اسلام است؛ آن مرکزی و کانونی که فریاد می‌زند «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ

۱. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۶/۶/۴.

۲. بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی ۱۳۸۰/۱۱/۱۸.

عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَيِّئًا^۱ که تشییع نیست؛ آن قرآن است، آن اسلام است؛ لذا با آن مخالفند. با هر مرکزی، با هر حنجره‌ای که مردم را و ملت‌ها را بیدار کند مخالفند؛ با هر دستی که با استکبار دریافتد مخالفند و آن دست دست اسلام است، آن حنجره حنجره اسلام است؛ [لذا] با اسلام مخالفند^۲.

نوع شیوه‌های دشمنی با اسلام

شیوه‌های برخورد با اسلام و دشمنی با اسلام هم متنوع [است]؛ انواع و اقسام. می‌نشینند فکر می‌کنند، راه پیدا می‌کنند برای نفوذ کردن، برای ضربه زدن. سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی بود که ما اطلاع پیدا کردیم رژیم صهیونیستی یک جمعیتی را معین کرده است و پول به این‌ها داده که بنشینند راجع به اسلام و راجع به شیعه فکر کنند، مطالعه کنند، بررسی کنند؛ خب، این مطالعه برای چیست؟ این مطالعه برای این است که ببینند چه جور می‌شود این عامل عظیم را، این بیداری را، این یقظه^۳ اسلامی را خنثی کرد؛ [اینکه] چطور می‌شود به ملت‌های مسلمان که بیدار شده‌اند، فهمیده‌اند که قدرت دارند، فهمیده‌اند می‌توانند کار کنند، ضربه زد. نشستند پول‌ها خرج کردند. اینکه گفتم، یکی‌اش بود؛ ده‌ها مرکز و کانون - که بعضی را خبر داریم، بعضی را هم حدس می‌زنیم - در اروپا، در آمریکا، در رژیم صهیونیستی، در بعضی از کشورهای وابسته و تحت فرمان این‌ها به وجود آمد، برای اینکه ببینند راه‌ها چیست. آن وقت شما می‌بینید ایجاد اختلاف را، ایجاد خشونت را، بدنام کردن اسلام را، تجزیه کردن کشورهای اسلامی را، به جان هم انداختن ملت‌های مسلمان را و به جان هم انداختن

۱. نساء: ۱۴۱: «و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است».

۲. بیانات در دیدار مسئولان و دست‌اندرکاران حج ۱۳۹۴/۵/۳۱.

۳. بیداری.

آحاد یک ملت را جزو کارهای لازم خودشان می‌دانند؛ یک روز وسیله‌اش فرض کنید که بلک واتر^۱ آمریکایی است، یک روز هم وسیله‌اش داعش عراقی یا سوری یا امثال این‌ها است. می‌گردند وسیله پیدا می‌کنند برای اینکه ایجاد اختلاف کنند. این‌ها تجربه‌های ما است؛ این‌ها کارهایی است و چیزهایی است که ملت ایران، این‌ها را از نزدیک فهمیده‌اند و دانسته‌اند. ما که این قدر روی مسئله اتحاد بین مذاهب اسلامی، بین شیعه و سنی، بین ملت‌های اسلامی تکیه می‌کنیم، این لفظ نیست؛ درد را شناخته‌ایم، درمان را شناخته‌ایم، دلمان می‌سوزد برای امت اسلامی؛ این است که دنبال می‌کنیم. این برای ملت ایران جاافتاده است [ولی] برای خیلی از ملت‌ها جاافتاده نیست. حج یک فرصتی است که این‌ها منتقل بشود، منعکس بشود، گفته بشود. البته خوب، مخالفینی دارد. آن کسانی که می‌خواهند این اختلافات باشد، نمی‌خواهند که این تبادلات و این ارتباطات و این دوستی‌ها و این انتقال تجربه‌ها صورت بگیرد؛ باید بالاخره راه پیدا کرد^۲.

نقشه دشمن علیه جهان اسلام

اختلاف افکنی

نقشه دشمن، اختلاف‌افکنی در بین مسلمانان است^۳؛ نقطه مقابل این آموزش قرآنی^۴، آموزش استعماری است: اختلاف میان مسلمانان. یک عده، یک عده دیگر را تکفیر کنند، لعن کنند، خود را از آن‌ها بری بدانند. این چیزی است که امروز استعمار می‌خواهد؛ برای اینکه ما با هم نباشیم. متأسفانه بعضی از دولت‌های اسلامی و

۱. یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های خصوصی نظامی که بسیاری از مأموریت‌های حساس پنتاگون و سیا را انجام می‌دهد.

۲. بیانات در دیدار مسئولان و دست‌اندرکاران حج هفتم ذی‌القعدة ۱۴۳۶ ۱۳۹۴/۵/۳۱.

۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۲/۳/۱۷.

۴. اتحاد.

حکومت‌های اسلامی فریب می‌خورند؛ آن‌ها هم داخل بازی دشمن می‌شوند؛ فریب دشمن را می‌خورند، برای دشمن کار می‌کنند؛ گاهی دانسته، گاهی هم ندانسته. کسانی که امروز دنیای اسلام را از اتحاد و یکپارچگی دور می‌کنند - در حالی که احتیاج به یکپارچگی، امروز بیشتر از همیشه است - این‌ها به نفع شیاطین کار می‌کنند، به نفع ابلیس‌ها کار می‌کنند.^۱

یکی از راهبردهای اساسی دشمنان اسلام و به‌خصوص دشمنان نظام اسلامی در منطقه، راهبرد ایجاد اختلاف فرقه‌ای و مذهبی و مسئله شیعه و سنی است؛ این را توجّه داشته باشید؛ و دو دسته عامل و مزدور دشمن در این زمینه شدند: یک دسته از سنی‌ها، یک دسته از شیعه‌ها؛ یک دسته آن تکفیری‌های منحرف از حقیقت دین، یک دسته هم از کسانی که برای دشمن کار می‌کنند، زیر اسم شیعه و به نام شیعه، تحریک احساسات دیگران را می‌کنند و دشمنی‌ها را توجیه می‌کنند و آتش فتنه را برافروخته می‌کنند. هر مجموعه‌ای، هر دستگاهی، هر دولتی که فریب این توطئه بزرگ را بخورد و غرق بشود در این قضیه و هر مجموعه‌ای که اشتباه بکند، قطعاً ضربه خواهد زد به حرکت اسلامی و به نظام اسلامی، به‌خصوص به کشور ما ضربه خواهد خورد. من اصرار دارم بر اینکه بزرگان علما، چه شیعه، چه سنی، چه در ایران، چه در مناطق دیگر، توجّه بکنند که اختلافات بین فرقه‌های اسلامی نباید موجب بشود که ما یک جبهه جدیدی در مقابل خودمان باز کنیم و از دشمن اصلی که دشمن اصل اسلام و دشمن استقلال و دشمن بهروزی مردم منطقه است، غافل بمانیم.^۲

۱. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم ۱۳۹۲/۳/۱۸.

۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۲/۶/۱۴.

تحریک عصیبت‌های مذاهب مختلف اسلامی علیه یکدیگر

نقشه دشمن، تحریک عصیبت‌های مذاهب مختلف اسلامی علیه یکدیگر است^۱. باید بدانید که استعمار و استکبار، ده‌ها سال بلکه بیشتر پول خرج کردند، تا بین مسلمین اختلاف ایجاد کنند. برای ایجاد اختلاف، کتاب و مجله نوشتند، شایعه منتشر کردند، عصیبت‌ها را تحریک کردند و در اعماق دل مسلمین، نسبت به یکدیگر حقد و کینه‌های فراوانی به وجود آوردند. البته در طول زمان‌های گذشته هم این دشمنی‌ها بود؛ اما در دوران استعمار، شکل جدیدی پیدا کرد. هرکس با سیاست جدید دنیای اسلام در طول صد یا صد و پنجاه سال اخیر آشنا باشد، توجه می‌کند که اشاره به چه چیزهایی می‌کنم^۲.

امروز با گذشته تفاوتی نکرده است. آنچه که امروز آمریکایی‌ها از خود بروز می‌دهند، همان چیزی است که در طول بیست و هفت سال نسبت به ملت ایران، همیشه در ذهنشان بوده است. ابزارشان هم عبارت است از تهدید، ارباب، تبلیغات جنگ روانی، دلسرد کردن مردم، نومید کردن مردم، ایجاد دودستگی و تحریک عصیبت‌ها؛ اگر بتوانند، ابزار دشمنان ملت شما این‌هاست^۳.

انحراف از نقطه حقیقی دشمنی

نقشه دشمن این است که توجه امت اسلامی را از نقطه حقیقی خصومت و دشمنی - یعنی سرمایه‌داری فاسد و مفسد و صهیونیسم - منحرف کند و به جاهای دیگری متوجه کند. یک روزی دنیای اسلام با صهیونیسم غاصب مقابله می‌کرد، دشمنان در

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۲/۳/۱۷.

۲. بیانات در دیدار با گروه کثیری از آزادگان و اقشار مختلف مردم، در اولین روز از هفته وحدت ۱۳۶۹/۷/۱۱.

۳. بیانات در صحن جامع رضوی ۱۳۸۵/۱/۱.

تبلیغاتشان گفتند این یهودی‌ستیزی است؛ در حالی که یهودی‌ستیزی نبود. در کشورهای اسلامی، یهودی‌ها هم مثل دیگر ادیان - یهودی، مسیحی، مسلمان - در کنار همدیگر زندگی می‌کنند. امروز در کشور ما یهودی هست، مسیحی هست، مسلمان هست، بعضی از ادیان دیگر حضور دارند و در زیر سایه امنیت اسلام، همه باهم زندگی می‌کنند. بحثِ یهودی‌ستیزی نیست، بحثِ مقابله با صهیونیسم غاصبِ متجاوزِ ظالمِ قسی‌القلب است؛ این را به‌دروغ تحریف می‌کردند، می‌گفتند یهودی‌ستیزی؛ اما امروز خود غربی‌ها مبتلا به اسلام‌ستیزی و مسلمان‌ستیزی هستند. در دنیای غرب شما مشاهده کنید؛ امواج مسلمان‌ستیزی را تحریک می‌کنند، از آن‌ها حمایت می‌کنند، از اهانت‌کنندگان به اسلام و پیامبر اعظم پشتیبانی می‌کنند - این اسلام‌ستیزی است، این مال آنجاست - در درون جامعه اسلامی هم مذاهب مخالف ستیزی را ترویج می‌کنند، شیعه‌ستیزی را ترویج می‌کنند؛ این سیاست آن‌هاست: مسلمان‌ها باید با یکدیگر مبارزه کنند، سرگرم هم شوند؛ شیعه علیه سنی، سنی علیه شیعه؛ برای اینکه حواس‌ها از نقطه اصلی دشمنی منعطف شود، نفهمند کیست که امروز دارد با دنیای اسلام مقابله می‌کند، نفهمند کیست که برای امت اسلامی دام‌های خطرناکی گذاشته. این‌ها را ما باید بفهمیم؛ هم ملت‌ها بفهمند، هم سیاستمداران بفهمند، هم روشنفکران بفهمند.^۱

مشغول سازی مسلمانان

نقشه دشمن را بشناسیم. اگر نقشه دشمن را شناختیم، امکان تدبیر در مقابل این نقشه به‌وجود می‌آید؛ اما اگر نقشه دشمن را نشناختیم، امکان تدبیر وجود نخواهد داشت؛ در پیدا کردن راه خودمان اشتباه می‌کنیم، در عملکرد خودمان اشتباه می‌کنیم.

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۲/۳/۱۷.

نقشه دشمن این است: ملت‌های مسلمان را به یکدیگر مشغول کنند، بین این‌ها اختلاف به راه بیندازند - کما اینکه امروز می‌بینید به راه انداخته‌اند - هزاران نفر کشته شوند، خون‌ها بر زمین ریخته شود، ملت‌های مسلمان از مسائل اصلی خود غافل بمانند، از پیشرفت ضروری‌ای که باید به دنبال آن باشند، غفلت کنند، برای اینکه منافع استعمارگران، منافع صاحبان قدرت ظالم و ستمگر تأمین شود؛ همچنان که یک روز با استعمار، این کار را کردند.

من به شما عرض بکنم؛ در تاریخ، غربی‌ها نخواهند توانست لکه ننگ استعمار را از دامان خود پاک کنند. شعارهای طرفداری از حقوق بشر، شعارهای طرفداری از دموکراسی، نخواهد توانست عملکرد غربی‌های مدعی و پرادعا را در آسیا و در آفریقا و در آمریکای لاتین و در نقطه نقطه کشورهای که سال‌ها تحت استعمار بودند، به فراموشی بسپرد. آن روز با استعمار این کار را کردند، امروز به شکل دیگری همان نقشه را دنبال می‌کنند، همان هدف‌ها را دنبال می‌کنند؛ خب، ما باید بیدار باشیم؛ ما باید بفهمیم که چه می‌کنیم؛ ما باید نقشه راه خودمان را بشناسیم!

اسلام ستیزی

امروز می‌بینید دنیای غرب، دستگاه استعمار، گردانندگان کمپانی‌های نفتی و تجاری بزرگ دنیا، این کارتل‌ها و تراست‌ها، همه دارند پول خرج می‌کنند، نقشه‌ریزی می‌کنند برای اسلام‌ستیزی. قرآن را آتش می‌زنند، نام مبارک پیغمبر را مورد اهانت قرار می‌دهند، کاریکاتور درست می‌کنند، کتاب می‌نویسند، در پایتخت‌های بزرگ اروپا علیه مسلمان‌ها هیجان‌ات قومی درست می‌کنند - می‌بینید دیگر؛ این‌ها چیزهای

روشن و واضحی است - این‌ها معنایش چیست؟ معنایش اسلام‌ستیزی است^۱.

مقابله با اسلام در پوشش اسلام

آنچه دیده می‌شود در دنیای اسلام این است که به نام اسلام، دشمنان اسلام در پوشش اسلام با اسلام مقابله می‌کنند؛ همان تعبیری که امام بزرگوار (ما(رضوان الله تعالی علیه) فرمود: اسلام آمریکایی، در مقابل اسلام ناب محمدی^۲. اسلام آمریکایی، اسلامی است که با طاغوت می‌سازد، با صهیونیسم می‌سازد، در خدمت هدف‌های آمریکا قرار می‌گیرد، ظاهر آن هم اسلام است، اسم آن هم اسلام است، شاید بعضی از مراسم اسلامی را هم انجام می‌دهند؛ اگرچه آن‌طوری که انسان می‌شنود - حالا ما اطلاع خیلی دقیقی نداریم - این کسانی که به نام اسلام، با شکل تعصّب‌آمیزی در برخی از کشورها - اخیراً در عراق و قبلاً در برخی از جاهای دیگر - ظهور و بروز پیدا کردند، خیلی هم پابند به احکام و شرایع دینی و وظایف دینی شخصی هم نیستند؛ اما آنچه مسلم است، در جهت کلی قطعاً ۱۸۰ درجه در جهت مخالف اسلام حرکت می‌کنند. اسلام همراهی با دشمنان دین را، ولایت دشمنان دین را، ولایت مستکبرین را جزو چیزهایی دانسته است که مؤمن باید از آن بر کنار باشد؛ «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ»^۳؛ اگر شما با نام اسلام، در راه طاغوت حرکت می‌کنید، کشف بکنید که این اسلام، اسلام درست و حسابی‌ای نیست، اسلام واقعی نیست، یک‌جای کار عیب دارد؛ امروز این جور است. البته انسان دست‌های دشمن را می‌تواند ببیند؛ باید باور کرد که دست خبیث سرویس‌های امنیتی و جاسوسی رژیم‌های دشمن اسلام در ایجاد این جور قضایا و

۱. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم ۱۳۹۲/۳/۱۸.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۲۰.

۳. نساء: ۷۶: «کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می‌کنند؛ و آن‌ها که کافرند، در راه طاغوت».

این جور بلواها برای مسلمان‌ها - حالا یا مستقیم یا غیر مستقیم - نقش حتمی دارند؛ آن‌ها هستند که دارند صحنه‌گردانی می‌کنند، کما اینکه انسان مشاهده می‌کند؛ نشانه‌ها و دلایل آن‌ها هم آشکار است. اگر امت اسلامی با معارف قرآن انس داشته باشد، بیشتر آشنا باشد، این جور حوادث کمتر پیش می‌آید. ارتباط و اتصال دل‌ها به خدا مانع می‌شود از اینکه دل‌ها به راه خدا خیانت کنند؛ که امیدواریم این پیش بیاید^۱.

عدم توجه جهان اسلام به دشمنان و توطئه‌های آن‌ها

امروز دنیای اسلام دچار گرفتاری‌های بزرگی است؛ می‌بینید، می‌شنوید، اطلاع دارید؛ بزرگ‌ترین گرفتاری دنیای اسلام این است که متوجه توطئه و دست خبیث دشمنان خود نیست؛ این یکی از بزرگ‌ترین یا بزرگ‌ترین گرفتاری دنیای اسلام است. آن کسانی که با اسلام بدند، آن کسانی که نام اسلام آن‌ها را می‌رماند، آن کسانی که حاضرند به خاطر حفظ مطامع مادی خود با هر دعوت حقیقی مبارزه کنند و بجنگند - و اسلام دعوت حقیقی است که به حق و عدل دعوت می‌کند - این‌ها در دنیای اسلام بیکار نیستند، به خصوص بعد از پدید آمدن جمهوری اسلامی؛ بعد از آنکه در این نقطه حساس جغرافیای عالم، نظامی بر اساس اسلام تشکیل شد، توطئه‌ها شدید شد، پیچیده شد؛ امروز توطئه‌ها از گذشته پیچیده‌تر است؛ این را باید همه در دنیای اسلام بفهمند. ما را به‌جان هم می‌اندازند، برادران را در مقابل هم قرار می‌دهند؛ سیاست دشمنان اسلام این است که در کشورهای اسلامی در میان جوامع اسلامی و در امت اسلامی برادرکشی و جنگ داخلی را به نیابت از خودشان به‌راه بیندازند؛ خودشان کنار بنشینند و شاهد این باشند که ما به‌جان هم افتادیم. خب، اینجا باید دشمن را شناخت، باید توطئه دشمن را فهمید، این کمبود دنیای اسلام است. در میان امت

۱. بیانات در محفل انس با قرآن در اولین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۵ ۱۳۹۳/۴/۸.

اسلامی کسانی هستند که برای مقابله با برادران مسلمان خودشان با دشمنان اسلام دست‌به‌دست می‌دهند؛ امروز ما این را داریم؛ به شیطان نزدیک می‌شوند برای اینکه با برادران مسلمان خودشان بجنگند و مبارزه کنند و مقابله کنند؛ امروز کسانی هستند که حاضرند با رژیم صهیونیستی همکاری کنند، برای اینکه برادر مسلمان خودشان را به خاک بیندازند. «**أَنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيْطِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ**»^۱؛ با شیطان می‌سازند، دست‌به‌دست هم می‌دهند و گمان باطلشان این است که در راه هدایت دارند قدم برمیدارند. این‌ها معیارهای قرآنی است، این‌ها معیارهای روشنی است که قرآن در اختیار ما قرار می‌دهد، این‌ها را باید بفهمیم؛ کی می‌توانیم بفهمیم؟ وقتی با قرآن انس داشته باشیم، وقتی دل خودمان را به‌روی قرآن باز کنیم؛ همه این مراسم مقدمه این است.^۲

جریان تکفیری و تروریسم

یکی از مهم‌ترین مسائل منطقه، مقابله همگانی با گروه‌های تکفیری نظیر داعش، جبهه النصره و دیگر گروه‌ها است، چرا که در غیر این صورت، به علت بحران آفرینی مستمر تکفیری‌ها، مسئله فلسطین در حاشیه خواهد ماند. مأموریت تکفیری‌ها در فلسطین اشغالی، ایجاد فتنه است و باید با هوشیاری و قاطعیت کامل با آن‌ها مقابله کرد.^۳

باید روشنگری کرد؛ باید دنیای اسلام همه بدانند که نقش سیاست‌های آمریکا در این میان چیست؛ نقش سرویس‌های جاسوسی آمریکا و انگلیس و رژیم صهیونیستی

۱. اعراف: ۳۰؛ «آنها (کسانی هستند که) شیاطین را به جای خداوند، اولیای خود انتخاب کردند؛ و گمان می‌کنند هدایت یافته‌اند!».

۲. بیانات در دیدار شرکت کنندگان در سی‌ویکمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم ۱۳/۳/۱۳۹۳.

۳. دیدار دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین ۲۴/۹/۱۳۹۵.

در این احیاء جریان فتنه تکفیری چیست؛ این را باید همه بدانند. همه باید بدانند که این‌ها دارند برای آن‌ها کار می‌کنند؛ نقشه از آن‌ها است، پشتیبانی از آن‌ها است، ارائه طریق از آن‌ها است، پول هم از دست‌نشانندگان آن‌ها [یعنی] حکومت‌های منطقه است که پولش را می‌دهند، این بیچاره‌ها را بدبخت می‌کنند و دنیای اسلام را دچار این مشکل می‌کنند. این هم یک کار لازم دیگری است که بایستی انجام بگیرد^۱.

تشکیل گروه‌های تروریست به نام اسلام هم یکی از توطئه‌ها است؛ این توطئه است، همچنان‌که کشورهای اسلامی را دچار جنگ و جدل و اختلاف کردن هم یکی از این دشمنی‌ها است. امروز سررشته این دشمنی‌ها به دست آمریکا و صهیونیسم است. حکومت صهیونیستی خبیث و غاصب در فلسطین و پشت سرش حکومت ظالم و مستکبر آمریکا دارند با اسلام مبارزه می‌کنند. بله! امروز با جمهوری اسلامی بیش از جاهای دیگر در حال مبارزه‌اند. این از این جهت و به خاطر این است که اسلام در نظام جمهوری اسلامی بارزتر است، تحقّقش بیشتر است و زمینه عمل و اجرا و اقدام آن در اینجا بیشتر است. مخالفند به خاطر اینکه اسلام جلوی مطامع این‌ها را می‌گیرد، جلوی استکبار را می‌گیرد؛ [پس در واقع] با اسلام مخالفند^۲.

زادگاه این پدیده در ظاهر منطقه عربی است اما در واقع، دولت آمریکا و بعضی از دولت‌های اروپایی عامل اصلی پدید آمدن این حوادث هستند. اگرچه ممکن است این ائتلاف‌ها در مواردی با تروریست‌ها وارد جنگ نیز بشوند اما نه در عراق و نه در سوریه به دنبال ریشه‌کن کردن واقعی تروریسم نیستند و سیاست‌های بد و شرارت‌آمیز آن‌ها، روزبه‌روز مشکلات بشریت را افزایش می‌دهد. تحقیر جوانان مسلمان در برخی

۱. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام ۱۳۹۳/۹/۴.

۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۶/۲/۵.

کشورهای ثروتمند و قدرتمند اروپایی، زمینه‌ای برای پیوستن آنان به گروه‌های منحرف تروریستی همچون داعش ایجاد می‌کند و این جوانان تحقیرشده در بازگشت به اروپا، دست به انفجار و کشتار می‌زنند.^۱

حمله نظامی و ناامنی

هنوز از غم بوسنی فارغ نشده‌ایم که فاجعه کوزوو پیش می‌آید و مسلمانان آن منطقه تحت فشار مضاعف ناتو و صرب‌ها دچار بلاهای عظیم آوارگی، قحطی، بیماری و انهدام هویت اسلامی خویش می‌شوند. متأسفانه جهان اسلام به وظیفه خویش آن طور که شایسته است عمل نکرد. فلسطین عزیز کماکان در چنگال صهیونیسم غدار و حامیانش به‌خصوص حکومت امریکا اسیر است و جنوب لبنان و جولان همچنان در اشغال متجاوزین قرار دارد. افغانستان دچار بیماری تفرقه و سیر به سمت ویرانی بیشتر است و مردم کشمیر روزگار سختی را می‌گذرانند.^۲

امروز دنیای اسلام حَقّاً و انصافاً گرفتار است. شما نگاه کنید وضعیت کشورهای اسلامی منطقه خود ما را، از پاکستان و افغانستان بگیرید تا سوریه و لبنان و فلسطین و از یمن بگیرید تا لیبی؛ این کشورهای اسلامی منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، امروز گرفتاری‌های زیادی دارند: گرفتاری ناامنی دارند، گرفتاری برادرکشی دارند، گرفتاری تسلط گروه‌های از خدا بی‌خبر دارند و پشت سر همه این‌ها هم گرفتار نقشه‌های استکباری قدرت‌های بزرگ و در رأس آن‌ها آمریکا هستند که به اسم حفظ منافع خودشان وارد میدان‌ها می‌شوند و هر کاری که دلشان می‌خواهد - همان شهوت

۱. دیدار رئیس شورای ریاست جمهوری بوسنی و هرزگوین با رهبر انقلاب ۱۳۹۵/۸/۴.

۲. پیام به کنفرانس بین‌المجالس اسلامی ۱۳۷۸/۳/۲۵.

و غضب - انجام می‌دهند؛ یعنی انسان‌های بی‌گناه را می‌کشند، از گروه‌های نابکار حمایت می‌کنند.^۱

تحول و پیچ تاریخی جهان و موازنه‌های قدرت بین‌المللی

وضع دنیا در حال تغییر است. شرایط سیاسی دنیا، موازنه‌های سیاسی و موازنه‌های قدرت در سطح دنیا در حال تحولات است و انسان شکل‌گیری جدیدی را مشاهده می‌کند. شما که دستی در سیاست دارید، خوب می‌دانید که در این شرایط، همه عناصر حاضر در صحنه می‌توانند به نفع اهداف و آرمان‌های خود نقش بیافرینند، یا می‌توانند عاقل و باطل بمانند. آن وقتی که جابه‌جایی‌ها دارد صورت می‌گیرد، تحولات جهانی دارد انجام می‌گیرد، یک عنصر بیکار، کم‌کار و غافل قطعاً در تحول آینده، در شکل جدیدی که بناست بر اوضاع سیاسی دنیا حاکم شود، نقش ضعیف‌تری نصیب خود خواهد کرد. عنصری که فعال است، هوشیار است، بیدار است، صحنه را رصد می‌کند، فعل و انفعالات را می‌بیند و پیش‌بینی می‌کند، او می‌تواند در شکل جدیدی که بناست به وجود بیاید، برای خود جایگاه محکم‌تری، بابرکت‌تری و نزدیک‌تر به اهداف و آرمان‌های خود فراهم کند. شرایط امروز این است.

به همین منطقه خودمان، به خاورمیانه نگاه کنید؛ حوادثی که امروز در خاورمیانه و حول و حوش مسئله فلسطین دارد اتفاق می‌افتد، دیگر سابقه ندارد؛ شبیه این، هیچ وقت پیش نیامده است. این نشانه این است که یک جابه‌جایی دارد صورت می‌گیرد، یک تحول دارد اتفاق می‌افتد. در سطح دنیا هم که نگاه کنید - جایگاه آمریکا، جایگاه برخی کشورهای اروپایی، تأثیرات آن‌ها در دنیا، نقش‌آفرینی‌های‌شان - می‌بینید

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۴/۲/۲۶.

تغییرات بزرگی در حال انجام است. در دوران این سی سال، در برهه‌هایی - که من حالا یک مواردی را در ذهن دارم - شبیه این را ما دیدیم؛ اما امروز به شکل روشنی آدم این را احساس می‌کند^۱.

امروز ملت‌های مسلمان در منطقه عربی سر بلند کرده‌اند، آگاه شده‌اند، بیدار شده‌اند. دشمنان نمی‌توانند آن‌ها را سرکوب کنند و نمی‌توانند راه را منحرف کنند. حرکت به جریان افتاده است و وضع دنیا را تحت تأثیر قرار داده است. همین حرکت‌هایی که امروز شما در دنیای غرب، در آمریکا و در اروپا مشاهده می‌کنید، نشان دهنده تغییرات عظیمی است که آینده دنیا شاهد این تغییرات خواهد بود^۲.

وضعیتی که امروز در دنیا هست، وضعیت تحول است. اوضاع جهان در حال تبدیل به یک شکل جدید و هندسه جدید است. اگر بخواهیم در گذشته‌های نزدیک - مثلاً در حدود یکی دو قرن - نظیری برای این پیدا کنیم، تقریباً شبیه اوضاع بعد از جنگ بین‌الملل اول، البته در جهت عکس آن است؛ آن روز هم هندسه سیاسی و اقتصادی دنیا تغییر اساسی و بنیادی کرد. یا قبل از آن، در دورانی که اروپایی‌ها استعمار را شروع کردند؛ یک وضعیت جدیدی در دنیا به وجود آمد، شکل عمومی دنیا عوض شد. تحولاتی که امروز مشاهده می‌شود، از این جنس است؛ جنس تغییر شکل عمومی دنیا؛ البته در جهت عکس آن دو مثالی که زدم؛ در جهت تبادل قدرت و توانایی‌های عمومی بین شرق و غرب، یا بین بخشی از ملت‌های دنیا با بخش دیگر. پیداست که به سوی تحولات تازه‌ای داریم پیش می‌رویم. شواهد و نشانه‌هایی که این تحول را نشان می‌دهد، چه چیزهایی است؟^۳.

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۹/۳/۱۸.

۲. بیانات در دیدار اқشار نمونه بسیج سراسر کشور ۱۳۹۰//۹/۶.

۳. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۱/۵/۲۲.

امروز در کشورهای اسلامی علیه دیکتاتوری‌های وابسته قیام شده است. این مقدمه‌ای است برای قیام علیه دیکتاتوری جهانی و دیکتاتوری بین‌المللی که عبارت است از دیکتاتوری شبکه فاسد و خبیث صهیونیستی و قدرت‌های استکباری. امروز استبداد بین‌المللی و دیکتاتوری بین‌المللی متجسم است در دیکتاتوری آمریکا و پیروان آمریکا و شبکه شیطانی و خطرناک صهیونیستی. امروز این‌ها با روش‌های مختلف و با ابزارهای گوناگون در همه دنیا دارند دیکتاتوری می‌کنند. آنچه شما در مصر انجام دادید، در تونس انجام دادید، در لیبی انجام دادید، در یمن دارید انجام می‌دهید، در بحرین دارید انجام می‌دهید، در کشورهای دیگر انگیزه آن به شدت به وجود آمده است، جزئی از مبارزه با این دیکتاتوری خطرناک و مضر است که دو قرن است دارد بشریت را فشار می‌دهد. این پیچ تاریخی‌ای که گفتم، عبارت است از تحول از سیطره چنین دیکتاتوری‌ای به آزادی ملت‌ها و حاکمیت ارزش‌های معنوی و الهی. این پیش خواهد آمد. استبعاد نکنید!

در نگاه کلان به کل جهان - و از جمله به منطقه - انسان به این نکته اساسی برخورد می‌کند که نظم مستقر حاکم قبلی دنیا در حال تغییر و تبدیل است؛ این را انسان می‌فهمد و مشاهده می‌کند. بعد از جنگ اول جهانی، یک نظم جدیدی در عالم و به خصوص در منطقه ما به وجود آمد؛ قدرت‌هایی جان گرفتند، قدرت‌های برتر عالم شدند؛ و بعد از جنگ دوم جهانی - که تا کنون حدود هفتاد سال از پایان آن می‌گذرد - این نظم جهانی استقرار پیدا کرد و مدیریت عالم به شکل خاصی درآمد. غرب در واقع، چه به شکل نظام سوسیالیستی و چه به شکل نظام لیبرالیستی - که هر دو غربی بودند - حاکم بر مدیریت جهان شد و مدیریت جهان در اختیار این‌ها قرار گرفت. آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین

و مناطق گوناگون دنیا تحت نفوذ و هیمنه و اراده این‌ها در طول این هفتاد سال حرکت کردند. انسان به روشنی می‌بیند که این نظم در حال تغییر است.^۱

دنیا دنیایی است که ملت‌ها باید خود را نشان بدهند. ملت‌ها از کنار کشیدن، از بیکار ماندن، از چشم به این و آن دوختن، به جایی نخواهند رسید. ملت‌ها با هوشیاری، با در میدان بودن، با خود را و ظرفیت‌های خود را به میدان آوردن، می‌توانند موفقیت کسب کنند. امروز دنیا اینجوری است، همیشه همین جور بوده است؛ منتها امروز این بیداری در میان ملت‌ها بیشتر پیدا شده است. یک ملت بزرگ با یک تاریخ کهن، گاهی اوقات با یک میراث علمی برجسته، وقتی از حال خود غافل می‌شود، وارد میدان نیست، تلاشی نمی‌کند، ناگهان می‌بینید می‌رود در ردیف یک ملت عقب‌افتاده بی سابقه بی میراث بی ریشه.^۲

امروز دنیا با یک حادثه عظیم مواجه است؛ این حادثه عظیم عبارت است از بیداری اسلامی؛ این یک حقیقت است. ملت‌های مسلمان و امت اسلامی به تدریج بیدار شده‌اند. امروز دیگر تسلط بر ملت‌های مسلمان، به آسانی بعد از جنگ اول جهانی و در دوران‌های طولانی قرن نوزدهم و بیستم میلادی نیست. امروز اگر مستکبرین عالم بخواهند بر ملت‌های مسلمان مسلط شوند، کار دشواری دارند. بیداری وارد امت اسلامی شده و رسوخ و نفوذ کرده است. در بعضی از کشورها هم این بیداری به انقلاب تبدیل شد و رژیم‌های فاسد و وابسته را تغییر داد. لیکن

۱. بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳/۶/۱۳۹۳.

۲. بیانات در دیدار معلمان ۱۳/۲/۱۳۹۱.

این، بخشی از بیداری اسلامی است؛ همه بیداری اسلامی نیست. بیداری اسلامی گسترده است، عمیق است.^۱

بیداری اسلامی یک حقیقتی است که اتفاق افتاده است. بعد از ده‌ها سال متمادی تسلط دشمنان اسلام و دشمنان مسلمین بر جوامع اسلامی، چه به شکل استعمار مستقیم، چه به شکل استعمار جدید و استعمار غیر مستقیم، چه به صورت سلطه فرهنگی یا سلطه اقتصادی یا سلطه سیاسی؛ بعد از سال‌های متمادی که ملت‌های مسلمان فشرده شدند در زیر این فشارهای عظیم سلطه غربی و دولت‌های اروپایی و آمریکایی بر کشورهاشان، به تدریج هسته بیداری، یقظه اسلامی رشد کرده، ثبت شده است و دارد خود را نشان می‌دهد. مردم دنیای اسلام امروز احساس می‌کنند که وسیله عزتشان، وسیله سربلندی‌شان، وسیله استقلالشان، اسلام است. به برکت اسلام، همه آرزوهای ملی یک ملت در دنیای اسلام می‌تواند برآورده شود. ملت‌های اسلامی به برکت اسلام می‌توانند در مقابل تسلط غرب، در مقابل تکبر دولت‌های غربی، در مقابل سلطه ظالمانه دولت‌های غربی، در مقابل استثمار و استکبار دولت‌های غربی بایستند. و غرب مجبور به عقب‌نشینی است؛ امروز شما این تجربه را در دنیای اسلام مشاهده می‌کنید. سی و چند سال قبل این مسئله در ایران اتفاق افتاد؛ امروز هم در دنیای اسلام، در شمال آفریقا، این را مشاهده می‌کنید. قدم‌ها به سمت پیروزی است. البته مشکلات هست؛ لیکن اگر ما بیدار باشیم، مشکلات نمی‌تواند جلوی راه ما سد ایجاد کند. قرآن می‌فرماید: «لَنْ يَضُرُّكُمْ إِلَّا أَذَى»^۲. بله اذیت می‌کنند، آزار می‌کنند،

۱. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی ۱۳۹۱/۹/۲۱.

۲. آل‌عمران: ۱۱۱: «أَنهَا [= اهل کتاب، مخصوصاً] یهود» هرگز نمی‌توانند به شما زیان برسانند، جز آزارهای مختصر».

مشکل درست می‌کنند؛ اما اگر ما عازم باشیم، به خدا توکل داشته باشیم، تصمیم بر حرکت داشته باشیم، نمی‌توانند جلوی راه ما سد ایجاد کنند.

امروز ملت‌های اسلامی بیدار شده‌اند؛ احساس می‌کنند می‌توانند به برکت اسلام، در مقابل دشمنان دنیای اسلام، در مقابل شبکه فاسد صهیونیستی که بر سیاست‌های دول غربی مسلط است، حرف خود را به کرسی بنشانند. این پیروزی‌ها خیلی ارزش دارد. «وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ»^۱ - این بخشی از وعده الهی است که تحقق پیدا کرد - «وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ يَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا»^۲. هر پیروزی‌ای که یک ملت در مقابله با دشمنان و تبلیغات و روش‌ها و شیوه‌های خباثت‌آلود آن‌ها پیدا می‌کند، یک بشارت الهی است، یک آیت الهی است، یک نشانه الهی است - «وَلِتَكُونَ آيَةً» - که اگر حرکت کردید، به نتیجه خواهید رسید^۳.

بازگشت اسلام به مرکز تحولات جهانی

آنچه امروز در برابر چشم ما است و هیچ انسان مطلع و هوشمندی نمی‌تواند آن را انکار کند، آن است که اکنون اسلام از حاشیه معادلات اجتماعی و سیاسی جهان خارج شده و در مرکز عناصر تعیین‌کننده حوادث عالم، جایگاهی برجسته و نمایان یافته است و نگاه تازه‌ای را در عرصه زندگی و سیاست و حکومت و تحولات

۱. فتح: ۲۰: «خداوند غنایم فراوانی به شما وعده داده بود که آن‌ها را به دست می‌آورید، ولی این یکی را زودتر برای شما فراهم ساخت.»

۲. همان: «و دست تعدی مردم [= دشمنان] را از شما بازداشت تا نشان‌های برای مؤمنان باشد و شما را به راه راست هدایت کند!».

۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۱/۱۱/۱۰.

اجتماعی عرضه می‌کند؛ و این در دنیای کنونی که پس از شکست کمونیسم و لیبرالیسم، دچار خلأ عمیق فکری و نظری است، پدیده‌ای مهم و پرمعنی به شمار می‌رود. این نخستین اثری است که حوادث سیاسی و انقلابی در شمال آفریقا و منطقه عربی، در مقیاس جهانی بر جای گذاشته است و خود مبشر حقایق بزرگ‌تری است که در آینده اتفاق خواهد افتاد.^۱

آینده متعلق به اسلام

من تردیدی ندارم که آینده متعلق به اسلام است، آینده در قلمرو اسلام است و شما جوان‌ها ان‌شاءالله به توفیق الهی آن روزی را که پرچم اسلام در همه این مناطق به اهتزاز دربیاید و یک مجموعه متحد اسلامی مقتدر و با عزت تشکیل بشود، خواهید دید.^۲

این قرن، قرن اسلام است. این قرن، قرن معنویت است. اسلام عقلانیت را و معنویت را و عدالت را با یکدیگر به ملت‌ها هدیه می‌دهد. اسلام عقلانیت، اسلام تدبیر و تفکر، اسلام معنویت، اسلام توجه و توکل به خدای متعال، اسلام جهاد، اسلام کار، اسلام اقدام. این‌ها تعالیم خدای متعال و تعالیم اسلامی است به ما.

آنچه امروز مهم است، این است که دشمن در مقابل ضربه‌ای که در مصر و تونس و لیبی و بقیه کشورهای منطقه کم و بیش بر او وارد آمده است، مشغول طراحی و توطئه چینی است. باید متوجه توطئه‌های دشمن بود. باید مراقب بود انقلاب‌های مردم را از آن‌ها نربایند، راه‌ها را منحرف نکنند. از تجربه‌های دیگران استفاده کنید. دشمن کارهای زیادی می‌کند برای اینکه انقلاب‌ها را منحرف کند، برای اینکه

۱. بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی ۱۳۹۲/۲/۹.

۲. بیانات در اجتماع مردم گیلان غرب ۱۳۹۰/۷/۲۳.

حرکت‌ها را خنثی کند، برای اینکه مجاهدت‌ها و خون‌های ریخته شده را ناکام کند. باید مراقب بود، باید هوشیار بود. شما جوان‌ها موتور این حرکت‌ها هستید. هوشیار باشید، متوجه باشید!^۱

امروز نوبت ما است، امروز نوبت اسلام است. «وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ»^۲؛ امروز نوبت مسلمین است که با همت خود، تمدن نوین اسلامی را شالوده‌ریزی کنند. همچنان‌که اروپایی‌ها آن‌روز از دانش مسلمین استفاده کردند، از تجربه مسلمین استفاده کردند، از فلسفه مسلمین استفاده کردند، ما [هم] امروز از دانش جهان استفاده می‌کنیم، از ابزارهای موجود جهانی استفاده می‌کنیم برای برپا کردن تمدن اسلامی، منتها با روح اسلامی و با روح معنویّت. این وظیفه امروز ما است^۳.

قرن بیست‌ویکم - که این قرنی است که چند سال است در آن وارد شده‌ایم - بر حسب آنچه که انسان از قرائن می‌فهمد، قرن محو کردن و ازاله کردن آثار حرکت قرن‌های نوزدهم و بیستم است؛ باید نشانه‌های استیلای قدرت‌های بزرگ بر کشورها و ملت‌ها به‌کلی از صفحه زندگی بشر پاک بشود؛ سلطه باید وجود نداشته باشد. امریکایی‌ها می‌خواهند خوب زندگی کنند، بکنند؛ هر ملتی حق دارد در سایه تلاش خودش خوب زندگی کند؛ اما در داخل کشور خودشان خوب زندگی کنند. خلیج فارس، دریای عمان، اقیانوس هند، بقیه بخش‌های دنیا، تنگه‌های حساس دنیا، مال امریکا نیست؛ این‌ها مال صاحبانش است. ملت‌ها صاحبان کشورهای خودند. این قرن، باید قرن بازگشت ملت‌ها به هویت خود، به انسانیت خود و شکستن طلسم سلطه‌گری و سلطه‌پذیری باشد؛ همچنانی که این قرن، قرن رو کردن به معنویت است.

۱. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی جوانان و بیداری اسلامی ۱۳۹۰/۱۱/۱۰.

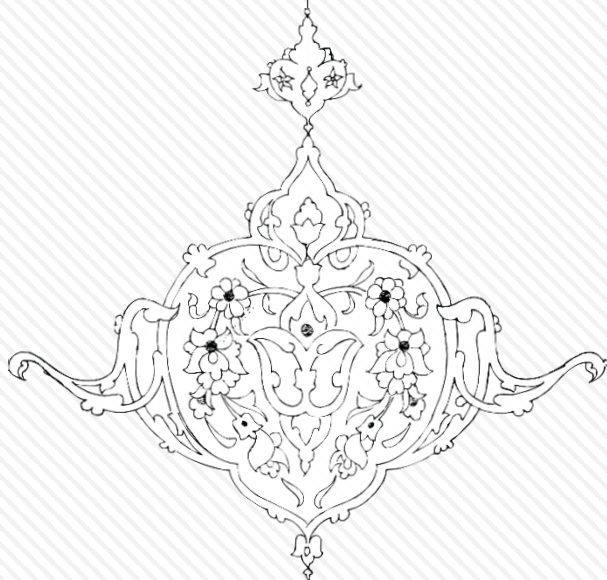
۲. آل‌عمران: ۱۴۰: «و ما این روزها [ی شکست و پیروزی] را میان مردم به نوبت می‌گردانیم [تا مردم پند گیرند].»

۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۴/۱۰/۸.

حالا درباره هزاره سوم حرف‌های یاوه زیادی می‌زنند؛ برای هزار سال پیش‌بینی‌هایی می‌کنند که به هیچ مستند علمی و فنی متکی نیست؛ اما اگر انسان بخواهد از روی حدس و گمان درباره این هزاره حرفی بزند، می‌تواند بگوید که این هزاره، هزاره معرفت انسان به ارزش خودش است. در این هزاره، انسان‌ها به ارزش خودشان و ارزش نزدیک شدن به خدای خودشان واقف می‌شوند. اگر بشود برای هزاره حدسی زد، آنچه که قابل حدس است، این است. ما حالا بحث هزاره را نمی‌کنیم؛ اما این قرنی که در پیش است، قرنِ روکردن به معنویت و قرن استقلال و هویت ملی ملت‌هاست و ایران، سرآغاز آن بود. دنباله ایران بسیاری جاهای دیگر پیش خواهد آمد و قدرت‌هایی که با این حرکت عظیم بشری مواجه و سینه به سینه بشوند، شکست خواهند خورد و قدرت استکباری یکی از این‌هاست.^۱

۱. بیانات در دیدار مردم استان سمنان ۱۳۸۵/۸/۱۷.

فصل سوم:
اهداف مقاومت اسلامی



اطاعت و عبودیت الهی و نفی طاغوت

ما دست تضرع به سوی پروردگار دراز می‌کنیم و عرض می‌کنیم: پروردگارا! ما در این راه به خاطر امر تو، به خاطر اطاعت فرمان تو قدم گذاشته‌ایم؛ ما در این راه برای دنیا وارد نشده‌ایم؛ برای پول، برای زخارف، برای قدرت وارد نشده‌ایم. امام بزرگوار ما پاک آمد و پاک رفت. مسئولان کشور مقتدای خودشان را این‌طور دیدند و در همین راه حرکت می‌کنند و ملت ما از ما با اخلاص‌تر و باصفا‌تر و دارای عزم راسخ‌تری است. ما در این راه وارد شده‌ایم. وعده الهی این است که: «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا»^۱. وعده الهی راست است. «وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا»^۲. فرمایش پروردگار متعال و ذات اقدس الهی در کمال راستی است. خدای متعال از مؤمنین دفاع می‌کند؛ البته مؤمنی که در میدان قرار بگیرد؛ و آلا مؤمنی که در پستو خانه‌اش دراز کشیده، از چه دفاع کند؟ مؤمنی که وارد میدان شود، مؤمنی که هستی خود، موجودی خود، اراده خود، دست توانای خود، ذهن فعال خود را در راه خدا به میدان می‌آورد - چه در میدان علم، چه در میدان اقتصاد، چه در میدان سیاست، چه آن روزی که لازم باشد، در میدان جهاد - خدا از این مؤمن و از این مؤمنین دفاع می‌کند و خدای متعال از ملت ایران تا امروز دفاع کرده است. استکبار بیست‌وهفت سال است که همه توانش را به کار برده که این درخت را از ریشه بکند؛ اما آن روزی که این درخت ریشه‌اش گسترده نشده بود، نتوانست و امروز بحمدالله ریشه این درخت در آفاق زمین گسترده است و آن کسی که با اراده الهی مقابله بکند، یقیناً ضربه سنت الهی بر او فرود خواهد آمد^۳.

۱. حج: ۳۸: «خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند».

۲. انعام: ۱۱۵: «و کلام پروردگار تو، با صدق و عدل، به حد تمام رسید».

۳. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، سفرای کشورهای اسلامی و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۸۵/۵/۳۱.

در انقلاب، اصل بر حرکت است؛ حرکتی هدفدار، سنجیده، پیوسته، خستگی‌ناپذیر و سرشار از ایمان و اخلاص. در انقلاب، به گفتن و نوشتن و تبیین اکتفا نمی‌شود؛ بلکه پیمودن و سنگ‌به‌سنگ پیش رفتن و خود را به هدف رساندن، اصل و محور قرار می‌گیرد. گفتن و نوشتن هم در خدمت همین حرکت در می‌آید و تا رسیدن به هدف - یعنی حاکمیت بخشیدن به دین خدا و متلاشی ساختن قدرت شیطانی طاغوت - ادامه می‌یابد:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۱

ما در راه حاکمیت بخشیدن به دین خدا و عزت بخشیدن به مسلمانان، فروگذار نکرده‌ایم و ملت ما باز هم فروگذار نخواهند کرد.^۲ امروز استکبار جهانی، وارث حقیقی فرعون‌ها و نمرودهاست. امروز هدف‌های ابراهیم علیه‌السلام و موسی علیه‌السلام و دیگر انبیای عظام علیهم‌السلام که به دنبال حاکمیت ارزش‌های الهی و شکستن بت‌های زر و زور بودند، هدف آحاد مردم در جمهوری اسلامی است و این، افتخار بسیار بزرگی است.^۳

«أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^۴ که چندین بار این لفظ و این مضمون در قرآن تکرار شده - نشان می‌دهد که اصلاً خدای متعال پیغمبران را فرستاد برای توحید، برای اجتناب از طاغوت، برای عبودیت خداوند؛ اساس کار این است.^۵

۱. توبه: ۳۳ و صف: ۹: «او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!».

۲. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی ره ۱۳۶۹/۳/۱۰.

۳. بیانات در دیدار با گروه کثیری از آزادگان ۱۳۶۹/۶/۴.

۴. بیانات در مراسم بیعت گروهی از مردم شهرهای آمل، نیشابور، مهدی‌شهر، سعادت‌شهر و عده‌یی از خانواده‌های شهدای بهار همدان ۱۳۶۸/۳/۲۶.

۵. نحل: ۳۶: «خدا را بپرستید و از طاغوت بپرهیزید».

۶. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۳/۱۲/۲۱.

حاکمیت دین، در مقابل حاکمیت طاغوت است؛ که «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ»^۱. حاکمیت طاغوت، حاکمیت فساد و حاکمیت ضایع کردن دین و دنیاست - نه فقط دین - کما این که در گذشته کشور خودمان از نزدیک شاهد بودیم و کسانی که آن دوره را درک کردند، همه آن را حس نمودند. حاکمیت خدا، یعنی نجات و سعادت انسان‌ها. حاکمیت دین خدا، یعنی پاسخگویی به نیازهای اساسی انسان‌ها. هر نیازی که انسان‌ها دارند - نیازهای معنوی، نیازهای مادی، فردی، اجتماعی، دنیوی، اخروی و همه و همه - در ظلّ حاکمیت دین خدا تأمین می‌شود^۲.

حقیقت توحید

هر چه امروز از سختی‌ها و بلاها بر سر مسلمانان و ملت‌های مسلمان می‌آید بر اثر گم کردن سررشته زندگی در زیر سایه توحید است. توحید که فقط یک امر ذهنی نیست؛ توحید یک امر واقعی و یک نظام و یک دستورالعمل زندگی است. توحید به ما می‌گوید که با دوستانمان چگونه باشیم، با دشمنانمان چگونه باشیم، در نظام اجتماعی چگونه باشیم و چگونه زندگی کنیم. بعضی خیال می‌کنند که اعتقاد به توحید، مربوط به بعد از مرگ است؛ در حالی که اعتقاد به توحید، سازنده این عالم و سازنده زندگی است. امروز ما به این احتیاج داریم؛ ملت‌های اسلامی به این احتیاج دارند.

هر چه ما به سمت توحید و عبودیت لله پیش برویم، شرّ طواغیت و اندادالله از سر ما بیشتر کم خواهد شد. ملت مسلمان ایران به همان اندازه‌ای که در خطّ توحید پیش رفته است، امروز از زبان‌درازی و دست‌درازی امریکا و غیر امریکا از مستکبران

۱. بقره: ۲۰۵: «هنگامی که روی برمی‌گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند».

۲. بیانات در دیدار علما و روحانیون در آستانه ماه محرم ۱۳۷۷/۲/۲.

عالم، راحت است؛ از بکن نکن آن‌ها آزاد است. این، خاصیت توحید و خاصیت عبودیت لله است. بنده خدا که شُدید، بندگی خدا با بندگی دیگران و نوکری دیگران نمی‌سازد. این، آن رکن اول است.^۱

روح توحید عبارت است از اینکه انسان از غیرخدا عبودیت نکند و در مقابل غیر خدا، جبهه بندگی به زمین نساید. این معنای عبودیت کامل و خالص است.^۲ توحید، یعنی اعتقاد به اینکه این ترکیب پیچیده بسیار عجیب و شگفت‌آور و قانونمند کائنات و عالم آفرینش، از کهکشان‌ها و سحابی‌ها و حفره‌های عظیم آسمانی و کُرات بی‌شمار و میلیون‌ها منظومه شمسی بگیرد تا سلول کوچک جزء فلان پیکر، فلان جسم و ترکیب ریز شیمیایی - که آن‌قدر نظم در این ترکیب عظیم متنوع و پیچیده وجود دارد که هزاران قانون از آن استنباط کرده‌اند؛ چون وقتی نظم غیرقابل تخلف شد، از آن قوانین تکوینی و بی‌تخلف استفاده می‌شود - ساخته و پرداخته یک فکر و اندیشه و تدبیر و قدرت است و تصادفاً به وجود نیامده است. این اعتقاد امری است که هر ذهن سالم و هر انسان عاقل و صاحب تفکر و دور از شتاب‌زدگی در فکر یا بی‌حوصلگی در تصمیم‌گیری یا پیش‌داوری در قضایا این را قبول می‌کند. نقطه بعدی اینکه این فکر و تدبیر و اندیشه و قدرت عظیم و بی‌نهایت و توصیف‌ناپذیری که این ترکیب عجیب و پیچیده را به وجود آورده، فلان بت ساخته بشر، یا فلان انسان محدود مدعی خدایی، یا فلان سمبل و نماد افسانه‌ای و اسطوره‌ای نیست؛ بلکه ذات واحد مقتدر لایزالی است که ادیان به او «خدا» می‌گویند و او را با آثارش می‌شناسند. بنابراین، هم اثبات این قدرت و اراده و مهندسی پشت سر این هندسه عظیم و پیچیده است؛ هم اثبات اینکه آن مهندس بی‌نظیر و غیرقابل توصیف، این چیزهای کوچک دم‌دست بی‌ارزشی که بشر

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۷۷/۴/۲۱.

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید مبعث ۱۳۷۳/۱۰/۱۰.

یا خودش می‌سازد، یا مثل خودش کسی آن‌ها را می‌سازد، یا از قبیل خودش یک موجود زایل شدنی است، نیست؛ بلکه «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّبُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ»^۱.

همه ادیان در این بخش از جهان‌بینی مشترک‌اند؛ ادیان قدیم، ادیان ابراهیمی، ادیان پیش از ادیان ابراهیمی؛ حتی همین ادیان شرک‌آلود هندی فعلی. اگر کسی وداها را نگاه کند، عرفان توحیدی خالصی در کلمات وداها موج می‌زند که نشان‌دهنده این است که سرمنشأ، سرمنشأ شفاف و زلالی بوده است. بنابراین، توحید رکن اصلی بینش و نگاه و تلقی این اسلامی است^۲.

گستره عبودیت خداوند

عبودیت کامل و بی‌شریک در مقابل پروردگار؛ یعنی عبودیت خدا در کار و عمل فردی، عبودیت در نماز که باید قصد قربت داشته باشد تا عبودیت در ساخت جامعه، در نظام حکومت، نظام زندگی مردم و مناسبات اجتماعی میان مردم بر مبنای عبودیت خدا که این هم تفصیل و شرح فراوانی دارد^۳.

مراتب اطاعت از خداوند متعال

اطاعت از خدای متعال، چند مرتبه دارد، چند مرحله دارد: یک اطاعت، اطاعت موردی است. در مواردی خدای متعال می‌فرماید که این عمل را انجام دهید - ولو این

۱. حشر: ۲۳: «او خدایی است که معبودی جز او نیست، حاکم و مالک اصلی اوست، از هر عیب منزّه است، به کسی یتیم نمی‌کند، امنیت بخش است، مراقب همه چیز است، قدرتمندی شکست‌ناپذیر که با اراده نافذ خود هر امری را اصلاح می‌کند و شایسته عظمت است؛ خداوند منزّه است از آنچه شریک برای او قرار می‌دهند!».

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۹/۱۲.

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۷/۲/۱۸.

مسئله، مسئله شخصی است - مثلاً نماز بخوانید، یا فرض کنید که صوم و زکات و بقیه امور. این یک جور اطاعت است که انسان امر الهی را اطاعت می‌کند، نهی الهی را اطاعت می‌کند.^۱

از این مهم‌تر^۲، اطاعت خطی است. یعنی روش و راه و نقشه‌ای که خدای متعال برای زندگی معین می‌کند؛ این را یک مجموعه‌ای از مردم اطاعت کنند تا این نقشه تحقق پیدا کند. این نقشه با اعمال فردی حاصل نمی‌شود؛ این یک حالت دیگری است، یک مسئله دیگری است، مسئله بالاتری است؛ یک کار جمعی نیاز دارد تا اینکه نقشه الهی، هندسه الهی در وضع جامعه اسلامی تحقق پیدا کند. فرض بفرمایید که در مکه مسلمان‌ها اعمال خودشان را انجام می‌دادند؛ اما جامعه اسلامی در مکه با جامعه اسلامی در مدینه که حکومت اسلامی در آن تشکیل شد، متفاوت است. یک کار جدید، یک حرکت فراتر از حرکات فردی به وجود آمد و لازم است؛ که اگر این تحقق پیدا کرد، آن وقت «لَا تَكُونُوا مِنَ الْفَاسِقِينَ»^۳؛ زندگی خوبی خواهد شد؛ زندگی سعادتمندانه‌ای خواهد شد؛ آثار و برکات و نتایج مطلوبی که بر اطاعت امر الهی مترتب است، بر زندگی مترتب خواهد شد.

نظام اسلامی به انسان‌ها سعادت می‌دهد. نظام اسلامی هم یعنی آن نظامی که مبنی بر هندسه الهی است برای جامعه؛ مبنی بر نقشه خداست در جامعه. اگر این نقشه تحقق پیدا کرد، خیلی از تخلقات فردی و شخصی و جزئی قابل اغماض خواهد بود. روایت معروفی است که نقل حدیث قدسی را می‌کند: «[لَأَعَذِّبَنَّ] إِنْ كَانَتْ كُلُّ رَعِيَّةٍ

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۱۲/۶.

۲. اطاعت موردی.

۳. مائده: ۶۶. «از آسمان و زمین، روزی خواهند خورد».

فِي الْإِسْلَامِ أَطَاعَتْ إِمَامًا جَائِرًا لَيْسَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنْ كَانَتْ الرَّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا بَرَّةً تَقِيَّةً^۱. نقطه مقابلش: «فَلَا عَفْوَنَ عَنْ كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ أَطَاعَتْ إِمَامًا هَادِيًا مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنْ كَانَتْ الرَّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا ظَالِمَةً مُسِيئَةً»^۲. یعنی کار فردی و تخلف فردی در یک نظام عظیم اجتماعی که حرکت عمومی به یک سمت درستی است، قابل اغماض است؛ یا شاید به تعبیر دقیق‌تر، قابل اصلاح است؛ بالاخره می‌تواند این جامعه را، این افراد را به سرمنزل مقصود برساند؛ برخلاف اینکه اگر چنانچه نه اعمال فردی درست بود، اما روابط اجتماعی، نظامات اجتماعی، نظامات غلطی بود، نظامات جایی بود، نظامات از ناحیه خدا نبود، از ناحیه شیطان بود، از ناحیه نفس بود، اعمال فردی نمی‌تواند این جامعه را بالاخره به سرمنزل مقصود برساند؛ آن چیزی که مطلوب شرایع الهی است از سعادت انسان، آن را نمی‌تواند برایشان به وجود بیاورد. بنابراین مسئله اطاعت کلان و اینکه انسان خط الهی را جستجو کند و بیابد و آن را دنبال کند، بسیار اهمیت پیدا می‌کند^۳.

تحقق و اعتلای دین اسلام

ما چشم به روزی داریم که امت مسلمان، یکپارچه و متحد، از همه کشورهای اسلامی، پرچم اسلام را به دست گیرند و اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در مقابل چشم‌های مردم جهان عرضه کنند و شوق و محبت انسان‌ها در همه جای عالم را به سمت آن جلب نمایند. هدف ما این‌هاست. راه ما همان راهی است که امام

۱. محمد بن علی ابن بابویه، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۰۶.

۲. همان.

۳. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۱۲/۶.

بزرگوارمان ترسیم کردند. همسفر ملت ایران در این راه طولانی، دل‌های مشتاق ملت‌های مسلمان دیگر است. در این راه باید اتحادمان را حفظ کنیم و یک آن، هدف‌های متعالی را از چشم دور نداریم.^۱

حرکت اسلام، پیدایش اسلام برای اداره زندگی بشر، این معنا فرق جوهری و معنوی را با همه حرکت‌های دیگر دارد. دنیا و آخرت را می‌خواهد اداره کند، تکامل و تعالی حقیقی انسان را در کنار اداره زندگی روزمره مردم به عهده بگیرد. این، همان معنای امامت است. خود پیغمبر هم به این معنا امام بود که در آن روایت امام باقر علیه السلام در منی، در میان جمعیت، حضرت صدایشان را بلند کردند، فرمودند: «ان رسول الله صلی الله علیه و آله کان هو الامام»؛ پیغمبر امام بود.^۲

{خداوند} می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۳. آن نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم، در ضمن این آیه شریفه است. یعنی می‌فرماید که خدای متعال تصمیم گرفته است دین خود، دین حق، راه درست و صراط مستقیم الهی را بر همه ادیان بشری و همه آنچه که در دست بشر وجود دارد - که حق نیست و باطل است - غلبه دهد؛ چه آنچه که از اصل باطل است و چه آنچه که روزی حق بوده و بعد با تصرف متصرفان و تحریف‌گران، به صورت باطل درآمده است. دین خدا بر همه دین‌ها غلبه خواهد کرد؛ یعنی همه فرهنگ‌های بشری، همه سیستم‌های اقتصادی، همه روش‌های حکومتی و همه

۱. بیانات در مراسم اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام ۱۴/۳/۱۳۶۹.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در روز عید سعید غدیر خم ۸/۱۰/۱۳۸۶.

۳. توبه: ۳۳ و صف: ۹: «او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!».

شیوه‌های زندگی غلط، بالاخره محکوم دین خدا خواهند شد. بگذار چند روز و چند صبحی، به قدر تلاش اصحاب خود و ضعف اصحاب حق جولانی کنند؛ اما در نهایت، دین خدا همه روی زمین را فرا خواهد گرفت و همه انسان‌ها و افراد بشر، از دین خدا بهره‌مند خواهند شد. این، مضمون این آیه شریفه است^۱.

لزوم تحقق کامل دین اسلام

آنچه ما امروز در زبان مستکبرین و مخالفین نظام اسلامی و مشخصاً جمهوری اسلامی مشاهده می‌کنیم که با «تغییر رفتار» از آن یاد می‌کنند - گاهی می‌گویند ما تغییر نظام را نمی‌خواهیم، تغییر رفتار را می‌خواهیم - [همین است]. تغییر رفتار با تغییر نظام هیچ تفاوتی ندارد؛ درست همان است؛ یعنی تغییر آن سیرت اسلامی؛ این معنای تغییر رفتار است. تغییر رفتار یعنی شما از آن چیزهایی که از لوازم قطعی و حتمی حرکت به آن سرمنزل است، دست بردارید؛ از آن کوتاه بیایید و نسبت به آن، اهتمام خودتان را از دست بدهید؛ این معنای تغییر رفتار است؛ یعنی همان چیزی که گاهی از آن در برخی از گفته‌ها و نوشته‌ها تعبیر می‌شود به دین حدّ اقلی؛ یعنی کاستن از آرمان‌ها که به معنای نابودی سیرت دین است. این دین حدّ اقلی یعنی در واقع دین را حذف کردن. حالا در چنین وضعیتی هدف ما این است و خط‌مشی قطعی ما باید این باشد که دنبال اسلام تمام و کامل باشیم؛ یعنی دنبال این باشیم که واقعاً تا آنجایی که در قدرت ما است تلاش کنیم - حالا خدای متعال بیش از آنچه در توان ما و در قدرت ما است، از ما توقع نمی‌کند - اما تلاش ما این باشد و هدف‌گذاری ما این باشد که همه اسلام - اسلام به کامله، بتمامه - در جامعه ما تحقق پیدا کند. وقتی هدف این شد، فوراً یک مسئله‌ای پیش می‌آید و آن مسئله «اسلام‌هراسی» است که امروز در دنیا رایج

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم در صحن امام خمینی علیه السلام مشهد مقدّس رضوی ۱۳۷۶/۱/۱.

است. به نظر من در برابر پدیده اسلام‌هراسی مطلقاً نباید منفعل شد؛ بلکه اسلام‌هراسی وجود دارد؛ عده‌ای دارند مردم را، جوامع را، جوانان را، اذهان را از اسلام می‌ترسانند؛ این‌ها چه کسانی هستند؟ درست که مسئله را می‌شکافیم و در مسئله دقت می‌کنیم، می‌بینیم که این‌ها همان اقلیت قلدر و زیاده‌خواهی هستند که از حاکمیت اسلام می‌ترسند؛ از اسلام سیاسی می‌ترسند؛ از حضور اسلام در متن زندگی جوامع می‌ترسند؛ علت ترسشان هم این است که منافع آن‌ها لطمه خواهد خورد. اسلام‌هراسی در واقع ترجمه هراس و سراسیمگی قدرت‌ها در مقابل اسلام است؛ واقع قضیه این است؛ یعنی شما اینجا زحمت کشیدید، ملت ایران تلاش کردند، زحمت کشیدند، مجاهدت کردند، نظام اسلامی را سر کار آوردند و این نظام اسلامی را تثبیت کردند، پایه‌اش را محکم کردند، آن را در مقابل حوادث گوناگون مصونیت و ایمنی دادند و روزه‌روز قوی کردند؛ این، قلدرهای دنیا را می‌ترساند. اسلام‌هراسی‌ای که امروز وجود دارد، در واقع انعکاس و بازتاب دغدغه آن‌ها است، سراسیمگی آن‌ها است؛ نشان می‌دهد که شما پیش رفتید؛ نشان می‌دهد که اسلام توانسته است حرکت خود را به‌طور موفق‌تر تا اینجا پیش ببرد.^۱

مذموم و مردود بودن دین حدّ اقلی

دین حدّ اقلی و اکتفای به حدّ اقل‌ها، از نظر اسلام قابل قبول نیست؛ ما در معارف خودمان چیزی به‌عنوان دین حدّ اقلی نداریم، بلکه در قرآن کریم در موارد متعدّدی اکتفای به بعضی از تعالیم دینی دون^۲ بعضی، مذمت شده است؛ «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۳/۱۲/۲۱.

۲. منهای

عَظِيمٍ»^۱ یا آیه شریفه «وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ»^۲ که مربوط به منافقین است، اشاره به همین است. حتی برخی از بخش‌های دین که خیلی برجسته است - مثل اقامه قسط - هم کافی نیست که انسان دل خود را خوش کند که ما حالا دنبال اقامه قسطیم و اقامه قسط خواهیم کرد، پس اسلام تحقق پیدا کرد؛ نه این نیست. بلکه مسلماً اقامه قسط در جامعه، یک قلم مهم است.

از این آیه شریفه در سوره مبارکه حدید، «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۳ این جور به نظر می‌رسد در بادی^۴ امر که هدف از ارسال رسل و انزال کتب و معارف الهی، اقامه قسط است که حالا این جمله «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» را هر جور معنا کنیم - چه به این معنا بگیریم که «لِيَقُومَ بِالْقِسْطِ» یعنی «لِيُقِيمَ النَّاسُ الْقِسْطَ» که مثلاً «باء» را «باء تعدیة» بگیریم که این وظیفه مردم است که در محیط زندگی خودشان اقامه قسط کنند؛ یا نه «باء تسیب» که «لِيَقُومَ النَّاسُ بِسَبَبِ الْقِسْطِ»، یعنی با قسط با مردم [رفتار کنیم]؛ هر کدام از این دو معنا یا معانی احتمالی دیگری که وجود دارد، اگر در نظر گرفته بشود - اهمیّت اقامه قسط را در جامعه روشن می‌کند. لکن این بدین معنا نیست که شارع مقدّس از ما قبول می‌کند که ما مثلاً اکتفا کنیم به اقامه قسط و همه همّت خودمان را بگذاریم برای اینکه اقامه قسط بشود، ولو برخی از احکام دیگر اسلام - مثلاً - مورد بی‌توجهی قرار

۱. حجر: ۹۱: «همانا که قرآن را جزء جزء کردند [به برخی از آن عمل کردند و بعضی را رها نمودند].»

۲. نساء: ۱۵۰: «و می‌گویند: ما به بعضی ایمان داریم و بعضی را انکار می‌کنیم.»

۳. حدید: ۲۵: «براستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آن‌ها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند.»

۴. ابتدای.

بگیرد؛ نه آیه شریفه می‌فرماید که «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ»^۱. یعنی انتظاری که خدای متعال از متمکنین در ارض دارد، این‌ها است که اولش «أَقَامُوا الصَّلَاةَ» بعد «وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^۲ [است]. این جور نیست که اگر ما به قسط توجه می‌کنیم، حق داشته باشیم که از اقامه صلوات و اهمّیت دادن به صلوات یا به زکات یا به امر به معروف و نهی از منکر غفلت کنیم، بلکه «أَنْ اِعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^۳ که چندین بار این لفظ و این مضمون در قرآن تکرار شده - نشان می‌دهد که اصلاً خدای متعال پیغمبران را فرستاد برای توحید، برای اجتناب از طاغوت، برای عبودیت خداوند؛ اساس کار این است. یا وصیتی که خدای متعال در آن آیه شریفه سوره شوری، به نوح و به ابراهیم و به موسی و به بقیه کرده است: «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ»^۴؛ آنکه مورد نظر است، اقامه دین است؛ یعنی همه دین را باید اقامه کرد؛ «وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ»^۵؛ یعنی همه دین - همه اجزا و همه ارکان دین - مورد توجه است و معارض اصلی هم در مقابل این حرکت و این رویکرد - یعنی اقامه دین بتمامه،

۱. حج: ۴۱: «همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای

پسندیده و امیدارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند».

۲. همان: «و فرجام همه کارها از آن خدا است».

۳. نحل: ۳۶: «خدا را بپرستید و از طاغوت بپرهیزید».

۴. شوری: ۱۳: «دین را برپا دارید».

۵. همان: «و در آن تفرقه‌اندازی نکنید. بر مشرکان آنچه که ایشان را به سوی آن فرامی‌خوانی، گران می‌آید. خدا

هرکه را بخواهد، به سوی خود برمی‌گزیند و هرکه را که از در توبه درآید، به سوی خود راه می‌نماید».

بجميع اجزائه، بکله - عبارتند از قلدرهای عالم، مستکبران عالم؛ «كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ»؛ آنچه تو به آن دعوت می کنی، برای مشرکین [گران است]؛ یا در آیه شریفه در اول سوره مبارکه احزاب؛ «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا»^۱؛ یعنی هم علیم است خدای متعال که احاطه علمی دارد به تمام اجزا و ذرات عالم و سازوکار زندگی ذرات و هم حکیم است؛ با حکمت، راه تو را در این مجموعه مشخص کرده و باید دنبال کنی. «وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا»* وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا^۲؛ در مقابله با این حرکت تو، دشمنی وجود خواهد داشت؛ بنابراین [قضیه] این است.^۳

عدم عمل به اسلام

امت بزرگ اسلامی در طول قرن‌های متمادی، چالش‌ها و انحراف‌هایی داشته است. ما خود را از اسلام دور کرده و سرگرم چیزهایی کردیم که اسلام ما را از آن برحذر داشته بود. در طول این تاریخ طولانی، سرگرم جنگ‌های داخلی شدیم؛ به وسیله قدرت‌های طاغوتی سرگرم شدیم. نتیجه این شد که امت بزرگ اسلامی در طول قرن‌های متمادی بعد از قرون اولیه اسلام، نتوانست خود را به هدف و غایتی که پیغمبر اسلام و اسلام عزیز برای او پیش‌بینی کرده و در نظر گرفته بود، برساند. با اینکه خدای متعال ثروت‌های مادی زیادی را در کشورهای اسلامی ذخیره کرده و

۱. همان: «بر مشرکان آنچه که ایشان را به سوی آن فرا می‌خوانی، گران می‌آید».

۲. احزاب: ۱: «ای پیامبر، از خدا پروا بدار و کافران و منافقان را فرمان مبر که خدا همواره دانای حکیم است».

۳. همان: ۲ و ۳: «و آنچه را که از جانب پروردگارت به سوی تو وحی می‌شود، پیروی کن که خدا همواره به آنچه می‌کنی آگاه است؛ و بر خدا اعتماد کن، همین بس که خدا نگهدار [تو] است».

۴. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۱۳۹۳/۱۲/۲۱.

می‌توانست وسیله پیشرفت ما باشد، اما در علم و صنعت و بسیاری از شاخص‌های پیشرفت، جزو بخش‌های عقب‌افتاده عالم شدیم. این چیزی نبود که اسلام برای ما مقدر کرده بود؛ این چیزی بود که عمل بد و رفتار و غفلت ما مسلمانان برای ما پیش آورده بود: «مَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ»^۱؛ ما بودیم که بر اثر غفلت‌هایمان در طول زمان، خود را به این وضعیت دچار کردیم.^۲

تحقق جامعه اسلامی و تمدن اسلامی

ما ملت مسلمانی هستیم. این ملت، با اراده راسخ عمومی توانسته است یک نظام مطابق با ایمان و اعتقاد خود را در این کشور سر کار بیاورد. هدف این نظام چیست؟ هدف این ملت چه بود؟ هدف این بود که این کشور با این نظام بتواند از همه خوبی‌ها و پیشرفت‌ها و خیرات و برکاتی که خدای متعال به ملت‌های مؤمن وعده داده است، برخوردار شود؛ یعنی یک کشور اسلامی بشود. کشور اسلامی یعنی کشوری که اسلام حیات‌بخش، اسلام نشاط‌آور، اسلام تحرک‌آفرین، اسلام بدون کج‌اندیشی و تحجر و انحراف، اسلام بدون التقاط، اسلام شجاعت‌بخش به انسان‌ها و اسلام هدایت‌کننده انسان‌ها به سوی علم و دانش بر آن حاکم است؛ اسلامی که با همان شکلی که در قرن اول اسلامی به آن عمل شد، توانست یک مجموعه پراکنده را به اوج تمدن تاریخی و جهانی برساند و تمدن و دانش او بر دنیا سیطره پیدا کند. سیطره و تسلط علمی به دنبال خود عزت سیاسی هم می‌آورد؛ رفاه اقتصادی هم می‌آورد؛ فضایل اخلاقی هم می‌آورد؛ اگر کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی شود.^۳ راه دیگر این است که امت اسلامی در همان غفلتی که دشمنان اسلام خواسته‌اند،

۱. نساء: ۷۹: «آنچه از بدی به تو می‌رسد، از سوی خود توست».

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت سالروز هفدهم ربیع‌الاول ۱۳۸۲/۲/۲۹.

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۴/۵/۲۸.

بماند؛ در همان غفلت بمانیم و دچار اختلافات، تنگ‌نظری‌ها، خودخواهی‌ها و دنیاطلبی و بی‌مسئولیتی نخبگان شویم؛ و اگر این‌طور شود، مسیر سعادت دنیای اسلامی حداقل ده‌ها سال دیگر از دسترس امت اسلامی دور خواهد ماند؛ خاصیت این زمان ما این‌طور است؛ روز انتخاب امت اسلامی است. درست است که حرکت در راه رشد و صواب، یک امر دفعی نیست - تدریجاً و در میان‌مدت و بلندمدت نتیجه می‌دهد - اما حرکت ره‌نمایانه نخبگان و مسئولان و تصمیم‌گیری آن‌ها در همه دنیای اسلام، هر روز که تأخیر بیفتد، به ضرر امت اسلامی خواهد بود؛ همه باید احساس مسئولیت بکنند. ما باید بیدار شویم؛ ما باید امروز بفهمیم که تصمیم ما، سرنوشت تاریخی دنیای اسلام را تعیین می‌کند. البته این تصمیم، فقط مربوط به شخص خود ما و امروز خود ما نیست. امروز هیچ راهی در مقابل امت اسلامی وجود ندارد، مگر اینکه به قدرت خود ایمان بیاورد و از ادامه انظلام پرهیز کند و تصمیم بگیرد زیر بار زورگویی نرود. ما ملت‌های اسلامی را دعوت نمی‌کنیم به اینکه شمشیر به دست بگیرند و با کشورهای دنیا جنگ کنند؛ ما آن‌ها را توصیه می‌کنیم به اینکه حق خود، قدر خود، عزت خود، عزت ملت‌های خود، تاریخ و میراث ارزشمند خود را بشناسند، قدر آن را بدانند و به آن تکیه کنند؛ اجازه ندهند که دنیای کفر و استکبار - که امروز در مشت صهیونیست‌هاست - آن‌ها را تحقیر کند؛ این حرف ماست. «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ»^۱؛ سختی شما و سختی دنیای اسلام و ملت اسلامی، بر پیغمبر سخت است. «حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ»^۲؛ می‌خواهد شما هدایت شوید؛ می‌خواهد شما سعادت‌مند شوید و می‌خواهد شما از این صراط مستقیم

۱. توبه: ۱۲۸: «بر او دشوار است شما در رنج بیفتید».

۲. همان: «به [هدایت] شما حریص».

الهی - که برای سعادت دنیا و آخرت، پیش پای شما گذاشته است - استفاده کنید و پیش بروید؛ پیغمبر این را از ما می‌خواهد^۱.

امت اسلامی یک مجموعه و یک واحد بزرگ و زنده است؛ اهدافی دارد، آرمان‌هایی دارد. این اهداف و آرمان‌ها مخصوص یک ملت یا یک کشور امت اسلامی نیست؛ آرمان‌های مشترک دنیای اسلام است. برای اینکه این آرمان‌ها زنده بشود و تحقیق پیدا کند، ما باید به هم نزدیک بشویم. دولت‌های اسلامی وسیله نزدیکی ملت‌هاشان می‌شوند و ملت‌ها با هم وقتی نزدیک شدند، تجربیات خود را، روحیات خود را، خلیقات خود را با هم تبادل می‌کنند و در نتیجه آنچه به دست امت اسلامی خواهد آمد، چیز بسیار ارزشمند و بزرگی خواهد بود^۲.

داعیه ما ایجاد تمدنی است متکی به معنویت، متکی به خدا، متکی به وحی الهی، متکی به تعلیم الهی، متکی به هدایت الهی. امروز اگر یک چنین تمدنی را ملت‌های اسلامی - که بحمدالله بسیاری از ملت‌های اسلامی بیدار شده‌اند و به پا خاسته‌اند - بتوانند پایه‌گذاری کنند، بشر سعادت‌مند خواهد شد. داعیه جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی این است؛ ما دنبال یک چنین تمدنی هستیم. این را شما جوان‌های عزیز به خاطر بسپارید، این را شاخص و معیار قرار بدهید^۳.

ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم - بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ اینجور بگوییم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن

۱. بیانات در سالروز میلاد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و امام جعفر صادق علیه السلام ۱۳۸۵/۱/۲۷.

۲. بیانات در دیدار رؤسای قضایی کشورهای اسلامی ۱۳۸۶/۹/۱۴.

۳. بیانات در محفل انس با قرآن ۱۳۹۱/۴/۳۱.

نوین اسلامی است!^۱.

مراحل تحقق تمدن اسلامی

یک زنجیره منطقی وجود دارد. پیش‌ها این را گفتیم، بحث شده. حلقه اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است. این یک زنجیره مستمری است که به هم مرتبط است.^۲

ما می‌خواهیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدف‌ها را در آن محقق کرد، به‌وجود آوریم. این یک فرآیند طولانی و دشواری دارد و شروع از انقلاب اسلامی است. البته انقلاب که می‌گوییم، حتماً به معنای زد و خورد و شلوغ کاری و امثال این‌ها نیست؛ برخلاف آن برداشت‌هایی است که می‌بینیم در بعضی از نوشته‌ها خوششان می‌آید با کلمه انقلاب بازی کنند! گاهی می‌خواهند انقلاب را به معنای شورش، اغتشاش، بی‌نظمی و بی‌سامانی وانمود کنند و بگویند ما انقلاب نمی‌خواهیم؛ یعنی انقلاب چیز بدی است! این برداشت‌های غلط از انقلاب است. انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی. البته این دگرگونی بنیادی در اغلب موارد بدون چالش‌های دشوار و بدون زورآزمایی، امکان‌پذیر نیست؛ اما معنایش این نیست که در انقلاب حتماً بایستی اغتشاش و شورش و امثال این‌ها باشد؛ نه ولی هر شورش و هر اغتشاش و هر تهیج عام و توده‌ای هم معنایش انقلاب نیست؛ هر تحولی هم معنایش انقلاب نیست؛ انقلاب آن‌جایی است که پایه‌های غلطی برچیده می‌شود و

۱. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳.

۲. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴.

پایه‌های درستی به جای آن گذاشته می‌شود. این قدم اول است.^۱
 قدم اول که پُرهیجان‌تر و پُرسروصداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است. کار
 آسانی نبود؛ لیکن این آسان‌ترین است.^۲

انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام
 اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. مثل اینکه
 وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته برداشته شد،
 به جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی‌گزینشی جایگزین می‌شود؛ با همین شکل کلی
 که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدا می‌کند؛ یعنی نظام اسلامی.^۳ ترتب
 نظام اسلامی بر انقلاب اسلامی است؛ یعنی ایجاد نظام اسلامی، که گفتیم نظام
 اسلامی، یعنی هندسه عمومی جامعه، اسلامی بشود؛ که این هم شد.^۴

منظور من در اینجا از نظام اسلامی، یعنی آن هویت کلی که تعریف مشخصی
 دارد که کشور، ملت و صاحبان انقلاب - که مردم هستند - آن را انتخاب می‌کنند.
 در مورد ما، مردم ما انتخاب کردند: جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی یعنی نظامی
 که در آن، مردم‌سالاری از اسلام گرفته شده است و با ارزش‌های اسلامی همراه است.
 ما از این حلقه هم عبور کردیم.^۵

بعد از آنکه نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی
 می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان - یعنی ماها - به گونه

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۹/۱۲.

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۰/۹/۲۱.

۳. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۹/۱۲.

۴. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۰/۹/۲۱.

۵. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴.

اسلامی؛ چون این در وهله اول فراهم نیست؛ به تدریج و با تلاش باید به وجود آید. مسئولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسئول دولت اسلامی است، تطبیق کنند. یا چنان افرادی - اگر هستند - سر کار بیایند؛ یا اگر ناقص‌اند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند. این مرحله سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می‌کنیم. نظام اسلامی قبلاً آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود. دولت به معنای عام، نه به معنای هیأت وزرا؛ یعنی قوای سه‌گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه^۱. دولت نه به معنای هیأت وزیران؛ یعنی مجموعه کارگزاران حکومت؛ یعنی من و شما. ما باید به معنای واقعی کلمه، در درون این نظام اسلامی، اسلامی شویم. این مشکل‌تر از مراحل قبلی است^۲.

منظور از دولت اسلامی این است که بر اساس آنچه که در دوره تعیین نظام اسلامی به وجود آمد، یک قانون اساسی درست شد. نهادها و بنیان‌های اداره کشور و مدیریت کشور معین شد. این مجموعه نهادهای مدیریتی، دولت اسلامی است. در اینجا منظور از دولت، فقط قوه مجریه نیست؛ یعنی مجموع دستگاه‌های مدیریتی کشور که اداره یک کشور را برعهده دارند. نظامات گوناگون اداره‌کننده کشور^۳.

مرحله چهارم - که بعد از این است - کشور اسلامی است. اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن‌گاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر به تدریج ریشه‌کن می‌شود؛ عزت حقیقی برای مردم به وجود می‌آید؛ جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقاء پیدا

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۹/۱۲.

۲. بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۹/۲۱.

۳. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴.

می‌کند؛ این می‌شود کشور اسلامی^۱. مرحله تالائو و تشعشع نظام اسلامی است؛ یعنی مرحله ایجاد کشور اسلامی. اگر این مرحله به‌وجود آمد، آن وقت برای مسلمان‌های عالم، الگو و اسوه می‌شویم: «لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»^{۲،۳}. از این مرحله^۴ که عبور کنیم، بعد از آن، دنیای اسلامی است. از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به‌وجود می‌آید^۵. وقتی یک چنین جامعه‌ای به‌وجود آمد، زمینه برای ایجاد امت اسلامی، یعنی گسترش این جامعه هم به‌وجود خواهد آمد^۶.

دفاع و پاسداری از اسلام

مسلمانان باید در دفاع از اسلام جدی‌تر باشند و خودشان را به معنای واقعی کلمه، سرباز اسلام بدانند و به مقتضای این سربازی، عمل کنند. بلاشک، دشمن نخواهد توانست در مقابل حرکت عمومی مسلمین کاری بکند و اسلام و مسلمینی که برای دفاع از اسلام تصمیم گرفته باشند و قیام بکنند، قطعاً پیروز خواهند شد^۷. البته وظیفه آحاد مسلمین هم هست که در حد توان، از قدرت و شوکت اسلام دفاع کنند؛ این نمونه‌ای است که تحقق پیدا کرده است^۸.

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۹/۱۲.

۲. بقره: ۱۴۳: «تا بر مردم گواه باشید».

۳. بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۹/۲۱.

۴. مرحله چهارم، کشور اسلامی.

۵. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۹/۱۲.

۶. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴.

۷. بیانات در دیدار با شرکت‌کنندگان در اولین کنفرانس اسلامی فلسطین ۱۳۶۹/۹/۱۳.

۸. گفت و شنود با میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم دهه فجر ۱۳۷۰/۱۱/۱۴.

این انقلاب، حجت را بر همه مسلمانان جهان تمام کرد. این انقلاب و شجره طیبه جمهوری اسلامی در این سرزمین، نشان داد که اقتدار و هیمنه و خشونت خداوندان زر و زور نمی‌تواند بر اراده قاهر ملت‌های برخوردار از آگاهی و صبر و خلوص و فداکاری غلبه کند و در مبارزه ناگزیر میان حرکت اسلامی و دشمنان ثروتمند و مسلح اسلام، پیروزی با اسلام است. البته با رعایت آن شروط، از هیچ‌کس این عذر پذیرفته نیست که از ترس خشونت و قدرت دشمن، از دفاع از اسلام و تلاش برای حاکمیت اسلام دست بکشد.^۱

همین اندازه به شما بگویم که امروز در سطح عالم، آن ملت و دولتی که شجاعانه و با کمال قدرت، مواضع و اعتقادات خود را یکپارچه بیان می‌کند، شما ملت ایران هستید؛ ملت‌های دیگر یا این یکپارچگی را ندارند - که ندارند - یا این فکر در میان آن‌ها عمومیت ندارد، یا با مسئولان‌شان هماهنگ نیستند و یک حرف را نمی‌زنند و یک‌طور فکر نمی‌کنند. البته ممکن است در گوشه و کنار کسانی پیدا بشوند و سخن حقی را بیان کنند؛ اما این با وضع ملت ایران متفاوت است. این از اختصاصات شما ملت بزرگ و شجاع است که می‌توانید در زیر سایه جمهوری اسلامی - یعنی در زیر سایه ولی‌عصر (ارواح‌نافته) - از قرآن‌تان، از اسلام‌تان، از مقدسات‌تان، از عفاف و عفت‌تان و از ارزش‌های اسلامی‌تان با همه وجود دفاع کنید.^۲

بعضی‌ها خیال می‌کنند وقتی ما می‌گوییم «اسلام» و «ایمان»، یعنی چشمانمان را ببندیم، همه کس را نفی کنیم، در مقابل هر حرف و فکری با اخم فراوان وارد بشویم؛ مثل بعضی از این منحرف‌هایی که در افغانستان دیدید و امروز در مجموعه شبکه تروریستی عراق، خودشان را نشان می‌دهند و همه دنیای اسلام را خارج از اسلام

۱. پیام به کنفرانس اندیشه اسلامی ۱۳۷۰/۱۱/۱۵.

۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

می‌دانند! اخم‌ها درهم و چشم‌ها بسته است و شمشیرها عریان را دور سرشان می‌چرخانند و ملت‌ها را به خاک و خون می‌کشند؛ آن روش، روش ما نیست.

ایران اسلامی پرچم خودش را دارد. ما کسی مثل امام را با آن افکار نو، روشن و با آن نوآوری در همه بخش‌ها، حتی در فقه داریم؛ این که شما می‌بینید اسلامی که ایران اسلامی عرضه می‌کند، مثل قند در کام ملت‌ها شیرین می‌آید و همه‌جا پخش می‌شود، علتش این است. استعداد، ذوق، فهم و حکمت ایرانی وقتی در کار حلاجی و فهم دین می‌افتد، این ثمرات خوب را پدید می‌آورد. هویت اسلامی و دینی و پابندی به آن، یعنی این^۱.

یک پیام به استکبار جهانی: استکبار جهانی بداند که این ملت فولاد آبدیده است. زن و مرد این کشور و این مرز و بوم، جوان و پیر این میهن بزرگ اسلامی و نسل‌های پی‌درپی از این ملت بزرگ، که در کوره‌های حوادث آبدیده شده‌اند، برای خودشان یک رسالت قائل‌اند؛ رسالت پاسداری از اسلام و پرچم برافراشته اسلام در این سرزمین؛ که امروز یک‌ونیم میلیارد مسلمان در مناطق مختلف دنیا به این پرچم چشم دوخته‌اند؛ این عمق راهبردی ملت و انقلاب ما در کشورهای اسلامی منطقه است؛ در فلسطین است، در شمال آفریقا است، در خاورمیانه است، در آسیای میانه است و در شبه قاره است؛ این‌ها عمق راهبردی ملت ایران است^۲.

عدالت خواهی و ظلم ستیزی

امروز مهمترین حرف نظام اسلامی عدالت است. امروز ما می‌خواهیم عدالت اجرا

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۵/۳/۲۹.

۲. بیانات در اجتماع مردم دشت آزادگان، سوسنگرد، بستان، حمیدیه و هویزه و کاروان‌های راهیان نور، در منطقه دهلاویه ۱۳۸۵/۱/۵.

شود. همه تلاش‌ها و مجاهدت‌ها برای این است که در جامعه عدالت تأمین شود؛ که اگر عدالت تأمین شد، حقوق انسان و کرامت بشری هم تأمین می‌شود و انسان‌ها به حقوق و آزادی خود هم می‌رسند. بنابراین عدالت محور همه چیز است. شما ببینید انتظار حجت قائم ارواح‌فداه که انتظار دیرپای همیشگی شیعه بوده، در درجه اول برای این بوده است که عدالت در دنیا استقرار پیدا کند: «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»^۱. همه چیز بعد از عدالت است. آرزوی دیرین انسان‌های مظلوم در سرتاسر تاریخ هم عدالت بوده است. ما امروز نظامی داریم که می‌خواهد دنبال عدالت باشد؛ این هدف و شعار ماست. باید راه را درست انتخاب کنیم^۲.

یک اصل بر تفکر ما مسلمان‌ها حاکم است که آن اصلِ نفرت از ظلم و ظالم و مقابله با ظلم و ظالم در هر جای دنیاست^۳. ملت ما هم یک ملت مبارز است؛ اما این مبارزه‌جویی ملت ما، علیه ظلم، تبعیض و تحمیل است. این مبارزه‌جویی به هیچ‌وجه در راه دخالت در امور کشورهای دیگر نیست^۴.

امروز ما مدعی پیروی از امیرالمؤمنین عليه السلام هستیم. البته علی بن ابی طالب مخصوص شیعه نیست؛ دنیای اسلام برای علی شأن و عظمت قائل است و او را امام خود می‌داند. تفاوتی که وجود دارد، این است که در مقام تطبیق با گفتار و کردار دیگران، ما هر فعل و ترک آن بزرگوار را به‌خاطر عصمتش برای خود حجت می‌دانیم. این

۱. کمال‌الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۳۷۷؛ کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثني عشر، علی بن محمد

خزاز قمی، ص ۲۸۰؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۵۱، ص ۱۵۶.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۲/۸/۲۳.

۳. بیانات در آستانه سالروز تسخیر لانه جاسوسی امریکا و روز ملی مبارزه با استکبار ۱۳۷۳/۸/۱۱.

۴. بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمته الله در مرقده مطهر ۱۳۷۴/۳/۱۴.

خصوصیت شیعه است. بنابراین ما به عنوان شیعه باید این درس را به یاد داشته باشیم که عدالت قابل اغماض و قابل معامله نیست و هیچ‌یک از مصالح گوناگون - نه مصالح فردی و نه مصالح حکومت و کشور اسلامی - نمی‌تواند با عدالت معامله شود. امیرالمؤمنین به خاطر عدالت این مشکلات را متحمل شد و عقب‌نشینی نکرد^۱. البته دنبال عدالت بودن، هزینه‌ها و دردسرهایی دارد و موجب دشمنی قشرهایی هم می‌شود. امیرالمؤمنین در نامه خود به مالک اشتر متعرض همین معنا می‌شوند و می‌گویند: «آن‌جایی که امر دایر شد بین توده مردم - آن‌هایی که محتاج عدالت تو هستند - با خواص و مجموعه‌های کوچک و بهره‌مند و ممتاز جامعه، حتماً توده مردم را ترجیح بده»^۲ امروز این معنا باید شعار ما باشد و معیار درستی کار ما محسوب شود و برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها و عملکردهای ما به دنبال این قضیه باشد. البته عدالت چیزی است که آسان بر زبان جاری می‌شود؛ اما آسان به دست نمی‌آید. برنامه‌ریزی‌های بلندمدت لازم دارد. باید این برنامه‌ریزی‌ها را بکنیم و چشم‌انداز خود را چشم‌انداز عادلانه قرار دهیم؛ چیزی باشد که ما را به عدالت نزدیک کند. این وظیفه ماست و امروز درس امیرالمؤمنین علیه‌السلام برای ما بیش از همیشه همین نکته است.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام به خاطر همین عظمت‌ها و تراکم همین ارزش‌های ممتاز در وجود مبارکش، ضربت خورد و این فاجعه بزرگ انسانی به وسیله انسان‌های شقی و گمراه، نسبت به آن بزرگواری به وجود آمد. خون امیرالمؤمنین هم ثارالله دانسته شده است. شما به امام حسین علیه‌السلام می‌گویید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَ ابْنَ ثَارِهِ»^۳ فقط

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۲/۸/۲۳.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۷۶.

خون امام حسین علیه السلام خداست؛ خون امیرالمؤمنین علیه السلام هم ثارالله است؛ یعنی خونخواه و صاحب این خون، خدای متعال است.^۱

مظهر عدل پروردگار، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و می دانیم که بزرگترین خصوصیت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - که در دعاها و زیارات و روایات آمده است - عدالت می باشد: «یملأ الله به الأرض قسطاً و عدلاً»^۲. ما باید امروز جامعه را جامعه عدالت بکنیم. در بنای یک جامعه، عدالت از همه چیز مهم تر است. عدالت، به معنای عدم تبعیض در حقوق و حدود و احکام است. عدالت، یعنی کمک به مردم محروم و ضعیف. عدالت، یعنی اینکه برنامه ها و حرکت کلی کشور، در جهت تأمین زندگی مستضعفان باشد. عدالت، به معنای این است که کسانی که در زیر سایه سنگین نظام طاغوتی، از حقوق خود محروم ماندند، به حقوق شان برسند. عدالت، یعنی اینکه عده خاصی برای خودشان حق ویژه ای قائل نباشند. عدالت، یعنی اینکه حقوق انسانی و اجتماعی و عمومی و حدود الهی، یکسان بر مردم اجرا شود. اگر جلوی کسانی که با تکیه بر فریب و زور و یا بر اساس کارهای ناصحیح و مبتنی بر عقل های مادی و منحرف از معنویت، توانستند به چیزهایی که حق آنها نبوده است، دست پیدا کنند، گرفته شود تا فرصتی برای ادامه کار خود پیدا نکنند، عدالت تحقق پیدا کرده است.

البته، کمک به مظلومان و محرومان، شامل کمک های فردی هم می شود، اما قضیه بالاتر از این هاست؛ زیرا تحقق زندگی عادلانه به این است که کمک نظام و تشکیلات و

۱. بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران ۱۳۸۲/۸/۲۳.

۲. محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب نعمانی، الغیبه، ص ۵.

حرکت آن، در جهت کمک به مستضعفان باشد. ما اگر در این جهت، زندگی خود را پیش بردیم و حرکت کردیم، مطمئناً خدای متعال کمک خواهد کرد و قدرت‌های مادی نخواهند توانست با این ترفندها و فریب‌ها، ملت ما را از راه پُرافتخار خود منصرف کنند و مقاومتش را بگیرند. ان‌شاءالله روزیبه‌روز مقاومت مردم بیشتر خواهد شد.^۱

تا وقتی ندای عدالت هست و از حلقوم نیرومند ملت ایران به عنوان سخن اصلی انقلاب خارج می‌شود، باید بدانیم که دشمنان عدالت در کمین‌اند. تا وقتی اعتراض به تعدی‌ها و تجاوزهای قدرت‌های حاکم در سطح بین‌المللی وجود دارد، باید بدانیم قدرت‌هایی که از وضع جهانی امروز منتفع هستند، ناراحتند و مترصدند که ضربه بزنند.

این انقلاب، به همه بدی‌ها در سطح ارتباطات جهانی و روابط میان ملت‌ها، پیشانی گره کرده و روی ترش نشان داده و به همه قدرت‌های ظالم و متعرض، «نه» گفته است. این انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، به بی‌عدالتی‌هایی که امروز در سطح جهان رایج است و به نظامی که این بی‌عدالتی‌ها را در خود دارد، اعتراض کرده و معترض خواهد ماند. برای همین است که در هر نقطه‌ای از دنیا، آحاد مردمی که از این انقلاب اطلاعی دارند، وقتی از نام انقلاب و رهبر کبیر آن و پاسداران جان‌برکف انقلاب - یعنی ملت بزرگ ما - سخنی به میان می‌آید، با احترام و تجلیل آن‌ها روبه‌رو می‌شویم. ما این را شاهد بوده‌ایم و می‌دانیم. این، به خاطر آن است که انقلاب اسلامی ایران و این نظام مقدس الهی، از حقوق مظلومان دفاع کرده است. ما باید قوی باشیم تا امید در دل ملت‌ها باقی بماند.^۲

۱. بیانات در دیدار با مسئولان و کارکنان وزارتخانه‌های بازرگانی، کشاورزی، اطلاعات و پست و تلگراف و تلفن، مسئولان بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان و جانبازان و بنیاد مسکن، مسئولان عقیدتی، سیاسی و فرماندهان نواحی ژاندارمری سراسر کشور و جمعی از خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۲. بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی دانشجویان دانشگاه نیروی دریایی نوشهر ۱۳۶۹/۲/۲۲.

ویژگی‌های عدالت

عدالت در بنیان عالم و آفرینش، نقش اساسی دارد؛ یعنی سنت آفرینش، عدل است و هر نظام اجتماعی اگر به دنبال این سنت طبیعی و قانون الهی آفرینش حرکت کرد، ماندگار و موفق و کامیاب است. انسان زمانی کامیاب است که خود را با قوانین آفرینش و سنت‌های الهی - که تغییر و تبدل‌ناپذیر است - تطبیق دهد. بنابراین، بنابر دیدگاه الهی، در مجموع آفرینش، عدالت یک ریشه تکوینی و طبیعی دارد.^۱

عدالت و عدل، مهم‌ترین ارزش در جامعه است: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»^۲؛ آسمان و زمین به عدالت وابسته است؛ نظام اجتماعی هم به عدالت وابسته است. اگر عدالت نباشد، هیچ چیز در جامعه نیست. در یک جامعه آزاد - حتی آزاد به همان سبک امریکایی - اگر عدالت نباشد - که در آن‌جاها نیست و همان آزادی هم به نفع یک طبقه و علیه یک طبقه خواهد بود - چند نفر سفیدپوست یک نفر سیاه‌پوست معلول را از روی ویلچر برمی‌دارند و به اتومبیل خودشان می‌بندند، به بیابان‌ها می‌برند و روی زمین می‌کشند! بالاخره آزادی است دیگر! عدالت که نباشد، امنیت هم در خدمت طبقه مرفه و برخوردار و سوءاستفاده‌چی است. اگر عدالت نباشد، همه خیرات به یک طرف می‌رود.^۳

انبیاء نجات‌دهندگان انسان‌اند؛ لذا در قرآن، یک هدف بزرگ نبوت‌ها و رسالت‌ها، اقامه عدل معرفی شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ

۱. بیانات در دیدار مسئولان قوه قضاییه، خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از قضات ۱۳۸۰/۴/۷.

۲. محمد بن زین الدین ابن ابی جمهور، عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة؛ ج ۴؛ ص ۱۰۳.

۳. بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی کشور و خانواده‌های شهدای هفتم تیر ۱۳۷۷/۴/۷.

المِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۱. اصلاً انزال کتاب‌های الهی و ارسال رسل برای این بوده است که قسط و عدل در میان جوامع حاکم شود؛ یعنی نمادهای ظلم و زورگویی و فساد از میان برخیزد. حرکت امام حسین علیه السلام، چنین حرکتی بود. فرمود: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لَطَلَبِ الْأَصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي»^۲. همچنین فرمود: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرَامِ اللَّهِ أَوْ تَارِكًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالَفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ فَعَمَلٌ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ثُمَّ لَمْ يَغْيِرْ عَلَيْهِ بِقَوْلٍ وَلَا فِعْلٍ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ»^۳؛ یعنی اگر کسی کانون فساد و ظلم را ببیند و بی تفاوت بنشیند، در نزد خدای متعال با او هم‌سرنوشت است. فرمود: من برای گردن‌کشی و تفرعن حرکت نکردم. دعوت مردم عراق از امام حسین علیه السلام برای این بود که برود و حکومت کند؛ امام هم به همین دعوت پاسخ دادند. یعنی چنین نیست که امام حسین علیه السلام به فکر حکومت نبود، امام حسین علیه السلام به فکر سرکوب کردن قدرت‌های طاغوتی بود؛ چه با گرفتن حکومت و چه با شهادت و دادن خون.

امام حسین علیه السلام می‌دانست که اگر این حرکت را نکند، این امضای او، این سکوت او، این سکون او، چه بر سر اسلام خواهد آورد. وقتی قدرتی همه امکانات جوامع و یا یک جامعه را در اختیار دارد و راه طغیان پیش می‌گیرد و جلو می‌رود، اگر مردان و داعیه‌داران حق در مقابل او اظهار وجود نکنند و حرکت او را تخطئه نکنند، با این عمل، کار او را امضا کرده‌اند؛ یعنی ظلم به امضای اهل حق می‌رسد، بدون اینکه خودشان خواسته باشند. این گناهی بود که آن روز بزرگان و آقازادگان بنی‌هاشم و

۱. حدید: ۲۵: «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و می‌زان (شناسایی حق) از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند».

۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

۳. احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۴۴.

فرزندان سردمداران بزرگ صدر اسلام مرتکب شدند. امام حسین علیه السلام این را بر نمی تافت؛ لذا قیام کرد^۱.

عدالت فقط عدالت در مسائل اقتصادی نیست، یک بخش عمده اش مسئله اقتصاد است. در قضاوت ها، در داورى ها، در نگاه ها، در نظرها، در اظهارات، در موضع گیری ها، همه بایستی شاخص عدالت را در نظر داشته باشیم^۲.

در قلمرو حیات اجتماعی، چیزی که به عنوان هدف معین شده است، عدالت اجتماعی است. «لِيُقَوْمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۳. «قسط» با «عدل» فرق می کند. عدل یک معنای عام است. عدل همان معنای والا و برجسته ای است که در زندگی شخصی و عمومی و جسم و جان و سنگ و چوب و همه حوادث دنیا وجود دارد. یعنی یک موازنه صحیح. عدل این است. یعنی رفتار صحیح؛ موازنه صحیح؛ معتدل بودن و به سمت عیب و خروج از حد نرفتن. این، معنای عدل است. لکن قسط، آن طور که انسان می فهمد، همین عدل در مناسبات اجتماعی است. یعنی آن چیزی که ما امروز از آن به «عدالت اجتماعی» تعبیر می کنیم. این، غیر از آن عدل به معنای کلی است^۴.

شروط تحقق عدالت

بدون معنویت و بدون عقلانیت، عدالت تحقق پیدا نمی کند؛ این را قبلاً هم عرض کرده ایم. اگر معنویت نشد، عدالت تبدیل می شود به ظاهر سازی و ریاکاری؛ اگر عقلانیت نشد، عدالت اصلاً تحقق پیدا نمی کند و آن چیزی که انسان تصور می کند

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۱۲/۲۷.

۲. بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۶/۱۸۱۳۸۸.

۳. حدید: ۲۵: «تا مردم قیام به عدالت کنند».

۴. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید مبعث ۱۳۷۱/۱۱/۱.

توانند ثروتی را که حق همگان است، به سود خود مصادره کنند. این یک وظیفه دولتی و حکومتی است؛ اما مردم هم به نوبه خود وظیفه سنگینی بر دوش دارند. اجرای برنامه‌های اجتماعی فقط در بلندمدت و میان‌مدت و به تدریج امکان‌پذیر است؛ اما نمی‌شود منتظر ماند تا برنامه‌های اجتماعی به ثمر برسد و شاهد محرومیت محرومان و فقر گرسنگان در جامعه بود. این وظیفه خود مردم و همه کسانی است که می‌توانند در این راه تلاش کنند.^۱

سیاست «نه شرقی و نه غربی»، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از وحدت و حرکت امت بزرگ اسلامی و فایق آمدن بر عوامل اختلاف و دوگانگی مسلمین در سطح جهان و مجاهدت برای ایجاد مدینه فاضله اسلامی و تکیه بر جانب‌داری از قشرهای محروم و کوخ‌نشین و به کار گرفتن همه عوامل و امکانات برای بازسازی کشور در سطح داخلی کشور، خطوط اصلی برنامه‌های ماست. هدف اصلی از این همه، زنده کردن دوباره اسلام و بازگشت به ارزش‌های قرآن است و ما یک سر مو از این هدف عقب نخواهیم نشست.^۲

ما برای مقابله با توطئه‌های استکبار، نسبت به این کشور و این منطقه و همه ملت‌های مستضعف، وظایف و تکالیف بسیاری داریم که باید آن‌ها را انجام بدهیم.^۳ ما هر مقداری که بتوانیم از مظلوم حمایت می‌کنیم و هر مقداری که توانایی‌های ما و وسع ما باشد وظیفه ما است؛ اسلام به ما گفته است که «كُنْ لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَّ لِلْمَظْلُومِ

۱. بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۸۱/۹/۱۵.

۲. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۶۸/۴/۱۴.

۳. بیانات در دیدار با فضلا، طلاب و اقشار مختلف مردم قم ۱۳۶۹/۱۰/۱۹.

عونا»^۱ - این سفارش امیرالمؤمنین است - ما نمی‌گوییم «أَنْصُرُ أَحَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا» - این شعار جاهلی است؛ می‌گفتند اگر برادرت ظالم هم هست یا مظلوم است، باید از او دفاع کنی و حمایت کنی - قرآن این را نمی‌گوید؛ معرفت اسلامی این را منع می‌کند. نخیر؛ ظالم هر کسی بود باید با او مقابله کرد و جلوی ظلم او را گرفت؛ مظلوم هر کسی هست باید از او حمایت کرد.^۲

دفاع از حق و حقیقت

حق چیست؟ حق آن چیزی است که بنای خلقت بر آن است. «مَا خَلَقْنَا هُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ»^۳ حق، مبنای آفرینش الهی است؛ یعنی همان چیزی که باید باشد و همان چیزی که همه مجاهدت‌های مجاهدان عظیم تاریخ و عالم، برای رسیدن به آن است. حق، موضوع بسیار مهمی است. همان چیزی که اگر شناخته و تبعیت شود و تحقق پیدا کند، هیچ نادرستی، نامطلوبی و ناسزاواری در عالم نخواهد بود. به هر اندازه که تحقق پیدا کند، این طور خواهد شد.^۴

بنای حق باید مرتفع باشد. گمان نکنید که اگر باطل به خاطر زوال‌پذیریش از بین رفت، حق به خودی خود و بدون تلاش، در دنیا عَلم خواهد شد - ابداً - باطل دیگری سر جایش می‌آید؛ مگر آن وقتی که حق، خود را آن‌چنان که هست، عرضه

۱. غررالحکم و دررالکلم، ص ۵۲۹؛ با اندکی تفاوت.

۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی به مناسبت سالروز بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۱۳۹۴/۲/۲۶.

۳. دخان: ۳۹. «ما آن دو را جز بحق نیافریدیم؛ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند!».

۴. بیانات در شروع درس «خارج فقه» ۱۳۷۳/۶/۲۰.

کند. این باطل‌ها مرتب پشت سر هم می‌آیند و می‌روند؛ مرتب به وجود می‌آیند و از بین می‌روند. طبیعت باطل، زایل شدن و از بین رفتن است. گمان نشود که اگر باطل از بین رفت، ممکن است اسلام یا حق، بدون تلاش و مجاهدت، بدون تعریف و تبیین، بدون زحمت کشیدن من و شما، در دنیا جایگزین باطل‌ها بشود؛ نه بسته به این است که من و شما چه کار کنیم^۱.

هر گناهی تخلف از حق است. هر خلاف قانونی در نظام الهی و اسلامی - که قوانین، قوانین الهی است - تخلف از حق است. هر ظلمی، تخلف از حق است. هر کوتاهی‌ای در اجرای وظیفه - در آنجا که وظیفه‌ای هست - تخلف از حق است^۲. بی‌طرفی در دعوی حق و باطل معنی ندارد. یک وقت دعوی مشتبهی است، آن بحث دیگری است، وقتی که حقی هست و باطلی، اینجا بی‌طرفی معنا ندارد؛ باید طرف حق بود، مقابل باطل ایستاد؛ حالا یکی می‌تواند به شکل نظامی بایستد، یکی به شکل سیاسی بایستد؛ به اشکال مختلف می‌شود ایستاد، یک نفر هم با زبان، با بیان، با اندیشه می‌تواند بایستد؛ باید ایستاد^۳.

کسب استقلال و عزت

در ارتباطات دیپلماسی ما، باید بر این استقلال و بر این عزت اجتماعی تکیه شود که بحمدالله می‌شود و این روش درستی است. ما با ملت‌های دنیا و با دولت‌های گوناگون عالم، بنای همکاری و تفاهم داریم؛ البته نه با زورگویان و کسانی که می‌خواهند همه مسائل را با تکیه بر قدرت خودشان حل کنند؛ مثل امریکا. با این‌ها

۱. ۱۳۷۰/۱۰/۵ بیانات در دیدار با مداحان اهل بیت علیهم‌السلام، به مناسبت میلاد مبارک صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها‌السلام.

۲. بیانات در دیدار رئیس، مسئولان و قضات قوه قضاییه ۱۳۷۴/۴/۷.

۳. بیانات در دیدار شاعران در شب میلاد امام حسن مجتبی علیه‌السلام ۱۳۹۴/۴/۱۰.

آبمان در یک جوی نمی‌رود^۱. درباره موضع نظام جمهوری اسلامی در خصوص مسائل و چالش‌های بین‌المللی هم عرض می‌کنم همه حرف ما این است که ایران اسلامی می‌خواهد مستقل بماند. ما استقلال را ارزان و آسان به دست نیاورده‌ایم؛ می‌خواهیم آن را حفظ کنیم. ما می‌خواهیم اختیار این ملت و کشور دست خود این ملت باشد، نه دست امریکا و مستکبران بین‌المللی. این نقطه، مقابل آن چیزی است که امروز استکبار می‌خواهد^۲.

یک جبهه واحد وجود دارد و آن، جبهه انقلاب و اسلام است. در داخل این جبهه، هر اختلاف سلیقه‌ای هم باشد، اصل احترام به اسلام، احترام به قرآن، پاسداری از انقلاب، پاسداری از راه امام بزرگوار، پاسداری از عزت و استقلال این کشور، تلاش برای آسوده کردن خاطر ملت و از بین بردن مشکلات، بر جای خود مستحکم و محفوظ است. این بحمدالله یک امر مشترک بین دلسوزان این کشور، بین مسئولان قوا، بین رؤسای کشور، بین مسئولان بخش‌های مختلف است و همه آن‌ها در این چیزها متفق و متحدند^۳. یک ملت برای اینکه بتواند سیادت و عزت خود را به دست بیاورد؛ باید اراده مصمم داشته باشد و بداند چه می‌خواهد و قلب او مطمئن باشد به یاد خدا^۴.

اگر از ملتی استقلال او گرفته شد؛ یعنی اگر بیگانگان - که یقیناً دلسوز او نیستند - بر سرنوشت او مسلط شدند، دو چیز را از دست می‌دهد: اول، عزت نفس خود را، افتخارات خود را، احساس هویت خود را؛ دوم، منافع خود را. دشمنی که بر سرنوشت

۱. بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت آغاز هفته دولت ۱۳۷۷/۶/۲.

۲. بیانات در اجتماع با شکوه مردم استان زنجان ۱۳۸۲/۷/۲۱.

۳. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۷۷/۱۰/۲۸.

۴. بیانات در دیدار اقدار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت علی علیه السلام ۱۳۸۷/۴/۲۶.

یک ملت مسلط شود، دلسوز آن ملت نیست و منافع آن ملت برای او اهمیت ندارد. آنکه می‌آید یک ملت را مسخر سرپنجه قدرت خود می‌کند، در درجه اول - در حقیقت، در اول و آخر - به فکر منافع خود است. آنچه برای او کمترین اهمیتی ندارد، منافع آن ملتی است که استقلال خود را از دست داده است. ما در این زمینه نمونه‌های فراوانی در قرن نوزدهم و سپس به دنبال آن در قرن بیستم، داریم^۱.

عزت در کلام الهی

در منطق قرآن، عزت واقعی و کامل متعلق به خداوند و متعلق به هر کسی است که در جبهه خدایی قرار می‌گیرد. در مصاف بین حق و باطل، بین جبهه خدا و جبهه شیطان، عزت متعلق به کسانی است که در جبهه خدایی قرار می‌گیرند. این، منطق قرآن است. در سوره فاطر می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا»^۲. در سوره منافقون می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^۳ عزت متعلق به خداست، عزت متعلق به پیامبر و به مؤمنین است؛ اگرچه منافقان و کافردلان این را درک نمی‌کنند؛ نمی‌فهمند که عزت کجاست، مرکز عزت واقعی کجاست. در سوره نساء، درباره کسانی که خود را متصل به مراکز قدرت‌های شیطانی می‌کنند، برای اینکه حیثیتی به دست بیاورند، قدرتی به دست بیاورند، می‌فرماید: «أَيَّتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»^۴؛ آیا دنبال عزتند این کسانی که به رقبای خدا، به دشمنان خدا، به قدرت‌های مادی پناه می‌برند؟ عزت در نزد خداست. در

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۷۹/۷/۱۴.

۲. فاطر: ۱۰، کسی که خواهان عزت است (باید از خدا بخواهد چرا که) تمام عزت برای خداست.

۳. منافقون: ۸، آن‌ها می‌گویند: «اگر به مدینه بازگردیم، عزیزان ذلیلان را بیرون می‌کنند!» در حالی که عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است؛ ولی منافقان نمی‌دانند!

۴. نساء: ۱۳۹: «آیا عزت و آبرو نزد آنان می‌جویند؟ با اینکه همه عزت‌ها از آن خداست!؟»

سوره مبارکه شعراء، گزارشی از مجموعه چالش‌های پیامبران بزرگ را مطرح می‌فرماید - درباره حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت هود، حضرت صالح، حضرت شعیب، حضرت موسی - مفصل درباره چالش‌های این پیامبران بزرگ بحث می‌کند و گزارش الهی و وحی را به گوش مردم می‌رساند. در هر مقطعی که می‌خواهد غلبه جبهه نبوت را بر جبهه کفر بیان بفرماید، می‌فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ * وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ»^۱؛ یعنی با اینکه طرف مقابل اکثریت داشتند، قدرت دست آن‌ها بود، پول دست آن‌ها بود، سلاح دست آن‌ها بود، اما جبهه توحید بر آن‌ها پیروز شد؛ در این یک آیتی است از آیات الهی و خدای تو عزیز و رحیم است. بعد از آنکه قرآن این گزارش را در طول سوره مبارکه شعراء هم تکرار می‌کند، تکرار می‌کند، در آخر سوره خطاب به پیغمبر می‌فرماید: «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ»^۲؛ به این خدای عزیز و رحیم که تضمین کننده غلبه حق بر باطل است، توکل و تکیه کن. «الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ * وَتَقَلُّبِكَ فِي السَّاجِدِينَ»^۳؛ او ناظر به حال توست؛ در حال قیام، در حال سجده، در حال عبادت، در حال حرکت، در حال تلاش؛ او حاضر و ناظر است، تو را می‌بیند؛ «أَنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». پس در منطق قرآن، عزت را باید از خداوند طلب کرد.

وقتی که عزت شامل حال یک انسان، یک فرد یا یک جامعه می‌شود، مثل یک حصار عمل می‌کند، مثل یک باروی مستحکم عمل می‌کند؛ نفوذ در او، محاصره او، نابود کردن او برای دشمنان دشوار می‌شود؛ انسان را از نفوذ و غلبه دشمن محفوظ

۱. شعراء: ۱۲۱ و ۱۲۲: «در این ماجرا نشانه روشنی است؛ اما بیشتر آنان مؤمن نبودند؛ و پروردگار تو عزیز و رحیم است».

۲. همان: ۲۱۷: «و بر خداوند عزیز و رحیم توکل کن!».

۳. همان: ۲۱۸ و ۲۱۹: «همان کسی که تو را به هنگامی که (برای عبادت) برمی‌خیزی می‌بیند؛ و (نیز) حرکت تو را در میان سجده‌کنندگان!».

نگه می‌دارد. آن وقت هرچه این عزت را در لایه‌های عمیق‌تر وجود فرد و جامعه مشاهده کنیم، تأثیرات این نفوذناپذیری بیشتر می‌شود؛ کار به جایی می‌رسد که همچنان که انسان از نفوذ و غلبه دشمن سیاسی و دشمن اقتصادی محفوظ می‌ماند، از غلبه و نفوذ دشمن بزرگ و اصلی، یعنی شیطان هم محفوظ باقی می‌ماند. آن کسانی که عزت ظاهری دارند، این عزت در دل آن‌ها، در درون آن‌ها، در لایه‌های عمیق وجود آن‌ها نیست؛ لذا در مقابل شیطان بی‌دفاع‌اند، نفوذپذیرند.^۱

استکبار ستیزی

دین در خدمت سیاست‌های سلطه‌طلبانه قرار نمی‌گیرد. دین حوزه سیاست و اداره امور جوامع بشری را در قلمرو خود می‌داند و همچون نظام سیاسی متکی به عشق و ایمان مردم با آن سیاست‌ها مبارزه می‌کند.^۲

در دنیایی که سلطه‌های جهانی و گردن‌کلفت‌های عالم، منافع اقتصادی و سیاسی و استراتژیک خودشان را بر همه آرزوهای ملی ملت‌ها ترجیح می‌دهند؛ در دنیایی که رژیم‌ها برای حفظ منافع خود، در چند هزار کیلومتر دورتر از مرزهایش، ناوگان و پایگاه و عنصر نظامی نگهداری می‌کند؛ در دنیایی که ابرقدرت‌ها برای حفظ امنیتی که ادعای آن را می‌کنند و حاضرند امنیت ملی تمام کشورها و مرزها را به هم بریزند و متأسفانه بسیاری از ملت‌ها و دولت‌ها و کشورها، این وضع را تحمل کرده و این وضعیت ناهنجار و غیرانسانی و غیرمعقول را قبول کرده‌اند؛ در دنیایی که رابطه سلطه در آن حکم‌فرماست و ملت‌ها و دولت‌ها، به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر تقسیم شده‌اند - الا استثناهای بسیار معدود - در چنین دنیایی و با این معادله غلط، نظام اسلامی و ملت رشید و انقلاب ما سربلند

۱. بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام ۱۴/۳/۱۳۹۱.

۲. پیام به اجلاس هزاره رهبران دینی جهان ۹/۶/۱۳۷۹.

کرده است و می‌گوید: من سلطه و سلطه‌گر را رد می‌کنم و تن زیر بار سلطه نمی‌دهم و ملت‌ها را هم تا بتوانم، با فریاد مخلصانه خود بیدار خواهم کرد. شما فکر می‌کنید آن قدرت‌های سرگردنه‌بگیر دنیا، نسبت به چنین ملتی چه احساساتی خواهند داشت؟ طبیعی است که این احساسات، دوستانه نبوده و خصمانه و متعرضانه خواهد بود. ملت ایران، با این هدف‌ها و خط‌مشی‌های روشن و انسانی و معقول بپاخاست و این نظام را به وجود آورد. یعنی با این ایده‌ها، به رهبری آن رهبر عالی‌قدر و بزرگوار و آن انسان حقیقتاً بزرگ، سر بلند کرد و یک رژیم وابسته فاسد را مثل دندان فاسدی برکند و دور انداخت و به جای آن، این نظام اسلامی را بر مبنای استقلال و آزادی ملی و ترجیح آرزوهای ملی بر آرزوهای بیگانگان و اطماع متجاوزان بنا کرد. طبیعی است که قدرت‌های سلطه‌گر و دزدان غارت‌گر عالم، با این ملت و نظام دشمنی خواهند کرد.

ما وقتی رد نظام سلطه و سلطه‌گر و سلطه‌پذیر را در دنیا اعلام می‌کنیم، ملت‌ها به هیجان می‌آیند. من، در مجامع جهانی مکرر حضور پیدا کرده‌ام. وقتی این فکر را مطرح کردم، دیدم حتی رؤسای دولت‌ها به هیجان می‌آیند؛ منتها دست و ذهنشان بسته است و بعضی هم همت‌شان کوتاه است؛ اما دوست می‌دارند ملتی را ببینند که شجاعانه در وسط میدان، از چنین فکری دفاع می‌کند و می‌ایستد و از هیچ کس هم نمی‌ترسد. آن ملت با این آرمان، ملت ماست که باید نیروی دفاعی‌اش متناسب با این آرمان بلند و شایسته، سازماندهی و تقویت بشود^۱.

ما با این کارهای نظام سلطه، مخالف و مقابل و ضدیم. ما نمی‌توانیم این را قبول و تحمل کنیم. هیچ ملتی هم این را نمی‌خواهد. هیچ ملت و هیچ مجموعه انسانی‌ای، نمی‌خواهد که زیر فرمان دیگران باشد. منتها خیلی از مجموعه‌های انسانی، متأسفانه

۱. بیانات در مراسم اعطای جوایز، دانشنامه، تقدیرنامه و سردوشی به فارغ‌التحصیلان دانشکده فرماندهی و ستاد و دانشجویان دانشگاه علوم نظامی ۱۳۶۸/۷/۱۳ نیروی زمینی.

یا قدرت خود را کشف نکرده‌اند و خیال می‌کنند که نمی‌توانند، یا شاید هم واقعاً نمی‌توانند. ملت ایران هم متأسفانه در سال‌های متمادی دوران حاکمیت طاغوت‌ها و زمان حاکمیت حکومت فاسد پهلوی و قبل از آن، حکومت فاسد قاجارها، همین وضعیّت را داشت. این ملت بزرگ، این فرهنگ عمیق، این توانایی‌های عجیب و این استعداد کم‌نظیر و درخشان، این گونه مورد سوءاستفاده دشمنان قرار می‌گرفت. معلوم است که دشمن با یک ملت چه می‌کند^۱.

ویژگی‌های اردوگاه استکبار ستیز

این نظام، یکی از بزرگترین خاصیت‌هایش، مقابله با استکبار و تفرعن قدرت‌های مستکبر عالم است. نظام اسلامی، در مقابل زورگویی هیچ قدرتی، یک لحظه کوتاه نخواهد آمد. ما می‌دانیم که چون عدل و حق، جریان اصلی و طبیعی عالم وجود است و حرکت موجودات و همه اجزای عالم و رشد همه سلول‌های موجود زنده و حرکت همه ملکول‌های اشیا و اجسام در جهت حق است؛ رشد غیر حق، رشد باطل و رشد سرطانی است و محکوم به فناست؛ بنابراین هر حرکتی که بر اساس داعیه حق باشد و تلاش و مجاهدت پشت سر آن باشد، آن پیروز خواهد شد. لذا ما که ادّعا می‌کنیم و می‌گوییم ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، بالاخره مستکبران را از تحت تفرعشان به خاک خواهند کشید، بر این اساس - یعنی قاعده و قانون عالم آفرینش - حرف می‌زنیم^۲.

مبارزه با استکبار در انقلاب اسلامی و در میان ملت ما یک حرکت معقول و منطقی و دارای پشتوانه علمی و یک حرکت خردمندانه است، برخلاف آنچه بعضی می‌خواهند وانمود بکنند که این یک حرکت شعاری است، احساساتی است، متکی

۱. بیانات در اجتماع نیروهای شرکت‌کننده در مانور عظیم طریق‌القدس ۱۳۷۶/۲/۳.

۲. بیانات در دیدار پرستاران و جانبازان به مناسبت روز پرستار ۱۳۷۶/۶/۱۹.

به منطق و عقلانیت نیست، به عکس، حرکت ملت ایران یک حرکت متکی به عقلانیت است. از دین و آیه قرآن و آنچه الهام دینی است فعلاً صرف نظر می‌کنیم؛ «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» و «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۱ و «قَاتِلُوا أَلَمَّةَ الْكُفْرِ»^۲ را فعلاً کنار می‌گذاریم، چون کسانی به این چیزها معتقد هم نیستند یا باور هم ندارند؛ به تجربه ملت ایران تکیه می‌کنیم.^۳ همه بدبختی‌های بشر بر اثر پیروی از هوای نفس است. همه ظلم‌ها، همه تزویرها، همه نامردمی‌ها و بی‌عدالتی‌ها، همه جنگ‌های ظالمانه، همه حکومت‌های فاسد، همه تسلیم شدن و ظلم‌پذیری در میان ملت‌ها، ناشی از همین پیروی از هواهای نفسانی و تسلیم شدن در مقابل خواهش نفس است. اگر انسان این قدرت را بیابد که بر خواهش نفس غلبه پیدا بکند، انسان رستگاری شده است.^۴

استکبار و تفرعن بشری و استبداد نسبت به ملت‌ها، در عالم باقی ماندنی نیست. اگر شما می‌بینید که فلان قدرت و بهمان قدرت و در رأس همه، رژیم ظالم و ستمگر امریکا، امروز این حرف‌ها را با فریاد و عربده بیان می‌کنند، گمان نکنید که این‌ها هم به معنای قدرت حقیقی و ماندگار است؛ نخیر، هیچ اعتباری ندارد. ما نمی‌خواهیم پیشگویی کنیم و زمان معین نماییم؛ طبیعت عالم این است که حق پیروز می‌شود، به شرط اینکه اهل حق دنبال آن بایستند و مبارزه کنند و برای آن تلاش نمایند.

ملت ایران به فضل پروردگار در همه این میدان‌ها پیروز خواهد شد. به لطف الهی تا امروز بر همه موانع فائق آمده است؛ در آینده نیز همین‌طور خواهد بود. گمان نکنید که ملت ایران چون در دنیا پشتیبانی قدرت‌ها را ندارد، ضعیف است؛ نخیر، خیلی قوی است؛

۱. فتح: ۲۹: «در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند».

۲. توبه: ۱۲: «با پیشوایان کفر بیکار کنید».

۳. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۹۴/۸/۱۲.

۴. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۷۸/۱۰/۱۸.

به خاطر اینکه همین معنویت و همین ایمان در اوست و همین مسئولان دلسوز و علاقه‌مند و مؤمن در این کشور تلاش و کار می‌کنند. آحاد ملت بایستی یکپارچه و یکصدا و یک‌زبان، این راه را ادامه دهند و دنبال این راه حرکت کنند. خدای متعال هم تفضل خواهد کرد و ان‌شاءالله روزبه‌روز پیشرفت‌های نظام جمهوری اسلامی در زمینه‌های معنویت و مادیت و سیاست و اداره امور کشور، بهتر خواهد شد و این مشکلات ریز و درشتی که برخی تحمیل شده است و برخی طبیعت پیشرفت کار است، ان‌شاءالله به فضل الهی و به همت مسئولان و با کمک مردم برطرف خواهد گردید!

عوامل عدم سلطه پذیری کشورها

عوامل ملت

هر نظام و کشوری که مردمش بیدار باشند، باایمان باشند، در صحنه باشند، آماده باشند و بخواهند از حق خودشان دفاع کنند، هیچ قدرتی نمی‌تواند بر آنها و کشورشان تسلط پیدا کند - نه قدرت اتم، نه قدرت موشک، نه تجهیزات نظامی و نه غیر آن - بنابراین نقش مردم بسیار مهم است^۱.

عوامل کارگزاران

نقش مسئولان هم بسیار مهم است. مسئولان کشور باید بتوانند نه فقط پایه‌پای مردم حرکت کنند، بلکه جلوتر از آنها گام بردارند. سه خصوصیت در مسئولان کشور لازم است، که اگر این سه خصوصیت در آنها وجود داشت، آن‌گاه این نیروی عظیم ملی می‌تواند جلوی هرگونه خیانت و دشمنی دشمنان را بگیرد. این سه خصوصیت، تقوا و شجاعت و خودآگاهی است. مسئولان کشور - فرق نمی‌کند؛ در

۱. بیانات در دیدار پرستاران و جانبازان به مناسبت روز پرستار ۱۳۷۶/۶/۱۹.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، به مناسبت ۱۹ دی ماه، سالروز قیام مردم قم ۱۳۸۰/۱۰/۱۹.

همه قوا؛ چه یک مدیر دولتی، چه یک قاضی دادگستری، چه یک نماینده مجلس، چه عضو شورای نگهبان، چه عضو مجلس خبرگان، چه مسئولان نیروهای مسلح - باید این سه خصوصیت را داشته باشند تا کشور آسیب‌ناپذیر باشد. اگر تقوا نباشد، همه کارها خراب است. وقتی تقوا بود، هر تصمیمی که انسان می‌گیرد و هر حرفی که می‌زند، برای مصلحت مردم و رضای خداست. در این صورت صراط مستقیم پیموده خواهد شد. وقتی تقوا نباشد، انسان از روی عصبانیت و کینه‌ورزی و طمع حرف می‌زند یا اقدام می‌کند یا دستور می‌دهد یا حکم می‌کند.

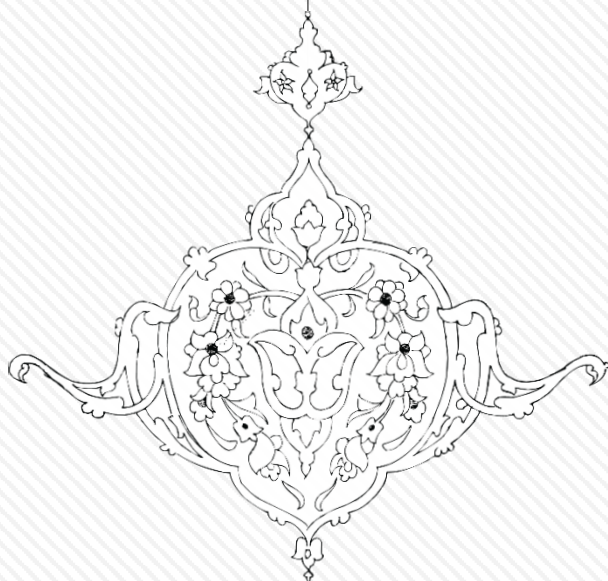
اگر تقوا بود، اما شجاعت نبود، باز کافی نیست. چه بسا آدم‌های باتقوا که به خاطر نداشتن شجاعت لازم، در آن وقتی که باید اقدامی بکنند، نمی‌کنند و حرفی بزنند، نمی‌زنند. وقتی امام بزرگوار این حرکت عظیم را به وجود آورد، یک عامل عمده آن، شجاعت امام بود؛ و الا خیلی‌ها بودند که تقوا داشتند و مردمان مؤمن و باخدا بودند؛ اما شجاعت لازم را نداشتند. اگر شجاعت نباشد، انسان مرعوب می‌شود و دشمن از همین نقطه ضعف استفاده می‌کند. به مجرد اینکه یک مسئول در هر نقطه از نقاطی که گفتم - چه در مجلس، چه در دولت، چه در قوه قضائیه، چه در مجمع تشخیص مصلحت نظام، چه در شورای نگهبان و چه در سایر مراکز مهم - شجاعت نداشت و آن صفت مهم و مؤثر در او نبود، او را مرعوب می‌کنند. این تهدیدها، این حرف‌ها و این خط و نشان کشیدن‌ها، اغلب برای مرعوب کردن مسئولان کشورهاست. بسیاری از ملت‌ها بدبخت شدند، به خاطر اینکه رؤسا و مسئولان‌شان شجاعت نداشتند. ملت، شجاع و آماده حضور در صحنه بود؛ اما مسئولانی که باید زمام‌ها را در دست گیرند و پیشرو باشند و حرکت کنند، شجاعت لازم را نداشتند. شما اگر اهل تاریخ باشید، وقتی به تاریخ نگاه می‌کنید، می‌بینید هرجایی که مسئولان و رؤسا و کارگزاران و دست‌اندرکاران اداره کشور از شجاعت برخوردار نبودند، آن‌جا یک

پای زندگی مردم لنگید. اگر همه آن‌ها دچار بی‌شجاعتی و ترس شدند، مردم بدبخت شدند. بسیاری از تحلیل‌هایی که رادیوهای بیگانه درباره مسائل گوناگون در فضای کشورها می‌پراکنند، برای این است که نخبگان کشورها را مرعوب کنند؛ آن‌ها احساس کنند که نمی‌توانند کاری بکنند و دستشان بسته است. نیروی عظیم مردم را نبینند؛ قدرت جغرافیایی و توانایی‌های فرهنگی خود را نبینند؛ همه‌اش چشمشان به دست دشمن و قدرت دشمن و موشک دشمن و اقتدار دشمن باشد. این بی‌شجاعتی، بسیار خطر بزرگی است.

صفت سوم، خودآگاهی است. مسئولان باید آگاه باشند و بفهمند پیرامون آن‌ها چه می‌گذرد؛ و الا اگر مسئولان و مدیران کشور، نمایندگان مردم، مؤثرین در دستگاه قضایی و دیگر جاها، آدم‌های خوبی باشند؛ باتقوا باشند و شجاعت هم داشته باشند، اما ندانند امروز صف‌بندی دنیا کجاست و دشمن کجا نشسته است و از کجا حمله می‌کند، ضربه خواهند خورد. جوانانی که در دوران جنگ تحمیلی در جبهه بودند، خوب می‌فهمند من چه می‌گویم. گاهی انسان در صحنه صدای شلیک توپ را می‌شنید؛ اگر می‌فهمید که این شلیک از طرف دشمن است، می‌توانست مسیر خود را معین کند و وظیفه خود را بفهمد. اگر می‌دانست این شلیک از طرف خودی به طرف دشمن است، باز مسیرش معین می‌شد؛ اما اگر شلیک خودی را با دشمن و دشمن را با خودی اشتباه می‌کرد، گمراه می‌شد و نمی‌فهمید باید چه کار کند. وقتی توپخانه دشمن علیه شما مرتب آتش می‌بارد، اگر ندانید دشمن است که آتش می‌بارد، در مقابل او حساسیت به خرج نمی‌دهید. گاهی هم خودی علیه دشمن شلیک می‌کند؛ اگر این را هم نشناختید، باز اشتباه خواهید کرد؛ به طرف خودی برمی‌گردید و می‌گویید چرا شلیک می‌کنید؟! امروز خودآگاهی یکی از مهمترین نیازهای مسئولان کشور ماست. باید بفهمند دشمن از کجا حمله می‌کند.

سال‌ها پیش، من یک روز راجع به تهاجم فرهنگی صحبت کردم و گفتم دشمن از روزه‌های فرهنگی به ما حمله می‌کند؛ اما متأسفانه عده‌ای این را نفهمیدند. بعضی صریح و بعضی هم در پرده گفتند فلانی به چه چیزی حمله می‌کند؟! کدام تهاجم، چه تهاجمی؟! امروز بعد از گذشت چند سال، آدم‌های دیرفهم کم‌کم می‌فهمند که تهاجم فرهنگی یعنی چه! موج حملات فرهنگی دشمن که ایمان جوانان را هدف قرار داده، حالا به چشم‌شان می‌آید و ابراز نگرانی می‌کنند! می‌بینند در همه محیط‌هایی که جوانان حضور دارند، دشمن می‌خواهد جایی از خود به جا بگذارد و عقیده آن‌ها را به انقلاب و دین و امام برگرداند؛ حتی عده‌ای در اینکه این ملت استقلال می‌خواهد، خدشه می‌کنند! یعنی درست همان خواست دشمن؛ یعنی تهاجم فرهنگی. مسئولان کشور این خودآگاهی را لازم دارند تا بدانند دشمن از کجا حمله می‌کند. اگر فهمیدند، بیدار خواهند بود. آن‌گاه شجاعت و تقوا و پاکدامنی آن‌ها به کار این ملت خواهد آمد. شناختن موقعیت و خطر، همان ناخودآگاهی است که این خود خطر بسیار بزرگی است!

فصل چهارم:
بایسته‌ها و راهکارهای تقویت
مقاومت اسلامی



با بسته‌های مبارزه با دشمن

با دشمنی که در مرزها به کشور حمله می‌کند، یک جور باید مبارزه کرد؛ با دشمنی که شیوه‌های امنیتی را به کار می‌برد، یک جور باید مبارزه کرد؛ با دشمنی که اساس یک ملت را، یک جامعه و یک کشور را تهدید می‌کند و از بن دندان با یک ملت دشمنی می‌ورزد و انواع روش‌ها را به کار می‌برد هم یک جور باید مبارزه کرد. یک مبارزه صحیح، منطقی و معقول و در عین حال قاطع، احتیاج دارد به چند چیز:

انگیزه ایمانی

یکی انگیزه برخاسته از ایمان است. با دستور نمی‌شود ملتی را، جوانانی را وادار کرد به ایستادگی در یک میدان دشوار. باید انگیزه از دل بجوشد؛ آن هم انگیزه ناشی از ایمان. این در جوان‌های ما امروز به حد کافی وجود دارد؛ من با اطلاع عرض می‌کنم، با آشنایی با نسل جوان‌مان و قشر جوان‌مان عرض می‌کنم: امروز جوان‌های ما از آن روزی که در سال ۵۷، رژیم پهلوی - رژیم دست‌نشانده آمریکا - به جوانان ما تو همین خیابان‌ها حمله کرد و خون آن‌ها را ریخت، انگیزه‌شان بیشتر است و کمتر نیست.

از آن روزی هم که یک عده جوان رفتند سفارت آمریکا را که مرکز و پایگاه توطئه علیه انقلاب شده بود تسخیر کردند، امروز جوانان ما انگیزه‌شان کمتر نیست؛ اگر بیشتر نباشد. علت هم واضح است؛ چون سی سال تجربه، متراکم در تاریخ این ملت ثبت شده است. ذهن بیدار جوان، چشم باز جوان، ولو آن روزها را ندیده است؛ اما این تجربه‌ها را تحویل می‌گیرد. نسل به نسل تجربه‌های یک ملت غنی‌تر، عمیق‌تر و مفیدتر می‌شود. پس جوانان امروز ما از لحاظ انگیزه هیچی کسر ندارند. صرف‌نظر از یک عده انقلابی فرسوده پشیمان که به دلایل گوناگون، زندگی راحت را، سازش

را ترجیح دادند، یا به ساز دشمن رقصیدن را عیب ندانستند، جوان کشور، توده ملت که اکثریت هم جوان هستند، این انگیزه عمیق را دارند. من به شما عرض کنم: اگر امروز حادثه‌ای مثل جنگ تحمیلی که در سال ۵۹ پیش آمد، در کشور ما بروز کند، هجوم جوانان به جبهه و داوطلبی آن‌ها برای مواجهه با دشمن آشکار و رو به رو، از سال ۵۹ و ۶۰ به مراتب بیشتر خواهد بود^۱.

بصیرت

یک عنصر دیگری که لازم است، بصیرت است. اینی که ملاحظه می‌کنید بنده مکرر در دیدار جوان‌ها، دانشجویان، قشرهای مختلف مردم، بر روی بصیرت تکیه می‌کنم، برای این است که در وضع بسیار مهم امروز دنیا و موقعیت استثنایی کشور عزیز ما - امروز در دنیا که موقعیت ممتازی است - هرگونه حرکت عمومی به یک بصیرت عمومی احتیاج دارد. البته من این را هم به شما بگویم: امروز بصیرت جوان‌های ما هم از جوانان آن روزگار اول انقلاب و در اثنای انقلاب، یقیناً بیشتر است. خیلی چیزها را شما امروز می‌دانید، برای شما جزو واضحات است، که آن روزها باید برای جوان‌ها، آن‌ها را شرح می‌دادیم، بیان می‌کردیم؛ اما امروز جوان‌های ما این‌ها را می‌دانند؛ بصیرت بالاست. در عین حال من تأکید می‌کنم بر روی بصیرت. حالا اولین مسئله بصیرت این است که این استکبار چیست که باید با آن مبارزه کرد^۲.

تدبیر

ملت و مسئولان کشور باید هوشیار باشند؛ محاسبه این دشمنی‌ها را بکنند؛ در مقابله با این دشمنی‌ها، با تدبیر و با شجاعت عمل کنند. هم تدبیر لازم است، هم

۱. بیانات در دیدار دانش‌آموزان در آستانه ۱۳ آبان ۱۳۸۸/۸/۱۲.

۲. همان.

شجاعت لازم است. تدبیر یعنی آگاهی از آنچه که در برنامه دشمن است و تصمیم درست و بجا در مقابله با آن. دشمن به شکل‌های مختلفی ظاهر می‌شود. شما امروز ملاحظه کنید؛ در مقابل ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، صهیونیست‌ها هستند، دولت آمریکا قرار دارد؛ گاهی لباس گرگ می‌پوشند، گاهی لباس روباه می‌پوشند؛ گاهی چهره خشن و خصمانه خودشان را نشان می‌دهند، گاهی چهره فریب‌گرانه نشان می‌دهند؛ باید متوجه بود.

تدبیر این است که رفتار خصم را انسان زیر نظر بگیرد، ببیند چه می‌خواهند بکنند. نه در لباس گرگ، نه در لباس روباه، از چشم ملت ایران ناپستی این‌ها پوشیده و مخفی بمانند، ناشناخته بمانند. ملت ایران بایستی هوشیارانه تصمیم بگیرند و ما ان‌شاءالله به توفیق الهی هوشیارانه تصمیم می‌گیریم. ما منافع ملت خود را در مقابل تشر و اخم دشمنان، هرگز رها نخواهیم کرد. آنچه را که در راه پیشرفت این ملت لازم است، اقدام می‌کنیم و مطمئنیم و می‌دانیم که این ملت پیروز است؛ همچنان‌که در این سی سال پیروز بوده است. دشمنان ما در این سی سال آنچه با ملت ایران انجام داده‌اند، شکست خوردند؛ نتوانستند به نظام جمهوری اسلامی ضربه و لطمه بزنند؛ نتوانستند مردم را از نظام جدا کنند. بعد از این هم همین خواهد بود. بعد از این هم به توفیق الهی، به حول و قوه الهی، سرنوشت ملت ایران پیروزی و پیشرفت است؛ سرنوشت دشمنان ملت ایران، شکست و عقب‌ماندگی است.^۱

شجاعت

اگر شجاعت وجود نداشته باشد، در مقابل ابهت و هیبت و چهره عبوس دولت‌های مستکبر، کسی دل خود را ببازد، قطعاً شکست‌خورده است. دولت‌های

۱. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۹/۱/۱.

مستکبر یکی از کارهای‌شان همین تشر زدن است؛ چهره عبوس گرفتن است؛ حق را ناحق کردن است. در مقابل این‌ها اگر شجاعتی وجود نداشته باشد، مسئولان کشور اگر نتوانند در مقابله با این حرکت‌های نمایشی خصمانه و مستکبرانه روی پای خودشان بایستند، قطعاً کلاه‌شان پس معرکه است؛ هم خود شکست می‌خورند، هم ملت را به شکست می‌کشانند. بنابراین شجاعت لازم است!

هوشیاری

باید هوشیار بود. نباید در نیروی دشمن مبالغه کرد و نباید هم دشمنی و کید او را نادیده گرفت؛ باید مراقب بود. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «وَاللَّهِ لَا أَكُونُ كَالضَّبْعِ تَنَامٌ عَلَى طُولِ اللَّدْمِ»^۲. معروف است بین عرب‌ها که گفتار را وقتی می‌خواهند صید کنند، پایکوبی می‌کنند و آهنگی می‌خوانند که خواب‌آور است. گفتار را با آهنگی در لانه‌اش می‌خوابانند و وقتی خوابید، به سراغش می‌روند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «وَاللَّهِ لَا أَكُونُ كَالضَّبْعِ»^۳ من آن گفتاری نیستم که مرا با پایکوبی آوازه خوانی بخوابانند و هر کار می‌خواهند، بکنند.^۴

بایسته‌های مقاومت

توجه به ریسمان الهی

شما ببینید مستکبران و فراعنه عالم، امروز در منطقه خاورمیانه با مسلمانان و کسانی که این گوهر عظیم را در بغل خود دارند - که متأسفانه درست استفاده

۱. همان.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۶.

۳. همان.

۴. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۲/۳/۷.

نمی‌کنند - چه می‌کنند! ببینید با ملت فلسطین چه می‌کنند! ببینید برای عراق چه نقشه‌هایی می‌ریزند! ببینید برای تصرف منابع مادی و معنوی و ثروت‌های این منطقه چه خواب‌های خوشی دیده‌اند! امت اسلام می‌تواند جلوی این‌ها بایستد و این حرکات سُبْعانه را خشتی کند؛ به شرط این‌که به ریسمان مستحکم و عروة الوثقی الهی توجّه کند. شرط دشواری است؛ اما ممکن است. همه آرمان‌ها - از جمله این آرمان - با گفتن و شنیدن و فهمیدن و پای فشردن، تحقق پیدا می‌کند. یک روز بود که در کشورهای عربی و میان ملت‌های مسلمان هیچ نامی از عظمت و شوکت اسلام نبود؛ اما امروز به برکت پافشاری ملت ایران بر روی آرمان اسلام و فداکاری و قبول مجاهدت، وجود دارد. ملت ایران به نفع امت اسلامی بار سنگینی را بر دوش گرفت. البته بزرگترین بهره را خود ملت ایران و مجاهدان فی سبیل الله می‌برند؛ اما دنیای اسلام هم از مجاهدت آن‌ها بهره‌مند می‌شوند. نظام مقدّس جمهوری اسلامی که خود را زیر پرچم برافراشته اسلام قرار داده است، به همه موازین اسلام پایبند است.^۱

عدم ترس

ایستادگی وسیله پیروزی است، منتها کسانی که مقاومت می‌کنند، باید از خطرات مقاومت نترسند. اگر ترسیدند، در مقاومت‌شان اختلال پیدا خواهد شد و پیروزی به دست نخواهد آمد و این، آفت اغلب ملت‌ها و جماعات است، که وسط راه دچار ترس می‌شوند. اگر آن گروه، ملت و جماعتی که می‌خواهد مقاومت کند، از فقدان لذایذ زندگی، از فقدان حیات و از فقدان راحتی نترسد و ناراحت و آشفته نشود و پیش برود، بدون تردید مقاومت با پیروزی همراه است.^۲

۱. بیانات در دیدار کارگزاران مراسم حج ۱۳۸۱/۱۰/۲۵.

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۵/۷/۲۱.

عدم نرمش و عقب نشینی

خطای بزرگی است، اگر کسی گمان کند که با نرمش و عقب نشینی می‌توان دشمن را از پیشروی بازداشت^۱. علت اینکه از اول انقلاب تا به حال، دولت جمهوری اسلامی در مقابل پدیده‌ای که اسمش را «استکبار» می‌گذارد، ایستاده، همین است که این روش‌های خودخواهانه و قلدرمآبانه و متکی به قدرت‌های ظالمانه را مردود دانسته و آن‌ها را رد می‌کند^۲.

ملت‌هایی که تسلیم امریکا شده‌اند، حال و روزشان به مراتب بدتر از آن‌هایی است که به قدر آن‌ها تسلیم نشده‌اند. هر کس که بیشتر تسلیم شد، حال و روزش بدتر است. امروز شما به کشورهای منطقه - آن‌هایی که بیشتر تسلیم زور و قدرت‌طلبی امریکا هستند - نگاه کنید، حال و روزشان از دیگران بدتر است؛ اقتصادشان بدتر است، وضع اجتماعی‌شان عقب‌تر است، وضع فرهنگی‌شان منحط‌تر است، فشار در میان آن‌ها بیشتر است^۳.

فراگیری زمانی و مکانی

روز سیزدهم آبان، روز مبارزه با استکبار معین شده است؛ اما عزیزان من! شما بدانید که برای ملت ایران، هر روز، روز مبارزه با استکبار و همه جا سنگر مبارزه با استکبار است. کلاس درس هم سنگر است، کارگاه هم سنگر است، مزرعه هم سنگر است. کار دولتی و علمی و تحقیقی هم سنگر است. هر کس هر کاری برای پیشرفت این کشور می‌کند، یک حرکت اساسی برای استقلال این کشور می‌کند که مستی بر

۱. پیام به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی ۱۳۷۷/۱۱/۲۱.

۲. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت آغاز هفته دولت ۱۳۷۷/۶/۲.

۳. بیانات در دیدار با گروه کثیری از دانش‌آموزان، دانشجویان و اقشار مختلف مردم ۱۳۷۶/۸/۱۴.

دهان امریکا و همه زورگویان عالم است. خداوند به کسانی که در راه او حرکت می‌کنند، وعده کمک فرموده است و تا به حال بحمدالله به این وعده هم عمل کرده است که همه ما آن را مشاهده کرده‌ایم و دیده‌ایم؛ بعد از این هم خواهد بود^۱.

همراهی مقاومت با ایمان و باور

طواغیت امروز هم هستند و بر این‌ها گران می‌آید و مقابله و معارضه می‌کنند. راه پیروزی در این چالش و رویارویی هم جز «ایستادگی همراه با ایمان و باور به خود و باور به راه خود» نیست؛ باید راه را باور داشته باشیم: «آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ»^۲؛ یعنی آحاد مؤمنین به این راه، دست به دست هم بدهند و ایستادگی کنند؛ ایستادگی نشان بدهند. این راه پیشرفت و پیروزی است. اگر این کار را بکنند، پیروزی قطعی است. ما این را در طول این بیست‌وهفت سال تجربه کرده‌ایم. در میدان‌های گوناگون، آنجایی که حرف خودمان را باور داشته‌ایم و پای آن حرف ایستاده‌ایم، آنجا پیش رفته‌ایم. در دفاع مقدس همین پیش آمد؛ در حفظ اساس این نظام مقدس، همین پیش آمده؛ در پیشرفت روزبه‌روز، بلکه ساعت به ساعت کشور در زمینه‌های مختلف، همین پیش آمده است. امروز شاخص‌های پیشرفت و توسعه را که ما در کشورمان نگاه کنیم و با اول انقلاب مقایسه کنیم، اصلاً قابل مقایسه نیست. آن روز حدس هم نمی‌شد زد که با وجود آن مشکلاتی که سر راه هست، بشود به این نقطه رسید؛ اما به توفیق الهی رسیدیم. این، بر اثر ایستادگی همراه با باور بود؛ و راهش همین است. اگر مسئولان کوتاهی

۱. همان.

۲. بقره: ۲۸۵: «پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. (و او، به تمام سخنان خود، کاملاً مؤمن می‌باشد.) و همه مؤمنان (نیز)، به خدا و فرشتگان او و کتابها و فرستادگانش، ایمان آورده‌اند.»

کنند، این جزو گناہانی است که تأثیرش نه فقط برای اشخاص خودشان، بلکه برای ملت، تأثیر مخربی خواهد بود.^۱

این مقاومت وقتی با ایمان باشد، ادامه پیدا خواهد کرد. لذا می‌گوییم و همیشه گفتیم که ایمان همراه با مقاومت، به دنبالش پیروزی است. مراد ما فقط ایمان دینی هم نیست؛ ایمان به هر اصلی. البته اگر ایمان دینی باشد، آن وقت خدای متعال وعده کرده است که همه قوانین طبیعت و تاریخ در خدمت این مقاومتان قرار خواهد گرفت: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ»^۲؛ این مربوط به کسانی است که دنیا را می‌خواهند، نیت‌شان دنیایی است؛ اما اراده دارند، می‌خواهند و خدا می‌دهد؛ و کسی که اراده دین دارد، همین‌طور است. «كُلًّا نُمِدُّ هُوَآءًا وَ هُوَآءًا»^۳. این سنت الهی است.^۴

راهکارهای تقویت مقاومت

ایمان و ارتباط با خدا

بایستی ارتباط خود را با خدا حفظ کنیم، مستحکم کنیم. خاصیت یک حرکت الهی همین است: همت‌های مردم، کارهای مردم، عزم و اراده مردم، حضور مردم، در کنار توجه به خدا، در کنار دل‌های آماده برای تضرع؛ این‌ها خیلی مهم است. ارتباط

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۵/۷/۱۸.

۲. اسراء: ۱۸: «آن کس که (تنها) زندگی زودگذر (دنیا) را می‌طلبد، آن مقدار از آن را که بخواهیم - به هر کس اراده کنیم - می‌دهیم».

۳. اسراء: ۲۰: «هر یک از این دو گروه را از عطای پروردگارت، بهره و کمک می‌دهیم».

۴. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۵/۷/۲۱.

خود را با خدا قوی کنیم. نگذاریم دل‌های ما متمایل به سمتی شود که ما را از راه خدا دور کند؛ «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً»؛ این دعایی است که قرآن به ما یاد می‌دهد.^۱

امروز دنیا دنیایی است که اعتقاد و ایمان راسخی که متکی به مبانی مستحکم باشد، یک ملت را پیروز می‌کند. در دنیایی که سیاست‌های گوناگون استکباری، مردم را به اباحه‌گری و بی‌بندوباری سوق داده‌اند، آن مجموعه مؤمنی که ایمان او متکی به مبانی مستحکم اعتقادی است، به برکت ایمان می‌تواند بر همه امواجی که در دنیا به وجود می‌آورند، غلبه کند؛ کمالینکه جوانان ما توانستند بر همه امواج استکباری‌ای که متوجه به نظام جمهوری اسلامی بود، غلبه کنند؛ اول پیروزی انقلاب بود، بعد پیروزی در عرصه نبرد دفاع مقدس بود و بعد هم تا امروز و در عرصه‌های مختلف، این ملت ایستاده است.^۲

راز پیروزی مؤمنان در طول تاریخ اسلام این بوده [است]. ایمان به تنهایی کافی نیست؛ ایمان با عمل صالح لازم است. عمل صالح در هر جا و هر میدانی یک معنا پیدا می‌کند. وقتی یک ملت مورد تهدید قرار می‌گیرد، عمل صالح این است که انسان‌هایی در مقابل تهدید دشمنان متجاوز سینه سپر کنند؛ امکانات خودشان را متمرکز کنند؛ از همه نیرو و استعداد خودشان بهره بگیرند؛ علم و عمل و ابتکار و شجاعت را با هم پیامیزند و در مقابل دشمن زورگو و متجاوز بایستند و مقاومت کنند. وقتی ایمان با عمل صالح همراه شد، انسان از خسران نجات پیدا می‌کند؛ آن وقت ملت‌ها پیروز

۱. آل عمران: ۸: «پروردگارا! دل‌هایمان را، بعد از آنکه ما را هدایت کردی، (از راه حق) منحرف مگردان! و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش.»

۲. بیانات در دیدار هزاران نفر از مردم استان گیلان ۱۳۸۹/۱۰/۸.

۳. بیانات در دیدار هزاران نفر از مردم و عشایر شهرستان نورآباد ممسنی ۱۳۸۷/۲/۱۵.

می‌شوند. چیزی که ایران اسلامی کارخانه منحصربه‌فرد آن را در درون خود داشته است، ایمان است. دشمنان ما هم از این کارخانه می‌ترسند و از این تولید واهمه دارند؛ بقیه حرف‌ها دروغ و بهانه و تزویر است. شما جوانان مؤمن، روزی که دانش و ایمان و شجاعت و ابتکار و نواندیشی و اغتنام فرصت را با هم بیامیزید و در میدان علم و عمل آن را به کار بگیرید، برترین فرآورده‌های این کارخانه‌اید. اگر می‌بینید جمهوری اسلامی که حرکت نظامی سلطه را در همه مدارهای آن با مشکل مواجه کرده و نظام سلطه جهانی را به چالش طلبیده، بیست و پنج سال است که علی‌رغم همه دشمنی‌ها و کارشکنی‌ها، بیش از پیش زنده و سرپا و ریشه‌دار و مقتدرتر است، راز آن در همین تولید علم و ایمان است. علم و ایمان را در خودتان تقویت کنید!

در قضیه لبنان هم با غلبه جوانان مقاوم لبنانی بر ارتش مسلط صهیونیستی غافلگیر شدند. در انقلاب اسلامی ایران در سی و سه سال قبل از این هم غافلگیر شدند. این غافلگیری‌ها ادامه داشته است. در این حوادث غافلگیر شدند و نتوانستند پیش‌بینی کنند و پیش‌گیری کنند، لکن درصدد تدارکند. یکی از کارهایشان این است که انگیزه‌های مردم را کم کنند. جوانان دنیای اسلام - چه زنان، چه مردان و نخبگان دنیای اسلام و به‌خصوص کشورهای که انقلاب کردند - باید بدانند که اگر در صحنه بایستند و مقاومت کنند، پیروزی آن‌ها بر همه ساز و برگ استکبار قطعی است. همه ابزارهای اقتدار قدرت‌های استکباری در مقابل حضور مردم، در مقابل ایمان ملت‌ها کند است، ناکارآمد است. پول دارند، سلاح دارند، بمب اتم دارند، ارتش‌های مجهز دارند، وسائل دیپلماسی دارند، اما همه این‌ها در مقابل ایمان ملت‌ها ناکارآمد است. مراقب باشید که این ایمان از دست نرود؛ با ایجاد اختلاف، با سرگرم کردن و مشغول

کردن، جوان‌ها را یک جور، پیرها را یک جور، مذهبی‌ها را یک جور، غیر مذهبی‌ها را یک جور. اجتماع مردم بر اساس شعارهای دینی و اسلامی، تنها چیزی است که می‌تواند این ملت‌ها را پیش ببرد؛ و ما تجربه ممتد و طولانی‌ای در این زمینه داریم^۱.

ذکر مثل مدافعی است که در مقابل هجوم این هوس‌ها، ما را و دل ما را محافظت می‌کند. دل خیلی آسیب‌پذیر است. ما دل‌مان، روح‌مان خیلی آسیب‌پذیر است. در مقابل چیزهایی تحت تأثیر قرار می‌گیریم؛ دل مجذوب به جاذبه‌های گوناگونی می‌شود. اگر بخواهیم دل - که جای خداست، جایگاه خداست. رفیع‌ترین مرتبه در وجود انسان، دل انسان است؛ یعنی همان باطن و حقیقت وجودی انسان - سالم و پاکیزه بماند، مدافعی لازم است؛ این مدافع ذکر است. ذکر نمی‌گذارد که دل دستخوش تهاجم بی‌امان هوس‌های گوناگون شود و از دست برود. ذکر دل را نگه می‌دارد که در فساد و در جاذبه‌های گمراه‌کننده غرق نشود. در همین رابطه من روایتی را دیدم که خیلی پرمعناست؛ می‌فرماید: «الذَّاكِرُ فِي الْعَافِلِينَ كَالْمُقَاتِلِ فِي الْفَارِّينَ»^۲. در میدان جنگ، یک رزمنده را می‌بینید که دفاع می‌کند، ایستادگی می‌کند و از همه امکاناتش برای ضربه زدن به دشمن و جلوی تهاجم دشمن را گرفتن، استفاده می‌کند؛ اما رزمنده دیگر هم ممکن است باشد که بگریزد؛ طاقت تحمل از دست بدهد و از مقابل دشمن بگریزد. می‌فرماید: ذاکر در میان جمع غافل مثل همان سرباز رزمنده ایستادگی‌کننده است در میان کسانی که دارند فرار می‌کنند. ببینید این تشبیه و تنظیر به همین لحاظ است؛ چون او دارد در مقابل تهاجم بیگانه دفاع و ایستادگی می‌کند، ذکر شما هم دارد ایستادگی می‌کند؛ دارد از مرز دفاع

۱. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی ۱۳۹۱/۴/۲۱.

۲. محمد بن الحسن طوسی، الأمالی، ص ۵۳۵.

می‌کند؛ از مرز دل شما دارد دفاع می‌کند. لذاست که شما در آیه شریفه قرآن که جزو آیات جهاد است، می‌بینید که می‌فرماید: «إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا؛ در میدان جهاد وقتی در مقابل مهاجم دشمن قرار گرفتید، ایستادگی کنید و ذکر کثیر خدا بکنید. «اثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا»؛ ثبات قدم به خرج بدهید، ایستادگی کنید و ذکر خدا کنید. این ذکر خدا آنجا هم به درد می‌خورد. «لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ که این وسیله‌ای است برای اینکه شما به فلاح و کامیابی دست پیدا کنید. ذکر خدا؛ چرا؟ چون این ذکر، دل را قرص می‌کند. دل که قرص شد، دل که ثبات پیدا کرد، قدم هم ثبات پیدا می‌کند. در میدان جنگ این جور است. میدان جنگ قبل از آن که پاهای ما، که سست عنصر هستیم، به طرف عقب جبهه مشغول دوییدن و فرار شود، دل ما فرار کرده. این دل ماست که جسم ما را به فرار وادار می‌کند؛ و الا اگر دل ایستاده باشد، جسم می‌ایستد.

در همه میدان‌های جنگ - هم میدان جنگ نظامی، هم میدان جنگ سیاسی، هم میدان جنگ اقتصادی، هم میدان جنگ تبلیغاتی - ذکر خدا کنید که این ذکر خدا موجب فلاح و کامیابی شماست. ذکر خدا پشتوانه ثبات قدم است.

بنابراین ذکر موجب می‌شود که ما بتوانیم در آن صراط مستقیم سلوک کنیم؛ پیش برویم. آن هدفی که ترسیم کردیم برای خودمان به عنوان مؤمن، به عنوان مسلمان، به عنوان پیرو یک مکتب مترقی، به عنوان کسانی که انگیزه داریم برای برپا داشتن این بنای رفیعی که خبر از شکوفایی تمدن اسلامی در آینده و در قرون آینده می‌دهد،

۱. انفال: ۴۵: «هنگامی که (در میدان نبرد) با گروهی رو به رو می‌شوید، ثابت قدم باشید! و خدا را فراوان یاد کنید».

۲. همان: «باشد که رستگار شوید».

احتیاج داریم به ذکر خدا تا بتوانیم در این جاده حرکت کنیم^۱.

بازگشت به اسلام ناب و عمل به آن

این ملت بزرگ و امام بزرگوارش، سعادت را در پیروی حقیقی از اسلام دانستند و حاکمیت اسلام را وسیله نجات از سلطه شیطان‌ها و طاغوت‌ها و ستمگران دیدند و رضای خدا را در پیگیری از حاکمیت اسلام جستجو کردند. ملت‌های مسلمان و مخلصان دلسوز در سراسر جهان اسلام نیز به خاطر اسلام بوده و هست که این انقلاب و این نظام را متعلق به خود دانسته و از آن حمایت و دفاع کردند و می‌کنند. از این رو، جمهوری اسلامی بزرگترین وظیفه‌اش آن است که اسلام را در زندگی مردم تحقق بخشد و جامعه را به صورت یک جامعه نمونه اسلامی درآورد^۲.

جدایی دین از سیاست که توطئه دیرین دشمنان برای منزوی کردن اسلام و قرآن است، باید با شدت محکوم شود و به میدان آمدن دین در همه کشورهای اسلامی در مقابله با سیاست‌های استعماری و استکباری، باید درس عمومی ملت‌های مسلمان شمرده شود^۳. دولت‌های وابسته به استکبار جهانی و امریکا و غرب تا کی باید بدون در نظر گرفتن مصالح ملت‌ها، هر کاری که می‌خواهند، با ملت‌های خودشان بکنند؟ راه نجات چیست؟ آیا راه نجاتی نیست؟ راه نجات وجود دارد. راه نجات در کشورهای اسلامی، بازگشت به اسلام است.

استکبار از اسلام می‌ترسد، به خاطر آن است که اسلام جلوی همین تجاوزها - تجاوز به حدود و حقوق ملت‌ها و انسان‌ها - را سد می‌کند و می‌گیرد. دولت‌ها هم امروز به خود بیایند و حقایقی را کشف کنند. ببینید این کشورهای حول و حوش

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۸۶/۶/۳۱.

۲. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام ۱۳۶۹/۳/۱۰.

۳. پیام به حجاج بیت‌الله‌الحرام ۱۳۶۹/۴/۷.

قضیه، کشورهای عربی، حتی کشورهایهایی که قدری فاصله هم دارند، چطور به خودشان می‌لرزند و مجبور می‌شوند از امریکا کمک بخواهند و نامه فدایت شوم به دشمن بنویسند و بگویند داخل خانه ما بیا و از ما دفاع کن! امریکا دشمن است دیگر. چرا این دولت‌ها در چنین وضعی قرار می‌گیرند؟ چرا خودشان نمی‌توانند از خودشان دفاع کنند؟! چون ریشه ندارند، چون متکی به مردم نیستند، چون با مردم‌شان قهراند، چون به مردم‌شان بد کرده‌اند، چون روح اسلام و ایمان اسلامی را در مردم خودشان کشته‌اند و نفهمیده‌اند که ریشه کشور و ملتشان را می‌زنند^۱.

تنها چیزی که بشریت را از دست این گرگ‌های خون‌خوار و آدمی‌خوار نجات می‌دهد، اسلام انقلابی است. ملت‌های مسلمان، اگر می‌خواهند از دست سلطه شیطانی و جهنمی این استکبار خبیث غربی - که شیطان اکبرشان امریکا امروز پیشاپیش است و بقیه هم دنبال سر او می‌روند - نجات پیدا کنند، راهش این است که به قرآن و اسلام‌شان برگردند، مشت‌شان را محکم کنند و بر سر متجاوزان و مزدوران‌شان بکوبند. این کاری است که ملت ایران کرد^۲.

مسلمین باید به نظام اسلامی و تفکر اسلامی برگردند تا خودشان را به عزت برسانند و با نیروی یک میلیاردی خود بتوانند دنیا را هم به سمت عزت پیش ببرند. این، امروز علاج کار است و پیام بعثت خاتم‌الانبياء صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همین است. اگر این‌طور بشود، این قلدری‌هایی که نشانه و نمونه‌اش را، شما در خلیج فارس می‌بینید، دیگر

۱. بیانات در دیدار با مسئولان بنیاد شهید، جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاهها و اقشار مختلف مردم
۱۳۶۹/۵/۲۴

۲. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم و مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۹/۱۱/۱۰

در دنیا رنگ و بو و امکان عمل نخواهند داشت^۱.

آنچه که پیروز است، پرچم اسلام و نام خداست. آمریکا، قدرتمندان، قلدران دنیای سیاست و اقتصاد، اگر با همدیگر که روبه‌رو می‌شوند، بتوانند کاری بکنند، در مقابله با اسلام، تمام سلاح‌هایشان کند و از کار افتاده است. با اسلام نمی‌توانند مبارزه کنند؛ اسلام بر آن‌ها پیروز خواهد شد^۲.

اگر دین خدا مورد نیاز نباشد، کدام نسخه می‌تواند بشر را نجات دهد؟ کدام نسخه می‌تواند آن‌چنان قوی و قدرتمند در دل انسان‌ها و مؤمنین نفوذ کند که بتوانند در مقابل قدرت‌های گردن‌کلفت و زورمند دنیا بایستند؟ ببینید امروز مسلمانان در هر جا که هستند، چطور می‌ایستند! ببینید جمهوری اسلامی، به‌خاطر اینکه به فضل الهی و به قرآن مستظهر است؛ متکی به خداست و مسئولین و مردمش به خدا ایمان دارند، چطور در مقابل عربه‌کشی‌های قلدرهای دنیا می‌ایستند! هیچ عاملی جز دین نمی‌تواند در مقابل دیوانگی‌های دنیای امروز و قدرتمندان امروز دنیا بایستد. اگر دولت‌های اسلامی به اسلام متمسک شوند، ملت‌ها با همه وجود از آن‌ها حمایت خواهند کرد. آن وقت است که می‌توانند در مقابل زورگویی‌ها بایستند^۳.

اتحاد جهان اسلام

از دورترین نقاط غرب دنیای اسلام در وضع کنونی - یعنی از غرب آفریقا - تا اقصای شرق عالم - یعنی تا شرق آسیا - عالم اسلام و منطقه مسلمان‌نشین است.

۱. بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران و نمایندگان سیاسی کشورهای اسلامی، به مناسبت عید سعید مبعث ۱۳۶۹/۱۱/۲۴.

۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضا علیه السلام ۱۳۷۰/۱/۲۹.

۳. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید مبعث ۱۳۷۱/۱۱/۱.

حساس‌ترین مناطق عالم، در اختیار مسلمانان است. یک قسمتش همین خلیج فارسی است که همه دنیا در صف‌اند، برای اینکه بتوانند کوله‌بار خودشان را از ذخایر این منطقه پُر کنند و برگردند و بروند. همه دنیا، محتاج نفت این منطقه‌اند. اگر مسلمین با هم متحد باشند، دنیای اسلام خیلی سود خواهد برد.^۱

ملت‌های اسلامی، برای احیای اسلام، برای تجدید حیات عملی اسلام، برای کم‌کردن نفوذ دشمن، برای تأمین استقلال ملت‌های خودشان و برای وحدت بزرگ اسلامی و ایجاد این قدرت عظیمی که ملت‌های مسلمان می‌توانند به‌وجود بیاورند، باید قیام کنند. این، امروز یک مسئولیت و یک وظیفه به عهده آحاد ملت، مخصوصاً علما و روشنفکران و گویندگان و جوانان آگاه و هوشمند و همه کسانی است که می‌توانند در این راه نقشی ایفا کنند.^۲

امروز بیش از یک میلیارد نفوس مسلمان در دنیا هست؛ آن هم در این کشورهای حساسی که ما مسلمانان داریم. امروز بخش عظیمی از دنیا، زیر پای فرزندان اسلام است؛ با این همه منابع غنی و با این موقعیت جغرافیایی. آیا باز هم بایستی امریکا و انگلیس و این‌گونه دولت‌ها بر این کشورها حکومت کنند؟! مسلمانان باید بیدار بشوند؛ بین خودشان مثل یک خانواده، از علم و صنعت و منابع و پول یکدیگر استفاده کنند و در مقابل دشمن جهانی، یک جبهه قوی تشکیل بدهند.^۳

۱. بیانات در دیدار با گروه کثیری از آزادگان و اقشار مختلف مردم ۱۳۶۹/۷/۱۱.

۲. بیانات در دیدار با میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم دهه فجر ۱۳۶۹/۱۱/۱۷.

۳. بیانات در دیدار با جمعی از خانواده‌های شهدا و اقشار مختلف مردم شهرهای شیروان، رودسر، کلپیر، برزوک کاشان، ساوه و تهران، به همراه جمعی از ائمه جمعه، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مسئولان اداری این شهرها، گروهی از جانبازان استان‌های خراسان و تهران، مسئولان و کارکنان و کارگران کارخانه ایران خودرو و فرماندهان نیروی انتظامی تهران به همراه فرمانده کل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۹/۱۳.

سلاح مهم ملت‌ها در مواجهه با ابرقدرت‌ها و حکام مزدور، اتحاد و یکپارچگی آن‌ها است. دشمن شما تلاش می‌کند با انواع ترفندها یکپارچگی شما را از بین ببرد. مطرح کردن نقاط افتراق، مطرح کردن شعارهای انحرافی، مطرح شدن چهره‌های بدسابقه و نامطمئن به عنوان جانشین رییس جمهور خائن، از جمله انگیزه‌سازی برای تفرقه است. اتحاد خود را بر محور دین و نجات کشور از شر مزدوران دشمن، حفظ کنید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۲.

بزرگترین پشتوانه جهان اسلام، امت بزرگ اسلامی است؛ یعنی ملت‌های مسلمان که وحدت و اتفاق و تفاهم آن‌ها و غریو رعد آسای اعتراض آن‌ها و قدرت اندیشه و بازوی کار و ثروت طبیعی و خداداده آن‌ها، می‌تواند دل هر دولت مستکبر را آب و گوش او را کر و پشت او را خم کند^۳.

عوامل و بایسته‌های وحدت بین مسلمین

تمسک به قرآن

ما مسلمان‌ها عوامل اتحاد زیادی داریم، یکی‌اش و شاید اهمش قرآن است. همه مسلمین، همه ملت‌های مسلمان در مقابل قرآن خاضع‌اند. از قرآن می‌خواهند درس بگیرند. می‌خواهند خود را به قرآن نزدیک کنند. این خیلی فرصت مهمی است. دشمنان اسلام و دشمنان قرآن سعی کرده‌اند بین ملت‌های مسلمان فاصله بیندازند، آن‌ها را از هم جدا کنند، گاهی حتی آن‌ها را روبه‌روی هم قرار بدهند و دشمن هم

۱. آل عمران: ۱۰۳: «و همگی به ریسمان خدا [=قرآن و اسلام و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زنید و پراکنده نشوید!».

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران در سالروز شهادت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، ترجمه خطبه عربی ۱۳۸۹/۱۱/۱۵.

۳. پیام به مناسبت برگزاری مراسم حج ۷۶/۱/۲۱.

وانمود کنند. این ناشی است از غفلت از قرآن. وقتی ملت‌های مسلمان، همه این کتاب آسمانی، این پیام آسمانی، این هدیه عظیم الهی را قبول دارند، چه چیزی بهتر از این وسیله اجتماع و اتحاد؟ همه بنشینیم سر این سفره معنوی. همه استفاده کنیم از این مایه عزت و قدرت اسلامی و الهی^۱.

جهت‌گیری وحدت به سوی حاکمیت اسلام

این وحدت باید در خدمت و در جهت حاکمیت اسلام باشد؛ و الا پوچ و بی‌معنی خواهد بود. اگر علمای اسلام قبول می‌کنند که قرآن فرموده است: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ»^۲، پیامبر نیامد که نصیحتی بکند، حرفی بزند، مردم هم کار خودشان را بکنند و به او هم احترامی بگذارند؛ آمد تا مورد اطاعت قرار بگیرد، جامعه و زندگی را هدایت کند، نظام را تشکیل بدهد و انسان‌ها را به سمت اهداف زندگی درست پیش ببرد. اگر علمای اسلام قبول دارند که قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۳ اقامه قسط و عدل و رفع ظلم و ایجاد زندگی صحیح برای بشر، هدف ادیان است، پس باید حرکت به سمت حاکمیت اسلام باشد و حاکمیت اسلام در کشورها و جوامع اسلامی، امری ممکن است.

اگر در جوامع و کشورهای اسلامی، علما و روشنفکران و متفکران و بزرگان و پیشگامان وحدت، جهت حرکت‌شان به سمت حاکمیت اسلام باشد، این حرکت، حرکت موفق است؛ و الا اگر این‌طور نباشد و در مقابل حاکمیت طواغیت و کفار و

۱. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات قرآن ۱۴/۴/۱۳۹۰.

۲. نساء: ۶۴: «ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای این که به فرمان خدا، از وی اطاعت شود».

۳. حدید: ۲۵: «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و می‌زان (شناسایی حق) از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند».

حکومت‌های سرسپرده و بی‌عرضه، تابع و تسلیم باشند، معلوم است که وحدت تضمینی نخواهد داشت. شما از این طرف، شعار وحدت بدهید، جوش بزنید، غصه بخورید؛ از آن طرف، پول‌های به ناحق بذل و خرج شده و یک عده آدم سست‌عنصر قلم‌به‌مزد نوکرسفت هم پیدا می‌شوند و اندوخته‌های شما را به باد خواهند داد و رشته‌ها را پنبه خواهند کرد^۱.

اصلاً تقریب برای چیست؟ شیعه و سنی، برای چه به هم نزدیک بشوند؟ نزدیک بشوند که لشکر امریکا را قوی‌تر کنند؟! نه اگر بناست آن‌طور در خدمت امریکا باشند، صد سال به هم نزدیک نشوند! نزدیک بشوند، یعنی به سمت حاکمیت اسلام، حکومت اسلامی و در حقیقت، جمهوری اسلامی پیش بروند^۲.

وحدت با محوریت اهل بیت علیهم‌السلام

مهم این است که دنیای اسلام می‌تواند بر محور دو نقطه مربوط به اهل‌بیت، اتفاق و اتحاد داشته باشد: یکی محبت است که یک امر عاطفی و عقیدتی است و مسلمین به محبت اهل‌بیت علیهم‌السلام امر شده‌اند و همه آن را قبول کرده‌اند؛ این نقطه می‌تواند نقطه تمرکز عواطف و احساسات همه مسلمین باشد؛ نقطه دوم، آموزش دین و تعلم معارف و احکام الهی به مثابه عدل قرآن و به موجب حدیث ثقلین است که باز این حدیث را شیعه و سنی و فرق مختلف اسلامی روایت کرده‌اند.

این چیز مهمی است که برافراشتن پرچم اهل‌بیت علیهم‌السلام در دنیای اسلام، حقیقتاً می‌تواند دنیای اسلام و مسلمین را از این دو نقطه نظر گرد هم مجتمع کند. امروز این فرصت عظیم در اختیار همه مسلمین است؛ مخصوصاً آن‌هایی که مکتب اهل‌بیت را

۱. بیانات در دیدار با مسئولان کشوری و لشکری و میهمانان شرکت کننده در کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۶۹/۷/۱۶.

۲. بیانات در دیدار با اعضای دبیرخانه مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام ۱۳۶۹/۷/۲۹.

در عمل تحقق بخشیده‌اند و ایماناً و عملاً به آن متصل شده‌اند. امروز لازم است که پیروان مکتب اهل بیت، دو کار اساسی را وجهه همت خود قرار بدهند:

در مرتبه اول، با هم آشنا بشوند، همکاری و همفکری بکنند، معضلات را حل کنند، گره‌ها را باز کنند، احساس خویشاوندی نمایند و در هر نقطه‌ای از دنیا که هستند، بدانند که تعارف آن‌ها با هم و تشکل‌شان به شکل صحیح، قلب مقدس ولی عصر (ارواح‌نافداه و عجل‌الله تعالی فرجه) را شاد می‌کند. این بزرگواران، از تفرقه و تشتت و جدایی و بغضا متنفر بودند؛ اهل وحدت و عامل جمع و شمع انجمن بودند. امروز هم پیروان و علاقه‌مندان آن‌ها، باید این را تأمین کنند.

دوم اینکه مجموعه پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، در هر جای دنیا که هستند، با همه وجود باور کنند که جزیی از عائله بزرگ مسلمین‌اند؛ نه به زبان، بلکه با همه احساس. اگر غیر از این باشد، دشمنان اسلام و اهل بیت، حداکثر خشنودی و خوشحالی را پیدا خواهند کرد!

انسجام شیعیان در عین وحدت

ما وظیفه داریم در کنار آن شعار و عمل به وحدت - که یک برنامه و یک عمل قطعی است - شیعه را در همه جای عالم، به عنوان یک مجموعه متصل و ملحق به جمهوری اسلامی جمع کنیم. وقتی که ما شعار وحدت اسلامی می‌دهیم، چرا شعار وحدت شیعی ندهیم و در داخل شیعه، به فکر ایجاد یک وحدت نباشیم؟ البته شیعه در نگاه وسیع‌تر، شیعه اثنی‌عشری، شیعه زیدی و شیعه اسماعیلی را شامل می‌شود که این‌ها در دنیا هستند و مشترکات زیاد و تأثیرات سیاسی هم دارند؛ ولی متفرق‌اند.

۱. بیانات در دیدار با میهمانان و شرکت‌کنندگان کنفرانس جهانی اهل بیت علیهم‌السلام ۱۳۶۹/۳/۴.

البته در بین آنان، آدم‌های ناباب و بد نیز هستند؛ کمالین که در داخل جمهوری اسلامی هم که افراد شیعه دوازده امامی خاص و خالصی زندگی می‌کنند، آدم‌های بدی هم وجود دارند که با انقلاب و نظام و سیاست بدند؛ اما با دشمن اسلام خوبند! چنین کسانی، هر جا و هر طور باشند، از ما نیستند. آن بحث دیگری است؛ لیکن شیعه در دنیا باید مرکزیت خودش را پیدا کند.

الان در هند و پاکستان و کشورهای عربی، میلیون‌ها شیعه وجود دارد و غالباً اقلیت‌هایی هستند که به آنان فشار می‌آید؛ چه آن‌جاهایی که مسلمین در فشارند، چه آن‌جاهایی که حتی مسلمین در فشار نیستند، اما آنان در فشارند؛ بنابراین، جایی لازم است که از آن‌ها حمایت بکند و آن، این‌جاست. ما اگر بخواهیم این مرکزیت را تثبیت و تحکیم بکنیم، باید با شیعه دنیا تعارف داشته باشیم، آنان را بشناسیم، ببینند، بروند و بدانند که با جایی ارتباط دارند. ما از اوایل انقلاب، حتماً از این کار غفلت داشتیم. این کاری که الان انجام می‌گیرد، کاری است که خیلی دیر دارد انجام می‌گیرد. پس ما هدف جمع و اجتماع و جذب داریم؛ اما هدف دفع و پراکندن بیش از آنچه که هست، نداریم. هر برنامه‌ای که انجام می‌گیرد، بایستی به‌طور کامل، یا نزدیک به کامل و به شکل متکامل، این اهداف را تضمین کند. یعنی اگر ما اجتماعی درست می‌کنیم، بایستی این اجتماع موجب بشود که جذب گردند؛ نه اینکه گروه‌هایی از شیعه دفع بشوند، تبعیضی بشود، بی‌اعتنایی و تحقیری صورت گیرد و خدای نکرده تفکر و حرف ضعیفی مطرح بشود و احساس کنند که در اینجا عمق نیست؛ درحالی‌که عمیق‌ترین معارف اسلامی - نه فقط معارف شیعی - در ایران است.

شاید برادران به این نکته توجه داشته باشند، آنچه که الان متفکران ایرانی در باب مسائل اسلامی بحث کرده‌اند - معارف کلی اسلامی، مثل تفکرات مرحوم شهید مطهری - به مراتب عمیق‌تر و قوی‌تر است از آنچه که متفکران روشنفکر معروف

دنیا، از اخوان المسلمین، سید قطب، رشید رضا، عبده و دیگران مطرح کرده‌اند. تفکرات مرحوم طباطبایی و مرحوم مطهری - این متفکران شیعه - در زمینه‌های اجتماعی و مباحث عمومی اسلام، عمیق‌تر از همه است؛ مباحث تخصصی، مثل فقه و عرفان و فلسفه و این‌ها که جای خود دارد. نباید این‌گونه باشد که ما در باب مسائل شیعه، ناگهان بحثی را ارایه کنیم که بحث سبک و کم‌مایه و رقیقی باشد؛ بحث خیلی عمیقی نباشد. این کار ممکن است به جای جذب، موجب دفع بشود. پس نکته اول این است که هدف از این اجتماع بایستی دائماً مورد نظر باشد^۱.

جلوگیری از تعصبات و فرقه‌گرایی

از مدت‌ها پیش، دشمنان اسلام، علاج کار خود و منویات خبیث‌شان را در منطقه اسلامی در این دیدند که مسلمین را متفرق و شعبه شعبه کنند، مشترکات‌شان را تضعیف و یا کمرنگ کنند و به چیزهایی که آن‌ها را از هم جدا می‌کند، تکیه نمایند. بحمدالله انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی نگذاشت، یا بسیاری از خواسته‌ها و اهداف آن‌ها را خنثی کرد.

امروز در سرتاسر جهان، مذاهب مختلف و پیروان فرق گوناگون اسلامی، به نام جمهوری اسلامی شعار می‌دهند. امام بزرگوار ما (قدس‌الله‌نفسه‌الزکیه) در اعماق دل توده‌های مسلمان در شرق و غرب عالم جا داشت و آن‌ها بدون توجه به اینکه اهل کدام مذهب و کدام فرقه اسلامی هستند، او را دوست می‌داشتند و به او عشق می‌ورزیدند. همین قضیه موجب شد که دشمنان اسلام تلاش کنند، شاید بتوانند ایران

۱. بیانات در دیدار با اعضای ستاد برگزاری کنفرانس جهانی اهل بیت علیهم‌السلام ۱۳۶۹/۱/۲۶.

اسلامی را از بقیه مسلمین جدا کنند. امروز در دنیا میلیون‌ها دلار صرف تبلیغات می‌شود تا بتوانند عرق و عصبیت فرقه‌ای را در کسانی بیدار کنند و آن‌ها را از جمهوری اسلامی و از مشی انقلاب جدا نمایند. شما باید این را خنثی کنید^۱.

دشمن از راه‌های مختلف توطئه می‌کند؛ یکی از راه‌ها، اختلاف‌افکنی است. هرگونه اختلافی، هر جا که باشد، برخلاف نظر اسلام و قرآن است؛ چه اختلافات سیاسی باشد، چه اختلافات قبیله‌ای باشد. اختلافات ایلی و قبیله‌ای هم غلط است. همه مسلمانانند، همه فرزندان این مرز و بوم‌اند، همه با هم برادرند؛ چه اختلافی؟ ما اختلافات ناسیونالیستی را در سطح دنیا نفی می‌کنیم. ما می‌گوییم ملت‌های مسلمان باید با هم باشند. در میان یک ملت، اقوام و طوائف مسلمان و تیره‌های گوناگون، چه اختلافی با هم می‌توانند داشته باشند؟ این کار شیطان است که بین ما اختلاف بیندازد^۲.

مطلبی که من مناسب می‌دانم در اینجا عرض بکنم، این است که با نگاهی به صحنه جهان، احساس می‌شود که حرکت عظیم اسلامی، روزه‌روز رو به شدت و قوت است و گذشت زمان، به نفع ارزش‌های اسلامی و معنوی است. مسلمانان عالم بیدار شدند و دارند بیدار می‌شوند. چه مستکبران و قلدران بخواهند و چه نخواهند، چه امریکا بپسندد و چه نپسندد، این حقیقتی است که دارد اتفاق می‌افتد. باید مراقب و مترصد خطرات این مرحله بود. استبدادها و استعمارها و حکومت‌های قلدر و دشمن اسلام، مسلمین را قرن‌ها در ضعف و ذلت نگه‌داشتند. امروز که حرکت به سمت عزت و بیداری مسلمین است، مطمئناً دشمنان کمین‌هایی در راه خواهند داشت؛ باید مراقب آن‌ها بود. من یکی از این خطرات را عرض می‌کنم و آن، اختلاف کلمه بین مسلمین، اختلاف بین طوائف و مذاهب اسلام و اختلاف بین قومیت‌های مسلمان است.

۱. بیانات در دیدار مهمانان و شرکت‌کنندگان کنفرانس مجمع جهانی اهل بیت (ع) ۱۳۶۹/۳/۴.

۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم خرم‌آباد ۱۳۷۰/۵/۳۰.

شما نگاه کنید، در کجای جهان اسلام است که دست‌های خائن درصدد ایجاد تفرقه و اختلاف نباشد؟ و در کجاست که مغزهای پلید طراحان استکباری، ساده‌دلان و ضعیفانی را پیدا نکرده باشند که در خدمت هدف‌هایشان قرار بگیرند؟ هدف نزدیک و گام بزرگ ما، عبارت از ایجاد وحدت بین طوایف و مذاهب اسلامی و گروه‌های مسلمان است. عده‌ای برای ضربه‌زدن به حرکت عزت‌آفرین اسلامی، رسالت‌شان ایجاد تفرقه است؛ آن‌ها را شناسایی کنید و هوشمندانه با آن‌ها مقابله نمایید. اگر مسلمانان هوشیار باشند و خود را به عزت اسلام، عزیز بشمارند و به قوت اسلام، قوی بیندارند، بی‌گمان این حرکت خواهد توانست به اهداف خود برسد.^۱

هوشیاری در برابر تفرقه افکنی‌ها

هفته وحدت، وحدت میان امت اسلام است. دشمن می‌خواهد میان فرقه‌های اسلامی نزاع باشد؛ به‌خصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دشمن خواسته است بین ایران انقلابی و اسلامی و بقیه ملت‌ها جدایی بیندازد. از خدا می‌خواهند که در دنیای اسلام گفته شود: «این‌ها شیعه هستند و انقلاب‌شان انقلاب شیعی است و به ما سنی‌ها ربطی ندارد!» ملت ایران از اول انقلاب گفته است بله ما شیعه و موالیان اهل بیت پیامبریم؛ اما این انقلاب، یک انقلاب اسلامی بر اساس قرآن، بر اساس توحید، بر اساس اسلام خالص و ناب، بر اساس وحدت و برادری بین همه مسلمین است. این را از اول ملت ما گفتند و امام ما نیز این را فریاد کشید و بیان کرد.

نگذارید این وحدت خدشه‌دار بشود. سایر ملت‌های مسلمان در کشورهای دیگر نگذارند که نویسندگان و قلم‌به‌دست‌های مزدور، علیه ملت ایران و انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی مطلب بنویسند و تهمت و افتراء پخش کنند؛ آن‌ها دارند این کار

۱. بیانات در دیدار با دومین گروه از میهمانان خارجی مراسم دومین سالگرد ارتحال امام خمینی ره ۱۳۷۰/۳/۱۵.

فصل چهارم: بایسته‌ها و راهکارهای مقاومت اسلامی [۱۶۳]

را می‌کنند. نویسندگان خود ما هوشیاری به‌خرج دهند و نگذارند دشمن بهانه به دست بیاورد تا این شکاف وسیع بشود. صدا و سیما، رسانه‌ها، روزنامه‌ها، کتاب‌نویس‌ها، همه و همه مواظب باشند بهانه‌ای به دست دشمن ندهند تا اختلاف بین مسلمین ایجاد کند. ما گفتیم که برادران مسلمان در هر جا هستند و مذهب‌شان هر چه هست، باشند؛ اما همه برادر باشند و در راه اسلام و توحید و قرآن، با استکبار - که ضد اسلام و ضد توحید و ضد قرآن است - مبارزه کنند^۱.

رفع تعارض‌ها و کشمکش‌ها

وحدتی که ما اعلام می‌کنیم و شعار می‌دهیم و به آن دلبسته هستیم و دنبال آن، حرکت و کار می‌کنیم، اولین نقطه‌اش باید ناظر به رفع این تعارض‌ها و تناقض‌ها و اختلاف‌ها و درگیری‌ها باشد که خدای متعال به این راضی است و مؤمنان و مخلصان و اولیا و عقلا، از آن خشنودند. باید مقدمات و زمینه‌های این کار فراهم بشود. اختلاف عقیدتی دارند، داشته باشند؛ اختلاف قومی دارند، داشته باشند؛ تغایر نژادی دارند، داشته باشند. این‌ها، مستلزم و مستوجب تنافس و تعارض و درگیری و جدال بین مسلمین نشود. باید همه مخلصانه کار کنند. علمای بزرگ، متفکران، روشنفکران، نویسندگان، شعرا، هنرمندان، واقعاً این را واجب الهی بدانند. این آیه شریفه قرآن: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا»^۲ و آیات دیگر، خطاب به ما و همه مسلمین در مقابل دشمنان اسلام است. به این آیات عمل کنیم^۳.

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۰/۷/۵.

۲. آل عمران: ۱۰۳: «و همگی به ریسمان خدا [= قرآن و اسلام و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زنید و پراکنده نشوید!».

۳. بیانات در دیدار با مسئولان کشوری و لشکری و میهمانان شرکت کننده در کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۶۹/۷/۱۶.

بهره‌گیری از ظرفیت حج

حج باید بر دل‌های خسته و مجروح مسلمین مرهم نهاده و راه رشد و صلاح را - که همانا اتحاد و همبستگی ملت‌های مسلمان و عزم راسخ آنان بر مقابله و مبارزه با اردوگاه استکبار و جهانخواران و غارتگران ثروت‌های مادی و معنوی مسلمین است - به آنان نشان دهد^۱.

حج همچنین مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان است. اینکه خداوند متعال همه مسلمانان و هر که از ایشان را که بتواند، به نقطه‌ای خاص و در زمانی خاص فرا می‌خواند و در اعمال و حرکاتی که مظهر همزیستی و نظم و هماهنگی است، آنان را روزها و شب‌هایی در کنار یکدیگر مجتمع می‌سازد، نخستین اثر نمایانش، تزریق احساس وحدت و جماعت در یکایک آنان و نشان دادن شکوه و شوکت اجتماع مسلمین به آنان و سیراب کردن ذهن هر یک تن آنان از احساس عظمت است. با احساس این عظمت است که مسلمان اگر تنها در شکاف کوهی هم زندگی کند، خود را تنها حس نمی‌کند. با احساس این حقیقت است که مسلمین در هر یک از کشورهای اسلامی، شجاعت برخورد با اردوگاه ضدیت با اسلام، یعنی همین سلطه سیاسی، اقتصادی دنیای سرمایه‌سالاری و عوامل و ایادی آن و نیرنگ و فتنه‌گری آن را می‌یابند و افسون تحقیر - که اولین سلاح استعمارگران غربی در برابر ملل مورد تهاجم‌شان بوده و هست - در آنان نمی‌گیرد. با احساس این عظمت است که دولت‌های مسلمان با تکیه به مردم خود، از تکیه به قدرت‌های بیگانه خود را بی‌نیاز حس می‌کنند و این فاصله مصیبت‌بار میان ملت‌های مسلمان با دستگاه‌های حاکم بر آنان پدید نمی‌آید. با احساس این وحدت و جماعت است که نیرنگ استعماری دیروز

۱. حکم انتصاب حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی به سمت نمایندگی ولی‌فقیه و سرپرست

و امروز - یعنی احیای احساسات افراط‌آمیز ملی‌گرایی - این فاصله وسیع و عمیق میان ملت‌های مسلمان را پدید نمی‌آورد و قومیت عربی و فارسی و ترکی و آفریقایی و آسیایی، به جای آنکه رقیب و معارض هویت واحده اسلامی آن‌ها باشد، بخشی از آن و حاکی از سعه وجودی آن می‌گردد؛ و به جای آنکه هر قومیتی، وسیله و بهانه نفی و تحقیر قومیت‌های دیگر شود، وسیله‌ای برای نقل و انتقال خصوصیات مثبت تاریخی و نژادی و جغرافیایی هر قوم به سایر اقوام اسلامی می‌گردد.

حج با مشاهد و مناسک و شعایر خود، باید این روح وحدت و ملائمت و جماعت و عظمت را در مسلمانان همه اقطار عالم زنده کند و از شعوب و قبایل مختلفه، امت واحده پدید آورد و آن امت واحده را به وادی امن عبودیت مطلق خداوند هدایت نماید و مقدمات تحقق گفته خدای بزرگ را که: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»^۱ فراهم آورد.

تشکیل امت واحده‌ای که ناصیه عبودیت بر درگاه ربوبیت و وحدانیت می‌ساید، همان آرزوی بزرگ اسلام است و همان است که در سایه آن، نیل به همه کمالات فردی و جمعی مسلمین میسر می‌گردد و همان هدفی است که جهاد اسلامی برای تحقق آن تشریح شده و هر یک از عبادات و فرایض اسلامی، بخشی از آن را زمینه‌سازی و تأمین می‌کند.

حج ابراهیمی و محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بی‌گمان یکی از بزرگترین مقدمات و ارکان این دو هدف بزرگ است. بدین جهت در این عرصه عظیم، در همان حال که ذکر خدا:

۱. نساء: ۹۲: «این پیامبران بزرگ و پیروانشان) همه امت واحدی بودند (و پیرو یک هدف)؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس مرا پرستش کنید!».

«فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا»^۱ و اعلام برائت از مشرکان: «وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ»^۲

رکن حج محسوب می‌شود، حساسیت در برابر هر حرکتی که میان برادران - یعنی اجزای این امت واحده - جدایی و دشمنی بیافریند، نیز در حد اعلاست؛ تا آنجا که حتی بگومگویی دو برادر مسلمان نیز که در زندگی عادی چندان مهم نمی‌نماید، در حج ممنوع و حرام است؛ «فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ»^۳ آری، همان صحنه که در آن برائت از مشرکان - یعنی دشمنان بنیانی امت واحده توحیدی - لازم می‌شود، جدال با برادران مسلمان - یعنی اجزای بنیانی امت واحده توحیدی - ممنوع و حرام می‌گردد و بدین‌گونه پیام وحدت و جماعت در حج، صراحت بیشتری می‌یابد.^۴

اگر شما در حج که هستید، بتوانید آن کاری را که «لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»^۵ ایجاب می‌کند، انجام بدهید، تمام دنیای اسلام را زیر پوشش گرفته‌اید. کاری انجام شده که با هیچ وسیله دیگری آن کار امکان ندارد. یعنی اگر ما روزنامه‌ای داشته باشیم و بتوانیم آن را در خانه این تعداد آدم در سراسر دنیا بفرستیم، نمی‌تواند آن اثری را داشته باشد که حضور این جمع و تشکیل این جماعت و دیدن اشخاص و ابدان

۱. نساء: ۲۰: «و هنگامی که مناسک (حج) خود را انجام دادید، خدا را یاد کنید، همانند یادآوری از پدرانان (آن‌گونه که رسم آن زمان بود) بلکه از آن هم بیشتر!».

۲. توبه: ۳: «و این، اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر [= روز عید قربان] که: خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند!».

۳. بقره: ۱۹۷: «در حج، آمیزش جنسی با زنان و گناه و جدال نیست!».

۴. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۷۰/۳/۲۶.

۵. بقره: ۱۴۳: «تا بر مردم گواه باشید!».

شماها برای آن‌ها ممکن است این اثر را بگذارد. این، یک چیز دیگر است؛ به‌خصوص که منطقه، منطقه عجیبی است. آنجا زمین‌ها متبرک است. هر کس وارد مکه و مدینه می‌شود، به نظر من اول باید خم بشود و آن زمین‌ها را ببوسد. این جا، جاهایی است که کف پای پیامبر، کف پای امیرالمؤمنین، کف پای فاطمه زهرا علیها السلام، کف پای سلمان به همین زمین‌ها خورده است. این وادی‌های مختلف مکه، این شعب‌ها، این مراکز گوناگون در مدینه و در مکه، تقدس بسیاری دارد. اصلاً محوطه، محوطه عجیبی است؛ مثل اینکه از عالم دیگری آورده‌اند و در این دنیای ما گذاشته‌اند؛ برای ما این‌گونه است. از یک طرف، چنین جایگاهی وجود دارد؛ از طرف دیگر، این شما باید که باید «وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»^۱ باشید. باید از حالا برنامه را بر این اساس بریزید. این مراسم برائت، مراسم بسیار مهمی است. واقعاً گل سرسبد جماعی حج ما همین مراسم برائت است. هر مجموعه، آرم و شعاری دارند؛ آرم ما هم این است؛ لیکن همه چیز، این نیست. ما باید خودمان را برای پاسخ صحیح و مناسب به هر سؤال احتمالی که بر زبان‌ها بیاید و احیاناً بعضی بر زبان‌ها نیاید، ولی از ما وجود دارد، آماده کنیم و آن پاسخ‌ها را به صورت جزوه، کتاب، انسان آماده به حرف و تماس‌هایی که باید گرفته بشود، حاضر کنیم... ما در حج باید بتوانیم فرهنگ و اخلاق و منش و رفتار مردم خودمان را طوری بکنیم که این‌ها الگو بشوند و کسانی که نگاه می‌کنند، یادشان نرود؛ لااقل چیزهای برجسته‌ای را از ایرانی‌ها بگیرند. این شاید در مواردی، اثرش از آن سوءظن بیشتر باشد. این قدمی نیست که بگویم برداشته بشود تا شما بگویید که کار ما نیست؛ نه همان مقداری که مربوط به حج است، باید انجام بگیرد؛ بنابراین، از دیدگاه تأثیر بر روی ملت‌های مسلمان، این مسئله اساسی و مهم

۱. حج: ۷۸: «و بر مردم گواه باشید».

وجود دارد. ما باید از همه مظاهر و ظواهر و شعایر حج استفاده نکنیم. مثلاً بینیم در عرفات چه استفاده‌ای می‌توان کرد. منظورم صرفاً استفاده سیاسی نیست. البته بخشی از آن، استفاده سیاسی و انقلابی است و هرچه می‌شود، باید استفاده کرد. یا مثلاً در منی، یا در خود مکه، یا در مدینه، چه استفاده‌ای می‌توان کرد. در بجنوبه اعمال حج، چه استفاده‌هایی می‌توان کرد. بعد از ایام حج - که یک مقدار فراغت و آرامش هست و احساسات مردم فروکش کرده و دنبال کارهای متفرقه‌اند - چه استفاده‌هایی می‌توان کرد. یعنی ما باید برای دانه‌دانه این‌ها برنامه داشته باشیم. نمی‌گوییم که از امسال تا سال آینده این برنامه‌ها تنظیم بشود؛ اما هدف و جهت باید این باشد.

جمهوری اسلامی حج را شناخت. این، بصیرت امام بود. امام درست در سربندهای اساسی انگشت گذاشته بود. در اسلام خیلی واجب وجود دارد، روزه هم یک واجب اساسی است؛ اما امام روی نماز جمعه و روی حج - یعنی آن بخش‌های حساس و سربندهای مهم - خیلی تکیه کرد و دائم از سال اول نسبت به حج حرف داشت و پیام می‌داد... سیاست‌های جهانی، نسبت به کوچکترین کارهای ما حساس است. ما بایستی کار را، هم دقیق و هم هوشمندانه و هم نه چندان آشکار و واضح انجام بدهیم. یعنی لزومی ندارد که از همین حالا بگوییم که ما می‌خواهیم برویم حج را - نه مکه را - فتح کنیم؛ اما باید واقعاً نیت‌مان این باشد. ما باید حج را فتح کنیم و ان شاء الله برنامه‌ریزی را بر این اساس انجام بدهیم^۱.

نزدیک کردن دل‌ها، فکرها و ایمان‌ها

امروزه دنیای اسلام که از جهت ذخائر مادی و انسانی و فکری و تاریخی، یکی از بزرگترین مجموعه‌های جهان است، بیش از همیشه نیازمند وحدت و تقریب است.

۱. بیانات در دیدار با اعضای بعثه حج ۱۳۷۰/۴/۲۳.

فصل چهارم: بایسته‌ها و راهکارهای مقاومت اسلامی [۱۶۹]

اگر متمرکز و هم‌جهت ساختن تلاش‌ها و توان‌ها و به جریان انداختن آن در سمت و سوی نجات امت اسلامی، هدف و آرزوی هر مسلمان خیرخواه و دلسوز است، باید دانست که این هدف جز در سایه نزدیک کردن دل‌ها و فکرها و ایمان‌ها، دست‌یافتنی نیست.^۱

وحدت ملی

اگر این ملت بزرگ و رشید، وحدت ملی را در این کشور حفظ کند، آن وقت این وحدت، برای وحدت ملت‌های دیگر زمینه‌سازی می‌شود. اگر یک امت اسلامی با حدود یک و نیم میلیارد نفر جمعیت، در مسائل اساسی خودشان متحد باشند، شما ببینید چه قدرت عظیمی در دنیا به وجود می‌آید؛ اما اگر وحدت ملی خدشه‌دار شد، دیگر حرف زدن از وحدت جهان اسلام یک سخن افسانه‌گون است و همه می‌خندند. عده‌ای می‌خواهند این را به وجود بیاورند.^۲

ایجاد جبهه متحد کشورهای اسلامی

متأسفانه از نقاط ضعف موجود مسلمانان فقدان هماهنگی، همدلی و همکاری‌های بین‌المللی است. امروز جهان اسلام مبتلا به مصیبت‌هایی است که نتیجه فشار و ظلم مخالفین و معاندین متحد و ضعف دوستان متفرق است.^۳

امریکا در برابر جبهه متحد کشورهای اسلامی، از اندونزی تا شمال آفریقا، چه می‌تواند بکند؟ امروز دلگرمی استکبار، به پراکندگی این جبهه است. آیا وقت آن نرسیده که این صف را به نفع خودمان مستحکم کنیم؟ حضور دشمنی مانند حکومت

۱. پیام به کنگره بزرگداشت حضرت آیت الله العظمی بروجردی و علامه شیخ محمود شلتوت ۱۳۷۹/۱۰/۱۸.

۲. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا (علیه السلام) در مشهد مقدس ۱۳۷۹/۱/۶.

۳. پیام به کنفرانس بین‌المجالس اسلامی ۱۳۷۸/۳/۲۵.

صهیونیستی در قلب قلمرو اسلامی، شاید می‌توانست ما را به یکدیگر نزدیک‌تر سازد، ولی دست‌های مرموز استکبار، این خطر را هم از برابر خود برداشت. با ما کاری کرد که اینک از یکدیگر بیشتر می‌ترسیم تا از دشمن! وسوسه‌ها و دروغ‌ها و تبلیغات موزیانه، کشورهای اسلامی را به غلط و نابجا از یکدیگر ترسانده است.^۱

سازمان کنفرانس اسلامی

این سازمان می‌تواند مظهر اتحاد حقیقی کشورهای مسلمان در مسائل و منافع مشترک آنان باشد. به نام اعضای خود سخن بگوید و مطالبه و اقدام کند و قدرت مالی و اقتصادی و سیاسی آنان را پشت سر خود داشته باشد.

وجود یک سازمان کنفرانس اسلامی مقتدر، می‌تواند از یک سو با زبان عزت و اقتدار اسلامی، بیگانگان را به رفع این مزاحمت وادار کند و از سوی دیگر بهانه‌های این حضور بی‌جا را مرتفع سازد و هر گاه لازم باشد، نیرویی از خود کشورهای اسلامی را به حراست از امنیت و صلح، در این منطقه بگمارد. هم اکنون اقلیت‌های مسلمان در بعضی از کشورهای جهان، از تبعیض و ستم و رفتارهای تعصب‌آمیز، به شدت در رنجند. کمک به آنان وظیفه همه مسلمانان است. ولی برای یک کمک جدی و قابل قبول در چهارچوب روابط بین‌المللی، نیاز به یک مرکز بین‌الممالک اسلامی است و کدام مرکز، مناسب‌تر از سازمان کنفرانس اسلامی؟ ده‌ها کار بر زمین مانده وجود دارد که هریک به تنهایی، وظیفه همه دولت‌های اسلامی است.

این سازمان می‌تواند مظهر اتحاد حقیقی کشورهای مسلمان در مسائل و منافع مشترک آنان باشد. به نام اعضای خود سخن بگوید و مطالبه و اقدام کند و قدرت مالی و اقتصادی و سیاسی آنان را پشت سر خود داشته باشد. میان اعضای خود، رابط

۱. بیانات در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی ۱۳۷۶/۹/۱۸.

حلّ مشکلات باشد. آنجا که گردآوردن همّت‌ها و کمک‌ها برای یک کار بزرگ و یک هدف مشترک، نیازمند یک نقطه تلاقی، یا یک عنصر هماهنگ کننده است، آن نقطه و آن عنصر باشد. آنجا که لازم است، داوری کند و آنجا که مفید است، اندرز دهد. امروز جهان اسلام با اینکه در تجارت جهانی سهمی بسی کمتر از ۲۰٪ - که نسبت تقریبی اعضای آن به کل سکنه جهان است - دارد، اما از همین مقدار هم آنچه مخصوص تجارت درونی میان کشورهای اسلامی است، درصدهای بسیار پایین است. این سازمان می‌تواند نسبت به این مسئله مؤثر اقتصادی که در سیاست این مجموعه نیز مؤثر خواهد بود، نقش فعال ایجاد کند.

کنفرانس اسلامی باید قطعنامه‌های خود را تا اجرای کامل، پیگیری کند تا این اجلاس‌ها برای ملت‌های ما، دستاوردی داشته باشد. به علاوه باید بتواند پارلمان بین‌المجالس کشورهای اسلامی را تأسیس کند، بازار مشترک اسلامی را از صورت یک آرزوی دور، به یک واقعیت تبدیل کند، دیوان داوری اسلامی را پی‌ریزی نماید و بالاخره به نمایندگی از پنجاه و پنج کشور اسلامی و یک میلیارد و چند صد میلیون نفوس، یکی از اعضای ثابت شورای امنیت سازمان ملل متحد باشد و تا وقتی حق «وتو» باقی است، ششمین عضو دارای حق «وتو» در آن شورا باشد.

امروز و همیشه، جمع‌های بزرگی از مسلمین، دچار دردهای جان‌گزایی هستند که حلّ عاجل می‌طلبد. مثلاً هم اکنون بعضی از ایالت‌های افغانستان - مانند بامیان - در معرض آسیب گرسنگی عمومی و سرمای سخت زمستان آن مناطق قرار دارند. ملت عراق در یکی از سخت‌ترین محنت‌های تاریخ خود - از لحاظ نایابی مواد غذایی و دارو - به سر می‌برد و جان میلیون‌ها انسان، به‌ویژه کودکان، در خطر است. در الجزایر، فجیع‌ترین جنایات از سوی دست‌های پنهان ارتکاب می‌شود تا اسلام گرایان بدان متهم و چهره اسلام از آن زشت شود! در بوسنی، در کشمیر، در سومالی،

در قره‌باغ و در برخی نقاط دیگر، مسلمانان دچار مشکلات‌اند. سازمان کنفرانس اسلامی می‌تواند با استفاده از کمیته‌های مخصوص، به این کارها همّت گمارد و با کار مؤثری که همه اعضا در آن سهیم‌اند، معضل را حل کند. ما برای فعال کردن این سازمان در مسائل فی‌مابین کشورهای خود، به جز اراده همگانی و کمک مالی از سوی کشورهای اسلامی ثروتمند، به هیچ کس و هیچ چیز دیگر نیاز نداریم. مخالفت احتمالی دولت‌هایی که از اتحاد مسلمین متضرر می‌شوند، نمی‌تواند هیچ مانعی بر سر این راه ایجاد کند؛ مگر آنکه در اراده ما تزلزل ایجاد شود.^۱

تشکیل قرارگاه دفاع

خب، ما چه کار کنیم؟ باید دفاع کنیم. این، قرارگاه لازم دارد، مثل قرارگاه‌های میدان جنگ^۲؛

کسب قدرت و اقتدار

تنها راه نجات ملت‌ها، اتکای به خود، استقلال کامل و فراهم آوردن عناصر بقا و اقتدار در خود است؛ نه فقط اقتدار ظاهری و مادی، بلکه اقتدار معنوی و روحی و فکری و ارادی^۳. این را هم فهمیده‌ایم که اگر بخواهیم مسلمان زندگی کنیم، باید قدرتمند باشیم تا بتوانیم از خودمان و از هدفمان و از عقایدمان در مقابل دشمن دفاع کنیم. باید قدرتمند باشیم تا بتوانیم از حقوق کشورمان، از حقوق ملتمان - به عنوان

۱. همان.

۲. بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور ۱۴/۱۰/۱۳۹۴.

۳. بیانات در مراسم اعطای سردوشی در دانشگاه دریایی امام خمینی رضی الله عنه و دانشگاه علوم و فنون دریایی سپاه نوشهر

۱۳۷۸/۲/۲۹.

یک ملت - از حقوق خودمان دفاع کنیم؛ ما دنبال این هستیم. این‌ها جرم است برای یک ملت؟ پس حرف ما حق است. پای این حق هم ایستاده‌ایم.^۱

خوشبختانه مسئولین کشور عزت ملی را کاملاً در نظر دارند و می‌دانند که در مقابل زیاده‌خواهی دشمنان، راه نجات تسلیم شدن و عقب‌نشینی کردن نیست؛ اگر دشمن زورگویی و زورگیری می‌کند، باید در مقابل دشمن ایستاد و پیشرفت کرد. علاج ملت ایران در کسب اقتدار است؛ این اقتدار فقط به معنای اقتدار نظامی نیست؛ باید اقتدار علمی، اقتدار اقتصادی، به دست آوردن قدرت اخلاقی و اجتماعی و بالاتر از همه این‌ها اقتدار معنوی و روحی - که از اتکال به خداوند متعال برای یک ملت حاصل می‌شود - هم کسب کنیم.^۲

اگر ملتی قوی نباشد، باج‌گیران عالم از او باج می‌گیرند، از او باج می‌خواهند؛ اگر بتوانند به او اهانت می‌کنند؛ اگر بتوانند زیر پا او را لگد می‌کنند. طبیعت دنیایی که با افکار مادی اداره می‌شود، همین است؛ هر که احساس قدرت بکند، نسبت به کسانی که در آن‌ها احساس ضعف می‌کند، زورگویی خواهد کرد؛ چه نسبت به فرد، چه نسبت به ملت. شاعر معروف می‌گوید:

مرگ برای ضعیف امر طبیعی است هر قوی اول ضعیف گشت و سپس مرد^۳
می‌گوید مرغ پخته را آوردند در برابر آن کسی که گوشت مرغ و گوشت حیوانی نمی‌خورد، نگاه کرد: «اشک تحسّر ز هر دو دیده بیفشرد»؛ به این مرغی که جلویش گذاشته بودند، گفت:

گفت [به مرغ] از چه شیر شرزه نگشتی تا نتواند کست به مسلخ آورد

۱. دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه ۶ بهمن ۱۳۸۸/۱۱/۶.

۲. پیام نوروزی به مناسبت حلول سال ۱۳۸۷/۱/۱.

۳. سید هادی حائری، افکار و آثار ایرج میرزا، ص ۱۷۳.

اگر تو از خودت می‌توانستی دفاع کنی و در خودت قدرتی می‌داشتی، جرأت نمی‌کردند این جور سر تو را ببرند. من نه آن شاعر را قبول دارم، نه ابوالعلائی معری را که از قول او این حرف گفته شده است؛ اما این را قبول دارم که مرگ در دنیایی که بر اساس افکار مادی اداره می‌شود، برای ضعیف امر طبیعی است؛ این را قبول دارم. اگر یک ملتی به خود نیاید، خود را قوی نکند، دیگران به او زور می‌گویند^۱.

ما رسالت داریم. ایران اسلامی، ایران مسلمان، رسالتی بیش از این حرف‌ها دارد. نه اینکه قصد جهان‌گشایی و تصرف داشته باشیم - ابداً و اصلاً - اصلاً در ذهن آن کسی که مسلمان باشد، وارد نمی‌شود که بخواهد جهان‌گشایی کند؛ بلکه مسئله، مسئله رسالت در مقابل بشریت است. بشریت، هم امروز و هم در دوران‌های گذشته، دچار ابتلائات بزرگی بوده. همچنان که من و شما نسبت به خانواده خودمان، نسبت به شهر خودمان، نسبت به میهن خودمان مسئولیت‌های مشترکی داریم و اگر بتوانیم برای کشورمان کاری بکنیم و نکنیم، گناه کردیم؛ بتوانیم گرد غمی را از چهره ملت‌مان پاک کنیم و نکنیم، گناه کردیم، عین همین قضیه در مورد بشریت وجود دارد. اگر ما دیدیم که مردم در دنیا، در یک نظام سیاسی باطل و پر از فشار دارند زندگی می‌کنند و توانستیم یک قدم آن‌ها را به نجات از این نظام نزدیک کنیم و نکنیم، گناه کردیم. اگر ما دیدیم که بخش مهمی از مردم دنیا دچار گرسنگی‌اند، دچار فقر بدبخت‌کننده و تیره‌روز‌کننده هستند و توانستیم اقدامی بکنیم و نکنیم، گناه کردیم. با این نگاه باید به مسائل بشریت و مسائل جهان‌نگریست. اگر این است، پس باید کشور توانایی داشته باشد؛ باید ملت و دولت، مجموعه نظام و کشور قوی باشد و اقتدار داشته باشد. اگر مقتدر نباشیم، مقتدران عالم بر روی ما اثر می‌گذارند؛ مجالی باقی نمی‌ماند

۱. بیانات در حرم مطهر رضوی در اولین روز سال ۱۳۹۳/۱/۱.

تا ما بخواهیم حتی روی همسایگان خودمان یا همکیشان خودمان تأثیر بگذاریم، چه برسد بر روی کل بشریت. پس باید قدرت پیدا کرد. این قدرت بلاشک در ابزارهای نظامی نیست؛ حتی در قدرت تولید و پیشرفت فناوری هم نیست^۱.

هر ملتی حق دارد و وظیفه دارد که در اقتدار خود بکوشد. ملت‌ها اگر خود را به مرحله اقتدار نرسانند، در کشاکش درگیری‌های جهانی و قدرت‌طلبی‌ها لگدمال خواهند شد. آن ملتی که به ضعف خو کند، ضعف را برای خود عیب بزرگ نشمارد، آن ملت شایسته سربلندی و عزت نیست. قدرت‌ها، چکمه‌پوشان عالم، سرنیزه‌داران مستبد و دیکتاتور بین‌المللی، به چنین ملتی رحم نخواهند کرد. ملت‌ها وظیفه دارند خود را مقتدر کنند^۲.

اقتدار را با ظلم نباید اشتباه کرد؛ اقتدار را با حدومرز نشناختن و بی‌مهاری حرکت کردن نباید اشتباه کرد. مثلاً فرض کنید در بعضی از کشورها - فرضاً در آمریکا - پلیس خیلی مقتدر است؛ آدم‌های عضلانی را هم پشت دوربین‌ها و مانند این‌ها نشان می‌دهند که این‌ها به‌عنوان پلیس آمده‌اند وسط میدان و دارند قبض و بسط می‌کنند؛ خب بله؛ لکن می‌زنند بی‌گناه‌ها را می‌کشند؛ کسی را به‌عنوان اینکه مثلاً می‌خواسته اسلحه بکشد، پانزده شانزده گلوله می‌زنند و پدرش را درمی‌آورند، نابودش می‌کنند - این اقتدار مطلوبی نیست؛ اقتدار همراه با ظلم است؛ این اقتداری است که درنهایت، ایجاد امنیت نمی‌کند، ایجاد ناامنی می‌کند؛ خود این، عامل ناامنی می‌شود - بعد هم که می‌روند دادگاه، دادگاه‌ها هم این‌ها را تبرئه می‌کنند که می‌شنوید. این قضایا امروز متأسفانه در دنیای بی‌اعتنای به ارزش‌های معنوی خیلی زیاد است که مشاهده می‌کنید. حالا بامزه اینجا است که در آمریکا که به اصطلاح رییس‌جمهور هم یک سیاه‌پوست است، درعین حال نسبت به سیاه‌پوستان این حالات و این کارها دارد انجام می‌گیرد.

۱. بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران ۱۳/۱۱/۱۳۸۸.

۲. بیانات در دانشکده علوم دریایی نوشهر ۱۴/۷/۱۳۸۸.

به‌مناسبت اینکه یک روزی برده‌داری را یک شخصی، یک رییس جمهوری حذف کرده است، جشن می‌گیرند - که آن هم محلّ اشکال است؛ آن هم محلّ ایراد اساسی است؛ یعنی آبراهام لینکلن که می‌گویند این را حذف کرده است، بر حسب دقّت‌های تاریخی‌ای که کسانی کرده‌اند، واقعیت قضیه این نیست؛ مسئله مسئله حذف بردگی نیست؛ مسئله مسئله شمال و جنوب بود و جنگ‌های دامنه‌دار و ریشه‌دار چندساله شمال و جنوب آمریکا و بحث دعوی بین زمین‌داری و کشاورزی از یک طرف و صنعت از یک طرف؛ دعوا سر این حرف‌ها بود؛ بحث این نبود که واقعاً به‌خاطر احساسات انسان‌دوستانه [باشد] - اما در همان حال، سیاه‌ها مورد ظلم قرار می‌گیرند، مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرند، مورد تحقیر قرار می‌گیرند؛ بعد هم که جانشان [در خطر است]. این جور اقتداری درمورد پلیس، مطلوب اسلام و مطلوب ما نیست؛ نه ما این را که بیاییم و حالت و شکل به‌اصطلاح بازی سینمایی و هالیوودی بدهیم به کار پلیس خودمان در خیابان، نمی‌پسندیم. ما می‌خواهیم کار به‌معنای واقعی کلمه انجام بگیرد؛ یعنی قاطعیّت، اقتدار درعین حال با عدالت، با مروّت، با ترحمّ؛ جاهایی بایستی با ترحمّ همراه باشد؛ این مظهر اسلام است. ذات مقدّس پروردگار از این طرف رحمان رحیم^۱ است، از آن طرف صاحب عذاب الیم^۲ است؛ یعنی این دو در کنار هم مورد توجه قرار می‌گیرد. این باید بیاید همین‌طور در پایین این هرم و پخش بشود در زندگی ما و رفتارهای ما و کارهای ما که از جمله در مورد پلیس این معنا بایستی وجود داشته باشد^۳.

۱. برای نمونه می‌توان به سوره حمد آیه ۳، بقره آیات ۳۷ و ۱۶۳ و نحل آیه ۷ اشاره نمود.

۲. برای نمونه می‌توان به سوره بقره آیات ۱۰۳ و ۱۷۸، عنکبوت آیه ۲۳ و حجر آیه ۵۰ اشاره نمود.

۳. بیانات در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در حسینیه امام خمینی علیه‌السلام ۱۳۹۴/۲/۶.

تفاوت الگوی اقتدار در نظام اسلامی و نظام‌های مادی

تفاوت اصلی در اینجاست که الگوی اقتدار در نظام‌های مادی که امروز بر دنیا حاکم است، با الگوی اقتدار در نظام اسلامی متفاوت است. در نظام‌های مادی، اقتدار، متکی به پایه‌های قدرت مادی است - به پول، به سلاح، به تبلیغات فریبکارانه و هر جا لازم شود، مزورانه و منافقانه - اما در الگوی اسلامی و معنوی، این اقتدار در درجه اول متکی به عامل معنوی و ارزش معنوی و الهی است؛ متکی است به ایمان، متکی است به اعتماد به خدای متعال، متکی است به تلاش مخلصانه در راه آرمان‌های بلند و والا. نه اینکه به سلاح بی‌اعتناء باشیم، نه اینکه به نظم و تجهیزات و آموزش به چشم بی‌اهمیتی بنگریم؛ همه این‌ها لازم است؛ اما روح این‌ها - که این‌ها به منزله جسم آن و کالبد آن به حساب می‌آیند - عبارت است از احساس تکلیف خدایی، احساس اتکال به خدای متعال. این است که یک ارتش را، یک مجموعه نیروهای مسلح را، یک ملت را آنچنان مقاوم و استوار می‌کند که قدرت‌های مادی قادر نیستند آن را به زانو در بیاورند و نصرت نهایی و پیروزی نهایی با اوست.

این فقط در مقام تئوری نیست، این بیان خیالات آرزومندانه و بلندپروازانه نیست؛ این تجربه عملی ماست. شما جوانان عزیز می‌توانید در تاریخ نزدیک کشور خودتان این حقایق را با دقت مطالعه کنید. پیروزی ملت ایران در مواجهه با نظام طاغوتی، یک مصداق کامل از غلبه عوامل معنوی بر عوامل مادی بود. نظام طاغوتی، نظام وابسته، نظام فاسد، در این میهن عزیز و مظلوم، متکی به ابزار گوناگون اقتدار مادی از سوی قدرت‌های بین‌المللی بود؛ اما در مقابل ملتی بی‌سلاح و مجهز به ایمان و اعتماد به نفس شکست خورد.

تجربه دوم، تجربه ملت ایران در دوران دفاع مقدس بود. شرق و غرب آن روز دنیا رژیم بعثی فاسد مفسد را حمایت می‌کردند؛ آمریکا حمایت می‌کرد، ناتو حمایت

می‌کرد، شوروی آن روز حمایت می‌کرد، ارتجاع منطقه حمایت می‌کرد؛ پول می‌دادند، سلاح می‌دادند، اطلاعات می‌دادند، نیروی انسانی می‌دادند، برای اینکه بتوانند نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران را به شکست بکشانند؛ اما ملت ایران در میان تحریم همه‌جانبه، به‌خصوص تحریم سلاح و تجهیزات جنگی، در غربت کامل، با اتکاء به ایمان خود، ایمان جوانان خود، شجاعت و دلیری نیروهای مسلح خود، توانست این دشمن متکی به کوه سلاح و تجهیزات را شکست دهد و هزینه‌هایی که این همه بر سر رژیم طاغوتی ریختند، باطل کند.

امروز هم همین است. امروز هم دنیای استکبار راه مواجهه با ایران اسلامی را هنوز پیدا نکرده است. تکیه به قدرت مادی، تجهیز دوستان و نزدیکان خود به سلاح - شما ببینید چقدر سلاح مدرن وارد این منطقه می‌شود و چقدر پول ملت‌های این منطقه صرف این سلاح‌ها می‌شود و به جیب صاحبان صنایع نظامی آمریکا و غرب می‌رود - اما بی‌فایده است؛ «فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً»^۱. این پول‌ها را خرج می‌کنند، اما این‌ها به دادشان نمی‌رسد و به دردشان نمی‌خورد.

ایران اسلامی با اتکاء به ایمان توانست در میدان ابزارهای مادی هم بر دیگران پیشی بگیرد. البته نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و شهدای عالیقدر آن، مثل شهید ستاری و شهید بابایی و شهید خضرای و شهید دوران و دیگران و دیگران در این راه پیشقدم بودند. اولین مؤسسه جهاد خودکفایی نیروهای مسلح در نیروی هوایی به‌وجود آمد؛ کادرهای پروازی یک جور، کادرهای فنی یک جور؛ ارزش آفریدند. نظام جمهوری اسلامی این خدمات را هرگز فراموش نخواهد کرد. در این میدان ارتش به‌پاخاست، سپاه به‌پاخاست، مسئولان گوناگون نیروهای مسلح

۱. انفال: ۳۶: «آن‌ان این اموال را (که برای به دست آوردنش زحمت کشیده‌اند، در این راه) مصرف می‌کنند، اما مایه حسرت و اندوه‌شان خواهد شد».

به‌پاخواستند، دانشگاه‌ها کمک کردند، دانشمندان کشور همکاری کردند. امروز ملت ایران علاوه بر نیروی ایمان و معنویت و ارزش‌های معنوی خود، متکی است به ابزارهای مادی فرآورده به دست خود و با ابتکار خود؛ این افتخار است.^۱

مرزبندی با دشمنان

آنچه که مهم است فراموش نشود، اهداف و شاخص‌های اصلی است. این را بارها گفته‌ایم و امروز هم یکی از اساتید محترم، اینجا گفتند؛ استکبارستیزی؛ ایستادگی قاطع در مقابل حرکت کفر و نفاق - نه فقط در کشور، بلکه در سطح جهان - مرزبندی شفاف با دشمنان انقلاب و دشمنان دین؛ این‌ها شاخص است. اگر کسی مرزبندی شفاف نمی‌کند، قدر خودش را کاهش می‌دهد؛ اگر گرایش پیدا می‌کند، از دایره خارج می‌شود. این‌ها آن مبانی و آن خطوط اصلی است. حرکت انقلاب، حرکت روشنی است، حرکت رو به جلویی است و این حرکت ان‌شاءالله ادامه پیدا خواهد کرد.^۲

حمایت از گروه‌های مقاومت و بیداری اسلامی

علت اینکه ما از مقاومت لبنان دفاع می‌کنیم [این است]: چون این‌ها یک گروه مقاومت - به معنای واقعی - در مقابل دشمن‌اند، یک گروه دفاع‌اند، یک گروه شجاع‌اند، فداکارند و ایستاده‌اند در مقابل [آنها]. اگر این‌ها نبودند، اسرائیل که یک روزی تا صیدا و جلوتر از صیدا و تا خود بیروت هم آمد، امروز بیروت را اشغال می‌کرد، لبنانی باقی نمی‌ماند؛ گروه مقاومت است که جلوی این‌ها را گرفته است. آن وقت آمریکایی‌ها، حضرات سیاستمداران صادق و راستگوی آمریکا (!) این‌ها را می‌گویند

۱. بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی دانش‌آموختگان ارتش در دانشگاه شهید ستاری. ۱۳۸۹/۸/۱۹

۲. بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۴/۲.

تروریست و ایران را به‌خاطر حمایت از این‌ها می‌گویند مدافع تروریسم! مدافع تروریسم، شما هستید. شما هستید که داعش راه می‌اندازید، شما هستید که تروریست تربیت می‌کنید، شما هستید که صهیونیست‌های خبیث و تروریست را زیر بال خودتان نگه می‌دارید، شما مدافع تروریست [هستید]؛ شما باید محاکمه بشوید به‌عنوان حمایت و کمک به تروریست. همین مسئله در مورد یمن هست، در مورد بحرین هست، در مورد کشورهای دیگر [هم] هست^۱.

اتحاد نگرش آرمان‌گرای واقع بین

چیزی که در این حرکت ۳۳ ساله انسان مشاهده می‌کند، درسی که انقلاب داد و امام بزرگوار باقی گذاشت، این است که در این حرکت سی و سه ساله، آرمان‌ها و آرزوهای عظیمی که اسلام آن‌ها را به ما القاء می‌کند و تعلیم می‌دهد، از نظر دور نماند؛ در عین حال واقعیت‌های موجود جامعه و جهان هم مورد توجه قرار گرفت؛ این کمک کرد به این که این حرکت بتواند ادامه پیدا کند؛ یعنی ترکیب آرمان‌خواهی و آرمان‌گرایی با واقع‌بینی. یک حرفی را سر زبان‌ها انداختند، درباره‌اش نوشتند و گفتند؛ الان هم انسان در گوشه و کنار می‌شنود که ملاحظه واقعیت‌های جامعه و جهان، با آرمان‌گرایی نمی‌سازد. آرمان‌گرایی را اشتباه کردند با رؤیاگرایی. آنچه که ما می‌خواهیم دنبال کنیم و اصرار بر آن داریم، این است که واقع‌بینی، مشاهده واقعیات جامعه و جهان، با آرمان‌گرایی و تعقیب آرمان‌ها و آرزوهای بزرگ ملت ایران هیچ‌گونه تنافی و تعارضی ندارد. اگر ما توانستیم آرمان‌گرایی را با واقع‌بینی و واقع‌گرایی همراه کنیم، ترجمه عملیاتی‌اش می‌شود اینکه ما تدبیر را با مجاهدت ترکیب کنیم؛ هم مجاهدت کنیم و مجاهدانه حرکت کنیم، هم این حرکت مجاهدانه

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۹۴/۴/۲۷.

در یک چهارچوب تدبیرشده‌ای قرار بگیرد؛ که این، آگاهی عمومی، آگاهی دست‌اندرکاران، همراهی دل‌ها و زبان‌ها در همه عرصه‌ها را می‌طلبد.

بعضی وانمود می‌کنند که آرمان‌گرایی با واقع‌بینی نمی‌سازد؛ این را ما به شدت رد می‌کنیم. بسیاری از آرمان‌های جامعه ما و مطالبه آن‌ها جزو واقعیت‌های جامعه است. مردم مایل‌اند عزت ملی داشته باشند، مردم مایل‌اند زندگی ایمان‌مدار و دین‌مدار داشته باشند، مردم مایل‌اند در امور اداره کشور و مدیریت کشور سهیم باشند - یعنی مردم‌سالاری - مردم مایل‌اند پیشرفت داشته باشند، استقلال سیاسی و اقتصادی داشته باشند؛ این‌ها خواسته‌های عمومی مردم است. این خواسته‌ها، واقعیت‌های جامعه است؛ این واقعیت‌ها دقیقاً در جهت آرمان‌خواهی است؛ این‌ها که مسائل تحلیلی و ذهنی نیست، این‌ها که موهومات نیست، این‌ها که ذهنیات نیست؛ این‌ها واقعیاتی است که در جامعه وجود دارد. یک جامعه زنده و مؤمن دنبال این چیزهاست؛ می‌خواهد عزت ملی داشته باشد، می‌خواهد استقلال داشته باشد، می‌خواهد پیشرفت داشته باشد، می‌خواهد آبروی بین‌المللی داشته باشد؛ این‌ها خواسته‌هایی است که مردم دارند؛ این‌ها در جهت آرمان‌هاست؛ و این خواستن، جزو واقعیت‌های قطعی جامعه است؛ بنابراین واقعیات می‌تواند در خدمت و معطوف به آرمان‌ها باشد. بله ذکر آرمان‌ها بدون توجه به واقعیت‌ها و بدون ملاحظه سازوکارهای معقول و منطقی رسیدن به آرمان‌ها، خیال‌پردازی است؛ آرمان‌ها در حد شعار باقی خواهد ماند؛ لیکن وقتی که مسئولان کشور آرمان‌ها را به صورت منطقی و متین دنبال کردند، مردم همراهی کردند، اینجا آنجایی است که واقعیت‌های جامعه با آرمان‌ها هماهنگ می‌شود. خوب، این یک امر اساسی و یک پایه اساسی برای حرکت کشور است.^۱

بعضی‌ها اشتباه می‌کنند که در مقابل آرمان‌گرایی، واقع‌بینی را مطرح می‌کنند. در نظر این‌ها واقع‌بینی نقطه مقابل آرمان‌گرایی است. این خطای بزرگی است؛ چون آرمان‌گرایی، خودش واقعیت‌ها را در جامعه می‌سازد. یک مجموعه با آرمان و دارای هدف‌های بلند می‌تواند واقعیت‌ها را طبق آرمان خود شکل دهد و به‌وجود آورد. دنیا این‌طور پیش رفته است. آرمان‌ها را کنار بگذاریم، به بهانه واقع‌بینی؟! این کمال غفلت است. آرمان‌گرایی به‌وجود آورنده واقعیت‌های شیرین و مطلوب است. وقتی یک انسان، یک مجموعه و یک ملت با مسئولان و دست‌اندرکارانش پای آرمان‌ها ایستادند و حاضر نشدند کوتاه بیایند و برایش کار کردند، چه اتفاقی می‌افتد؟ واقعیت‌ها به سمت آرمان‌ها تغییر می‌کند. این خودش بزرگترین واقعیت و قانون زندگی است؛ چرا بعضی این را فراموش می‌کنند؟^۱

یک‌عده‌ای تبلیغ می‌کنند و وانمود می‌کنند که آرمان‌خواهی مخالف واقع‌گرایی است؛ نه آقا، آرمان‌خواهی مخالف محافظه‌کاری است، نه مخالف واقع‌گرایی. محافظه‌کاری یعنی شما تسلیم هر واقعیتی - هرچه تلخ، هرچه بد- باشید و هیچ حرکتی از خودتان نشان ندهید؛ این محافظه‌کاری است. معنای آرمان‌گرایی این است که نگاه کنید به واقعیت‌ها و آن‌ها را درست بشناسید؛ از واقعیت‌های مثبت استفاده کنید، با واقعیت‌های سلبی و منفی مقابله کنید و مبارزه کنید. این معنای آرمان‌گرایی است.^۲

رابطه پلکانی واقعیت‌ها با آرمان‌ها

بگردید در مجموعه بیانات امام، در مجموعه معارف انقلاب اسلامی، در مطالعه دقیق قرآن و نهج‌البلاغه، آرمان‌ها را فهرست کنید، طبقه‌بندی کنید، دسته‌بندی کنید،

۱. بیانات در دیدار جهادگران و کشاورزان ۱۴/۱۰/۱۳۸۲.

۲. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان در بیست و چهارمین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶/۴/۲۰.

روی این‌ها کار کنید و بر آرمان‌ها ایستادگی کنید؛ یعنی واقعیت‌ها نباید ما را از آرمان‌ها دور کند؛ واقعیت‌ها باید مثل پلکانی ما را به آرمان‌ها نزدیک کند. اگر یک واقعیت مزاحمی هم پیدا شد، با آن مقابله کنیم، معارضه کنیم، از سر راه برداریم؛ آرمان‌خواهی یعنی این. البتّه نقطه مقابلش -همان‌طور که عرض کردم- محافظه‌کاری است؛ یعنی با واقعیت‌ها بسازیم، بدش را هم قبول کنیم، خوبش را هم قبول کنیم، به‌عنوان اینکه «چه کار می‌شود کرد، چاره‌ای نداریم» بگذرانیم که خوب، بدیهی است که سرنوشت یک چنین ملّتی به کجا خواهد رسید^۱.

جهاد و مجاهدت در راه خدا

بعضی کسان از اسم جهاد می‌رمند! خیال می‌کنند که تأسیس یک کشور، ایجاد یک تمدن، نظم در زندگی، پیشرفت در زندگی مادّی و معنوی و رفاه مشروع برای انسان‌ها، با جهاد نمی‌سازد و جهاد ضدّ این‌هاست! چه خطایی! چه غلطی! بدون جهاد، هیچ چیز به دست انسان نمی‌آید؛ نه دنیا و نه آخرت. بدون جهاد، در مقابل گرگ بی‌دست و پای بیابان هم نمی‌شود ایستاد؛ چه رسد به گرگ‌های بسیار بسیار خطرناک دنیای سیاست و دنیای اقتصاد و سرپنجه‌های خونینی که میلیون‌ها انسان را دریدند و نابود کردند و خوردند و بردند!

مگر یک ملت بدون جهاد می‌تواند سرش را بالا بگیرد؟ مگر یک ملت بدون جهاد می‌تواند طعم عزّت را بچشد؟ مگر یک ملت بدون جهاد می‌تواند در میان ملت‌های دنیا شأن و موقعیتی پیدا کند؟ «إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ»^۲. همیشه همین‌طور

۱. همان.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۷.

است و جهاد دری است از درهای بهشت. هم خلد برین الهی؛ یعنی بهشت نشئه آخرت، هم راحت در این دنیا؛ یعنی جهاد^۱.

به همین علت است که اسلام در اولین ردیف فهرست کارهای واجب، مجاهدت در راه خدا را قرار می‌دهد. «و جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»^۲؛ در راه خدا آن چنان که شایسته است، مجاهدت کنید. این مجاهدت، هم مجاهدت درون خود، هم مجاهدت در محیط بیرون، هم مقاومت در مقابل زورگویان و ستمگران و هم مقاومت در مقابل موانع طبیعی است. خدا مظهر کامل آن همه ایستادگی در مقابل قدرت‌های ستمگر و ظالم است. سال‌های متمادی، مستکبران و قلدران و زورگویان عالم سعی کردند جهاد را از فرهنگ اسلامی خارج کنند؛ جهاد را زشت کنند؛ مجاهده فی سبیل الله را از چشم‌ها بیندازند و هر جا گروهی در راه خدا قیام کرد و کمر به خدمت بست و برای خیر بشریت و آبادی روی زمین در پرتو احکام الهی حرکت کرد، متهمس کنند^۳.

بدیهی است که کانون‌های زر و زور جهان به آسانی تسلیم حق نمی‌شوند و ملت‌های مسلمان، راهی دراز و دشوار ولی مبارک و خوش‌عاقبت در پیش رو دارند. رونندگان این راه اگر استقامت بورزند خود و نسل‌های پس از خود را از ذلت عقب‌ماندگی و اسارت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی رها خواهند ساخت و طعم گوارای زندگی در سایه اسلام را خواهند چشید. این راه، راه مجاهدت علمی، مجاهدت سیاسی و دفاع قدرتمندانه از حق روشن است. در این میدان، مسلمانان مدافع شرف و عزت و حقوق پایمال شده خویش‌اند. انصاف و وجدان بشری، قاضی آگاه و بی‌گذشتی است که این مجاهدت

۱. بیانات در مراسم صبحگاه لشکر سیدالشهدا علیه السلام ۱۳۷۷/۷/۲۶.

۲. حج: ۷۸: «و در راه خدا جهاد کنید و حق جهادش را ادا نمایید!».

۳. بیانات در دیدار عمومی به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۷۷/۱۰/۲۸.

مظلومانه را تأیید می‌کند و سنت الهی، پیروزی حتمی آنان را نوید می‌دهد: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُفَاتِلُونَ بِيَأْتِيهِمْ ظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»^۱.

مجاهدت فقط جنگیدن و به میدان جنگ رفتن نیست. کوشش در میدان علم، اخلاق، همکاری‌های سیاسی و تحقیق نیز برای مردم جهاد محسوب می‌شود. ایجاد فرهنگ و اندیشه صحیح در جامعه نیز جهاد است. این‌ها، همه جهاد در راه خدا و جهاد فی سبیل الله است. طرف این جهاد، مستکبران، دشمنان و کسانی هستند که با اسلام، ایران، هویت، ملیت، اسلامیت و صفتهای اسلامی عناد و دشمنی دارند. قرآن می‌گوید: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ»^۲ مسلمانان بایستی نسبت به کفار سخت‌گیر باشند. این کفار کجا هستند؟ هر غیر معتقد به اسلام کسی نیست که باید نسبت به او سخت‌گیر بود و شدت گرفت. قرآن می‌گوید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُفَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»^۳؛ کسانی که با شما سر ستیزه ندارند و علیه شما توطئه نمی‌کنند و کمر به نابودی نسل و ملت شما نبسته‌اند، ولو از دین دیگری باشند، با آن‌ها نیکی کنید و رفتار خوب داشته باشید؛ کافری که با او باید شدید بود، این نیست. «إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ»^۴. باید با

۱. حج: ۳۹.

۲. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۸۱/۱۱/۱۸.

۳. فتح: ۲۹: «در برابر کفار سرسخت و شدید».

۴. ممتحنه: ۸: «خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند؛ چرا که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد».

۵. ممتحنه: ۹: «تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند».

کسانی شدید بود که با هویت، اسلام، ملیت، کشور، تمامیت ارضی، استقلال، شرف، عزت، ناموس، سنت‌ها، فرهنگ و ارزش‌های شما مبارزه می‌کنند. این فرهنگی است که باید بر جامعه ما حاکم باشد. تساهل و تسامح باید بین خود مسلمانان برقرار باشد.^۱

ملت ایران در طول بیست و هفت سال بعد از انقلاب، با تجربه فهمیده است که تنها راه خلاصی از کید دشمنان، توکل به خدا و صبر در میدان و مجاهدت است. ما این راه را تا امروز رفته‌ایم و ثمرات شیرین آن را چشیدیم و به حول و قوه الهی در ادامه هم همین راه را با قوت تمام خواهیم رفت، که آثارش را هم می‌بینیم.^۲ البته پیروزی، بدون مجاهدت، بدون حرکت، بدون خطرپذیری، امکان ندارد. خدای متعال وعده پیروزی بدون حرکت به هیچ کس نداده است. صرف مؤمن بودن هم کافی نیست؛ مجاهدت لازم است، صبر لازم است؛ «وَلْتَصْبِرَنَّ عَلٰی مَا اَدْبٰتُمُوْنَ»^۳ - این حرف پیغمبران است به مخالفان‌شان - ما ایستادگی می‌کنیم. پیغمبران ایستادگی کردند. امروز منطق پیغمبران با آن همه سرکوبی که علیه آن‌ها انجام گرفته است، منطق همه‌گیر دنیا است. حرف پیغمبران پیش رفت، منطق فرعونیان پیش نرفت. این حرکت و این جهت‌گیری، روزه‌روز هم بیشتر خواهد شد. صبر لازم است، ایستادگی لازم است. ملت ما این ایستادگی را از خود نشان داد. دشمنان ما نمی‌خواهند بفهمند و از تجربه‌های گذشته استفاده کنند. آن‌ها باید بدانند که در مقابل این ملت، لجاجت، تکبر، خودبزرگ‌تر بینی، از این ملت توقعات بی‌جا داشتن، به جایی نخواهد رسید. این ملت ایستاده است، راه را شناخته است، هدف را شناخته است، خود را شناخته است.^۴

۱. بیانات در دیدار جوانان استان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۱/۱۲/۶.

۲. بیانات در دیدار شرکت کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۸۵/۵/۳۰.

۳. ابراهیم: ۱۲؛ «و البته ما بر آزاری که به ما رساندید شکیبایی خواهیم کرد».

۴. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، در سالروز بعثت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ۱۳۹۱/۳/۲۹.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ»^۱؛ در مقابل دشمن، در مقابل مهاجم، در مقابل آن کسی که مانع از گسترش انوار معنویت و وحی است، دست لازم است. «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ»^۲. با دست پولادین، با مشت آهنین، با اراده شکست‌ناپذیر و خلل‌ناپذیر باید مواجهه شد. این‌ها علاج دردهای امروز امت اسلامی است.^۳

می‌توان گفت مقاومت اسلامی لبنان و فلسطین توانسته است وجدان جهانی را بیدار کند. این درس بزرگی است، هم برای دشمنان امت اسلامی که خواسته‌اند با زور و سرکوب، دولتی و ملتی جعلی و فرمایشی بسازند و با مرور زمان، آن را به واقعیتی انکارناپذیر تبدیل کرده و چنین تحمیل ظالمانه‌ای را در جهان اسلام، عادی‌سازی کنند؛ و هم برای امت اسلامی و به‌ویژه جوانان غیور و وجدان‌های بیدار آن تا بدانند که مجاهدت در راه بازگرداندن حق پایمال‌شده، هرگز ضایع نمی‌شود و وعده خداوند راست است که فرمود: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ. الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَ لَوْ لَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»^۴. و قال تعالی: «إِنَّ اللَّهَ لَا

۱. توبه: ۷۳ و تحریم ۹: «ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و بر آن‌ها سخت بگیر».

۲. حدید: ۲۵: «و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است».

۳. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، سفرای کشورهای اسلامی و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۸۵/۵/۳۱.

۴. حج: ۳۹ و ۴۰: «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آن‌ها تواناست. همان‌ها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز اینکه می‌گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست!» و اگر خداوند بعضی از مردم را به‌وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها

يُخْلِفُ الْمِيْعَادَ»^۱ و قال عزوجل: «وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ»^۲ و قال: «وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»^۳، و قال عزوجل: «فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهُ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ»^۴ و کدام وعده از این وعده الهی صریح‌تر که فرمود: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۵،^۶

شعبه‌های جهاد

امام علی علیه السلام می‌فرماید جهاد چهار شعبه دارد: امر به معروف، نهی از منکر و راستگویی و صداقت در مواضع؛ درست همین معنایی که امروز ما در موضع‌گیری

و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد! و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است».

۱. آل‌عمران: ۹: «خداوند، از وعده خود، تخلف نمی‌کند».

۲. حج: ۴۷: «خداوند هرگز از وعده خود تخلف نخواهد کرد».

۳. روم: ۶: «این وعده‌ای است که خدا کرده؛ و خداوند هرگز از وعده‌اش تخلف نمی‌کند؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند».

۴. ابراهیم: ۴۷: «پس گمان مبر که خدا وعده‌ای را که به پیامبرانش داده، تخلف کند! چرا که خداوند قادر و انتقام‌گیرنده است».

۵. نور: ۵۵: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آنچنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت؛ و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسقاند».

۶. بیانات در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین ۱۳۸۷/۱۲/۱۴.

معنا می‌کنیم؛ یعنی انسان در مواضع سیاسی و اجتماعی صداقت داشته باشد. بنابراین صدق در مواضع، خودش جهاد است. «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ»^۱ به آن معناست. یکی دیگر از شعبه‌های جهاد، «و شتائن الفاسقین» است؛ یعنی جدا شدن از جریان فسق و کفر؛ این را من مخصوصاً به شما می‌گویم؛ این را همه توجه داشته باشید. باید حساب شما از این جریان جدا باشد؛ با آن مخلوط نشود.^۲

شرایط اصلی جهاد

شرط اول جهاد این است که در آن، تلاش و کوشش باشد و شرط دومش اینکه، در مقابل دشمن صورت گیرد.^۳ جهت دومی که در مفهوم جهاد حتماً بایستی ملاحظه بشود، استمرار و همه‌جانبگی است، هوشمندانه بودن است، مخلصانه بودن است. اینجور تحرکی اسمش جهاد است.^۴

هر تحرکی اسمش جهاد نیست. تحرکی با خصوصیات اسمش جهاد است. یکی از خصوصیات این تحرک که اسمش جهاد است، این است که انسان بداند این در مقابل دشمن است؛ یعنی بداند در مقابل یک حرکت خصمانه و غرض‌آلودی است که دارد انجام می‌گیرد. حرکتی که در مقابل یک چنین جهت‌گیری خصمانه وجود دارد، یکی از شرایط اصلی جهاد است.^۵

۱. احزاب: ۲۳: «از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند».

۲. بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۳/۸/۲۰.

۳. بیانات در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله ﷺ ۱۳۷۵/۳/۲۰.

۴. بیانات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور ۱۳۹۰/۵/۲۶.

۵. همان.

انواع جهاد

بدون جهاد، هیچ دشمنی از صحنه عقب‌نشینی نخواهد کرد و جهاد هم جز با اتحاد و وحدت و هماهنگی، امکان‌پذیر نیست. جهاد، عبارت از جهاد نظامی، جهاد سیاسی و جهاد فرهنگی است.^۱ بعضی ممکن است کاری انجام دهند و زحمت هم بکشند و از آن، تعبیر به جهاد کنند؛ اما این تعبیر، درست نیست. چون یک شرط جهاد، این است که در مقابله با دشمن باشد. این مقابله، یک‌وقت در میدان جنگ مسلحانه است که «جهاد رزمی» نام دارد. یک‌وقت در میدان سیاست است که «جهاد سیاسی» نامیده می‌شود. یک‌وقت هم در میدان مسائل فرهنگی است که به «جهاد فرهنگی» تعبیر می‌شود؛ و یک‌وقت در میدان سازندگی است که به آن «جهاد سازندگی» اطلاق می‌گردد.^۲

جهاد اقتصادی لازم است؛ یعنی همین مبارزه، همین پیکار، منت‌ها جهادگونه، با همه توان، با همه وجود، با قصد خالص، با فهم و بصیرت اینکه داریم چه کار می‌کنیم.^۳ جهاد اقتصادی یعنی حرکت مستمر همه‌جانبه هدف‌دار ملت ایران با نیت خشتی‌کردن و عقیم کردن تلاش خصم‌آلود و غرض‌آلود دشمن.^۴

البته یکی از جهادها هم «جهاد فکری» است. چون دشمن ممکن است ما را غافل کند، فکر ما را منحرف سازد و دچار خطا و اشتباه‌مان گرداند؛ هرکس که در راه روشنگری فکر مردم، تلاشی بکند، از انحرافی جلوگیری نماید و مانع سوءفهمی

۱. بیانات در دیدار با اعضای حزب وحدت اسلامی افغانستان ۱۳۶۹/۱/۲۲.

۲. بیانات در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله صلی الله علیه و آله ۱۳۷۵/۳/۲۰.

۳. بیانات در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور ۱۳۹۰/۲/۷.

۴. بیانات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور ۱۳۹۰/۵/۲۶.

شود، از آنجا که در مقابله با دشمن است، تلاشش «جهاد» نامیده می‌شود. آن هم جهادی که شاید امروز، مهم محسوب می‌شود. پس کشور ما امروز کانون جهاد است و از این جهت هیچ نگرانی‌ای هم نداریم.^۱

کسی خیال نکند که جهاد- همان جهاد مسلحانه را می‌گوییم؛ نه جهاد علمی و مالی و اقتصادی و جهاد در سنگر سازندگی که همه در جای خود محفوظند و فضیلت دارند- تمام شده است. البته فضیلت جهاد مسلحانه با فضیلت‌های دیگر قابل مقایسه نیست. میدان این جهاد، میدان بازی است که خود این هم فرصت دیگری است.^۲

لوازم حرکت در میدان جهاد

برای حرکت در این میدان آنچه که بیش از همه لازم است، دو چیز است: یکی انگیزه، آن نیروی درونی که انسان را حرکت بدهد و راه ببرد؛ دیگر، آن قطب‌نمایی که انسان، آن ستاره راهنما را فراموش نکند و جهتش کج نشود. اگر انگیزه نبود، انسان وسط راه می‌ماند؛ مشکلات زیاد است. اقامه جامعه توحیدی، اقامه عدل در میان بشر، برپا کردن خیمه حق در بین این همه طوفان‌های اهوای باطل، کار آسانی نیست؛ انگیزه لازم است. این انگیزه عبارت است از توجه به خدا؛ «ذکر الله»؛ مدد گرفتن از پروردگار، کار را با حساب خدا انجام دادن؛ و آن قبله‌نما هم عبارت است از توجه به هدف کار و اینکه ما مقصودمان قدرت نیست، ثروت نیست، هوی‌پرستی نیست، تمنیات شخصی نیست، ملاحظات گوناگون سیاسی نیست؛ بلکه هدفمان خداست. این دو تا خصوصیت، این دو عامل مهم، یعنی انگیزه و جهت‌گیری، در نماز خلاصه شده است.^۳

۱. بیانات در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله ﷺ ۱۳۷۵/۳/۲۰.

۲. بیانات در دیدار فرماندهان رده‌های مختلف «سپاه پاسداران» ۱۳۷۳/۶/۲۹.

۳. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه نماز ۱۳۸۵/۶/۲۷.

پیش بینی راهکارهای دشمن و دستیابی راه حل‌ها

دشمنان ما اقدام‌های جدیدی هم دارند می‌کنند که این اقدام‌ها تدابیر و راهکارهای جدیدی می‌طلبد؛ این را همیشه باید توجه داشت. حالا بعضی از دوستان اشاره کردند که دشمنان یک تصمیمی را می‌گیرند، ما در مواجهه با آن تصمیم مشغول فعالیت می‌شویم و اقدامی را انجام می‌دهیم؛ خیلی خوب، این کار بسیار خوب است؛ منتها بهترش این است که قبل از اینکه آن تصمیم را طرف مقابل بگیرد، شما حدس بزنید آنچه را که او انجام خواهد داد. فرض بفرمایید که مشکل جابه‌جایی منابع مالی و ناشی از فروش نفت را شما از قبل هم حدس می‌زدید و می‌گفتید؛ یا مشکلی را که در خرید و فروش نفت و انتقال نفت و بیمه و از این چیزها به وجود آوردند، قبلاً همه را حدس می‌زدیم. راه‌ها را از پیش آماده کنید. الان هم همین جور است؛ یعنی تصور نشود که دشمن از ادامه دشمنی‌های خودش دست برداشته؛ نه آن‌ها دنبال راه کارند. چون کارهایی که انجام دادند، به نتیجه نرسیده، حتماً دنبال راهکارهای دیگری خواهند بود - که البته آن‌ها هم به نتیجه نخواهد رسید - شما آن راهکارها را حدس بزنید و از پیش، خودتان را آماده کنید!

بهره‌گیری از بصیرت

آنچه امام بزرگوار و ملت شجاع ما را در راه این مبارزه بزرگ موفق کرد، بصیرت و صبر بود - مقاومتی همراه با بصیرت - همان‌طور که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ»^۲. علت آن هم این است که امروز مبارزه با کفر خالص و شرک خالص نیست تا مطلب روشن و صف‌بندی‌ها مجزا و جدای از هم باشد؛ بلکه

۱. بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۱/۶/۲.

۲. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۳، ص ۲۴۸.

امروز مبارزه با نفاق و دورویی و تزویر و شعارهای توخالی و دروغزنی‌ها و لافزنی‌هایی است که بلندگوهای استکبار را در همه انحای عالم پُر کرده است. بسیاری دم از طرفداری از حقوق بشر می‌زنند و دروغ می‌گویند. بسیاری دم از اسلام می‌زنند و دروغ می‌گویند. اسلام آن‌ها، اسلام باب طبع و میل سردمداران استکبار است. بسیاری دم از مساوات و برابری انسان‌ها می‌زدند و می‌زنند و دروغ می‌گفتند و می‌گویند؛ بنابراین، مبارزه در دوران کنونی، مبارزه‌ای دشوار است؛ هم به خاطر قدرت زر و زور استکبار و هم به خاطر قدرت تبلیغاتی و توجیه‌گر دروغگویی‌ها و نفاق‌های استکبار و ایادیش.

انسان‌های بی‌بصیرت، زود فریب می‌خورند. همین امروز هم در دنیا آدم‌های دلسوزی هستند که فریب خورده‌اند؛ دشمن را نشناخته‌اند و صف را تشخیص نداده‌اند. در ایران، امام عظیم‌الشأن ما، به برکت بصیرت مردم - که با صبر و مقاومت آن‌ها همراه بود - این راه را طی کرد و به موفقیت رسید. خود او، در ایجاد این بصیرت و صبر در مردم، بزرگ‌ترین مؤثر بود. هر جا در انحای عالم مبارزه‌ای صورت می‌گیرد، حرکتی می‌شود، انسان دلسوزی در پی نجات توده‌های مردم حرکت می‌کند، باید بداند که این راه، با هوشمندی و بصیرت و نیز با صبر و مقاومت طی شدنی است و لاغیر.

باید ملت‌های مسلمان و مبارز به یاد داشته باشند، این است که فریب ترفندها و تبلیغات و حيله‌گری‌های دشمن را نخورند؛ دوست و دشمن را بشناسند و دشمن را در اظهاراتش متهم کنند. اگر این‌طور باشد، این حرکت‌های اسلامی به پیروزی خواهد رسید. ما معتقدیم که این دوران، دوران اسلام و دوران غلبه ارزش‌های الهی و معنوی است و همان‌طوری که سال گذشته عرض کردم، این دوران، دوران امام خمینی است و ان‌شاءالله نسل‌های جوان ما این آینده را خواهند دید!

امیرالمؤمنین علیه السلام اهل بصیرت دادن است. امروز ما به این بصیرت احتیاج داریم. امروز دشمنان دنیای اسلام، دشمنان وحدت اسلام، با ابزارهای دین وارد می‌شوند، با ابزارهای اخلاق وارد می‌شوند؛ باید هشیار بود. آنجایی که می‌خواهند افکار عمومی مردم غیرمسلمان را فریب بدهند، نام حقوق بشر را می‌آورند، نام دموکراسی را می‌آورند؛ آنجایی که می‌خواهند افکار عمومی دنیای اسلام را فریب بدهند، نام قرآن را می‌آورند، نام اسلام را می‌آورند؛ در حالی که نه به اسلام و قرآن اعتقادی دارند، نه به حقوق بشر اعتقادی دارند. این را امت اسلامی باید بداند. ملت ایران در طول این سی سال، سی و یک سال این‌ها را آزموده است؛ امروز هم باید بدانیم، همه ما باید بدانیم! هر جایی که ما توانستیم درست بفهمیم، درست تشخیص بدهیم - یعنی همان بصیرت - و به دنبال آن احساس تکلیف کردیم، احساس تعهد و مسئولیت کردیم و وارد میدان شدیم، غلبه با ما بوده است؛ «فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ»^۲. وقتی با ایمان و با بصیرت وارد میدان مواجهه شدید، غلبه با شماست، شما برنده هستید؛ چرا؟ چون طرف مقابل شما ایمان ندارد، دین ندارد، انگیزه عمیق معنوی ندارد. آن کسانی که عوامل میدانی او هستند، مزدورند، فریب خورده‌اند؛ خود نقشه‌دارها و صحنه‌گردان‌ها هم که مردمان بی‌ایمانی هستند. وقتی با ایمان وارد میدان می‌شوید، شما برنده‌اید؛ این برای ملت ایران تجربه است^۳.

بصیرت شرط لازم موفقیت نه شرط کافی

گاهی بصیرت هم وجود دارد، اما در عین حال خطا و اشتباه ادامه پیدا می‌کند؛ که

۱. بیانات در دیدار مردم بوشهر در روز میلاد امام علی علیه السلام ۱۳۸۹/۴/۵.

۲. مائده: ۲۳: «هنگامی که وارد شدید، پیروز خواهید شد».

۳. بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی ۱۳۸۹/۱۰/۱۹.

گفتیم بصیرت شرط کافی برای موفقیت نیست، شرط لازم است. در اینجا عواملی وجود دارد؛ یکی اش مسئله نبود عزم و اراده است. بعضی‌ها حقایقی را می‌دانند، اما برای اقدام تصمیم نمی‌گیرند؛ برای اظهار تصمیم نمی‌گیرند؛ برای ایستادن در موضع حق و دفاع از حق تصمیم نمی‌گیرند. البته این تصمیم نگرفتن هم عللی دارد: گاهی عافیت‌طلبی است، گاهی تنزه‌طلبی است، گاهی هوای نفس است، گاهی شهوات است، گاهی ملاحظه منافع شخصی خود است، گاهی لجاجت است. یک حرفی را زده است، می‌خواهد پای این حرف بایستد، به خاطر اینکه ننگش می‌کند از حرف خودش برگردد؛ که فرمود: «لَعْنَةُ اللَّهِ لِلْجَاجِ»؛ لعنت خدا بر لجاجت. افرادی هستند اطلاع هم دارند، واقعیت را هم می‌دانند؛ در عین حال کمک می‌کنند به جهتگیری‌های مخالف، جهتگیری‌های دشمن. خیلی از این کسانی که پشیمان شدند و راه را برگشتند، یک روزی به شکل افراطی انقلابی بودند؛ اما یک روز شما می‌بینید درست در نقطه مقابل آن روز ایستاده‌اند و در خدمت ضد انقلاب قرار گرفته‌اند! این به خاطر همین عوامل است؛ هوی‌های نفسانی، شهوات نفسانی، غرق شدن در مطالبات مادی. عامل اصلی این‌ها هم غفلت از ذکر پروردگار، غفلت از وظیفه، غفلت از مرگ، غفلت از قیامت است؛ این‌ها موجب می‌شود که به کلی صد و هشتاد درجه جهتگیری‌شان عوض شود.^۲

اظهار آمادگی

همه احساس کنند که در قبال پیشرفت این کشور یک وظیفه و سهمی هم متوجه به آن‌هاست و باید این سهم را، این وظیفه را به قدر خود و به سهم خود انجام دهند. خوشبختانه ملت ما این احساس را هم دارند. این زنده بودن، این بانشاط بودن، اولین

۱. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲؛ ص ۸۲؛ با کمی تفاوت «قِيحَ اللَّهُ الْجَاجِ».

۲. بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم ۱۳۸۹/۸/۴.

اثری که می‌گذارد این است که طراحان توطئه‌های جهانی را از اینکه بتوانند این ملت را شکست بدهند، مأیوس می‌کند. بهترین راه برای عقب‌نشاندن دشمن، اظهار آمادگی است. آن ملتی که آمادگی خود را، حضور خود را، عزم راسخ خود را در همه میدان‌ها به نمایش می‌گذارد، دشمن را از نفوذ در خود و غلبه بر خود مأیوس می‌کند. در مقابل افکار جهانی و نگاه‌های جهانی، ملت ایران در هیچ مسئله‌ای، باید اظهار ضعف و عقب‌نشینی نکند!

تولید ضد توطئه و حمله

اگر کسی گمان کند که توطئه دشمن برای ضربه زدن به نظام کافی است، اشتباه بزرگی مرتکب شده است. دشمن توطئه می‌کند، نظام اسلامی هم ضد توطئه درست می‌کند؛ «و مَكْرُوا وَمَكْرُ اللَّهِ»^۲. آن‌ها روش‌هایی را برای ضربه زدن به نظام اسلامی اتخاذ می‌کنند، نظام اسلامی هم ضد ضربه آماده را در مقابل آن‌ها به کار می‌زند؛ ولی به هر حال هوشیاری لازم است^۳.

عده‌ای نگویند دشمنی که این قدر اذیت می‌کند، شما چه داعی‌ای دارید؟ بروید با او کنار بیایید! در قضایای مهم سیاسی که به سرنوشت ملت‌ها ارتباط پیدا می‌کند، کنار آمدن یعنی تسلیم شدن؛ یعنی همان چیزی را که دشمن می‌خواهد، عمل کردن. مثل یک نفر که می‌خواهد خانه شما را بگیرد و شما زیر بار نمی‌روید؛ مرتب سنگ می‌اندازد و شیشه‌ها را می‌شکند و اذیت می‌کند. آن وقت یکی به شما بگوید با دشمنی که این قدر اذیت می‌کند، کنار بیایید! کنار آمدن این است که شما از خانه بیرون بروید

۱. بیانات دیدار عمومی مردم ابرکوه ۱۵/۱۰/۱۳۸۶.

۲. آل عمران: ۵۴: «نقشه کشیدند؛ و خداوند (بر حفظ او و آیینش)، چاره‌جویی کرد».

۳. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اصفهان ۸/۸/۱۳۸۰.

و کلید خانه را به او بدهید! کنار آمدن، یعنی تحقیر و به اسارت دادن یک ملت؛ یعنی تأمین خواسته دشمن درباره یک ملت. نجات از این دغدغه‌ها و مشکلات، یک راه بیشتر ندارد و آن، فکر کردن، اندیشیدن، ضدّ حمله فراهم کردن و دشمن را به ستوه آوردن است. نسل جوان در چنین میدانی است که تکلیف و مسئولیت دارد^۱.

آگاهی بخشی به ملت‌ها

اغلب این شکست‌هایی که شما در صحنه سیاسی در دنیا برای ملت‌ها مشاهده می‌کنید، منشأش ناآگاهی‌هایی است که ضربه‌های خود را در جاهای گوناگونی زده است. آگاهی، یک ملت را ضد ضربه می‌کند؛ او را آماده می‌کند برای مقاومت^۲. البته دشمن بیکار نمی‌نشیند و بیکار ننشسته است؛ توطئه‌های دشمن پیچیده‌تر شده است. مسئولان کشورهای اسلامی، دولت‌های کشورهای مسلمان، نخبگان - چه نخبگان سیاسی، چه نخبگان فرهنگی، چه روشنفکران، چه علمای دین - وظیفه دارند حقیقت را برای ملت‌ها روشن کنند^۳.

حفظ و تقویت روحیه صبر و بردباری

تمام قدرتمندان و ستمگران عالم آمدند، بر تل باطل چیزی افزودند. همه شیطان‌صفتان در طول تاریخ و در زمان ما آمدند، بر این سد باطل - که مقابل راه امیرالمؤمنین و بندگان خدا را می‌گیرد - چیزی اضافه کردند. حق می‌خواهد این تل را از سر راه بردارد و این سد را بشکافد؛ کار آسانی نیست، کار سختی است. تحمل و صبر و ظرفیت و رجوع به قدرت نفسانی و جوشندگی از درون لازم دارد تا انسان

۱. بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان ۱۳۸۰/۸/۱۲.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۶/۶/۲۳.

۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۱/۵/۲۹.

بتواند راه حق را برود. البته وقتی که انسان توانست راه حق را هموار کند، آن وقت زندگی، زندگی لذت‌بخشی است. زندگی‌ای که در آن ظلم نباشد، زندگی‌ای که در آن زورگویی نباشد، زندگی‌ای که در آن تحمیل نباشد، زندگی‌ای که در آن شیطان بر اعمال و افکار انسان مسلط نباشد، زندگی بسیار روحانی و معنوی‌ای است.^۱

ما همواره یقین و اعتماد کامل داشته‌ایم که ملت ما در مقابل توطئه‌های دشمنان، یک ملت مقاوم و تواناست. این قضیه هم دلیل دیگری شد. هیچ‌کس در نظام جمهوری اسلامی، با داشتن چنین ذخیره‌های ارزشمندی مثل شماها و مثل بقیه آحاد ملت - که دارای استقامت و قدرت‌اند - در مقابل دشمنان، یک لحظه احساس ضعف نخواهد کرد. ملتی مقاوم، راهی روشن، ابزار حرکتی خدایی و الهی، در مجموع یک آینده قطعی را در مقابل این ملت قرار می‌دهد؛ آن آینده هم پیروزی است.^۲

دشمنان اسلام خیلی سعی کردند که ملت طرفدار اسلام و ملت مبارز و فداکار ایران را در چشم مردم دنیا، یک ملت کهنه‌پرست، خرافی، ارتجاعی، ضد ترقی، ضد عدالت، ضد آرزوها و آرمان‌های بشری معرفی کنند. اگر بدانید چه قدر پول خرج کردند، برای اینکه چهره ملت ایران را در دنیا خراب کنند؛ ولی حقیقت به عکس خواسته آن‌ها عمل کرد. علی‌رغم همه تبلیغات آن‌ها، امروز اگر شما به آن‌جایی بروید که ملت‌ها زیر ستم‌اند؛ آن‌جایی که ملت‌ها و دولت‌ها در مسائل زندگی خودشان در رابطه با قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها، دچار مشکل هستند - کشورهای جهان سوم، کشورهای اسلامی و غیراسلامی - خواهید دید که ملت‌ها نسبت به ایران و

۱. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم ۱۳۷۰/۱/۲۶.

۲. بیانات در دیدار با گروه کثیری از آزادگان ۱۳۶۹/۶/۴.

جمهوری اسلامی و امام بزرگوار این امت و مبارزات و مجاهدات شما، دارای دل خوش‌بین و علاقه‌مند و روح صمیمی هستند^۱.

کشورهای استکباری می‌خواهند همیشه زور بگویند، بچاپند، ثروت و قدرت عالم در اختیار آن‌ها باشد؛ ملت‌هایی هم باشند که کار کنند، زحمت بکشند و منابع‌شان غارت برود. هر حرکتی که در مقابل آن‌ها بایستد، با آن دشمن می‌شوند؛ و اسلام در مقابل آن‌ها می‌ایستد. علت اینکه استکبار با ایران مخالف است، این است. علت دشمنی عمیق امریکا با انقلاب اسلامی و با اسلام، این است. این دشمنی، تمام‌شدنی نیست. در این‌جا، آن عامل تعیین‌کننده که می‌تواند صحنه را به سود یک طرف سنگین کند و تغییر بدهد و می‌تواند معین نماید که کدامیک از دو طرف پیروز خواهند شد، عبارت از حقیقت، مفید بودن برای انسانیت، دل‌های مؤمن و قدم‌های استوار است و این‌ها در طرف ما و پیش ماست^۲.

مواظب باشید صبرتان را از دست ندهید. ما با صبر پیروز شدیم؛ باز هم باید با صبر پیشروی بکنیم. مواظب باشید بصیرت‌تان را از دست ندهید، دشمن را بشناسید و دشمنی‌ها و ترفندهای او را درست تشخیص بدهید. تبلیغاتی که دشمن می‌کند، حرفی که دشمن می‌زند و شایعه‌ای که دشمن می‌اندازد، به چشم‌تان بیاید. توجه کنید که دشمن با چه انگیزه‌ای این حرف را می‌زند، این شایعه را می‌پراکند، این خبر دروغ را نقل می‌کند و این اظهار منافقانه را بر زبان جاری می‌نماید. به‌هرحال، دشمن، دشمن است.

صبر و بصیرت و وحدت‌تان را حفظ کنید. نگذارید به بهانه‌های گوناگون، آدم‌های کم‌بصیرت، یا کم‌صبر، یا خودخواه، یا بی‌توجه به مصالح عمومی مردم، میان صفوف

۱. بیانات در دیدار با فرزندان ممتاز شاهد، جانبازان شهرهای مشهد و تهران و استان کردستان، جمعی از دانش‌آموزان مدارس تهران و مدرس‌ان مراکز تربیت معلم و گروهی از ورزشکاران و مسئولان سازمان تربیت بدنی کشور ۱۳۶۹/۶/۲۱.

۲. همان.

مستحکم شما فاصله بیندازند و شما را نسبت به یکدیگر، یا نسبت به مسئولان دل‌چرکین و نگران کنند. آگاه باشید و بدانید که این راه به هدف خواهد رسید؛ چون راه پیامبران و راه اوصیا و آرزوی مؤمنان صالح در طول همه زمان‌های گذشته است. ملت‌های دیگر به شما نگاه می‌کنند و می‌خواهند از شما بیاموزند.^۱

عدم غفلت

دنیا امروز متوجه ملت ایران است. ما ملت ایران باید بتوانیم در پرتو تعالیم اسلام، با تمسک به اسلام و قرآن و در جهت رهنمودهای امام بزرگوار راحل‌مان، به سمت هدف‌های متعالی این انقلاب، حرکت‌مان را با شتاب هرچه بیشتر ادامه بدهیم. یک لحظه توقف جایز نیست. ما باید بدانیم دشمنان زخم خورده - آن‌هایی که امیدوار بودند اسلام از دنیا محو بشود و علی‌رغم خواست آنان، اسلام روزه‌روز در دنیا عالم‌گیرتر شده است - همچنان در کمین‌اند تا ما یک لحظه غفلت کنیم. لذا غفلت برای ما حرام است. ملت ایران، با قدرت و استقامت و توکل به خدا و اتحاد کامل و شرکت در سازندگی عمومی کشور و با آگاهی و هوشیاری خود، باید دشمنان - یعنی امریکا و ارتجاع و زخم‌خوردگان - را از دست‌اندازی به این انقلاب و به کشور عزیزمان مأیوس کند. استکبار جهانی از ملت ایران می‌ترسد؛ مثل همه بدکاران و راهزنانی که از انسان‌های شجاع و آگاه می‌ترسند.^۲

همه باید احساس کنند که دشمن منتظر غفلت و کسالت و بی‌تفاوتی ماست تا ضربه را وارد کند. نباید گذاشت چنین ضربه‌ای وارد شود.^۳ ما مأموریم بر اینکه ثغره

۱. بیانات در مراسم دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام ۱۳۷۰/۳/۱۴.

۲. بیانات در مراسم اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام ۱۳۶۹/۳/۱۴.

۳. بیانات در دیدار با گروه کثیری از آزادگان ۱۳۶۹/۹/۳.

و شکاف و کمینگاه را حراست و محافظت بکنیم. اگر غفلت کردیم، دشمن ما را دور خواهد زد و ضایعه خواهد آفرید. از اول انقلاب تا حالا نگاه کنید، هر جا دور خوردیم، بر اثر چنین غفلتی بوده است. اگر بگردیم، غفلت را پیدا می‌کنیم. همه‌اش دنبال مسائل تحلیل سیاسی نرویم. البته من منکر فعل و انفعالات بیرونی و واقعی و سیاسی نیستم؛ اما اُسّ اساس قضیه در درون خود ماست.

در همین ردیف آیات، بعد از یکی، دو آیه دیگر می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا»^۱ ما که در جنگ پیروز می‌شویم، به خاطر تقواست. اگر شکست بخوریم، به خاطر بی‌تقوایی است؛ به خاطر آن بیماری‌ای است که در جان ما رخنه کرده و ما از آن غفلت کرده‌ایم. برادران! غفلت نکنیم. بزرگ‌ترین عذاب خدا بر یک ملت این است که آن ملت غافل بشوند. بدترین درد برای یک جامعه، غفلت آن جامعه است؛^۲

همه آحاد ملت وظیفه دارند آگاهی و هوشیاری خودشان را نسبت به مسائل کشور و مسائل انقلاب و اسلام روزبه‌روز بیشتر کنند. به خباثت‌ها و توطئه‌های دشمنان درست توجه کنید. از دشمن کمین‌کرده‌ای که منتظر فرصت است تا ضربت بزند، غفلت نکنید.^۳ دشمن هست. نباید گمان کرد که دشمن نیست یا خواب است. دشمن، بیدار است و منتظر که ما غفلت کنیم تا ضربه را بزند.^۴ با وجود اینکه ملت ایران باید در راه سازندگی و پیشرفت، گوشش بدهکار حرف‌های دشمن نباشد و

۱. آل عمران: ۱۵۵: «روزی که دو گروه [در احد] با هم رویاروی شدند کسانی که از میان شما [به دشمن] پشت کردند در حقیقت جز این نبود که به سبب پاره‌ای از آنچه [از گناه] حاصل کرده بودند شیطان آنان را بلغزاند».

۲. بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۵/۲۳.

۳. بیانات در اجتماع بزرگ مردم خرم‌آباد ۱۳۷۰/۵/۳۰.

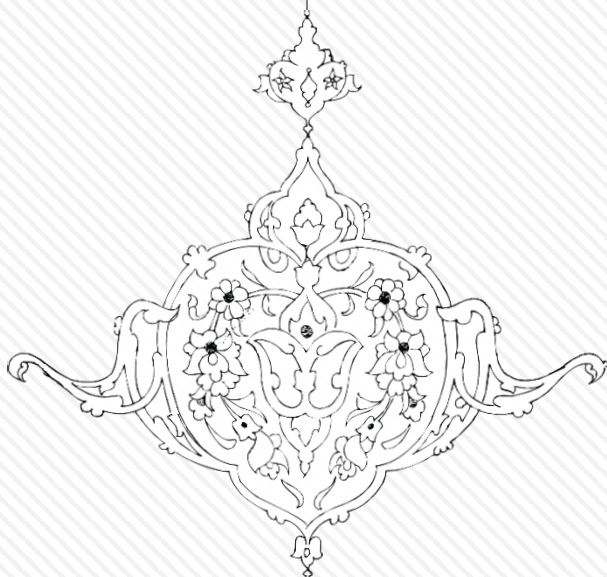
۴. بیانات در دیدار سپاه پاسداران و نیروی انتظامی، به مناسبت سوم شعبان ۱۳۷۱/۱۱/۶.

پیش برود، درعین حال باید بداند دشمن درباره او چه فکری دارد و چه نقشه‌ای را برای دشمنی طرح کرده است. برادران و خواهران عزیز! اگر از دشمن غافل شدید و غافل شدیم، یقیناً دشمن از این غفلت استفاده خواهد کرد و راه پیشرفت و استقلال ملت را سد خواهد نمود. برای اینکه بدانیم دشمن در سر چه می‌پروراند، همه البته وظیفه دارند و دستگاه‌های دولتی هم در این زمینه‌ها فعالند؛ اما تبلیغات دشمن هم نشان دهنده است.^۱

۱. بیانات در اجتماع با شکوه مردم کرج ۱۳۷۶/۷/۲۴.

فصل پنجم:

آثار و پیامدهای مقاومت اسلامی



پیشرفت و تعالی

هرجا که استقامت کردیم و بر مبانی خودمان پافشاری کردیم و از آن کوتاه نیامدیم و در مقابل تهدیدها خودمان را نباختیم، آنجا پیشرفت کرده‌ایم. این ایستادگی و پایداری، مهم‌ترین چیزی است که ما می‌توانیم آن را وسیله قرار دهیم برای رسیدن به اهدافمان؛ و البته باید شجاعت انقلابی را هم حفظ کنیم. آن انقلابی که در مقابل تهدید دشمنان انقلاب خود را عقب می‌کشد و پس می‌زند و می‌ترسد، نه مورد احترام دوست قرار می‌گیرد، نه مورد احترام دشمن؛ هیچ‌کس به یک ملت بزدل و ضعیف رحم نمی‌کند. آن انقلاب و حرکتی که در مقابل دشمنان خودش ضعف نشان بدهد، اول، آبرویش را می‌برد؛ حرمتش را می‌شکنند، بعد خودش را هم نابود و جارو می‌کنند و از بین می‌برند.^۱

امروز عزت و استقلال ملت ایران و پیشرفت‌های مادی و معنوی کشور که مردم و مسئولان ما آن‌ها را به‌حق، مایه افتخار خود می‌دانند و بدان می‌بالند، به برکت جانفشانی‌های بهترین فرزندان این مرز و بوم در راه استقرار نظام اسلامی و دفاع از ارزش‌های آن به دست آمده است.^۲

اگر ما در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، آبادی کشور، عزت ملت هر پیشرفتی در طول این بیست و هفت سال کردیم، مرهون فداکاری آن کسانی است که در بحرانی‌ترین روزها و سخت‌ترین آزمون‌ها سینه‌هایشان را سپر کردند و رفتند در مقابل خطر ایستادند؛ هوشیارانه و صبورانه مقاومت کردند و جنگیدند. «فَمِنْهُمْ مَنْ

۱. بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۳/۶/۳۱.

۲. پیام به مناسبت مراسم عترافشانی و غبارروبی مزار شهدا ۱۳۸۲/۱۱/۱۶.

فَصَىٰ حَبَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ^۱. برترین هاشان آن کسانی بودند که به شهادت رسیدند. شهدای زنده ما، این جانبازان عزیز هم در حقیقت شهیدند، این‌ها برترین‌ها هستند. این بود که ملت ایران را به صورت یک نیروی شکست‌ناپذیر در آورد؛ این است که در تحلیل‌های امروز دنیا، آنجایی که صحبت از تعرض و تجاوز و اهانت به ملت ایران است، عقلای قوم می‌گویند با ملت ایران شوخی و سرسختی نکنید. این اقتدار معنوی را همین جوان‌ها برای ما به وجود آوردند و این شد یک ذخیره برای این ملت. خون شهیدان ما هدر نرفت؛ خدا را سپاس می‌گوییم^۲.

تجربه سه دهه ایستادگی موفقیت‌آمیز در برابر زورگویی‌ها و فشارهای همه‌جانبه آمریکا و متحدانش، جمهوری اسلامی را به این باور قطعی رسانده است که مقاومت یک ملت متحد و دارای عزم راسخ، قادر است بر همه خصومت‌ها و عنادها فائق آید و راه افتخارآمیز به سوی هدف‌های بلند خود را بگشاید. پیشرفت‌های همه‌جانبه کشور ما در دو دهه اخیر واقعیتی است که در برابر چشم همگان قرار دارد و رصدکنندگان رسمی بین‌المللی مکرراً بدان اذعان کرده‌اند؛ و این همه در شرایط تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی و تهاجم تبلیغاتی شبکه‌های وابسته به آمریکا و صهیونیسم اتفاق افتاده است. تحریم‌هایی که یاوه‌گویان، آن را فلج‌کننده نامیدند، نه تنها ما را فلج نکرده است و نخواهد کرد، بلکه گام‌های ما را محکم‌تر و همت ما را بلندتر و اطمینان ما را به درستی تحلیل‌های خود و نیز به توانایی درون‌زای ملت‌مان راسخ‌تر کرده است. ما یاری خداوند را در این چالش‌ها بارها و بارها به چشم دیده‌ایم^۳.

۱. احزاب: ۲۳: «بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند) و بعضی دیگر در انتظارند».

۲. بیانات در دیدار با خانواده‌های شهدا، ایثارگران و جانبازان ۱۳۸۶/۲/۲۷.

۳. بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد ۱۳۹۱/۶/۹.

نصرت الهی

اگر یک ملتی ایستادگی کند برای خدا و در راه خدا، خدا به او کمک خواهد کرد؛ این وعده الهی است و وعده الهی تخلف ناپذیر است! عزیزان من! یک قدم که در راه خدا برمی دارید، خدا کمک می کند، خدا هدایت می کند، خدا درها را باز می کند: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»^۱. در دعای سیدالساجدین علیه السلام می خوانیم: «وَأَنْ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ»^۲؛ به طرف خدا که بروید، راه نزدیک است. «وَأَنْتَ لَأ تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ»^۳.

باید دانست که رحمت الهی و کمک الهی بستگی دارد به حرکت و تلاش انسان مؤمن؛ به عمل صالح او. باید در میدان باشیم، باید احساس وظیفه را فراموش نکنیم؛ مجاهدت را فراموش نکنیم؛ جهاد در صحنه های مختلف، وظیفه ماست و ضامن پیشرفت و پیروزی ماست. در صحنه سیاسی هم جهاد هست، در صحنه فرهنگی هم جهاد هست، در صحنه تبلیغاتی و ارتباطاتی هم جهاد هست، در صحنه های اجتماعی هم جهاد هست. جهاد فقط جهاد نظامی نیست؛ انواع و اقسام عرصه های زندگی بشر، عرصه جهادند^۴.

مراقب باشید، دقت کنید و کار نیکو و به هنگام و دقیق انجام دهید و بدانید خدای متعال مردمی را که با ایمان و جدیت و پشتکار و کوشش و عقل و هوشمندی خود

۱. بیانات در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی ۱۳۹۱/۴/۲۱.

۲. الطلاق: ۳ و ۲: «و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می کند».

۳. محمد بن الحسن طوسی، مصباح المتعجد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۵۸۳.

۴. بیانات در مراسم اختتامیه پانزدهمین دوره مسابقات قرآن ۱۳۷۷/۹/۱.

۵. بیانات در دیدار میهمانان شرکت کننده در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام ۱۳۸۶/۵/۲۸.

در راهی قدم می‌گذارند، همیشه کمک می‌کند. این سنت تاریخ است. کسی که ضربه می‌خورد، از غفلت و بدکاری و سستی و بی‌حالی خود ضربه می‌خورد. ملتی که سر کار خود و در پُست خود و در انجام وظیفه خود کوشاست، پیروز است و کارها را پیش خواهد برد. این چیزی است که ما فقط در کتاب‌ها نخوانده‌ایم و فقط به حکم استدلال عقلی به آن پایبند نشده‌ایم؛ آن را در عمل مشاهده کرده‌ایم. بیست و سه سال است که ما هر جا به خود پرداخته‌ایم و کوشش و جدّ و ایمان و توکل و هوشمندی و عقل خود را به کار گرفته‌ایم، پیروز شده‌ایم؛ اما هر جا ضربه خورده‌ایم، یکی از این ارکان را کم داشته‌ایم. هر جا شکست خورده‌ایم، یک گوشه کار را خودمان لنگ کرده‌ایم. این درس بزرگی است که اگر دیگران در کتاب‌ها آن را خوانده‌اند، ما در تجربه عملی آن را دیده‌ایم و لمس کرده‌ایم^۱.

دستیابی به اهداف و پیروزی‌های مکرر

حوادث از یک نقطه شروع می‌شود و زنجیره‌وار پیش می‌رود. اگر استقامت بود، صبر بود، تداوم در راه بود، استمرار عمل بود، آن وقت همه خیرات و همه برکات بر آن مترتب می‌شود. ایستادگی شرط اول است. ملت‌ها در راهی که شروع می‌کنند، باید استقامت کنند. «فَلِذَلِكَ فَادُعْ وَ اسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتُ»^۲. در قرآن کریم، دستور استقامت به نبی مکرم اسلام در جاهای متعددی داده شده است. سرّش همین است. باید ایستاد، باید ثبات به خرج داد، باید راه را گم نکرد، هدف را همواره در مقابل

۱. بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی ۱۳۸۰/۱۱/۱۸.

۲. شوری: ۱۵: «پس به همین خاطر تو نیز آنان را به سوی این آیین واحد الهی دعوت کن و آنچه‌ان که مأمور شده‌ای استقامت نما».

چشم داشت و به‌طور مستمر باید پیش رفت. اگر این شد، پیروزی‌ها پی‌درپی پیش خواهد آمد. همچنان که برای ملت ایران پیش آمده است.^۱

امروز هم ملت ایران آرمان‌هایی دارد، داعیه‌هایی دارد، حرف‌های بزرگی دارد؛ هم برای کشور خودش، هم برای دنیای اسلام، هم برای عالم بشریت. در مقابل ملت ایران هم گرگ‌های گرسنه، سبغ‌های افسارگسیخته، این کمپانی‌های زر و زور، این مجموعه‌های دنیاطلب دنیاپرست صف کشیده‌اند؛ اسلحه می‌سازند، اسلحه صادر می‌کنند، جنگ می‌افروزند، سازمان ملل را با میل و اراده خودشان می‌چرخانند؛ هر جا می‌خواهند، افراد نظامی می‌برند؛ جنایت می‌کنند، از ظلم حمایت می‌کنند، از صهیونیست‌های غاصب حمایت می‌کنند؛ ظلم می‌کنند در جامعه بشری، با قدرت ظاهری، با کبکبه و دبدبه ظاهری؛ از قبیل همانی که نمونه‌اش را در دوران طاغوت در ایران می‌دیدیم. امروز هم یک عده‌های می‌گویند: آقا مگر می‌شود در مقابل این صف به‌هم‌پیوسته دشمنان مسلح به پول و زور و رسانه و اقتصاد و سیاست و همه چیز ایستاد؟ مگر می‌شود پیش برد؟ امروز هم همان حرف است. این یک تجربه است. بله این حرف ما نیست؛ این حرف قرآن است: اگر برای خدا پا در میدان گذاشتید و ایستادگی کردید، پیروزی قطعی است؛ «وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا* سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»^۲ این فقط مربوط به ماجرای جنگ صدر اسلام نیست که «وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ»؛ سُنَّتِ اللَّهِ است.^۳

۱. بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ ۱۹/۱۰/۱۳۹۰

۲. فتح: ۲۲ و ۲۳: «و اگر کافران (در سرزمین حدیبیه) با شما پیکار می‌کردند بزودی فرار می‌کردند، سپس ولی و یابوری نمی‌یافتند! این سُنَّتِ الهی است که در گذشته نیز بوده است؛ و هرگز برای سُنَّتِ الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت!».

۳. بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ ۱۹/۱۰/۱۳۹۱.

تدریجی بودن پیامدهای مقاومت در برابر نظام سلطه

یک روز بود که تنها در یک نقطه دنیا، پرچم امریکا سوزانده و شعار مرگ بر امریکا داده می‌شد؛ اما شما امروز ببینید در چند نقطه دنیا پرچم امریکا سوزانده می‌شود و شعار مرگ بر امریکا داده می‌شود! در خود امریکا پرچم امریکا را آتش زدند؛ این پدیده مهمی است. چه عاملی باعث این کار شد؟ آیا جز ایستادگی و استقامت یک ملت شجاع و مؤمن به اهداف و به راه خود توانست این موج را به تدریج سراسری کند؟ این چیزها تدریجی است - دفعی نیست - و آثار آن را در بلند مدت می‌شود فهمید. بیست و چهار سال است که ما با مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنیم؛ اما در تمام این مدت پیش رفتیم و در یک نقطه متوقف نشدیم. کسانی که سعی می‌کنند دائم آیه یأس بخوانند و دل‌ها را ناامید کنند، اگر دشمن و عامل دشمن نباشند، غافل‌اند و به قضایا نگاه وسیع ندارند. ما وقتی به قضایا نگاه وسیع می‌کنیم، می‌بینیم امروز جمهوری اسلامی توانسته است در ملت‌های مسلمان بیداری ایجاد کند. حالا عده‌ای در داخل کشور ما بیایند و شعار برگشتن امریکا را بدهند! این نشانه نهایت غفلت و ضعف و زبونی و ذلت‌پذیری در دل‌های خود این‌ها نیست؟ ما به فضل اسلام، قوی هستیم^۱.

تحقق وعده‌های الهی کوچک؛ نشانه تحقق وعده‌های بزرگ‌تر

همواره تحقق معجزه‌گون وعده‌های الهی، نشانه امیدبخشی است که تحقق وعده‌های بزرگ‌تر را نوید می‌دهد. حکایت قرآن از دو وعده‌ای که خداوند به مادر موسی داد، نمونه‌ای از این تاکتیک ربوبی است. در آن هنگامه دشوار که فرمان به آب افکندن صندوق

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۱۳/۱۲/۱۳۸۱.

حامل نوزاد داده شد، خطاب الهی وعده فرمود که: «إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ»^۱. تحقق وعده اول که وعده کوچک‌تر و مایه دلخوشی مادر بود، نشانه تحقق وعده رسالت شد که بسی بزرگ‌تر و البته مستلزم رنج و مجاهدت و صبر بلندمدت بود: «فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ»^۲. این وعده حق، همان رسالت بزرگ است که پس از چند سال تحقق یافت و مسیر تاریخ را تغییر داد.

نمونه دیگر، یادآوری قدرت فائقه الهی در سرکوب مهاجمان به بیت شریف است که خداوند به وسیله پیامبر اعظم، برای تشویق مخاطبان، به امثال امر: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ»^۳ به کار می‌برد و می‌فرماید: «أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ»^۴. یا برای تقویت روحی پیامبر محبوبش و باور وعده: «مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ»^۵، از یادآوری نعمت معجزه‌گون: «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ * وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ»^۶ بهره می‌گیرد؛ و چنین نمونه‌هایی در قرآن بسیار است.

آن روز که اسلام در ایران پیروز شد و توانست دژ آمریکا و صهیونیسم را در یکی از حساس‌ترین کشورهای این منطقه بسیار حساس فتح کند، اهل عبرت و حکمت دانستند که اگر صبر و بصیرت را به کار گیرند، فتوحات دیگر پی‌درپی فرا خواهد رسید؛ و فرا رسید. واقعیت‌های درخشان در جمهوری اسلامی که دشمنان ما بدان

۱. قصص: ۷: «ما او را به تو بازمی‌گردانیم و او را از رسولان قرار می‌دهیم!».

۲. همان: ۱۳: «ما او را به مادرش بازگردانیم تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد و بداند که وعده الهی حق است».

۳. قریش: ۳: «پس (بشکرانه این نعمت بزرگ) باید پروردگار این خانه را عبادت کنند».

۴. فیل: ۲: «آیا نقشه آن‌ها را در ضلالت و تباهی قرار نداد؟!».

۵. ضحی: ۳: «که خداوند هرگز تو را وانگذاشته و مورد خشم قرار نداده است!».

۶. همان: ۶ و ۷: «آیا او تو را یتیم نیافت و پناه داد؟! و تو را گم‌شده یافت و هدایت کرد».

اعتراف می‌کنند، همه در سایه اعتماد به وعده الهی و صبر و مقاومت و استمداد از خداوند به دست آمده است. مردم ما همواره در برابر وسوسه ضعف‌هایی که در مقاطع اضطراب‌انگیز، ندای: «إِنَّا لَمُدْرِكُونَ»^۱ سر می‌دادند، نهیب زده‌اند که: «كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ»^۲.

امروز این تجربه‌ای گران‌بها در دسترس ملت‌هایی است که در برابر استکبار و استبداد قد علم کرده و توانسته‌اند حکومت‌های فاسد و گوش‌به‌فرمان و وابسته به آمریکا را سرنگون ساخته یا متزلزل کنند. ایستادگی و صبر و بصر و اعتماد به وعده: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»^۳ خواهد توانست این مسیر افتخار را تا رسیدن به قله تمدن اسلامی، در برابر امت اسلامی هموار کند.^۴

استحکام بخشی به نظام سیاسی

استحکام یک نظام به این چیزهاست: به ایمان، به قدرت و توانایی ایستادگی، به عزم راسخ، به فریب نخوردن از الفاظ چرب و نرم تعارف‌آمیزی که در یک مواردی خیلی راحت در بسیاری از بده و بستان‌های سیاسی مبادله می‌شود؛ در حالی که در پشت این الفاظ نرم، چهره خشن و غضب‌آلود آن کسانی قرار دارد که نیت‌های سوء دارند. نمونه‌هایش الی ماشاءالله در زمان خودمان، در همین چند ده سال بارها اتفاق افتاده؛ نسبت به دیگران، نسبت به کشورهای مختلف، نسبت به خود ما؛ موارد زیادی

۱. شعراء: ۶۱: «ما در چنگال فرعونیان گرفتار شدیم!».

۲. همان: ۶۲: «چنین نیست! یقیناً پروردگارم با من است، بزودی مرا هدایت خواهد کرد!».

۳. حج: ۴۰: «و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است».

۴. بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی ۱۳۹۲/۲/۹.

دیدیم. هوشمند بودن، فریب نخوردن، اعتماد به نفس داشتن، اعتماد به خدای متعال داشتن، قدرت ایستادگی را در خود تقویت کردن، باور داشتن به اینکه می‌توان قدرتمند بود و ایستادگی کرد؛ این‌هاست که یک ملت را نگه می‌دارد.^۱

وصول حق با مقاومت

حق را با ایستادگی باید گرفت. ملت ایران به حق استللال خود دست یافت، عزت خود را تأمین کرد، مرزهای خود را امن کرد، یک حکومت باثبات در کشور به برکت همین ایستادگی، به برکت همین مجاهدت به وجود آورد؛ احساس قدرت کرد. خودتان را جدی بگیرید. خودتان را باور کنید. توانستید و خواهید توانست. آن چیزی که قدرت‌های سلطه طلب بخواهند به یک ملت اعطا نکنند، ارزش گرفتن ندارد. حق دستیابی به انرژی هسته‌ای را ملت ایران التماس کند تا قدرتمندان زورگوی دنیا و عزیزان بی‌جهت دنیا بپذیرند که او دارای حق هسته‌ای است! نه؛ این، رویه یک ملت آزاد و مستقل نیست. همه حقوق دیگر هم از این قبیل است.^۲

خنثی سازی تهدیدات

«تهدید» یکی از کارهای دشمن است؛ یکی از شیوه‌های دشمن، تهدید کردن است. ممکن است در یک مواردی تهدید خود را عمل هم کند؛ اما آن ملتی در این میدان کشمکش خواهد توانست عظمت، عزت، هویت و منافع خود را حفظ کند که عقب‌نشینی نکند و بایستد. این استقامت - «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ»^۳؛ تا

۱. بیانات در دیدار فرماندهان ارشد نظامی و انتظامی و ۱۳۸۹/۱/۲۲.

۲. بیانات در مراسم هجدهمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی علیه السلام ۱۳۸۶/۳/۱۴.

۳. توبه: ۷: پس تا با شما [بر سر عهد] پایدارند با آنان پایدار باشید.

وقتی که دشمن در مقابل شماست و علیه شما ابزارهای تهدید و تخویف خود را مطرح می‌کند، باید ایستادگی کنید - در چند جای قرآن تکرار شده است؛ ایستادگی^۱.

عزت دنیوی و سربلندی اخروی

تکریم شهیدان به آن است که این ملت هرگز در برابر سلطه‌گران مستکبر سر خم نکند و به وسوسه دشمنان عظمت اسلام، تسلیم نگردد. پیمودن این راه است که عزت و کامیابی دنیا و فلاح و سربلندی آخرت را نصیب ملت ما و همه مسلمین خواهد ساخت و دست شیطان‌های گوناگون را خواهد برید^۲.

تغییر لحن نظام سلطه

من همین جا به ملت‌های مسلمان عرض می‌کنم اگر امروز شما می‌بینید که لحن دنیای غرب در برابر شما نرم‌تر شده است، این در نتیجه همین بیداری عمومی و ایستادگی در دنیای اسلام است. وعده بی‌تخلف خداوند که پیروزی مؤمنان را وعده کرده است، تحقق پیدا نمی‌کند، مگر در صورتی که مؤمنان ایستادگی کنند، پافشاری کنند، جانفشانی کنند. همان مقداری که این ایستادگی دیده شد، ورق برگشت؛ دنیای اسلام در مقابل غرب از آن حالت تحقیرشدگی خارج شد.

در گذشته، دنیای سلطه و قدرتمندان سلطه‌گر نسبت به کشورهای اسلامی به طور دلخواه تصمیم‌گیری می‌کردند؛ نه نظر ملت‌های مسلمان و نه نظر دولت‌های اسلامی را حتی سؤال هم نمی‌کردند. اگر نفت داشتند، برای نفت‌شان؛ اگر بازار داشتند، برای بازارشان برنامه‌ریزی می‌کردند، تصمیم می‌گرفتند و آن تصمیم باید عمل می‌شد. با بیداری دنیای اسلام این وضعیت تا حد زیادی تغییر پیدا کرد. مسلمان‌ها باید این

۱. بیانات در دیدار عمومی بسیجیان ۱۳۸۵/۱/۶.

۲. پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا در هفته دفاع مقدس ۱۳۷۰/۷/۴.

تجربه را در همه دنیای اسلام به عنوان یک تجربه موفق و مغتنم قدر بدانند و راه خودشان را بر اساس او تنظیم نکنند. آنچه ملت‌ها را عزیز می‌کند، سربلند می‌کند، ایستادگی آن‌هاست^۱.

یک ملت منافی دارد - مشروع و مباح، معقول و منطقی - خوب می‌خواهد این منافع را تحصیل کند. ملت، استعدادی در جوانانش هست، برکاتی در زمینش هست و موقعیتی در جایگاه جغرافیایی اش هست؛ یک ملت حق دارد از این‌ها استفاده کند. قدرت‌های زورگوی دنیا (نه امروز، از قدیم) عادت کرده‌اند دست روی منافع ملت‌ها بگذارند و بگویند این مال من. هر جا ملت‌ها و رهبران آن‌ها کوتاه آمده‌اند، آن‌ها جری‌تر شده‌اند. انگلیسی‌ها شبه‌قاره هند را در قرن نوزدهم گرفتند، ثروت شبه‌قاره را مثل خونی نوشیدند، خودشان را قوی کردند و هند را ضعیف. این طوری است. وقتی یک ملتی در مقابل طمع‌ورزی دشمنان قوی پنجه عقب‌نشینی می‌کند، میدان را برای آن‌ها باز می‌کند. او در یک چنین وضعیتی، این‌طور نیست که حالا بگوید، به این‌ها رحم کنیم، ملاحظه کنیم، این‌ها عقب‌نشینی کردند؛ نخیر تا این ملت عقب‌نشینی کند، آن جلو می‌آید و بدون مانع، پنجه‌های خود را در گوشت و پوست این ملت فرو می‌کند و تا جایی که زورش برسد، از او می‌کند؛ او را ضعیف می‌کند و خودش را قوی می‌کند^۲.

احترام به بشریت

امروز در دنیا سرمایه‌داران بزرگ، کمپانی‌داران بزرگ، جهان‌خواران، قدرت‌طلبان، با مجهز شدن به علم و دستگاه‌های تبلیغاتی، بر سیاست دنیا دارند زورگویی می‌کنند

۱. بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام ۱۴/۳/۱۳۸۸.

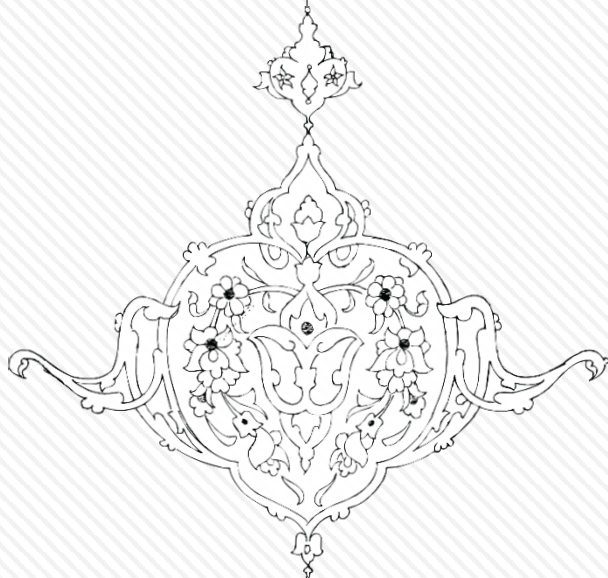
۲. بیانات در دیدار عمومی بسیجیان ۱/۶/۱۳۸۵.

و حکمرانی می‌کنند؛ هر ملت مستقلی که بخواهد بایستد، مورد دشمنی این‌ها است. بعضی از کشورها می‌ایستند، بعضی‌ها اندکی می‌ایستند، بعضی‌ها طاقت می‌آورند؛ بعضی‌ها بالاخره طاقت نمی‌آورند؛ ایران اسلامی نشان داد پرطاقت است، آگاه است، بصیر است، برای هویت خود احترام قائل است، برای بشریت هم احترام قائل است. ایستادگی در مقابل استکبار، احترام به بشریت است؛ احترام به همه ملت‌ها و همه انسان‌ها است. البته دندان نشان می‌دهند لکن مشت کوبنده انسان‌های مؤمن می‌تواند آن‌ها را به عقب‌نشینی وادار کند؛ همیشه همین‌جور بوده است، بعد از این هم همین‌جور خواهد بود^۱.

۱. بیانات در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی نوشهر در نهمین مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۴/۷/۸.

فصل ششم:

وضعیت جبهه‌های مقاومت اسلامی



جمهوری اسلامی ایران

ما از مقاومت در منطقه دفاع می‌کنیم؛ از مقاومت فلسطین - که یکی از برجسته‌ترین فصول تاریخ امت اسلامی، در طول این سال‌ها مقاومت فلسطین است - دفاع می‌کنیم. هر کسی با اسرائیل مبارزه کند و رژیم صهیونیستی را بکوبد و مقاومت را تأیید کند، ما از او حمایت می‌کنیم؛ انواع حمایت‌هایی که برای ما ممکن باشد؛ همه‌جور حمایتی که برای ما ممکن است، از هر کسی که با رژیم صهیونیستی مقابله کند، خواهیم کرد. از مقاومت حمایت می‌کنیم، از تمامیت ارضی کشورها حمایت می‌کنیم؛ از همه کسانی که در مقابله با سیاست‌های تفرقه‌افکنانه آمریکا ایستادگی می‌کنند حمایت می‌کنیم؛ با همه کسانی که این تفرقه‌افکنی را به‌وجود می‌آورند طرفیم و مقابلیم^۱.

انقلاب اسلامی عزت را جایگزین تحقیری کرد که بیگانگان بر این ملت روا می‌داشتند؛ استقلال را جایگزین آن وابستگی تلخ و ذلت‌بار می‌کرد؛ ایستادگی و اقتدار را جایگزین آن تسلیم محض در مقابل بیگانگان کرد. آن روز، مسئولین کشور بزرگ ما در مقابل بیگانگان، در رده‌های مختلف و در اساسی‌ترین مسائل کشور تسلیم بودند؛ یعنی در هر مسئله‌ای که اراده بیگانگان - یک دوره انگلیس، در دوره چند دهه ساله بعد هم آمریکا - به آن تعلق می‌گرفت، در داخل تحقق‌پذیر بود؛ تا آنجایی که به دست مسئولان این کشور بود؛ و ملت مجبور بود تحمل کند؛ تسلیم‌پذیری مطلق. انقلاب این حالت تسلیم‌پذیری را به حالت اقتدار و ایستادگی تبدیل کرد؛ آن وابستگی را به استقلال تبدیل کرد؛ آن حقارت را به عزت تبدیل کرد؛ آن حکومت مطلقه موروثی غیرمنطقی بی‌مبنای (سلطنت) را به حکومت مردم و مردم‌سالاری تبدیل کرد. انقلاب به‌کل پایه‌های ویران‌گر انسانی را که ارزش‌های انسانی را ویران می‌کرد و در

۱. بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) و اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی ۱۳۹۴/۵/۲۶.

داخل کشور به وسیله رژیم طاغوت در طول سال‌های متمادی بنا گذاشته شده بود، ویران کرد؛ پایه‌های جدیدی ساخت که هویت جدیدی برای کشور به وجود آورد.^۱

مرکزیت مقاومت جهانی

می‌خواهند هیچ عنصر مقاومتی در این منطقه وجود نداشته باشد. اصل عنصر مقاومت را جمهوری اسلامی می‌دانند. البته این را درست فهمیده‌اند. اینجا مرکز مقاومت است. اینجا جایی است که ما اگر هیچ اقدامی هم نکنیم، هیچ حرفی هم نزنیم، خود وجود جمهوری اسلامی به ملت‌های منطقه الهام می‌دهد. یک موجودیتی، یک هویتی که علی‌رغم همه قدرت‌های استکباری و به کوری چشم آن‌ها این جور در این منطقه قد کشیده و روز به روز ریشه‌دارتر می‌شود؛ روز به روز قوی‌تر می‌شود. خود وجود این پیکره عظیم و پرشکوه، خار چشم استکبار است و امید دهنده به ملت‌ها. بله اینجا مرکز مقاومت است؛ در این شکی نیست. دیگران هم از اینجا الهام گرفتند، متنها برای اینکه این مقاومت را در هم بکوبند، حلقه ضعیف را اول هدف قرار دادند؛ دولت مردمی منتخب حماس در غزه. او را مظلوم گیر آوردند؛ او را دارند می‌کوبند.^۲

مشکل دستگاه‌های قدرتمند سلطه‌گر دنیا این است که امروز یک جریان در عالم به وجود آمده که با این سازوکار مخالف است. در مرکز این جریان، ایران اسلامی است؛ شماها ببینید. ایران اسلامی صبرش هم زیاد بود. روز اولی که ما این حرکت را شروع کردیم، از هیچ جای دنیا تجاوبی نشد. ما خیال می‌کردیم که برخی از ملت‌ها خیلی زود به این حرکت خواهند پیوست، اما این‌جور نشد. بعد از گذشت سال‌ها، به تدریج و آرام آرام، خوب این فکر به جسم ذهن ملت‌ها فرو رفت؛ آرام آرام ساخته

۱. بیانات در دیدار جمعی از پرسنل و فرماندهان نیروی هوایی ارتش ۱۳۸۶/۱۱/۱۹.

۲. بیانات در دیدار با مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی ۱۳۸۷/۱۰/۱۹.

شدند، ساخته شدند تا یک وقت یک امکانی به وجود آمد. همه حرکت‌های تاریخی این جوری است. حرکت‌های تاریخی اگرچه به نظر دفعی می‌آید، اما هیچ‌کدام دفعی نیست، تدریجی است؛ منتها منتظر یک نقطه نشتر خوردن است؛ یک حادثه‌ای پیش بیاید، یک قضیه‌ای اتفاق بیفتد، ناگهان آن استعداد، آن نیروی متراکم شده فنر جمع شده، خودش را نشان می‌دهد و آزاد می‌کند؛ می‌شود مثل مصر، مثل بقیه جاها. سی سال طول کشیده تا ما به اینجا رسیدیم؛ بنابراین، این حرکت، یک حرکت مهمی است. استعمارگران و قدرت‌گران، به معنای واقعی کلمه، از این حرکت می‌ترسند. این شاخ و شانه کشیدن‌ها، شلتاق کردن‌ها و تحریم‌ها و دعوایها و تهدیدها و این‌ها همه‌اش از روی ترس است.^۱

ایستادگی در مقابل امریکا

امروز شما نگاه کنید، خاورمیانه نمایشگاه ناکامی امریکا و شکست‌های امریکاست. در این سال‌ها، برای جلوگیری از رشد و قدرت یافتن نظام اسلامی، هر کاری که توانستند کردند. اگر شما تصور کنید ضربه‌ای می‌توانستند بزنند و نزدند، خطاست؛ هر کار می‌توانستند کردند؛ هر کار نکردند، چون نمی‌توانستند. در مقابل جنگ تحمیلی‌شان، تهاجم دزدانه‌شان، تحریم اقتصادی‌شان، جنگ روانی‌شان، تبلیغات‌شان، هیاهو و جنجال و قرشمال‌بازی‌هایی که علیه جمهوری اسلامی در دنیا به راه انداختند، در مقابل همه، جمهوری اسلامی به پشتیبانی این ملت بزرگ و رشید، محکم ایستاد. ایستاد، نه فقط به معنای این که توانست خود را نگه دارد و نابود نشود، بلکه به معنای این که روزبه‌روز بر قدرت خود افزود.^۲

۱. بیانات در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش ۱۳۹۱/۲/۳.

۲. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۷/۱/۱.

ارائه کننده راه نو به بشریت

اسلام و جمهوری اسلامی یک راه نوئی را به بشریت ارائه کرد؛ یک حرکت نوئی را به ملت‌ها ارائه داد؛ نشان داد که یک ملتی با اینکه آنچنان سلاحی ندارد، با اینکه آنچنان امکانات مادی‌ای ندارد، می‌تواند در مقابل قلدترترین حکومت‌های دنیا مقاومت کند، بایستد، زیر بار آن‌ها نرود، راه خود را دنبال کند، پرچم عدل و انصاف را بلند کند، پرچم انسانیت را بلند کند. این در دنیای عصر جدید یک چیز نوئی است؛ این را شما باز کردید. در همه قضایای گوناگون انقلاب همین است.^۱

امروز اگر بخواهیم مصداقی برای این حرکت امیرالمؤمنین علیه السلام پیدا کنیم - که البته مصداق ناقصی است - تشکیل جامعه اسلامی و حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی است. این، یعنی در مقابله با ظلم و کج‌روی و کفر و حرکت ظالمانه مفسدانه طواغیت جهانی، سر بلند کردن و ایستادن. در این راه باید حرکت کرد. نظام جمهوری اسلامی خود وجودش و هویتش ضدیت با ظلم و زور است؛ ضدیت با تبعیض است. شما ببینید امروز حاکمیت دنیا دست کی‌هاست؛ ببینید در دنیا چه فجایعی به وسیله قدرتمندان دارد انجام می‌گیرد؛ ببینید با بشریت این قدرت‌های دارای زر و زور چه می‌کنند؛ آن هم با تبلیغات رنگ و لعاب‌دار، همراه زر و زور و تزویر با اسم حقوق بشر! با اسم دمکراسی! با اسم آزادی! چه می‌کنند با بشر!

امروز امریکا - منظورم حکومت امریکاست - مظهر ظلم علیه بشریت است و به خود مردم امریکا هم امروز دارد ظلم می‌شود. نظام طاغوتی و شبکه مفسد صهیونیستی در دنیا، امروز مظهر فساد اخلاقی و تباه کردن نسل‌های بشری است؛ ضلالت و

۱. بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی ۱۳۸۹/۱۰/۱۹.

گمراهی. قدرت‌هایی که امروز تسلط بر عالم دارند، قدرت‌های ستمگر و ظالم‌اند و به همین دلیل هم با جمهوری اسلامی سرناسازگاری و سرستیزه‌گری دارند^۱.

ایجاد گفتمان نو هویت اسلامی و سلطه‌ناپذیری

ایجاد یک گفتمان نو در سطح بین‌الملل اسلامی. همین گفتمان هویت اسلامی و سلطه‌ناپذیری و استقلال را این نظام ایجاد کرد؛ گسترش داد؛ و ارتباطات و همسایه‌ها و غیره و غیره؛ حرف زیاد است^۲. نظام اسلامی یک الگوی اسلامی را هم در دنیا مطرح کرد؛ یعنی نشان داد که بدون امریکا می‌شود زندگی کرد؛ بدون رفتن زیر بار یک قدرت بزرگ می‌توان یک کشور بزرگ شصت و پنج میلیونی را اداره کرد و پیش برد. پس علت اصلی تهدید، هویت نظام اسلامی است^۳.

انقلاب اسلامی فقط این نبود که دگرگونی‌ای در داخل کشور ایجاد کند؛ علاوه بر این، یک فرهنگ خلق کرد؛ فرهنگی که در همه کشورهای اسلامی به‌طور متفاوت - در بعضی کشورها خیلی شدید، در بعضی کشورها با شدت کمتر - اثر خودش را در ذهن‌ها، به‌خصوص ذهن جوانان و روشنفکران و دانشگاهیان گذاشت. بلاشک شما از گرایش‌های قشر جوان در کشورهای اسلامی نسبت به انقلاب، امام و ارزش‌های ملت ایران و ایستادگی‌اش مطالبی شنیده‌اید؛ اما یقیناً آنچه شنیده‌اید، به‌مراتب کمتر از چیزی است که در واقع وجود دارد. در طول این بیست و یکی دو سال، به‌مرور تفکر اسلامی، فکر بیداری اسلامی و بازگشت و تمسک به اسلام، در ذهن‌ها به صورت اندیشه‌ای ماندگار درآمده است^۴.

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد مسعود علی‌بن‌ابیطالب علیه‌السلام ۱۳۸۶/۵/۶.

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۸۶/۶/۳۱.

۳. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اصفهان ۱۳۸۰/۸/۸.

۴. بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۲/۲۲.

اثبات امکان پیشرفت بدون سلطه پذیری

ملت ما با پیشرفت‌ها ثابت کرد که در سایه آمریکا زندگی نکردن، به معنای عقب‌افتادگی نیست؛ این نکته مهمی است. قدرتمندان عالم، استعمارگران - در روزی که استعمار مستقیم بود - و امروز آمریکا، می‌خواهند به ملت‌های دنیا اثبات کنند که اگر می‌خواهید زندگی خوب داشته باشید و پیشرفت کنید، باید زیر سایه ما بیایید. ملت ایران اثبات کرد که این حرف دروغ است. ملت ما ثابت کرد که وابسته نبودن به آمریکا و قدرت‌های بزرگ نه فقط موجب عقب‌افتادگی نیست، بلکه موجب پیشرفت است؛ دلیل واضح این است که شما این سی سال جمهوری اسلامی را مقایسه کنید با سی سال بعضی از کشورهایی که در سایه آمریکا زندگی کردند، دل خودشان را به سالی دو سه میلیارد دلار کمک آمریکا خوش کردند و تسلیم آمریکا شدند؛ ببینید آن‌ها کجایند، ما کجاییم؟ هستند کشورهایی که خودشان را به دم آمریکا بستند و دنباله‌رو آمریکا‌یند. سی سال تجربه در مقابل ما است. ببینید سی سال جمهوری اسلامی چگونه گذشته است و جمهوری اسلامی و ملت ایران از کجا به کجا رسیده است، آن‌ها در چه وضعی هستند. هر کس این را مطالعه کند، خواهد فهمید که وابسته نبودن به قدرت‌های بزرگ، برای یک ملت فرصت است، نه تهدید؛ و این فرصت را بحمدالله ملت ایران با قدرت خود، با شجاعت خود، با هوشمندی خود به دست آورده است^۱.

مواضع منطقی ایران در برابر استکبار

منطق ما در مقابله با دست‌اندازی‌های امریکایی، منطق ضعیفی نیست. منطقی است که اگر برای همه ملت‌های دنیا تبیین بشود، با همه دل به آن می‌گروند. ما حرف

۱. بیانات در صحن جامع رضوی ۱۳۹۲/۱/۱.

زوری نمی‌زنیم؛ حرف خلاف متعارفی نمی‌زنیم. ما می‌گوییم یک ملت و یک کشور، نمی‌خواهد اجازه بدهد که یک قدرت، یک امپراطوری متجاوز، مدعی و طلبگار از همه دنیا، به منابع او دست بپندازد، به منابع انسانی او دست بپندازد، سیاست او را تعیین کند و از او سلب اختیارات کند. می‌گویند: فلان کار را بکنید، فلان کار را نکنید، فلان چیز را بفروشید، فلان چیز را بخرید، این کار را برای حکومت‌تان بپذیرید، آن را نپذیرید! این کاری است که الان امریکایی‌ها در خیلی از جاهای دنیا دارند می‌کنند. در متصرفات شوروی سابق مکرر کردند؛ در منطقه خاورمیانه ده‌ها سال است دارند می‌کنند؛ در آسیا و در خیلی از کشورها دارند می‌کنند. ایران گفت ما نمی‌خواهیم شما در کار ما دخالت کنید؛ می‌خواهیم خودمان تصمیم بگیریم. این حرف بدی است؟ ملت ایران در مواجهه روبه‌رو و آشکار با استکبار، می‌گوید شما چرا دم از حقوق بشر می‌زنید و این جور آشکار و واضح حقوق بشر را در همه جا - در عراق، در افغانستان، در آفریقا، در کوزوو، حتی در خود امریکا - نقض می‌کنید؟! این حرفی نیست که ملت‌ها این را نفهمند!

نوآوری ایران در مقابله با نظام سلطه

انقلاب اسلامی خود یک نوآوری بزرگ تاریخی بود که ملت ایران آن را در تاریخ خودش و تاریخ بشریت به ثبت رساند. انقلاب نوآوری بود؛ جمهوری اسلامی نوآوری بود. از بعد از دوران شروع استعمار، دنیا به دو بخش تقسیم شد: یک بخش سلطه‌گر، یک بخش سلطه‌پذیر؛ دولت‌ها و قدرت‌هایی با تکیه به دانش، با تکیه به سلاح، با تکیه به فریب‌گری، توانستند کشورهای دیگری را زیر سلطه بگیرند؛ آن‌ها شدند سلطه‌گر، این ملت‌ها و این کشورها - خواه و ناخواه - شدند سلطه‌پذیر. دنیا

عادت کرد به تقسیم میان سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ به طور سنتی، جمعی از ملت‌ها باید زیر فرمان و یوغ استثمار و استکبار دولت‌ها و ملت‌های دیگری قرار می‌گرفتند. انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی آمد و این خط‌کشی باطل و این نظام غلط را در هم شکست. جمهوری اسلامی اعلام کرد با سلطه‌گری مخالف است و خود هم اگر بتواند و قدرت داشته باشد، هرگز سلطه‌گری نخواهد کرد؛ نه ملت دیگری را و نه مسئولان کشور، ملت خود را زیر سلطه ناخواسته خود نخواهند کشید. با سلطه‌گری مخالف است؛ اما با سلطه‌پذیری بیشتر مخالف است.

انقلاب اسلامی آمد و خط بطلانی بر همه این‌ها کشید. تقریباً سی سال است جمهوری اسلامی با این موضع‌گیری شاخص تاریخی خود، در مقابل سلطه‌گرانی که همه دنیا را در واقع متعلق به خود می‌دانند ایستاد. رژیم امریکا در این منطقه سلطنت می‌کرد و خاورمیانه پانداژ مستکبرین و دولتمردان امریکایی بود؛ ایران - که نگین خاورمیانه و مرکز جغرافیایی این منطقه است - زیر نفوذ آن‌ها بود. انقلاب آمد و همه این اوضاع را بر هم زد؛ نظام جمهوری اسلامی با رشادت در قلب این معرکه ایستاد و مسئله عوض شد^۱.

پیروزی حتمی ایران در برابر دشمنان

نمی‌خواهیم که رجز بخوانیم، نمی‌خواهیم که حماسه‌سرایی کنیم؛ می‌خواهیم یاد بگیریم، می‌خواهیم درس بگیریم؛ می‌خواهیم از حقایق و واقعیات عالم، به برکت هدایت اسلامی، راه‌مان را پیدا کنیم. درس این است که وقتی یک ملتی عازم و مصمم ایستاد و مقاومت کرد و از درون جوشید و به خدای بزرگ اتکال کرد و در میدان مبارزه، از جان و مال و آبرو دریغ نکرد، ولو آن ملت به قدر حریف پول ندارد، به

۱. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۷/۱/۱.

قدر حریف سلاح ندارد، به قدر حریف پیشرفت علمی نداشته است، جمعیتش نسبت به حریف کم است، یک‌صدم حریف رسانه ندارد، این ملت در بزرگترین مبارزات و سخت‌ترین مبارزات، پیروز خواهد شد^۱.

فلسطین

ملّت فلسطین دچار مظلومیّت مزمن است و سال‌های متمادی است این ملّت زیر فشار است^۲. مسئله غزه مسئله یک تکه سرزمین نیست؛ مسئله فلسطین فقط مسئله جغرافیا نیست؛ مسئله بشریت است؛ مسئله انسانیت است. امروز مسئله فلسطین شاخص میان پایبندی به اصول انسانی و ضدیت با اصول انسانی است. مسئله این قدر اهمیت دارد^۳.

مسأله فلسطین، یک مسئله دنیای اسلام است. غیر از جنبه‌های سیاسی و امنیتی و اقتصادی، مسئله تکلیف الهی و اسلامی است. بالاتر از همه، مسئله خدایی است^۴؛ امروز مسئله فلسطین، مسئله اوّل جهان اسلام است. امروز همه امت اسلامی، به‌خصوص کشورهای نزدیک‌تر - مثل ملت و کشور ما - باید به این نکته توجه کنند که هم صهیونیست‌های حاکم بر فلسطین و غاصب فلسطین و هم پشتیبانان آن‌ها، سعی می‌کنند ماجراهای داخل فلسطین را مسئله داخلی دولت غاصب اسرائیل وانمود کنند، که به‌هیچ‌وجه این‌گونه نیست. اگر در داخل فلسطین یک نفر هم قیام نمی‌کرد،

۱. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۱/۸/۱۰.

۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی به مناسبت سالروز بعثت پیامبر اکرم ﷺ، ۱۳۹۴/۲/۲۶.

۳. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیه همایش غزه ۱۳۸۸/۱۲/۸.

۴. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰.

به خاطر خود مسئله فلسطین، دنیای اسلام، خصم صهیونیست‌ها و حامیان‌شان بود؛ حال که دیگر مردم فلسطین هم قیام کرده‌اند و خودشان آگاهانه وارد میدان شده‌اند.^۱ در زمینه مسائل دنیای اسلام هم به نظر ما امروز مسئله فلسطین و مصیبت غزه یک مسئله عمومی است؛ مخصوص همان مردمی که در آنجا ساکن هستند، نیست این مسئله؛ مال دنیای اسلام است؛ مال همه خاورمیانه است؛ به یک معنا مسئله متعلق به همه ملت‌هاست.^۲

امروز مسئله فلسطین به برکت بیداری اسلامی، بار دیگر به یک مسئله اصلی دنیای اسلام تبدیل شده است؛ نباید بگذارید این برجستگی و این امتیاز از بین برود و زیر توطئه‌ها و ترفندهای دشمنان مسلمان‌ها و دشمنان امت اسلامی پنهان بماند. مسئله فلسطین یک مسئله اصلی است. در طول زمان، ملت‌ها دولت‌های خودشان را با موضع‌گیری آن‌ها در قضیه فلسطین محک می‌زدند. البته فشار استبداد و استکبار و اختناق و زور نمی‌گذاشته است که خواسته ملت‌ها آشکار شود. امسال در قضایای روز قدس و راهپیمایی ملت‌های منطقه، به کوری چشم صهیونیست‌ها، ملت‌ها توانستند حرف دل خودشان را در این قضیه بزنند و ان‌شاءالله روزبه‌روز بیشتر و گرم‌تر خواهد شد.^۳

فلسطین از دو نظر مسئله دنیای اسلام است: یکی از نظر این‌که فلسطین قطعه‌ای از خاک اسلامی است. در بین همه مذاهب رایج اسلامی، هیچ اختلافی نیست و فقها همه بر این اتفاق دارند که اگر قطعه‌ای از خاک اسلامی به وسیله دشمنان اسلام جدا شد و حاکمیت دشمنان اسلام بر آن قطعه به‌وجود آمد، همه باید وظیفه خودشان را مجاهدت

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۹/۲۵.

۲. بیانات در دیدار جمعی از پرسنل و فرماندهان نیروی هوایی ارتش ۱۳۸۶/۱۱/۱۹.

۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلام ۱۳۹۱/۵/۲۹ ی

و تلاش برای برگرداندن آن قطعه به سرزمین اسلامی بدانند. لذا ملت‌های مسلمان در هر جای دنیا که هستند، این را وظیفه خودشان می‌دانند. البته خیلی‌ها نمی‌توانند اقدامی بکنند؛ اما هرکسی بتواند و هر طوری که بتواند، باید اقدام کند و اقدام می‌کند. برای همین هم هست که شما ملاحظه می‌کنید همه دنیای اسلام از روز قدسی که امام بزرگوار در جمعه آخر ماه رمضان هر سال معین کردند - که جمعه آینده است - استقبال می‌کنند و شما امسال خواهید دید که به فضل الهی و با توفیق پروردگار، روز قدس از هر سال، پُرشورتر و کوبنده‌تر در همه دنیای اسلام برگزار خواهد شد.^۱

جهت دوم این است که اساساً تشکیل دولت یهودی - یا به تعبیر درست‌تر، دولت صهیونیست - در این نقطه از دنیای اسلام، با یک هدف بلند مدت استکباری به وجود آمد. اصلاً به وجود آوردن این دولت در این نقطه حسّاس که تقریباً قلب دنیای اسلام است - یعنی قسمت غرب اسلامی را که آفریقا است، به قسمت شرق اسلامی که همین خاورمیانه و آسیا و مشرق است، متصل می‌کند و یک سه راهی است بین آسیا و آفریقا و اروپا - برای خاطر این بود که در بلند مدت، تداوم سلطه استعمارگران آن روز - که در رأس‌شان دولت انگلیس بود - بر دنیای اسلام باقی بماند و این‌طور نباشد که اگر یک وقت دولت اسلامی مقتدری - مثل دوران‌هایی از حکومت عثمانی - به وجود آمد، بتواند جلوی نفوذ استعمارگران و انگلیس و فرانسه و دیگران را در این منطقه بگیرد. لذا یک پایگاه برای خودشان درست کردند. بنابراین طبق اسناد تاریخی، تشکیل حکومت صهیونیستی در آن‌جا، بیش از آنچه که آرزوی مردم یهود باشد، یک خواست استعماری دولت انگلیس بود. شواهدی وجود دارد که در همان زمان بسیاری از یهودی‌ها اعتقادشان این بود که احتیاجی به این دولت نیست؛ این

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران. ۱۳۷۹/۹/۲۵.

دولت به نفع‌شان نیست؛ لذا گریزان بودند. بنابراین، این یک آرزو و ایده یهودی نبود؛ بیشتر یک ایده استعماری و یک ایده انگلیسی بود. البته بعد که به وسیله امریکا گوی سیاست دنیا و گوی استکبار از دست انگلیس ربوده شد، این هم جزو همان ابواب جمع موارث استعماری بود که به امریکا رسید و امریکایی‌ها حداکثر استفاده را کردند و الان هم استفاده می‌کنند. بنابراین نجات فلسطین و محو دولت غاصب صهیونیستی، مسأله‌ای است که با مصالح ملت‌های این منطقه - از جمله با مصالح کشور عزیز ما ایران - سرو کار دارد. کسانی که از روز اول انقلاب، یکی از برنامه‌ها را مقابله و معارضة با نفوذ و اقتدار صهیونیست‌ها قرار دادند، با محاسبه این کار را کردند. این برنامه، طبق مصالح کشور و مصالح عمومی جمهوری اسلامی و مردم ایران انتخاب شده است. در کشورهای دیگر نیز همین‌طور است. همه روشنفکران کشورهای اسلامی، همه سیاستمداران آزاداندیش، همه آن‌هایی که دست‌شان در حنای استکباری امریکا رنگ نگرفته است، معتقدند که باید با اسرائیل مقابله کرد؛ یعنی این را جزو مصالح کشورشان می‌دانند.^۱

باید شک نکنیم که این روزها، روزهای سرنوشت‌سازی برای فلسطین است. البته فلسطین صحنه درگیری‌های اسلام و دشمنانش در طول تاریخ ما بوده و در صد سال اخیر - به‌خصوص در پنجاه سال اخیر - خطّ مقدّم مبارزه با دشمنان اسلام بوده است. در واقع می‌شود فلسطین را تابلویی از حوادث مهم تاریخ اسلام در قرن‌های متمادی دانست.^۲ مسئله فلسطین، مهم‌ترین مسئله دنیای اسلام است. هیچ مسئله

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۹/۲۵.

۲. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش بین‌المللی رسانه‌های جهان اسلام حمایت از انتفاضه فلسطین ۱۳۸۰/۱۱/۱۱.

بین‌المللی‌ای در دنیای اسلام از این بالاتر نیست؛ چون تسلط غاصبان سرزمین فلسطین و قدس بر این بخش از پیکر امت اسلامی، منشأ بسیاری از ضعف‌ها و دشواری‌ها در دنیای اسلام است^۱.

علل اشغال فلسطین

تفرقه مسلمانان و عدم تکیه به معنویت اسلام

اگر ما امروز وحدت می‌داشتیم و اگر به معنویت اسلام تکیه می‌کردیم، دشمن نمی‌توانست با این وضوح ملت فلسطین را در خانه خودش این گونه مورد شکنجه و فشار و تعقیب و آزار قرار دهد. قضایای فلسطین دل هر انسان غیرتمندی را - ولو زیاد تدین هم نداشته باشد - خون می‌کند و راحت و آرام را از او می‌گیرد. کیست که منظره حمل پُراحساس کودکِ یکی دو ساله‌ای را که کشته شده است، ببیند و بتواند راحت بخوابد؟ کیست که محاصره مردم را در خانه‌ها و کوچه‌ها و خیابان‌ها و شهرهایی که متعلق به آن‌هاست و زمینی که استخوان اجداد آن‌ها قرن‌هاست در آن دفن است، ببیند و متأثر نشود؟ امروز مردم بیت‌المقدس و الخلیل و غزه و بقیه مناطق سرزمین مغضوب را محبوس کرده‌اند؛ آن‌ها را در خانه خودشان می‌کشند؛ در خانه خودشان پدران و مادران را به داغ فرزندان‌شان می‌نشانند؛ به آن‌ها گرسنگی می‌دهند و آن‌ها را محاصره اقتصادی می‌کنند. اگر امت اسلامی متحد بود، مگر چنین چیزی ممکن بود؟ امروز هم واجب‌ترین فرایض ما ملت‌ها و دولت‌های مسلمان این است که در این قضیه با هم وحدت کلمه پیدا کنیم^۲.

۱. بیانات در اجتماع بزرگ زائران حرم امام خمینی علیه السلام ۱۳۸۱/۳/۱۴.

۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۷۹/۱۰/۷.

غفلت از هویت اسلامی

اگر امت اسلامی به هویت اسلامی خود توجه می‌داشت، معضلی به نام اسرائیل در منطقه به وجود نمی‌آمد. امت اسلامی را از عرصه تحولات منطقه - یعنی خانه خودش - کنار گذاشتند و در غیابش، بر علیه او تصمیم‌گیری کردند. امت اسلامی در طول سال‌های متمادی به وظایفی که بر عهده او بود، عمل نکرده است؛ در این هیچ تردیدی نباید کرد. ما باید تقصیر خودمان را بفهمیم و بدانیم. اگر ما به تنبلی و راحت‌طلبی و ذلت تن نمی‌دادیم، دشمن نمی‌توانست بر ما مسلط شود. ما عقب ماندیم و در این عقب ماندگی، مقصریم.^۱

غفلت مسلمین از توانایی خود

الان نزدیک به شصت سال است که فلسطین، خانه اسلام، متضمن قبله اول مسلمانان، از دست مسلمان‌ها، از دست صاحبان خودش، خارج شده و فلسطینی‌ها آواره در کشورها شده‌اند و یا در خانه خودشان، در زیر فشار آن غاصب مدعی هستند که با پُرویی تمام آنجا نشسته و دشمنان اسلام هم از طرف او را تأیید می‌کنند. این غصه بزرگ، این مصیبت بزرگ، به خاطر این به وجود آمد که مسلمان‌ها از توانایی‌های خودشان غافل بودند. اگر این بیداری‌ای که امروز در دنیای اسلام هست، در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ میلادی وجود داشت، قضیه فلسطین اتفاق نمی‌افتاد و دولت غاصب انگلیس، آن روز جرئت نمی‌کرد یک کشور اسلامی را یکجا از مردمش غصب کند و به یک بیگانه بسپارد. حالا امروز باید از آنچه خسارت خورده‌ایم، به تدریج جبران کنیم؛ و این کار با برنامه‌ریزی ممکن است؛ این کار با عقل و تدبیر ممکن است؛ این

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۸۵/۸/۲.

کار با عزم راسخ ممکن است؛ ولی با میل به انفعال و تسلیم، هیچ وقت دنیای اسلام به اهداف خود نخواهد رسید؛ با ترس از دشمن و بی‌اعتقادی به نیروی مردم، هرگز مقاصد دنیای اسلام و امت اسلامی برآورده نخواهد شد^۱.

خیانت مسئولین فلسطین

خیانت این کسانی که به نام فلسطینی‌ها این کار را انجام می‌دهند، از همه خیانت‌هایی که تا امروز به فلسطین شده، زشت‌تر و سهمگین‌تر و بدتر است! هیچ کاری هم برای آن مردم، نه کردند و نه می‌توانند بکنند. یک نویسنده فلسطینی عرب ساکن امریکا نوشته است که این دارودسته عرفات هنوز نتوانسته‌اند زباله‌های شهر غزه را از خیابان‌ها جمع کنند؛ اما در همین مدّت، پنج سازمان امنیتی و اطلاعاتی تشکیل دادند که جاسوسی مردم را می‌کنند! این شد دولت فلسطین؟! این شد بازگشت مردم فلسطین؟! این شد احقاق حق فلسطین؟! این قدر این‌ها بی‌شرم‌اند! همان وقتی که این شخص، اولین مذاکرات را با اسرائیلی‌ها کرد، من گفتم او، هم خائن است و هم احمق! اگر خائن بود، اما عاقل بود، بهتر از این عمل می‌کرد! البته بنده درست نمی‌دانم؛ حدس می‌زنم که امریکایی‌ها و سازمان‌های جاسوسی اسرائیل از نقاط ضعف این‌ها استفاده کردند. این‌ها نقاط ضعف زیاد دارند؛ اهل دنیایند^۲.

جریان‌های عربی

این تجربه تاریخی ملت‌های عرب است که حافظه تاریخی‌شان آن را ضبط کرده است. در جنگ بین‌الملل اول، بعضی از همین جریان‌های عربی برای این که استقلال به‌دست آورند، با انگلیسی‌ها - که مستکبران و مستعمران آن روز دنیا بودند - همراهی

۱. بیانات در دیدار شرکت کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۸۵/۵/۳۰.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰.

کردند. نتیجه این شد که بعد از جنگ بین‌الملل اول بلافاصله زمینه‌های پیدایش رژیم صهیونیستی به وجود آمد. زمینه را آماده کردند و بعد از جنگ دوم، کشور فلسطین را غصب و حکومت و دولت صهیونیستی را اعلام نمودند. در طول این مدت، علی‌رغم حمایت‌هایی که بعضی از دولت‌های عربی از غرب - روزی از انگلیس، بعداً از امریکا - کردند و همراهی‌هایی که با آن‌ها نموده‌اند، همیشه و در همه جریان‌ها طرف عربی به سود طرف صهیونیستی تحقیر شده، به او ظلم شده و فشار وارد آمده است. حالا ملت فلسطین، این ملت مظلوم که در مبادلات جهانی محکوم به قربانی شدن بود، به کنار و به جای خود؛ امت و جامعه عرب و همه حکومت‌ها و کشورهای عربی را تحقیر و تذلیل کردند!

ابتکار عمل صهیونیست‌ها

ما امروز باید ابتکار عمل را به دست گیریم، تاکنون همواره دشمن ابتکار عمل را در دست داشته و ما، حداکثر شکوه و گله کرده‌ایم. فلسطین در یک فرآیند تاریخی متشکل از ده‌ها ابتکار عمل از سوی دشمن، به ملک طلق صهیونیست‌ها بدل شده است. نخست خریدن زمین‌های فلسطینیان، سپس مسلح شدن صهیونیست‌های مهاجر، بعد از آن جنگ داخلی و اعلام تجزیه فلسطین، سپس تصرف بخش‌های جدیدی از آن کشور اسلامی و عربی و در نهایت تصرف همه آن و افزودن بخش‌هایی از کشورهای مصر و سوریه و اردن به آن! تا اینجا فقط یک‌بار همسایگان عرب فلسطین، ابتکار عمل را به دست گرفتند و آن حمله رمضان سال هزار و سیصد و نود و سه هجری کشورهای سوریه و مصر بود که اگر چه بر اثر همراهی امریکا با اسرائیل و کم‌همتی کشورهای اسلامی به نتایج کامل نرسید، ولی باز مایه افتخار جبهه عرب

و رهاسازی بخشی از سرزمین‌های عربی شد. پس از آن، باز همواره تا امروز صهیونیست‌ها و حامیان‌شان و در رأس همه آمریکا، ابتکار عمل را در دادن شعارهای سازش و عموماً در جهت تحکیم تصرف غاصبانه فلسطین در دست داشته و حریف‌های خود را تا هر جا توانسته‌اند، به دنبال خویش کشانده‌اند.^۱

دخالت‌های آمریکا

شما این را بدانید؛ در طول این پنجاه سالی که این‌ها سرکارند، در شورای امنیت سازمان ملل، بیست و نه قطعنامه علیه اسرائیل صادر شده که آمریکا هر بیست و نه مورد را «وتو» کرده است! الان هم حدود ده سالی است - از بعد از فروپاشی شوروی سابق تاکنون - که دیگر اصلاً اجازه نمی‌دهد که در شورای امنیت، قطعنامه‌ای علیه اسرائیل مطرح شود! پس گناه این جرائم به گردن امریکا است. امریکا که این قدر چهره صلح‌طلبانه به خودش می‌گیرد و گاهی هم لبخندهای زهرآگینی را به همه ملت‌ها - از جمله به ملت شریف و مظلوم ما - نشان می‌دهد، در قضیه فلسطین، مجرم درجه یک است؛ یکی از گناهایش این است. امروز دست امریکا تا مرفق در خون فلسطینی‌ها فرورفته است. این‌ها کشورهای منطقه را تهدید می‌کنند.^۲

خصوصیات مبارزات امروز فلسطین

ولی مبارزه امروز دو خصوصیت دارد که در هیچ‌یک از زمان‌ها این دو خصوصیت در مبارزات فلسطینی‌ها و مبارزه برای فلسطین، با هم وجود نداشته است: یک خصوصیت، اسلامی بودن این مبارزه است؛ و خصوصیت دوم، مردمی شدن و همه‌گیر شدن آن است. اجتماع این دو خصوصیت با هم زانوان رژیم صهیونیستی را به لرزه

۱. بیانات در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی ۱۳۷۶/۹/۱۸.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰.

درآورده است. احساس خطر در سراسر کیان صهیونیستی وجود دارد. می‌فهمند و درست تشخیص می‌دهند که خطر عمده و اساسی، امروز به وجود آمده است. کسی که امروز در مقابل کیان صهیونیستی قرار گرفته، یک گروه نیست؛ شخصیت‌های سیاسی‌ای نیستند که بشود پشت میز مذاکره آن‌ها را مجاب کرد. شما می‌دانید که پشت میز مذاکره، با شیوه‌های گوناگون می‌شود افراد را مجاب کرد - با تهدید، تطمیع و وعده‌های دروغ - اما وقتی مبارزه در دامن ملت افتاد و خودآگاهی در میان مردم به وجود آمد و آن‌ها با همه وجود احساس کردند که وظیفه دارند در مقابل وضعیّت بایستند، و الاّ یکسره نابود و پامال خواهند شد؛ از طرفی هم هنگامی که تدبیر مبارزه، از ایمان اسلامی سرچشمه گرفت و به دل‌ها و جان‌ها متکی شد، در این صورت، مبارزه برای دشمن، بسیار خطرناک می‌شود. امروز چنین وضعی پیش آمده است. سردمداران رژیم مستکبر امریکا هم به همین دلیل عصبانی‌اند و باطن خود را نشان می‌دهند. آنچه در دل آن‌ها وجود دارد و همیشه پشت پرده‌های ضخیم ریاکاری، آن را پنهان می‌کنند، امروز در اظهارات‌شان نشان داده می‌شود. امروز امریکایی‌ها نه فقط از رژیم سفاک صهیونیستی، بلکه از جنایت‌های صریح آن هم بدون هیچ پوشش و شرمی حمایت می‌کنند. فقط مسئله ترور نیست؛ یک جنایت بزرگ و آشکار صورت گرفته است؛ از این حمایت می‌کنند؛ از آوردن تانک‌ها در کوچه‌ها و خیابان‌ها حمایت می‌کنند؛ از ویران کردن خانه‌های مردم حمایت می‌کنند. این باطن رژیم استکبار است. «استکبار»ی که در واژه‌های انقلاب اسلامی تکرار می‌شود، یعنی این^۱.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش بین‌المللی رسانه‌های جهان اسلام حمایت از انتفاضه فلسطین ۱۳۸۰/۱۱/۱۱.

چشم انداز فلسطین

رژیم غاصب و متجاوز و ددمنش صهیونیستی از جنایت‌های خود که به شهادت بهترین جوانان لبنان و فلسطین، می‌انجامد هیچ بهره‌ای نخواهد برد و خون هادی شهید و دیگر فرزندان شهید اسلام در لبنان، آتش مقاومت در برابر رژیم اشغال‌گر فلسطین و لبنان را مشتعل‌تر خواهد ساخت. جهاد کنونی در برابر رژیم غاصب صهیونیست با همه نابرابری، عاقبتی جز پیروزی حق یعنی نجات سرزمین‌های غصب شده اسلامی به دنبال ندارد و گذشت زمان نمی‌تواند حق غصب شده ملت‌ها را به دست فراموشی بسپارد. هر خونی که در این راه ریخته می‌شود و هر مبارز صادق و مظلومی که به خاک می‌افتد، آن عاقبت تاریخی را قطعی‌تر و تخلف‌ناپذیرتر می‌سازد.^۱

بازگشت قطعی فلسطینیان به سرزمین فلسطین

البته امروز بعضی‌ها می‌خواهند این‌طور وانمود کنند که چرا مسئله فلسطین را بحث می‌کنید؛ این مسئله خاتمه یافته است! بنده عرض می‌کنم که مسئله فلسطین به هیچ وجه خاتمه یافته نیست. این‌طور نیست که شما خیال کنید تا ابد باید فلسطینی‌ها - صاحبان سرزمین - خود و اولادشان بیرون از سرزمین خودشان باشند؛ یا اگر در آن داخل‌اند، به صورت یک اقلیتِ مقهور زندگی کنند و آن بیگانه‌های غاصب در اینجا بمانند؛ نه چنین چیزی نیست. کشورهایی که صدسال در تصرف قدرتی بودند - همین قزاقستانی که الان شما ملاحظه می‌کنید، همین گرجستانی که الان شما ملاحظه می‌کنید؛ این کشورهای تازه استقلال یافته آسیای میانه - بعضی در اختیار شوروی، بعضی قبل از شوروی در اختیار روسیه - آن وقتی که هنوز شوروی به وجود نیامده بود - این‌ها دوباره مستقل شدند و برگشتند و متعلق به

۱. پیام تبریک و تسلیت به حجت الاسلام سید حسن نصرالله به مناسبت شهادت فرزند ایشان ۱۳۷۶/۶/۲۳.

مردم خودشان شدند؛ بنابراین هیچ بُعدی ندارد و حتماً باید این کار اتفاق بیفتد و ان شاء الله اتفاق خواهد افتاد و فلسطین به مردم فلسطین برمی‌گردد. لذا مسئله خاتمه یافته نیست؛ این خطاست.^۱

فلسطین، امروز با نام خدا به مبارزه بابرکت و پُرشکوه خود ادامه می‌دهد. یک بار دیگر غلبه اراده انسان‌هایی که دل در گرو ایمان به خدا و اعتقاد به خود دارند، بر همه قدرت‌های مادی، بارز و واضح خواهد شد. دنیا خواهد دید که ملت فلسطین در سایه استقامت، گام به گام به سمت هدف‌های خود پیش خواهد رفت. فلسطین متعلق به ملت فلسطین است. امروز این ملت در میدان است. در دنیای اسلام هم غوغایی است از هیجانی که این ملت در فضای بین‌المللی با ایستادگی شجاعانه خود آفریده است.^۲

محو و نابودی اسرائیل

فلسطین، ملک للشعب الفلستینی و جزء من الارض الاسلامیه. الکیان الغاصب لا بدّ أن یضمحل و هذا هو قدر فلسطین الذی سیتحقق عاجلاً أم آجلاً، «وَاللّٰهُ غَالِبٌ عَلٰی اَمْرِهٖ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُوْنَ»^{۳،۴}.

نباید شک کرد که این شجره خبیثه‌ای که «اجْتَثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْاَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ»^۵، هیچ پایه و پایگاه و استمراری نخواهد داشت و بی‌شک نابود خواهد شد؛ و

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۸/۱۰/۱۰.

۲. بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی جمعی از پرسنل نیروی انتظامی ۱۳۷۹/۷/۱۸.

۳. یوسف: ۲۱: «و خدا بر کار خود غالب است ولی بسیاری مردم (بر این حقیقت) آگه نیستند»

۴. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۰/۷/۵.

۵. ابراهیم: ۲۶: «چون درختی ناپاک است که از روی زمین کنده شده و قراری ندارد».

شک نباید کرد که حق پیروز خواهد شد و فلسطین به پیکر اسلامی برخورد گشت؛ اما دیر و زود شدن آن، بسته به همت و غیرت مسلمین است. مسلمین بایستی همت کنند؛ جوانان بایستی مسئله را رها نکنند؛ مثل ملت سرافراز و شجاع ایران حرف‌شان را بزنند؛ آنچه را که می‌خواهند، مطالبه کنند؛ بلاشک خدای متعال هم به آن‌ها تفضل خواهد کرد^۱.

صهیونیسم در مقابل موج نسل‌های رو به ازدیاد فلسطینی طاقت نخواهد آورد. صهیونیسم و دولت غاصب و مجعول صهیونیستی در فلسطین، محکوم به فناست. مردم فلسطین باید از خدای متعال کمک بگیرند، کمک بخواهند و به خدا اتکال کنند. جوانان فلسطینی، جوانان لبنانی، همه جوانان دنیای اسلام و همه روشنفکران، این راه را دنبال کنند. ان‌شاءالله خدای متعال تفضل خواهد کرد و برکات الهی شامل حال خواهد شد. امیدواریم ان‌شاءالله آنچه که می‌گوییم، آنچه که حرکت می‌کنیم، آنچه که می‌کنیم، مشمول رضای الهی و رحمت الهی باشد^۲.

سوریه

در سوریه، چه در عراق. یا کمک بی‌واسطه یا کمک باواسطه. اصرار بر اینکه بایستی تشکیل حکومت سوریه این‌جوری باشد، این‌جوری نباشد. خب به چه حقی؟ هر ملتی سرنوشت خودش را، حکومت خودش را، دولت خودش را خودش باید انتخاب بکند، شما چه کاره هستید؟ از آن طرف دنیا می‌آید برای خاطر اغراض خبیث و خباثت آلود؛ دنیای استکبار این چنین دنیایی است. در مقابل این دنیا، انسان با بصیرت

۱. بیانات در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت ۱۳ آبان ماه ۱۳۷۰/۸/۱۵.

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۷۷/۴/۲۱.

می‌فهمد که باید چه کار کند، می‌فهمد که موضع او چه موضع حقیقی است^۱. تبلیغات غرب و رسانه‌های منطقه‌ای وابسته و مزدور، جنگ ویرانگر در سوریه را نزاع شیعه و سنی وانمود می‌کنند و حاشیه امنی برای صهیونیست‌ها و دشمنان مقاومت در سوریه و لبنان پدید می‌آورد^۲.

بحران سوریه، دعوایی سیاسی

این اختلافاتی که امروز شما می‌بینید در عراق و در سوریه و در بقیه جاها سعی می‌شود عنوان دعوای مذهبی به آن داده بشود، به هیچ‌وجه دعوای مذهبی نیست، دعوای سیاسی است. جنگ در یمن، جنگ سیاسی است نه جنگ مذهبی؛ به دروغ می‌گویند که بحث شیعه و سنی است، درحالی‌که شیعه و سنی نیست. بعضی از آن‌هایی که زیر بمباران سعودی‌ها در یمن دارند بچه و زن و کودک شیرخوار و بیمارستان و مدرسه را از دست می‌دهند، شافعی‌اند، بعضی‌شان زیدی‌اند؛ بحث شیعه و سنی نیست، دعوا دعوای سیاسی است، دعوای سیاست‌ها است^۳.

حضور متجاوزانه آمریکا در سوریه

حادثه بیداری اسلامی یک حادثه بسیار بزرگی است که وجود داشت؛ علی‌رغم استکبار این حادثه به وجود آمد، برخلاف خواسته استکبار بود؛ و طبیعی است که از آن طرف هم واکنش وجود دارد؛ امروز ما واکنش جبهه دشمن را داریم مشاهده می‌کنیم، هم در شرق منطقه ما، یعنی در منطقه پاکستان و افغانستان تا منتهالیه غرب آسیا، یعنی منطقه سوریّه و لبنان، حوادث وجود دارد. جبهه استکبار - که خب فرد

۱. بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج ۱۳۹۴/۹/۴.

۲. بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی ۱۳۹۲/۲/۹.

۳. بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام و اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی ۱۳۹۴/۵/۲۶.

شاخص جبهه استکبار هم دولت ایالات متّحده آمریکا است - منافی برای خودشان در منطقه تعریف کردند با نگاه استکباری - یعنی همان نگاه استعماری قرن نوزدهمی با شکل جدید - و به دنبال این هستند که همه مسائل منطقه را با توجّه به این منافی که برای خود تعریف کردند، حل بکنند؛ قضیه سوریه هم از همین قبیل است، قضیه بحرین هم از همین قبیل است. حضور استکبار در این منطقه، حضور متجاوزانه و زورگویانه و زیاده‌خواهانه‌ای است که هر مقاومتی در مقابل خودش را می‌خواهد از بین ببرد؛ البتّه تا به حال بحمدالله نتوانستند و نخواهند توانست^۱.

سوریه؛ انتقام‌گیری از حکومت ضد صهیونیستی

[ایادی فاسد آمریکا و ناتو و صهیونیسم] با کمک عوامل خود در منطقه، در سوریه بحران می‌آفرینند تا ذهن ملت‌ها را از مسائل مهم کشورهای خود و خطراتی که در کمین آن‌ها است، منصرف ساخته و به ماجرای خونینی که خود تعمداً به وجود آورده‌اند، معطوف کنند. جنگ داخلی در سوریه و کشتار جوانان مسلمان به دست یکدیگر، جنایتی است که به وسیله آمریکا و صهیونیسم و دولت‌های مطیع آنان آغاز شده و در آتش آن دمیده می‌شود. چه کسی می‌تواند باور کند که دولت‌های حامی دیکتاتوری‌های سیاه در مصر و تونس و لیبی، اکنون حامی دموکراسی‌خواهی ملت سوریه شده‌اند؟ ماجرای سوریه ماجرای انتقام‌گیری از حکومتی است که سه دهه به تنهایی در برابر صهیونیست‌های غاصب ایستاده و از گروه‌های مقاومت در فلسطین و لبنان دفاع کرده است^۲.

۱. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۲/۶/۱۴.

۲. پیام به کنگره عظیم حج ۱۳۹۱/۸/۴.

تلاش آمریکا در ایجاد جنگ داخلی در سوریه

مشکلات [کشورهای اسلامی] از کجا می‌آید؟ این مشکلات از کدام منبع خبیث و نامبارکی ناشی می‌شود؟ چه کسی این نطفه ناپاک تروریسم را در دنیای اسلام ترویج می‌کند؟ در زبان، همه از تروریسم تبرّی می‌جویند و گاهی علی‌الظاهر یک تظاهر عملی هم علیه تروریسم می‌کنند - به تعبیر رییس جمهور محترم یک ائتلاف ظاهری و دروغین و مصنوعی علیه تروریسم تشکیل می‌دهند - اما در باطن این جور نیست؛ در باطن تروریسم را ترویج می‌کنند. ما فراموش نکرده‌ایم آن روزهایی را که در اوایل قضایای سوریه، سفیر آمریکا بلند شد رفت در بین معارضین تا به آنها دلگرمی بدهد و آنها را وادار کند که یک منازعه سیاسی را تبدیل کنند به یک جنگ داخلی. این کار کوچکی است؟ خب منازعات سیاسی در خیلی از کشورها هست؛ چرا باید منازعه سیاسی را تبدیل کنند به جنگ؟ [آن‌هم] جنگ در خود یک ملت و برادرکشی. بعد هم با پول و با درآمدهای نفتی حرام، جوان‌هایی را از اطراف و اکناف جمع کنند [و به آنجا] متوجه کنند؛ در سوریه یک جور، در عراق یک جور. حالا که دیگر گسترش پیدا کرده است؛ در بنگلادش، ترکیه و دیگر جاها. این‌ها است که دنیای اسلام را دچار این بدبختی‌ها می‌کند و این ناامنی را به وجود می‌آورد. چرا ما دشمن خودمان را نمی‌شناسیم؟^۱

لبنان

همین الان رژیم صهیونیستی تقریباً روزانه به جنوب لبنان حمله می‌کند؛ نه به مبارزان لبنان، بلکه به روستاهای جنوب لبنان، به مدرسه‌های جنوب لبنان. همین چند روز قبل از این، به یک مدرسه جنوب لبنان حمله کرد و جمعی از بچه‌های کوچک

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۹۵/۴/۱۶

را کشت! این‌ها که تجاوزی نکرده بودند، این‌ها که اسلحه‌ای به دست نگرفته بودند. طبیعت، طبیعت متجاوز است. آن روزی که صهیونیست‌ها وارد لبنان شدند و در دیرپاسین و بقیه جاها آن‌طور قتل عام کردند، کسی با آن‌ها کاری نکرده بود. اقبالاً آن عده مردم کاری نکرده بودند؛ البته چرا، یک عده جوانان غیور عرب با آن‌ها می‌جنگیدند!

لبنان به برکت وجود حزب‌الله و عناصر مقاومت، تبدیل شده به یک سرزمین نمونه. واقعاً کمتر جایی را ما سراغ داریم که این همه عناصر مؤمن، عناصر خالص در آن حضور داشته باشند. با اینکه لبنان به حسب حجم جغرافیایی کوچک است، لکن از لحاظ معنا بر روی همه این منطقه اثر دارد و این به برکت همین خون شهدای شماس است. خون این شهدا خیلی اثر دارد.^۲

ایستادگی ملت لبنان و مجاهدت قهرمانانه حزب‌الله و اقتدار برخاسته از ایمان و صبر و توکل آنان نماد دیگری از بیداری دنیای اسلامی و عزم راسخ آن در برابر دشمنی‌ها و کینه‌توزی‌ها است. مشت پولادین جوانان مومن و شجاع و مظلوم لبنانی اکنون بر چهره زشت متجاوزان فرود آمده و شیشه غرور مستانه آنان را شکسته است.^۳

حقایق جنگ سی و سه روزه لبنان

پدیده‌ای تاریخی

و اما در این خطبه مایلم چند جمله‌ای راجع به مسائل منطقه عرض بکنم و بعد با برادران عرب مطالبی را در میان بگذارم. مسئله لبنان، یک مسئله معمولی و عادی

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۰/۱۰/۱۳۷۸.

۲. دیدار خانواده شهید بدرالدین با رهبر انقلاب ۶/۳/۱۳۹۵.

۳. پیام در محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی در لبنان ۱۱/۵/۱۳۸۵.

نمود. این جنگ سی و سه روزه، یک پدیده تاریخی بود. ما حادثه‌ای شبیه آن در کل این منطقه به یاد نداریم و دشمنان ملت‌های مسلمان و بیداری اسلامی هم هرگز انتظار و توقع چنین چیزی را نداشتند؛ اما اتفاق افتاد.

این جنگ سی و سه روزه، یک طرف پیروزمند داشت، یک طرف شکست خورده. خوب معلوم است طرف پیروزمند، حزب‌الله لبنان، مقاومت لبنان، ملت لبنان و در واقع امت اسلامی بودند. همه ملت‌ها خوشحال شدند. شنیدید و واقعیت همین است که امروز نام حزب‌الله و رهبر آن در دنیای اسلام و کشورهای عربی و بین‌ملت‌ها، جزو شیرینترین نام‌هاست. افرادشان جزو محبوب‌ترین انسان‌هایند. در کشور خود ما هم همین‌طور است. در ترکیه، مصر، شمال آفریقا و در کشورهای اسلامی، همه‌جا همین‌طور است. این نشان‌دهنده این است که همه دنیای اسلام خودشان را در این پیروزی سهیم می‌دانند. طرف شکست خورده، البته صهیونیست‌ها بودند؛ دولت جعلی اسرائیل بود؛ اما هیچ‌کس در دنیا نماند که امریکا را هم جزو طرف‌های شکست خورده نداند. اروپایی‌ها هم این را تصریح کردند، دیگران هم گفتند، خود امریکایی‌ها هم با زبان بی‌زبانی به شکل‌های مختلف، گفتند. امریکا هم در این قضیه شکست خورد. بدیهی است این‌ها در سطوح مختلف، وابستگی‌ها هم در منطقه دارند؛ آن‌ها هم جزو جناح شکست خورده محسوب می‌شوند. همان که عرض کردیم، این پیروزی از یک طرف و شکست از یک طرف، یک حادثه بزرگ بود و عبرت‌هایی هم با خودش دارد که ملت‌ها - چه دشمنان بخواهند، چه نخواهند - از این عبرت‌ها استفاده خواهند کرد؛ یعنی ملت فلسطین، ملت عراق، ایران و ملت‌های دیگر، همه به چشم خودشان دیدند که راه مقاومت و ایستادگی، تنها راه پیروزی است؛ راه دیگری وجود ندارد؛ ولو مقاومت‌کننده یک گروه کوچک باشد؛ ولو آن قدرتی که در مقابل

آن مقاومت می‌شود، ارتش درجه یک دنیا باشد و از طرف امریکا هم حمایت بشود. هرچه باشد، این یک راز و سنت الهی است^۱.

ضربه مهلک بر ارتش اسرائیل

شکست خوردگان این حادثه^۲ بیکار نمانده‌اند و نخواهند ماند؛ ماجرا پایان نیافته است. آن‌ها مشغول فعالیت و تلاش‌اند تا بتوانند نتایج این ناکامی و شکست را مهار کنند؛ چون ضربه‌ای که بر آن‌ها وارد شده است، ضربه سختی است. ضربه بر دولت مجعول اسرائیل است که غرب یکپارچه - اروپا، امریکا و دیگران - همیشه در طول این پنجاه سال، سعی کرده‌اند این را سرپا نگه دارند. قوام این دولت هم به ارتش آن است. ارتش باید مورد اعتماد مردمش باشد. آنچه در این حادثه مفتضح شد، ارتش اسرائیل بود که دولت و تشکیلات و همه روحیات ملی آن‌ها وابسته به آن است. این ارتش پا در گل ماند و از یک گروه غیرنظامی با امکانات بسیار محدود و کم شکست خورد. لذا تکان شدید است و امریکا و فعالان صهیونیست بین‌الملل و بقیه پشتیبانان‌شان، همه در تلاش‌اند که به شکلی این شکست را مهار و جبران کنند و ترمیم کنند^۳.

دگرگونی حوادث منطقه بعد از جنگ ۳۳ روزه

در دنیا همه این را فهمیده‌اند که دفتر حوادث خاورمیانه، با پیروزی حزب‌الله در لبنان و شکست واضح و فاضح اسرائیل در میدان جنگ - در جنگ سی و سه روزه - ورق خورد و صفحه جدیدی شروع شد. آن سیاست و برنامه‌ای که امریکایی‌ها می‌خواستند در منطقه خاورمیانه اجرا کنند، شکست خورده است. البته نه بدین معنا که

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۵/۷/۲۱.

۲. جنگ ۳۳ روزه.

۳. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۵/۷/۲۱.

امریکا و اسرائیل به دنبال اغراض خباثت آلود خودشان نیستند، چرا؛ اما امروز یک قدم از آن نقطه‌ای که بودند، عقب‌تر ایستاده‌اند و امتیازات بزرگی را هم از دست داده‌اند. همه ملت‌ها باید هوشیار باشند. ملت ما، ملت لبنان و ملت فلسطین باید به هوش باشند. ملت‌های عربی منطقه، ملت عراق و دیگر ملت‌های مسلمان هم باید به هوش باشند؛ مواظب باشند این‌ها حرکتی در جهت موفقیت نقشه‌های خائنانه جدید امریکا و صهیونیسم انجام ندهند. آنچه که امروز برای دولت امریکا و رژیم اسرائیل به عنوان یک موفقیت محسوب شود، به زیان همه کشورهای اسلامی است. این‌طور نیست که بگوییم بعضی ضرر می‌کنند و بعضی سود می‌برند؛ ابداً! آنچه که متجاوزان، غارتگران و طمع‌ورزان به این منطقه را خوشحال کند، همه ملت‌های این منطقه را غمگین و متأثر خواهد ساخت. اگر در کوتاه مدت هم به آن توجه نکنند، در میان مدت یقیناً دچار آن خواهند شد. کشورها مراقب باشند و اتحاد خودشان را حفظ کنند. در داخل ملت‌ها، اتحاد ملی را باید حفظ کنند. برادران فلسطینی از جناح‌ها و گروه‌های مختلف بدانند که اتحاد آن‌ها امروز از همه عوامل پیروزی‌شان مهم‌تر است. مبدا به خواست دشمن - که می‌خواهد بین گروه‌های فلسطینی اختلاف بیندازد - با هم اختلاف کنند و از نقشه‌ای که دشمنان برای آن‌ها کشیده‌اند، غفلت کنند. عین همین قضیه در مورد لبنان صادق است. ملت لبنان وحدت خود را با همان شعارهای کوبنده مقاومت لبنان حفظ کنند. ملت عراق از اختلافات فرقه‌ای و طایفه‌ای به شدت پرهیز کند. امروز این راه و علاج حل مشکلات منطقه ماست و امیدواریم خداوند متعال همه ما را موفق بدارد و همه ملت‌های اسلامی را موفق بدارد که بتوانند به این وظایف مهم عمل کنند!

سیاست امریکا در لبنان

امریکا که با حمایت صریح خود از کشتار غیرنظامیان لبنانی و مخالفت صریح با آتش بس در لبنان و کمک تسلیحاتی مالی و سیاسی به متجاوزان صهیونیست عملاً مجرم صحنه این فجایع بزرگ است، اکنون در صدد آن است که با تحمیل شرایط خود بر ملت و دولت لبنان ظلمی مضاعف را بر آنان وارد آورد^۱.

تضعیف حزب الله

ما باید مراقب باشیم و ببینیم آنچه را که علیه دنیای اسلام، علیه امت اسلامی و علیه ملت‌های مختلف مسلمان - به تنهایی یا با هم - تدارک شده است، چیست؛ ما باید هوشیار و بیدار باشیم. اولاً برنامه این‌ها در خود لبنان، تضعیف حزب الله است. نتوانستند، لیکن رها نکردند. از لحاظ سیاسی در صدد آنند هر چه بتوانند حزب الله را تضعیف کنند. می‌خواهند از قدرتمند و قوی‌تر شدن حزب الله جلوگیری کنند؛ فشارهای سیاسی روی آن وارد کنند. این نیروهای سازمان ملل به نام «یونیفل» که از کشورهای مختلف آمدند و مأموریت‌شان این است که از مردم لبنان در مقابل تجاوز بیگانه حمایت کنند، می‌خواهند مأموریت این‌ها را تغییر بدهند و این‌ها را در مقابل حزب الله - که نیروی زنده لبنان است - به حرکت وادار کنند. این کارها جزو برنامه‌های‌شان است. البته آن کشورهایی که این نیروها را فرستاده‌اند، حواسشان هست که نباید با ملت لبنان در افتاد و نباید با حزب الله مواجه شد، لیکن سیاست‌های امریکایی دنبال این چیزهاست^۲.

۱. پیام در محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی در لبنان ۱۳۸۵/۵/۱۱.

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۵/۷/۲۱.

فشار بر فلسطین

آنچه که دارد در فلسطین اتفاق می‌افتد، مقداری برای جبران بی‌آبرویی اسرائیل در قضیه لبنان است. بخش مهمی از این فشارها، این کشتار روزانه مردم در فلسطین، این حمله به نقاط مختلف - چه در ساحل شرقی، چه در غزه - به خاطر جبران آن بی‌آبرویی است و سعی دارند دولت حماس را ساقط کنند. آنچه که من در اینجا می‌خواهم برادران فلسطینی را به آن توجه بدهم - که آن در بیانات عربی هم آمده است - این است که ما و مردم فلسطین و همه ملت‌های مسلمان باید توجه کنند که واقعیت مردم علیه اشغالگر را به مردم علیه مردم تبدیل نکنند. سعی دشمن این است؛ فلسطینی‌ها در مقابل فلسطینی‌ها؛ در عراق هم عراقی‌ها در مقابل عراقی‌ها. این را باید همه مواظب و مراقب باشند. امروز اتحاد، مهمترین نیاز مردم فلسطین است مثل بقیه مناطق عالم^۱.

عراق

اهداف حمله امریکا به عراق

تسلط بر منابع نفتی

در همین قضیه عراق امریکایی‌ها می‌خواستند بدون قید و شرط، جنگ خونین و پُرضایعه‌ای را در این منطقه به وجود آورند. البته باز هم از این فکر منصرف نیستند؛ متنها آن طوری که اوّل کار می‌خواستند مهارگسیخته وارد شوند، پیش نیامد و نتوانستند آن‌گونه عمل کنند. هدف آن‌ها این بود که به عراق حمله کنند و به هر قیمتی برای مردم این کشور وضعیت خونینی ایجاد نمایند و به این بهانه بر منابع نفتی عراق مسلط شوند. اوّل، هزینه‌هایی را که خودشان در این حمله متحمل شده‌اند، از محل نفت عراق بگیرند -

۱. همان.

یعنی جنگ را خودشان تحمیل کنند، کشتار را خودشان راه بیندازند، اما پولش را از مردم عراق بگیرند! - بعد هم اختیار نفت عراق را در دست داشته باشند و نفت این کشور زیر کلید آن‌ها باشد و جای پای دیگری را در منطقه خلیج فارس اضافه کنند. هدف‌های امریکا کاملاً استعماری، استکباری، زیاده‌طلبانه، ضد حقوق بشر و ضد حقوق ملت‌هاست. اروپایی‌ها متوجه این معنا هستند و با روش‌هایی که ممکن بود آن‌ها در سازمان ملل و غیره به کار بزنند، فعلاً جلو امریکا را تا برهه کوتاهی گرفته‌اند. بنابراین عامل و موجب اصلی تحرکی که امروز علیه اسلام در منطقه ما وجود دارد، همین است که این‌ها با اسلام مخالف‌اند و از آن می‌ترسند؛ احساس می‌کنند با وجود فکر اسلامی، تسلط فرعون‌ی و مستبدانه‌ای که می‌خواهند بر این مناطق پیدا کنند و ثروت مادی و معنوی آن‌ها را بکنند و نابود کنند، ممکن نیست. لذا اسلام را به عنوان معارض واقعی خودشان احساس و با آن مبارزه می‌کنند.^۱

سلطه‌گری

از جمله کارهایی که دشمنان دنبال آن هستند، مسائل عراق است. البته مسائل عراق قبل از قضیه لبنان هم بود و حالا هم شدت پیدا کرده است. عراق و لبنان و حوادثی که اتفاق افتاده است، حلقه‌های یک زنجیره از هم گسیخته امریکایی است. می‌خواستند یک کاری را بکنند، از عراق شروع کردند، نشد؛ در لبنان دنبالش رفتند، بدتر شد؛ حالا رها شده است؛ لیکن امریکایی‌ها و همراهان‌شان همه تلاش خود را می‌کنند تا بلکه بتوانند تا حدی آن سیاست‌ها را جلو ببرند.

در عراق هم دارند همین مسئله مردم در مقابل مردم را دنبال می‌کنند. واقعیت آنجا، اشغال‌گرانی است که آمده‌اند و در همه امور - در دولت، در مجلس، در امور

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۱/۹/۱.

ریاست جمهوری، در امور نخست‌وزیری، در امور مالی، در امور امنیت - دخالت‌های بی‌جا و بی‌مورد می‌کنند و از همه این‌ها بدتر و خطرناک‌تر، اینکه به حکم شواهد فراوان، تروریسم را در عراق ترویج می‌کنند. یعنی قصد دارند به اسم شیعه و سنی، مردم را در مقابل مردم قرار دهند. سنی را نسبت به شیعه به نحوی بدبین کنند، شیعه را هم نسبت به سنی به نحوی بدبین کنند. این را به خون او تشنه کنند، او را درصدد انتقام‌گیری از این تحریک بکنند؛ این سیاست امریکایی‌ها در عراق است. امروز برادران عراقی ما به شدت به اتحادی احتیاج دارند که ناشی از درک این حقیقت باشد که دشمن می‌خواهد واقعیت مردم در مقابل اشغال‌گر را به مردم در مقابل مردم در عراق تبدیل کند. در کل منطقه هم همین‌طور است. این سیاست قدیمی اختلافات مذهبی و فرقه‌ای، امروز زنده شده است، که البته متخصص آن هم انگلیس‌ها هستند؛ این کار را به امریکایی‌ها هم یاد دادند؛ اختلاف‌افکنی بین شیعه و سنی، به هر نحوی که بتوانند. همه باید متوجه باشند.

در عراق، شیعه و سنی قرن‌ها کنار هم زندگی کرده‌اند. چقدر فامیل‌های شیعه و سنی با هم خویشاوند و قوم و خویش‌اند. در طول این چند قرن گذشته، هیچ وقت اختلافی به این شکل مطرح نبوده است. زمان عثمانی‌ها دولت و حکومت به شیعه زور می‌گفتند و اذیت می‌کردند و زمان صدام و زمان‌های دیگر هم کم و بیش همین‌طور بود؛ اما مردم شیعه و سنی با هم کاری نداشتند. امروز می‌خواهند مردم را به جان هم بیندازند.^۱

قبضه اوپک و نفت

[امریکا] در عراق نیز ادعا می‌کند هدفش حذف صدام و رژیم بعثی است و البته

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۵/۷/۲۱.

دروغ می‌گوید و هدف واقعی‌اش قبضه کردن اوپک و بلعیدن نفت منطقه و حمایت نزدیک‌تر از رژیم صهیونیستی و توطئه‌گری نزدیک‌تر بر ضد ایران اسلامی و سوریه و سعودی است. قدر مسلم آن است که اگر آمریکا بر عراق چه با جنگ و چه بی‌جنگ سلطه پیدا کند، اولین قربانی این اشغال خصمانه، ملت عراق و شرف و غیرت و ناموس و ثروت آن ملت تاریخی است؛ و اگر آن ملت و کشورهای مجاور آن به‌هوش باشند به این هدف‌ها هم نخواهد رسید ان‌شاءالله^۱.

شکست‌های امریکا در عراق

البته امروز این خواست عملی نیست. بله؛ روزی در صد سال پیش، صدوپنجاه سال یا هفتاد سال پیش، استعمارگران آن روز دنیا در آفریقا و آسیا از جهالت و بی‌خبری و عقب‌ماندگی ملت‌ها استفاده می‌کردند و از این کارها می‌کردند و می‌توانستند بکنند. همچنان که در هند، الجزایر و امریکای لاتین کردند. آن وقت‌ها می‌شد، اما امروز اشتباه می‌کنند. سردمداران امریکا اشتباه می‌کنند و امروز روز این حرف‌ها نیست. همه مسلم بدانند که امریکا ولو از لحاظ فتح ظاهری هم بر عراق تسلط پیدا کند، در نهایت از ملت عراق چنان تودهنی خواهد خورد که از اریکه قدرت به زیر خواهد افتاد^۲.

امریکایی‌ها چه خودشان بفهمند یا نفهمند، اعتراف بکنند یا نکنند، در عراق شکست خورده‌اند. آن وضعی که امریکایی‌ها در عراق پیش آورده‌اند و آن تخم نفرتی که در عراق کاشته‌اند، محصول تلخش را تا ده‌ها سال در عراق، بلکه در کل منطقه،

۱. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۸۱/۱۱/۱۸.

۲. بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۸۱/۱۱/۲۸.

خواهند چید. این طور نیست که این‌ها خیال کنند خواهند توانست در عراق بمانند و بر مردم عراق سلطه پیدا کنند و بی‌دردسر حکومت کنند و نفت عراق را ببرند و مردم آن را این طور تحقیر کنند.^۱

حاکمان آمریکا ابلهانه می‌پندارند که سیاست سرکوب و خشونت بی‌رحمانه خواهد توانست ملت عراق را رام و تسلیم آنان کند و گنج بی‌پایان ذخایر مادی آن کشور را به روی آنان بگشاید. این غلط فهمیدن و غلط عمل کردن، برخاسته از همان غرور مستکبرانه‌ای است که سرانجام این ابرقدرت سراپا مسلح ولی فاقد عقل و درایت را به گونه‌ای جبران ناپذیر بر زمین خواهد زد.

آمریکایی‌ها باید باور کنند که تا امروز در عراق شکست خورده‌اند و گذشت زمان هم به زیان آنان است.^۲

پیروزی نظامی آن هم با شک و شبهه‌هایی که در آن وجود دارد، دلیل پیروزی نهایی نیست. آمریکایی‌ها در این قضیه خسارت‌هایی هم دیده‌اند و شکست‌هایی نیز متحمل شده‌اند. الان البته شاید ندانند و نتوانند، اما یقیناً در آینده نزدیک آثار این شکست‌ها را خواهند دید.^۳

شکست شعار دموکراسی و آزادی غربی

آنها چهار شکست عمده داشته‌اند: شکست اول آن‌ها در شعار دموکراسی و آزادی غربی است. همین لیبرال دموکراسی‌ای که این‌گونه در دنیا ترویج می‌کنند، با این کار شکست خورد. آن‌ها نشان دادند که لیبرال دموکراسی نمی‌تواند یک ملت را به آن جایی برساند که به معنای حقیقی کلمه به آزادی انسان معتقد باشند. آن تفکر وقتی

۱. بیانات پس از درس خارج فقه ۱۳۸۳/۲/۲۷.

۲. اعلام روز عزای ملی به خاطر هتک حرمت اعیان مقدسه ۱۳۸۳/۳/۶.

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۲/۱/۲۲.

منافع مادی‌اش اقتضا کند، حاضر است آزادی و جان و حق انتخاب انسان‌ها را راحت لگد مال کند. اگر آمریکایی‌ها راست می‌گویند و طرفدار دمکراسی هستند، باید همین الان عراق را ترک کنند و بیرون بروند. شما می‌خواستید صدام را از قدرت به زیر بکشید؛ به زیر آمد. الان در عراق چه کار دارید؟! اگر راست می‌گویند و دمکراسی و حقوق ملت‌ها را قبول دارند، باید بی‌درنگ نظامی‌ها را از عراق خارج کنند و هیچ دخالتی هم در امور عراق نکنند؛ اما معلوم است که چنین چیزی اتفاق نمی‌افتد.

آمریکایی‌ها از لحاظ ایدئولوژی هم شکست خوردند و شعارهایشان دروغ از آب درآمد؛ این را مردم دنیا هم فهمیدند و در شعارهایی که دادند، معلوم شد که مردم دروغگویی آمریکایی‌ها را فهمیده‌اند. ده پانزده شعار از شعارهای مردم دنیا را که در راهپیمایی‌های گوناگون، مردم یا به زبان گفته‌اند و یا روی تابلوها و پلاکاردها نوشته‌اند، برای بنده جمع کردند که همه‌اش نشان دهنده این است که مردم دنیا درست آن حقیقت قضیه را درک کرده‌اند. تعدادی از شعارها این‌هاست: «این جنگ، جنگ نفت است، نه آزادی و حقوق بشر»؛ «این جنگ برای نجات اقتصاد ورشکسته آمریکا است»؛ «این جنگ یک اشغال متجاوزانه هیتلری است»؛ «محور شرارت، آمریکا، انگلیس و اسرائیل‌اند». مردم دنیا این‌ها را شعار می‌دادند، نه مردم تهران. این‌ها شعارهایی است که ملت ایران آن‌ها را با روشن‌بینی خودش از مدّت‌ها پیش لمس کرده بود؛ امروز مردم دنیا این‌ها را فهمیده‌اند و افکار عمومی دنیا همین‌ها را تکرار می‌کنند.^۱

شکست سیاسی

شکست دوم آن‌ها شکست سیاسی است. امروز آمریکا در دنیا از لحاظ سیاسی

منزوی است. این فرمول و راه حل آمریکایی را که انتصاب یک سرلشکر بازنشسته است، تقریباً هیچ دولتی در دنیا - مگر همان دو سه نفر از خودشان - قبول نکرد. دولت‌های عربی، اسلامی و اروپایی آن را رد کردند!

شکست ابهت نظامی

سومین شکست آمریکایی‌ها، شکست ابهت نظامی آنهاست، چون وانمود کرده بودند که می‌توانند ظرف سه یا چهار روز بر نیروهای عراقی مسلط شوند. بالاخره معلوم شد که نه با سه روز و چهار روز بلکه با بیشتر از آن هم قدرت تسلط پیدا نمی‌کنند و اگر نیروهای عراقی می‌جنگیدند، حالا حالاها این قضایا ادامه پیدا می‌کرد و معلوم هم نبود که سرانجام، بر اثر کثرت تلفات، حتی پیروزی نظامی به دست آورند. عراقی‌ها در آن هنگامی که باید بجنگند، نجنگیدند. این، جای سؤال و ابهام است! همان‌طور که گفتم، ما قضاوتی نداریم؛ اما این از سؤال‌هایی است که جواب آن در آینده معلوم خواهد شد.^۱

شکست اعتبار رسانه‌ای

شکست چهارم، شکست اعتبار رسانه‌ای آنهاست. در دنیا اعتبار خبررسانی و رسانه‌ای آن‌ها به کلی درهم شکست. همه دنیا فهمیدند که آمریکایی‌ها آشکارا سانسور می‌کنند و خبرنگاران را می‌زنند. بعد گفتند اشتباه کرده‌ایم؛ اما هیچ کس از آن‌ها این اشتباه را قبول نکرد.

دیگر این که از تلفات خودشان خبرهای دروغ می‌دهند. در طول این مدت گفتند ما هشتاد، نود یا صد نفر مثلاً کشته داشته‌ایم. این را همه می‌دانند که دروغ است. ما

۱. همان.

۲. همان.

نمی‌دانیم آمار تلفات آن‌ها چقدر است. باید آمار تلفات آمریکایی‌ها را از مأموران سردخانه‌های کویت پرسید؛ مردم آمریکا هم بعدها خواهند فهمید. در جنگ ویتنام هم بعدها گفتند پنجاه هزار کشته داشته‌اند؛ اما در هنگام جنگ همین عددهای کوچک ده، بیست، صد و دویست کشته را بیان می‌کردند.^۱

نقشه نظام استکبار، تجزیه عراق

عراق یک کشور متحد و واحد است که استکبارگران نقشه تجزیه آن را کشیده‌اند و می‌دانند که این کار به یکباره عملی نیست، بنابراین می‌خواهند به تدریج این کار را انجام دهند. مردم عراق و ملت‌ها و دولت‌های مسلمان باید هوشیار باشند. تجزیه عراق برای خود آن کشور و منطقه خطر بزرگی است. عراق متعلق به عراقی‌هاست؛ سرنوشت عراق را باید خود عراقی‌ها رقم بزنند؛ قانون اساسی عراق را باید خود عراقی‌ها بنویسند. آن قانون اساسی‌ای که پایه، نقشه و زیرساخت آن در واشنگتن نوشته شود، به درد عراق نمی‌خورد و اشغال‌گران عراق بدانند که اگر غیر از این عمل کنند و کار مردم عراق را به خود آن‌ها نسپارند، گریبان‌شان از دست مردم عراق رها نخواهد شد؛ مردم عراق تسلیم آن‌ها نخواهند شد.^۲

افغانستان

مقاومت و دینداری در مردم افغانستان بسیار عمیق و در تاریخ معروف است که هیچ اشغال‌گری نتوانسته در افغانستان دوام بیاورد.^۳

۱. همان.

۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۸۲/۹/۵.

۳. دیدار رئیس اجرایی دولت افغانستان با رهبر انقلاب ۱۳۹۴/۱۰/۱۵.

مقاصد حمله امریکا به افغانستان

استقرار و حضور در منطقه

مجموعه قرائن و شواهد نشان می‌دهد که پشت این نمایشی که امروز در قضیه افغانستان وجود دارد، چیز دیگری است. افغانستان مظلوم و بدون حامی، در مقابل و دمِ چکِ این‌ها قرار گرفته است؛ به خاطر این‌که یک نفر، یا ده نفر، یا صد نفر، یا هزار نفر در داخل این کشور متهم‌اند که قضایای انفجارهای نیویورک و واشنگتن را آن‌ها راه انداختند؛ اما پشت این صحنه، مسئله دیگری است. اولاً قرائن نشان می‌دهد که دولت امریکا در صدد است همان کاری را که در خلیج فارس کرد، در این منطقه هم بکند؛ یعنی بیابند در آسیای میانه و شبه‌قاره مستقر شوند و دست و پای خود را باز کنند و به بهانه این‌که در این جا امنیت نیست، حضور داشته باشند^۱.

تسویه حساب با مدافعین فلسطین

ثانیاً قصدشان این است، با کسانی که در قضیه فلسطین، از این مردم مظلوم دفاع کردند، تسویه حساب کنند. بقیه مسائل، صورت ظاهر قضایاست؛ باطن قضایا این‌هاست^۲.

تشکیل دولت امریکایی

خوب؛ اینکه ما مشترکات زیادی با آن‌ها داریم، از نظر استکبار یکی از جرائم بزرگ است! حالا متأسفانه من می‌بینم که در برخی از مطبوعات ما، همان خطی حرکت و تعقیب می‌شود که تبلیغات رسانه‌ای غربی و به‌خصوص امریکایی دنبال آن هستند. این، خیلی مایه تأسف و تعجب است! شک می‌کنند که این‌ها وابسته به

۱. بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای نیروهای مسلح ۱۳۸۰/۷/۴.

۲. همان.

تشکیلات بیگانه یا استکبار یا امریکا هستند! در حالی که قضیه برای اهل نظر و آشنا با مسائل منطقه و افغانستان، قضیه واضح و روشنی است. مسئله این است که حکومتی بر سر کار بیاید که با بعضی از همسایگان افغانستان هم‌جهت باشد و تحت فرمان آن‌ها باشد تا آن‌ها بتوانند از این طریق، خط عبور و مرور نفت و گاز و تجارت با آسیای میانه را - که فکر می‌کنند منفعتی در آنجا هست - مرتبط و متصل کنند. آن سیاست خارجی و آن گروه وابسته استکباری، همان کسانی هستند که باید در این منطقه سرمایه‌گذاری کنند و سودشان در این است. لذا آمدند این گروه را پیدا کردند و یک مشت آدم جاهل، غافل و بی‌اطلاع از اوضاع عالم و دستخوش تعصبات گوناگون قومی و طایفه‌ای و مذهبی و غیره را به جان مردم افغانستان انداختند و کار را به اینجا رساندند که امروز مشاهده می‌کنید. آن‌ها هم هنوز به مقاصد خود نرسیده‌اند و دنبال می‌کنند تا اینکه بتوانند خودشان را به آن مقاصد برسانند. اگر دست بیگانه نبود، مشکلات این ملت، باز به این حد نمی‌رسید. اگر توطئه کمپانی‌های نفت و گاز - که می‌خواهند از اینجا لوله بگذارند و سرمایه‌گذاری کنند و می‌خواهند کار، زیر امر و فرمان خودشان باشد و ارتباطی با ایران نداشته باشد که مبادا مورد خطر قرار گیرد - نبود، این حادثه پیش نمی‌آمد و این‌گونه شکل خونینی پیدا نمی‌کرد. البته اختلافاتی بود - درگیری‌های قومی بود - لکن با این شدت و با به‌کار گرفتن تعصبات مذهبی و قومی و طایفی همراه نبود. متأسفانه الان این‌طور شده است. می‌بینید که همه مشکلات این دنیای کنونی، به‌خصوص در بخش‌هایی که مردمی فقیر و دولت‌هایی ضعیف زندگی می‌کنند، به سرانگشت خیانتکار آن‌ها برمی‌گردد و این، مسئله خیلی مهمی است. مسئله افغانستان یک جنبه انسانی برای ما دارد و آن، دلسوزی است. یک جنبه اسلامی دارد و آن، احساس تکلیف است. یک جنبه سیاسی و ملی هم دارد و آن، جلوگیری از ایجاد خطر برای کشور و ملت است. همه جنبه‌ها،

در وضع کنونی ما جمع است. باید همه مسئولین و دست‌اندرکاران کشور، از جمله نیروهای مسلح، آماده باشند تا هر چه را که مسئولان کشور و مسئولان سیاسی و امنیتی صلاح دیدند و هر راهی درست و به نفع کشور دانستند، در وقت خود، با قدم قاطع و اقدام سریع، انجام گیرد و طی شود. این، توصیه حتمی ما به سپاه و ارتش، دستگاه‌های امنیتی، مسئولین گوناگون و مسئولین خبری و تبلیغاتی است. همه باید آمادگی لازم را برای حفظ منافع کشور و انجام وظایف اسلامی از یک سو و برای همدردی‌های انسانی از سوی دیگر داشته باشند تا ان‌شاءالله بتوان به وظیفه عمل کرد. امیدواریم که خداوند متعال، مردم افغانستان و مردم این منطقه را از حوادث دهشتناک و بزرگ حفظ کند و آن مردم بیچاره را از گرفتاری امروز نجات دهد!

ضررهای نظام سلطه در حمله به افغانستان

نکته بعد این است که امریکایی‌ها با حمله به افغانستان ضرر کردند. آن‌ها چه به مقاصد نظامی خود در این‌جا برسند، چه نرسند، دو ضرر عمده کرده‌اند که یکی مخصوص خود امریکایی‌هاست، یکی هم ضرری است که دنیای غرب در آن با امریکا شریک است.

افشاء چهره لیبرالیزم غربی

آن ضرر عمده‌ای که خود امریکا و دنیای غرب - مشترکاً - در این قضیه تحمّل کردند، این است که چهره لیبرالیزم غربی یک بار دیگر افشا شد. در دنیا این قدر با افتخار از لیبرال دموکراسی غرب نام می‌آورند و می‌گویند در غرب، آزادی و تمدن و دموکراسی و احترام به آراء مردم وجود دارد. بله زبان جای نرمی است و هرطور بخواهند، می‌توانند آن را بگردانند؛ اما در میدان آزمایش معلوم می‌شود که هر کس چه‌کاره است! افغانستان

میدان آزمایش جدیدی برای لیبرالیزم غرب شد تا نشان داده شود این‌ها آن‌جایی که منافع و خواست استکباری‌شان اقتضا کند، از هیچ عملی فروگذار نمی‌کنند و حاضرند یک کشور و ملت را بدون هیچ دلیلی به خاک و خون بکشند. در قضیه حمله به عراق، دولت امریکا دلیل‌گونه و بهانه‌ای داشت؛ می‌گفت عراق به کویت حمله کرده است؛ البته آن دلیل هم کافی نبود. اگر عراق به کویت حمله کرده است، چرا باید به شهرهای عراق حمله کنند؟! به نیروهای نظامی باید حمله می‌کردند. بنابراین آن‌جا این دلیل، کاملاً قانع‌کننده نبود؛ اما این‌جا همان هم نیست. این‌ها خودشان هم اعتراف می‌کنند که مردم هرات، قندهار، کابل و جلال‌آباد هیچ تقصیری ندارند؛ بلکه یک گروه یا چند نفر انگشت‌شمار مسئولیت دارند. پس چرا مردم را می‌کوبید؟! برای اینکه بتوانند به ملت امریکا جوابی بدهند، برای خود مجوز درست کرده‌اند و از روی خشم، چنین حرکت وحشیانه‌ای را مرتکب می‌شوند و مردم افغانستان را قتل‌عام می‌کنند. بنابراین چهره لیبرالیزم غربی یک بار دیگر افشا شد و معلوم گردید در زیر دسته گلی که نشان می‌دهند، چماق مخفی کرده‌اند و در زیر این ظواهر ادکلن‌زده کراوات بسته منظم و مرتب، یک چهره مخوف پنهان است؛ این را دنیا فهمیده است.^۱

تسریع شدن نهضت ضد استکباری علیه امریکا

اما آن ضرری که مخصوص امریکاست، این است که نهضت جهانی اسلام با شعار «مرگ بر امریکا» تسریع شد و نشان داده شد «استکبار»ی که ایران تکرار می‌کند، یعنی چه. وقتی گفته می‌شود دلیل بیاورید که این اشخاصی که شما می‌گویید، متهم قضیه بیستم شهریور نیویورک و واشنگتن‌اند، دلیل نمی‌آورند؛ می‌گویند این‌ها مجرم‌اند! وقتی گفته می‌شود به مردم افغانستان حمله نکنید، حمله می‌کنند. حتی دوستان اروپایی‌شان

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اصفهان ۱۳۸۰/۸/۸.

هم که صریحاً حاضر نیستند حمله را محکوم کنند، ولی با زبان‌های گوناگون این کار را زشت می‌شمرند. درعین حال باز امریکایی‌ها دست برنمی‌دارند! وقتی به آن‌ها می‌گویند مردم در افغانستان کشته می‌شوند، آقا(!) مصاحبه می‌کند که نه این عکس‌هایی که شما از بچه‌ها و زن‌های مجروح در تلویزیون نشان دادید، جعلی است؛ ما هیچ کس را نکشته‌ایم! این همه خانه را خراب کردند، مراکز هلال احمر را زدند، مراکز غیرنظامی را به طور آشکار نابود و ویران کردند؛ اما مثل آدمی که «أَنْ رَأَهُ اسْتَعْفَى»^۱ است، با یک حالت تکبر می‌گوید نه؛ همین چیزی است که من می‌گویم! وقتی به آن‌ها می‌گویند ماه رمضان نزدیک است، به مناسبت این ماه حملات خود را قطع کنید، می‌گویند نه؛ ما برای ماه رمضان حملات را متوقف نمی‌کنیم! وقتی به آن‌ها می‌گویند بمب‌ها و موشک‌های آن‌چنانی در افغانستان جنایت به بار می‌آورد، با خونسردی تمام مصاحبه می‌کنند و می‌گویند ما تصمیم داریم این نوع بمب‌ها و موشک‌ها را همچنان بر سر این کشور بیاریم! استکبار یعنی همین که گوش‌شان بدهکار هیچ حرف حسابی در دنیا نباشد. این‌ها توقع دارند پای کشورهای اسلامی و ایران اسلامی به مناقشه‌ای که به‌هیچ‌وجه نمی‌شود موضع این مستکبر ظالم متجاوز را در آن تأیید کرد، کشانده شود. سعی دولت جمهوری اسلامی و مسئولان کشور بر این بوده است که کشور را از این مناقشه دور نگه دارند؛ اما درعین حال مواضع‌شان را به همه دنیا بگویند؛ و من به شما عرض کنم، نشانه رشد نظام اسلامی و انگیزه‌های اسلامی در دنیا همین بود که این پیام از سوی ملت‌های مسلمان گرفته شد. خیلی‌ها دل‌شان می‌خواست در روزهای اوّل چیزی بگویند؛ اما تهدیدها اجازه نمی‌داد. وقتی جمهوری اسلامی حرف خود را بیان کرد، دیگران هم جرأت پیدا کردند و حرفشان را گفتند.^۲

۱. علق: ۶.

۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اصفهان ۱۳۸۰/۸/۸.

یمن

در یمن؛ آن رییس جمهوری^۱ که در حسّاس‌ترین مقطع استعفا می‌دهد برای اینکه خلأ سیاسی ایجاد کند، بعد هم با لباس زنانه از کشورش فرار می‌کند، مشروعیت دارد؟ این رییس‌جمهور حق دارد از یک کشور دیگر بخواهد که به کشورش حمله کنند، مردم را بکشند؟ الان نزدیک چهار ماه - یا سه ماه و خرده‌ای - است که دارند یمن را می‌کوبند. چه کسی را می‌زنند؟ مساجد را می‌زنند، بیمارستان‌ها را می‌زنند، شهرها را می‌زنند، خانه‌ها را می‌زنند، مردم بی‌گناه را می‌کشند، بچه‌ها را می‌کشند؛ جرم این‌ها چیست؟^۲

امروز ملت یمن مظلوم‌اند. دیگر از این ظلم بالاتر نیست که در ماه حرام - ماه رجب ماه حرام است - [مسلمان‌ها را می‌کشید]. مشرکین مکه هم وقتی ماه رجب می‌شد، جنگ را قطع می‌کردند.

امروز زشت‌تر و بدتر از مکه آن روز، کسانی هستند که در ماه رجب - ماه حرام - خانواده‌های یمنی را به عزا می‌نشانند؛ در یک شبانه‌روز صدبار، دویست‌بار با هواپیما حمله می‌کنند به یک نقطه‌ای، به بهانه‌های واهی، با استدلال‌های غلط، با ادعاهای دروغ؛ این ملت مظلومی است؛ ملت یمن ملت مظلومی است.^۳

جنایت و نسل‌کشی سعودی‌ها

سعودی‌ها بدعت بدی گذاشتند در این منطقه و البته خطا کردند، اشتباه کردند. کاری که امروز دولت سعودی در یمن دارد انجام می‌دهد، عیناً همان کاری است که

۱. عبد ربّه منصور هادی.

۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۹۴/۴/۲۷.

۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۴/۲/۲۶.

صهیونیست‌ها در غزه انجام دادند. دو جنبه دارد: یکی اینکه جنایت است، نسل‌کشی است، قابل تعقیب بین‌المللی است، بچه‌ها را می‌کشند، خانه‌ها را خراب می‌کنند، زیربناها را نابود می‌کنند، ثروت‌های ملی را در یک کشور از بین می‌برند؛ خوب، این یک جنایت بزرگ است؛ این یک طرف قضیه است؛^۱

خسران و عدم پیروزی سعودی‌ها

طرف دیگر قضیه این است که سعودی‌ها در این مسئله خسارت خواهند کرد، ضرر خواهند کرد و به‌هیچ‌وجه پیروز نخواهند شد. دلیل خیلی واضحی دارد؛ دلیلش این است که توانایی‌های نظامی صهیونیست‌ها چندین برابر توانایی نظامی این سعودی‌های کذا و کذا [است]؛ چندین و چند برابر این‌ها، آن‌ها توانایی نظامی داشتند؛ طرف مقابل آن‌ها هم غزه یک وجبی بود. اینجا طرف مقابل یک کشور است، یک کشور ده‌ها میلیونی؛ یک ملت، کشور پهناور و وسیع. اگر آن‌ها توانستند در غزه پیروز بشوند، این‌ها هم خواهند توانست در اینجا پیروز بشوند؛ البته اگر آن‌ها هم پیروز می‌شدند، باز پیروزی این‌ها احتمالش صفر بود؛ الان احتمالش زیر صفر است. این‌ها قطعاً ضربه خواهند خورد؛ قطعاً بینی سعودی‌ها به خاک مالیده خواهد شد. ما با سعودی‌ها اختلافات متعددی در مسائل گوناگون سیاسی داریم؛ اما این را همیشه می‌گفتیم که سعودی‌ها در کار سیاست خارجی‌شان یک وقار و متانتی نشان می‌دهند؛ این وقار و متانت را هم از دست دادند. چند جوان بی‌تجربه، امور آن کشور را در دست گرفتند و دارند آن جنبه توخس را غلبه می‌دهند بر جنبه متانت و ظاهرسازی؛ این به ضررشان تمام خواهد شد.^۲

۱. بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام ۱۳۹۴/۱/۲۰.

۲. همان.

دخالت امریکا در یمن

من هشدار می‌دهم به سعودی‌ها، از این حرکت جنایت‌آمیزی که در یمن می‌کنند باید دست بردارند؛ این در این منطقه قابل قبول نیست. آمریکا هم البته از آن‌ها دفاع می‌کند، حمایت می‌کند؛ طبیعت آمریکا این است، در همه قضایا طرف ظالم را می‌گیرد؛ طرف آن چهره بد را می‌گیرد، به جای اینکه طرف مظلوم را بگیرد؛ این طبیعت آن‌ها است، اینجا هم همان‌جور دارند عمل می‌کنند؛ ولیکن ضربه خواهند خورد، شکست خواهند خورد. حالا جنجال درست خواهند کرد که «ایران در کار یمن دخالت کرد»؛ بله این دخالت است؛ اینکه ما نشسته‌ایم اینجا دو کلمه حرف می‌زنیم، این می‌شود دخالت؛ [اما اینکه] هواپیماهای جنایتکارشان آسمان یمن را ناامن کرده‌اند، آن دخالت نیست! آن‌ها برای یک چنین دخالتی، بهانه‌های ابلهانه برای خودشان جور می‌کنند؛ این بهانه‌ها، نه از لحاظ منطق بین‌المللی قابل قبول است، نه ملت‌ها می‌پذیرند و نه خدا می‌پذیرد^۱.

بحرین

تحولات بحرین، قیام مردم بر مطالبه خواسته‌های خود

مسئله بحرین از لحاظ ماهیت، درست مثل مسائل دیگر کشورهای منطقه است. یعنی مسئله بحرین با مسئله مصر، با مسئله تونس، با مسئله لیبی هیچ فرقی ندارد؛ ملتی هستند، حکومتی بر سر آن‌هاست که حقوق آن‌ها را نادیده می‌گیرد. ملت بحرین با این قیام‌شان چه می‌خواستند؟ خواسته اساسی آن‌ها این است که انتخابات انجام بگیرد، هر یک نفر آدم یک رأی داشته باشد؛ این چیز زیادی است؟ این توقع زیادی است؟ در شکل کار در بحرین یک صورت انتخاباتی وجود دارد، لیکن مطلقاً مردم

۱. همان.

آنجا از حق رأی دادن به این معنا که هر یک نفر یک رأی داشته باشد، برخوردار نیستند؛ دارد به آن‌ها ظلم می‌شود. خب، اینجا غربی‌ها فرصت را مغتنم شمردند، برای اینکه در قضایای منطقه دخالت کنند، با طرح یک مسئله جدید؛ مسئله شیعه و سنی. چون مردم بحرین بیچاره‌ها شیعه‌اند، بنابراین هیچ کس در دنیا نباید از آن‌ها حمایت کند! تلویزیون‌هایی که جزئیات قضایای منطقه را پخش می‌کردند، نسبت به قضایای بحرین سکوت کردند، کشتار مردم بحرین را منعکس نکنند؛ یک عده‌ای هم دربیابند در کشورهای حاشیه خلیج فارس - چه سیاست‌مدار، چه روزنامه‌نگار - گرافه‌گویی کنند، بگویند مسئله بحرین جنگ بین شیعه و سنی است! چه جنگ بین شیعه و سنی؟ اعتراض یک ملت است به ظلمی که دارد به او می‌شود؛ درست همان جوری که در تونس بود، همان جوری که در مصر بود، همان جوری که در لیبی است، همان جوری که در یمن است؛ فرقی ندارد.

آمریکایی‌ها خوشحال‌اند که بتوانند به وسیله بوق‌های تبلیغاتی خودشان در منطقه، مسئله بحرین را به عنوان یک مسئله اختلاف بین شیعه و سنی جا بزنند؛ هم کمک‌هایی که ممکن است به این مردم مظلوم بشود، جلویش را بگیرند، هم ماهیت قضایا را عوض کنند و سرایت بدهند. می‌گویند چرا ایران از مردم بحرین پشتیبانی می‌کند. خب، ما از همه پشتیبانی کردیم. ما سی و دو سال است که از مردم فلسطین داریم پشتیبانی می‌کنیم؛ کدامیک از کشورها، دولت‌ها و ملت‌ها در این سی و دو سال این پشتیبانی را کردند؟ مگر ملت فلسطین شیعه‌اند؟ در مورد غزه مردم ما چقدر تلاش کردند. جوان‌های ما رفتند فرودگاه که راه بیفتند بروند غزه! عازم بودند بروند غزه، علیه اسرائیل بجنگند. خیال می‌کردند راه باز است. راه بسته بود، نمی‌شد بروند. ما گفتیم نروید. جلوشان را گرفتیم که وسط راه سرگردان نشوند؛ راه نمی‌دادند که مردم ما نسبت به غزه، نسبت به فلسطین، نسبت به مصر، نسبت به تونس، همه جا

ابراز احساسات کردند؛ آن‌ها که شیعه نبودند. بنابراین بحث شیعه و سنی نیست. بدخواهانه و بددلانه سعی می‌کنند مسئله بحرین را به عنوان یک مسئله شیعه و سنی وانمود و قلمداد کنند. متأسفانه بعضی از کسانی که آدم خیال می‌کند انگیزه سوئی هم ندارند، در این دام افتادند. اگر خیرخواهانی در این بین وجود دارند، من به آن‌ها اعلام می‌کنم: مسئله را مسئله شیعه و سنی نکنید؛ این بزرگترین خدمت به آمریکاست؛ این بزرگترین خدمت به دشمنان امت اسلامی است که حرکت عمومی ضد استبدادی یک ملت را حمل می‌کنند به دعوی شیعه و سنی؛ دعوی شیعه و سنی وجود ندارد^۱.

عدم مداخله ایران در تحولات بحرین

البته در بین این ملت‌ها، ملت بحرین از همه مظلوم‌ترند. چون متأسفانه مورد سکوت و بایکوت همه رسانه‌های دنیا قرار دارند. در هیچ منطق انسانی و جهانی، درخواست آن‌ها مردود نیست، بلکه درخواست به‌حقی است، لیکن مظلوم واقع شده‌اند. به کلی این‌ها را از دایره تبلیغ و ترویج خارج کرده‌اند، بلکه علیه آن‌ها مرتباً تبلیغ می‌کنند. البته اثر هم ندارد. آن ملت هم به توفیق الهی پیروز خواهد شد.

من همین جا به این مناسبت، این جمله را عرض بکنم: حکام بحرین ادعا کردند که ایران در قضایای بحرین دخالت می‌کند. این دروغ است. نه ما دخالت نمی‌کنیم. ما آنجایی که دخالت کنیم، صریح می‌گوییم. ما در قضایای ضدیت با اسرائیل دخالت کردیم. نتیجه‌اش هم پیروزی جنگ سی و سه روزه و پیروزی جنگ بیست و دو روزه بود. بعد از این هم هر جا هر ملتی، هر گروهی با رژیم صهیونیستی مبارزه کند، مقابله کند، ما پشت سرش هستیم و کمکش می‌کنیم و هیچ ابایی هم از گفتن این حرف

۱. بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۰/۱/۱.

نداریم. این حقیقت و واقعیت است؛ اما اینکه حالا حاکم جزیره بحرین بیاید بگوید ایران در قضایای بحرین دخالت می‌کند، نه این حرف درستی نیست. حرف خلاف واقعی است. ما اگر در بحرین دخالت می‌کردیم، اوضاع در بحرین جور دیگری می‌شد!'

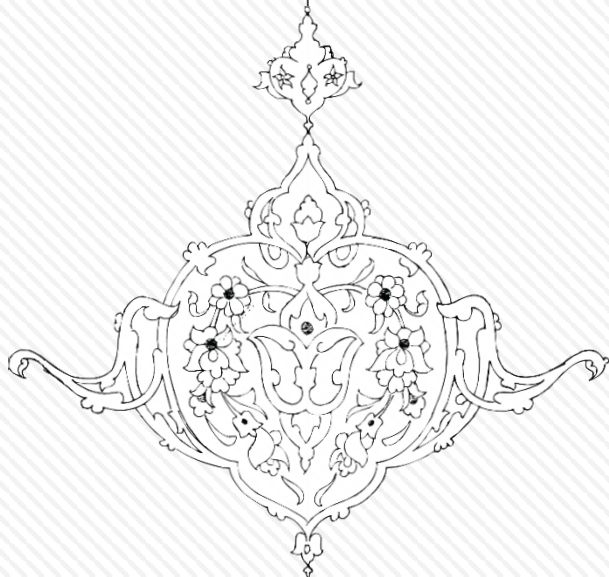
منفور گشتن دولت سعودی بر اثر تجاوز به بحرین

ما بین غزه و فلسطین و تونس و لیبی و مصر و بحرین و یمن تفاوتی نمی‌گذاریم. در همه جا ظلم به ملت‌ها محکوم است. حرکت ملت‌ها با شعار اسلام و در جهت آزادی، مورد تأیید ماست. اوج وقاحت آمریکایی‌ها آنجایی است که دخالت تانک‌های دولت سعودی را که آمدند توی خیابان‌های منامه بحرین، دخالت نمی‌دانند؛ اما وقتی مراجع تقلید ما، علمای ما، خیرخواهان ما می‌گویند مردم را نکشید، می‌گویند شما دخالت کردید! این دخالت است؟! اینکه ما به یک دولتی، یک رژیم ظالمی خطاب کنیم، بگوییم مردم خودتان را نکشید، این دخالت است؛ اما آمدن تانک‌های بیگانه توی خیابان‌های بحرین، دخالت نیست! این اوج وقاحت آمریکایی‌ها و اذتاب‌شان در منطقه است که این جور حرکت می‌کنند، این جور حرف می‌زنند، این جور تبلیغات می‌کنند. البته به نظر ما دولت سعودی اشتباه کرد، نباید این کار را می‌کرد؛ خودش را در منطقه منفور می‌کند. خب، آمریکایی‌ها هزاران کیلومتر با اینجا فاصله دارند؛ اگر منفور هم بشوند، ممکن است برایشان آن‌قدر اهمیت نداشته باشد؛ لیکن سعودی در این منطقه دارد زندگی می‌کند؛ ملت‌ها از او متنفر باشند، مبعوض ملت‌ها باشد، برایش خیلی خسارت سنگینی است. آن‌ها اشتباه کردند این کار را کردند. هر کس دیگر هم این کار را بکند، اشتباه کرده^۲.

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران. ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

۲. بیانات در جمع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۹۰/۱/۱.

فهرست بیانات و مکتوبات



سال ۱۳۶۸

۱. بیانات در مراسم بیعت گروهی از مردم شهرهای آمل، نیشابور، مهدی شهر، سعادت شهر و عده‌ای از خانواده‌های شهدای بهار همدان، ۱۳۶۸/۳/۲۶.
۲. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۶۸/۴/۱۴.
۳. بیانات در مراسم اعطای جوایز، دانشنامه، تقدیرنامه و سردوشی به فارغ‌التحصیلان دانشکده فرماندهی و ستاد و دانشجویان دانشگاه علوم نظامی نیروی زمینی، ۱۳۶۸/۷/۱۳.
۴. بیانات در دیدار با مسئولان و کارکنان وزارتخانه‌های بازرگانی، کشاورزی، اطلاعات و پست و تلگراف و تلفن، مسئولان بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان و جانبازان و بنیاد مسکن، مسئولان عقیدتی، سیاسی و فرماندهان نواحی ژاندارمری سراسر کشور و جمعی از خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

سال ۱۳۶۹

۵. بیانات در دیدار با اعضای حزب وحدت اسلامی افغانستان، ۱۳۶۹/۱/۲۲.
۶. بیانات در دیدار با اعضای ستاد برگزاری کنفرانس جهانی اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۶۹/۱/۲۶.
۷. بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی دانشجویان دانشگاه نیروی دریایی نوشهر، ۱۳۶۹/۲/۲۲.
۸. بیانات در دیدار با میهمانان و شرکت‌کنندگان کنفرانس جهانی اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۶۹/۳/۴.
۹. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی ره، ۱۳۶۹/۳/۱۰.
۱۰. بیانات در مراسم اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی ره، ۱۳۶۹/۳/۱۴.
۱۱. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۶۹/۴/۷.
۱۲. بیانات در دیدار با مسئولان بنیاد شهید، جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاه‌ها و اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۹/۵/۲۴.
۱۳. بیانات در دیدار با گروه کثیری از آزادگان، ۱۳۶۹/۶/۴.

۱۴. بیانات در دیدار با فرزندان ممتاز شاهد، جانبازان شهرهای مشهد و تهران و استان کردستان، جمعی از دانش‌آموزان مدارس تهران و مدرّسان مراکز تربیت معلم و گروهی از ورزشکاران و مسئولان سازمان تربیت بدنی کشور، ۱۳۶۹/۶/۲۱.
۱۵. بیانات در دیدار با گروه کثیری از آزادگان و اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۹/۷/۱۱.
۱۶. بیانات در دیدار با مسئولان کشوری و لشکری و میهمانان شرکت کننده در کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۶۹/۷/۱۶.
۱۷. بیانات در دیدار با اعضای دبیرخانه مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۶۹/۷/۲۹.
۱۸. بیانات در دیدار با گروه کثیری از آزادگان، ۱۳۶۹/۹/۳.
۱۹. بیانات در دیدار با شرکت‌کنندگان در اولین کنفرانس اسلامی فلسطین، ۱۳۶۹/۹/۱۳.
۲۰. بیانات در دیدار با فضلا، طلاب و اقشار مختلف مردم قم، ۱۳۶۹/۱۰/۱۹.
۲۱. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم و مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹/۱۱/۱۰.
۲۲. بیانات در دیدار با میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم دهه فجر، ۱۳۶۹/۱۱/۱۷.
۲۳. بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران و نمایندگان سیاسی کشورهای اسلامی، به مناسبت عید سعید مبعث، ۱۳۶۹/۱۱/۲۴.

سال ۱۳۷۰

۲۴. حکم انتصاب حجة الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی به سمت نمایندگی ولی‌فقیه و سرپرست حجاج ایرانی، ۱۳۷۰/۱/۱۷.
۲۵. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۰/۱/۲۶.
۲۶. بیانات در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضا علیه السلام، ۱۳۷۰/۱/۲۹.
۲۷. بیانات در مراسم دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی ره، ۱۳۷۰/۳/۱۴.
۲۸. بیانات در دیدار با دومین گروه از میهمانان خارجی مراسم دومین سالگرد ارتحال امام خمینی ره، ۱۳۷۰/۳/۱۵.
۲۹. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۷۰/۳/۲۶.

۳۰. بیانات در دیدار با اعضای بعثه حج، ۱۳۷۰/۴/۲۳.
۳۱. بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۵/۲۳.
۳۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم خرم‌آباد، ۱۳۷۰/۵/۳۰.
۳۳. پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا در هفته دفاع مقدس، ۱۳۷۰/۷/۴.
۳۴. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۰/۷/۵.
۳۵. بیانات در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت ۱۳ آبان، ۱۳۷۰/۸/۱۵.
۳۶. بیانات در دیدار با جمعی از خانواده‌های شهدا و اقشار مختلف مردم شهرهای شیروان، رودسر، کلیر، برزوک کاشان، ساوه و تهران، به همراه جمعی از ائمه جمعه، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مسئولان اداری این شهرها، گروهی از جانبازان استان‌های خراسان و تهران، مسئولان و کارکنان و کارگران کارخانه ایران خودرو و فرماندهان نیروی انتظامی تهران به همراه فرمانده کل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۹/۱۳.
۳۷. بیانات در دیدار با مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام)، به مناسبت میلاد مبارک صدیقه کبری فاطمه زهرا (علیها‌السلام)، ۱۳۷۰/۱۰/۵.
۳۸. بیانات در جمع گروهی از خانواده‌های شهدا، مفقودان، آزادگان و جانبازان استان بوشهر، ۱۳۷۰/۱۰/۱۱.
۳۹. گفت و شنود با میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم دهه فجر، ۱۳۷۰/۱۱/۱۴.
۴۰. پیام به کنفرانس اندیشه اسلامی، ۱۳۷۰/۱۱/۱۵.
۴۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

سال ۱۳۷۱

۴۲. بیانات در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور، ۱۳۷۱/۵/۲۱.

۴۳. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید مبعث، ۱۳۷۱/۱۱/۱.
۴۴. بیانات در دیدار سپاه پاسداران و نیروی انتظامی، به مناسبت سوم شعبان، ۱۳۷۱/۱۱/۶.

سال ۱۳۷۲

۴۵. بیانات در دیدار کارکنان «وزارت آموزش و پرورش»، «سازمان بهزیستی» و «سازمان تأمین اجتماعی»، ۱۳۷۲/۴/۲۳.

سال ۱۳۷۳

۴۶. بیانات در شروع درس «خارج فقه»، ۱۳۷۳/۶/۲۰.
۴۷. بیانات در دیدار فرماندهان رده‌های مختلف «سپاه پاسداران»، ۱۳۷۳/۶/۲۹.
۴۸. بیانات در آستانه سالروز تسخیر لانه جاسوسی امریکا و روز ملی مبارزه با استکبار، ۱۳۷۳/۸/۱۱.

۴۹. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید مبعث، ۱۳۷۳/۱۰/۱۰.

سال ۱۳۷۴

۵۰. بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام در مرقد مطهر، ۱۳۷۴/۳/۱۴.
۵۱. بیانات در دیدار رییس، مسئولان و قضات «قوه قضاییه»، ۱۳۷۴/۴/۷.
۵۲. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۴/۸/۱۰.

سال ۱۳۷۵

۵۳. پیام به مناسبت آغاز سال جدید، ۱۳۷۵/۱/۱.
۵۴. بیانات در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، ۱۳۷۵/۳/۲۰.
۵۵. بیانات به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی، ۱۳۷۵/۸/۹.

سال ۱۳۷۶

۵۶. بیانات در اجتماع بزرگ مردم در صحن امام خمینی علیه السلام مشهد مقدس، ۱۳۷۶/۱/۱.
۵۷. بیانات در اجتماع نیروهای شرکت‌کننده در مانور عظیم طریق القدس، ۱۳۷۶/۲/۳.

۵۸. بیانات در دیدار پرستاران و جانبازان به مناسبت روز پرستار، ۱۳۷۶/۶/۱۹.
۵۹. پیام تبریک و تسلیت به حجة الاسلام سید حسن نصرالله به مناسبت شهادت فرزند ایشان، ۱۳۷۶/۶/۲۳.

۶۰. بیانات در اجتماع با شکوه مردم کرج، ۱۳۷۶/۷/۲۴.
۶۱. بیانات در دیدار با گروه کثیری از دانش‌آموزان، دانشجویان و اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۶/۸/۱۴.
۶۲. بیانات در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی، ۱۳۷۶/۹/۱۸.

سال ۱۳۷۷

۶۳. بیانات در دیدار علما و روحانیون در آستانه ماه محرم، ۱۳۷۷/۲/۲.
۶۴. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۷/۲/۱۸.
۶۵. بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی کشور و خانواده‌های شهدای هفتم تیر، ۱۳۷۷/۴/۷.
۶۶. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۴/۲۱.
۶۷. بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت آغاز هفته دولت، ۱۳۷۷/۶/۲.
۶۸. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷/۶/۲۴.
۶۹. بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای نیروهای مسلح و جهاد سازندگی، ۱۳۷۷/۷/۵.
۷۰. بیانات در مراسم اختتامیه پانزدهمین دوره مسابقات قرآن، ۱۳۷۷/۹/۱.
۷۱. بیانات در دیدار عمومی به مناسبت عید سعید فطر، ۱۳۷۷/۱۰/۲۸.
۷۲. خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۷۷/۱۰/۲۸.
۷۳. پیام به مناسبت بزرگداشت روز شهیدان در دهه فجر انقلاب، ۱۳۷۷/۱۱/۱۵.

سال ۱۳۷۸

۷۴. بیانات در مراسم اعطای سردوشی در دانشگاه دریایی امام خمینی رحمته‌الله و دانشگاه علوم و فنون دریایی سپاه نوشهر، ۱۳۷۸/۲/۲۹.
۷۵. بیانات در دیدار با میهمانان داخلی و خارجی دهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۷۸/۳/۱۲.
۷۶. پیام به کنفرانس بین‌المجالس اسلامی، ۱۳۷۸/۳/۲۵.
۷۷. بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت سالروز تسخیر لانه جاسوسی امریکا، ۱۳۷۸/۸/۱۲.
۷۸. بیانات در دیدار فرماندهان و گروه کثیری از پاسداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸/۸/۲۲.
۷۹. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۸/۱۰/۱۰.
۸۰. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۷۸/۱۰/۱۸.

سال ۱۳۷۹

۸۱. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا علیه‌السلام در مشهد مقدس، ۱۳۷۹/۱/۶.
۸۲. پیام به اجلاس هزاره رهبران دینی جهان، ۱۳۷۹/۶/۹.
۸۳. پیام به سی‌وپنجمین نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا، ۱۳۷۹/۶/۱۹.
۸۴. پیام به مردم فلسطین، ۱۳۷۹/۷/۱۳.
۸۵. بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی جمعی از پرسنل نیروی انتظامی، ۱۳۷۹/۷/۱۸.
۸۶. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک، ۱۳۷۹/۸/۲۴.
۸۷. بیانات در مراسم اعطای سردوشی در دانشگاه افسری امام علی علیه‌السلام، ۱۳۷۹/۹/۶.
۸۸. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، خطبه دوم، ۱۳۷۹/۹/۲۵.
۸۹. بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت عید سعید فطر، ۱۳۷۹/۱۰/۷.

۹۰. پیام به کنگره بزرگداشت حضرت آیت الله العظمی بروجردی و علامه شیخ محمود شلتوت، ۱۳۷۹/۱۰/۱۸.

۹۱. بیانات و پرسش و پاسخ در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹.

سال ۱۳۸۰

۹۲. بیانات در دیدار مسئولان قوه قضاییه، خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از قُضات، ۱۳۸۰/۴/۷.

۹۳. بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای نیروهای مسلح، ۱۳۸۰/۷/۴.

۹۴. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۸.

۹۵. بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۲.

۹۶. بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۹/۲۱.

۹۷. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، به مناسبت ۱۹ دی ماه، سالروز قیام مردم قم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹.

۹۸. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش بین‌المللی رسانه‌های جهان اسلام حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۸۰/۱۱/۱۱.

۹۹. بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی، ۱۳۸۰/۱۱/۱۸.

۱۰۰. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در روز عید سعید غدیر خم، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲.

۱۰۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۱۲/۲۷.

سال ۱۳۸۱

۱۰۲. بیانات در اجتماع بزرگ زائران حرم امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۱/۳/۱۴.

۱۰۳. بیانات در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه سراسر کشور، ۱۳۸۱/۵/۵.

۱۰۴. بیانات در دیدار گروه کثیری از پاسداران به مناسبت سالروز میلاد امام حسین علیه السلام و روز پاسدار، ۱۳۸۱/۷/۱۷.

۱۰۵. بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت گرامیداشت سالروز ۱۳ آبان،
۱۳۸۱/۸/۱۳.

۱۰۶. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۱/۹/۱.

۱۰۷. بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۸۱/۹/۱۵.

۱۰۸. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۱/۱۰/۱۹.

۱۰۹. بیانات در دیدار کارگزاران مراسم حج، ۱۳۸۱/۱۰/۲۵.

۱۱۰. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۸۱/۱۱/۱۸.

۱۱۱. بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۸۱/۱۱/۲۸.

۱۱۲. بیانات در جمع مردم زاهدان در استادیوم آزادی، ۱۳۸۱/۱۲/۴.

۱۱۳. بیانات در دیدار جوانان استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۶.

۱۱۴. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۱/۱۲/۱۳.

سال ۱۳۸۲

۱۱۵. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۲/۱/۲۲.

۱۱۶. بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۲/۲۲.

۱۱۷. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت سالروز هفدهم ربیع‌الاول،
۱۳۸۲/۲/۲۹.

۱۱۸. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲/۳/۷.

۱۱۹. بیانات در اجتماع با شکوه مردم استان زنجان، ۱۳۸۲/۷/۲۱.

۱۲۰. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان زنجان، ۱۳۸۲/۷/۲۲.

۱۲۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۲/۸/۲۳.

۱۲۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت عید سعید فطر، ۱۳۸۲/۹/۵.

۱۲۳. بیانات در مراسم مشترک تحلیف دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری
اسلامی، ۱۳۸۲/۱۰/۴.

۱۲۴. بیانات در دیدار جهادگران و کشاورزان، ۱۳۸۲/۱۰/۱۴.

۱۲۵. پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۲/۱۱/۸.

۱۲۶. پیام به مناسبت مراسم عطر افشانی و غبارروبی مزار شهدا، ۱۳۸۲/۱۱/۱۶.

سال ۱۳۸۳

۱۲۷. بیانات پس از درس خارج فقه، ۱۳۸۳/۲/۲۷.

۱۲۸. اعلام روز عزای ملی به خاطر هتک حرمت اعتاب مقدسه، ۱۳۸۳/۳/۶.

۱۲۹. بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۳/۶/۳۱.

۱۳۰. بیانات در دیدار قاریان شرکت کننده در بیست‌ویکمین دوره مسابقات بین‌المللی

قرآن کریم، ۱۳۸۳/۶/۲۶.

۱۳۱. بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های سه‌گانه ارتش

جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳/۷/۲۲.

۱۳۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۸۳/۸/۶.

۱۳۳. بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۳/۸/۲۰.

۱۳۴. بیانات در دیدار رییس و مدیران سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۳/۹/۱۱.

۱۳۵. بیانات در دیدار مردم استان قم به مناسبت سالروز قیام ۱۹ دی، ۱۳۸۳/۱۰/۱۹.

سال ۱۳۸۴

۱۳۶. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۴/۵/۲۸.

سال ۱۳۸۵

۱۳۷. بیانات در صحن جامع رضوی، ۱۳۸۵/۱/۱.

۱۳۸. بیانات در اجتماع مردم دشت آزادگان، سوسنگرد، بستان، حمیدیه و هویزه و

کاروان‌های راهیان نور، در منطقه دهلاویه، ۱۳۸۵/۱/۵.

۱۳۹. بیانات در دیدار عمومی بسیجیان، ۱۳۸۵/۱/۶.

۱۴۰. بیانات در سالروز میلاد پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام، ۱۳۸۵/۱/۲۷.

۱۴۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹.

۱۴۲. پیام در محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی در لبنان، ۱۳۸۵/۵/۱۱.

۱۴۳. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۸۵/۵/۳۰.
۱۴۴. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، سفرای کشورهای اسلامی و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۸۵/۵/۳۱.
۱۴۵. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۵/۶/۲۷.
۱۴۶. پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا و ایثارگران دوران دفاع مقدس، ۱۳۸۵/۷/۶.
۱۴۷. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۵/۷/۲۱.
۱۴۸. بیانات در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید فطر، ۱۳۸۵/۸/۲.
۱۴۹. خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۵/۸/۲.
۱۵۰. بیانات در دیدار مردم استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۷.
۱۵۱. بیانات در صبحگاه مشترک نظامی استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۲۰.

سال ۱۳۸۶

۱۵۲. بیانات در دیدار با انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان سراسر کشور، ۱۳۸۶/۲/۱۹.
۱۵۳. بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵.
۱۵۴. بیانات در دیدار با خانواده‌های شهدا، ایثارگران و جانبازان، ۱۳۸۶/۲/۲۷.
۱۵۵. بیانات در دیدار با نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶/۳/۸.
۱۵۶. بیانات در مراسم هجدهمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۶/۳/۱۴.
۱۵۷. بیانات در بازدید از پژوهشکده رویان، ۱۳۸۶/۴/۲۵.
۱۵۸. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد مسعود علی‌بن‌ابیطالب علیه السلام، ۱۳۸۶/۵/۶.
۱۵۹. بیانات در دیدار میهمانان شرکت‌کننده در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۸۶/۵/۲۸.
۱۶۰. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۶/۶/۴.
۱۶۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، خطبه دوم، ۱۳۸۶/۶/۲۳.
۱۶۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۶/۶/۳۱.

۱۶۳. بیانات در دیدار رؤسای قضایی کشورهای اسلامی، ۱۳۸۶/۹/۱۴.
۱۶۴. پیام به مناسبت کنگره عظیم حج، ۱۳۸۶/۹/۲۷.
۱۶۵. بیانات در دیدار اқشار مختلف مردم در روز عید سعید غدیر خم، ۱۳۸۶/۱۰/۸.
۱۶۶. بیانات دیدار عمومی مردم ابرکوه، ۱۳۸۶/۱۰/۱۵.
۱۶۷. بیانات در دیدار جمعی از پرسنل و فرماندهان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۸۶/۱۱/۱۹.

سال ۱۳۸۷

۱۶۸. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۷/۱/۱.
۱۶۹. پیام نوروزی به مناسبت حلول سال ۱۳۸۷، ۱۳۸۷/۱/۱.
۱۷۰. بیانات در دیدار هزاران نفر از مردم و عشایر شهرستان نورآباد ممسنی، ۱۳۸۷/۲/۱۵.
۱۷۱. بیانات در دیدار اқشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت علی علیه السلام، ۱۳۸۷/۴/۲۶.

۱۷۲. بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی، ۱۳۸۷/۶/۵.
۱۷۳. بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲.
۱۷۴. بیانات در دیدار با مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی، ۱۳۸۷/۱۰/۱۹.
۱۷۵. بیانات در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین، ۱۳۸۷/۱۲/۱۴.

سال ۱۳۸۸

۱۷۶. بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷.
۱۷۷. بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی رهبر، ۱۳۸۸/۳/۱۴.
۱۷۸. بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۸/۶/۱۸.
۱۷۹. بیانات در دانشکده علوم دریایی نوشهر، ۱۳۸۸/۷/۱۴.
۱۸۰. بیانات در دیدار دانش‌آموزان در آستانه ۱۳ آبان، ۱۳۸۸/۸/۱۲.
۱۸۱. بیانات در دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه ۶ بهمن، ۱۳۸۸/۱۱/۶.
۱۸۲. بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳.

۱۸۳. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران ساخت ناوشکن جماران، ۱۳۸۸/۱۱/۳۰.
۱۸۴. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۱۲/۶.
۱۸۵. بیانات در دیدار شرکت کنندگان در افتتاحیه همایش غزه، ۱۳۸۸/۱۲/۸.

سال ۱۳۸۹

۱۸۶. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۹/۱/۱.
۱۸۷. بیانات در دیدار فرماندهان ارشد نظامی و انتظامی، ۱۳۸۹/۱/۲۲.
۱۸۸. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹/۳/۱۸.
۱۸۹. بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۹/۴/۲.
۱۹۰. بیانات در دیدار مردم بوشهر در روز میلاد امام علی علیه السلام، ۱۳۸۹/۴/۵.
۱۹۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۸۹/۶/۱۹.
۱۹۲. بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۴.
۱۹۳. بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی دانش‌آموختگان ارتش در دانشگاه شهید ستاری، ۱۳۸۹/۸/۱۹.
۱۹۴. بیانات در دیدار هزاران نفر از مردم استان گیلان، ۱۳۸۹/۱۰/۸.
۱۹۵. بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی، ۱۳۸۹/۱۰/۱۹.
۱۹۶. خطبه‌های نماز جمعه تهران در سالروز شهادت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵.
۱۹۷. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۸۹/۱۲/۱.

سال ۱۳۹۰

۱۹۸. بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۱۳۹۰، ۱۳۹۰/۱/۱.
۱۹۹. بیانات در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، ۱۳۹۰/۲/۷.
۲۰۰. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۳/۸.
۲۰۱. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات قرآن، ۱۳۹۰/۴/۱۴.
۲۰۲. بیانات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور، ۱۳۹۰/۵/۲۶.

۲۰۳. بیانات در اجتماع مردم گیلان غرب، ۱۳۹۰/۷/۲۳.
۲۰۴. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴.
۲۰۵. بیانات در دانشگاه افسری امام علی علیه السلام، ۱۳۹۰/۸/۱۹.
۲۰۶. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی»، ۱۳۹۰/۱۱/۱۰.
۲۰۷. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.

سال ۱۳۹۱

۲۰۸. بیانات در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش، ۱۳۹۱/۲/۳.
۲۰۹. بیانات در دیدار معلمان، ۱۳۹۱/۲/۱۳.
۲۱۰. بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱/۳/۱۴.
۲۱۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، در سالروز بعثت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، ۱۳۹۱/۳/۲۹.
۲۱۲. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی، ۱۳۹۱/۴/۲۱.
۲۱۳. بیانات در محفل انس با قرآن، ۱۳۹۱/۴/۳۱.
۲۱۴. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳.
۲۱۵. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۱/۵/۲۲.
۲۱۶. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۱/۵/۲۹.
۲۱۷. بیانات در دیدار رییس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲.
۲۱۸. بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد، ۱۳۹۱/۶/۹.
۲۱۹. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.
۲۲۰. پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۹۱/۸/۴.
۲۲۱. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۱/۸/۱۰.

۲۲۲. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی، ۱۳۹۱/۹/۲۱.

۲۲۳. بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶، ۱۳۹۱/۱۰/۱۹.

۲۲۴. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۱/۱۱/۱۰.

سال ۱۳۹۲

۲۲۵. بیانات در صحن جامع رضوی، ۱۳۹۲/۱/۱.

۲۲۶. بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۹.

۲۲۷. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۲/۳/۱۷.

۲۲۸. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، ۱۳۹۲/۳/۱۸.

۲۲۹. بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۲/۴/۳۰.

۲۳۰. بیانات در دیدار رییس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴.

۲۳۱. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی، ۱۳۹۲/۸/۱۲.

۲۳۲. بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور در مصلا‌ی امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۹۲/۸/۲۹.

سال ۱۳۹۳

۲۳۳. بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱.

۲۳۴. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در سی‌ویکمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، ۱۳۹۳/۳/۱۳.

۲۳۵. بیانات در محفل انس با قرآن در اولین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۵، ۱۳۹۳/۴/۸.

۲۳۶. بیانات در دیدار دانشجویان در بیست و پنجمین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۵، ۱۳۹۳/۵/۱.

۲۳۷. بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۳/۶/۱۳.

۲۳۸. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در «کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام»، ۱۳۹۳/۹/۴.

۲۳۹. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، ۱۳۹۳/۱۰/۱۹.

۲۴۰. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱.

سال ۱۳۹۴

۲۴۱. بیانات در دیدار مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام)، ۱۳۹۴/۱/۲۰.

۲۴۲. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۴/۱/۳۰.

۲۴۳. بیانات در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در حسینیه امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴/۲/۶.

۲۴۴. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۴/۲/۲۶.

۲۴۵. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در سی‌ودومین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، ۱۳۹۴/۳/۲.

۲۴۶. بیانات در دیدار شاعران در شب میلاد امام حسن مجتبی (علیه‌السلام)، ۱۳۹۴/۴/۱۰.

۲۴۷. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان در بیست و چهارمین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶، ۱۳۹۴/۴/۲۰.

۲۴۸. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی به مناسبت عید سعید فطر، ۱۳۹۴/۴/۲۷.

۲۴۹. بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) و اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی، ۱۳۹۴/۵/۲۶.

۲۵۰. بیانات در دیدار مسئولان و دست‌اندرکاران، ۱۳۹۴/۵/۳۱.

۲۵۱. بیانات در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی نوشهر در نهمین مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۴/۷/۸.

۲۵۲. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه روز ملی مبارزه با استکبار جهانی، ۱۳۹۴/۸/۱۲.

۲۵۳. بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در آستانه روز بسیج مستضعفین، ۱۳۹۴/۹/۴.

۲۵۴. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۴/۱۰/۸.

۲۵۵. بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، ۱۳۹۴/۱۰/۱۴.

۲۵۶. دیدار رییس اجرایی دولت افغانستان با رهبر انقلاب، ۱۳۹۴/۱۰/۱۵.

سال ۱۳۹۵

۲۵۷. بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام، ۱۳۹۵/۳/۳.

۲۵۸. بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی رهبر، ۱۳۹۵/۳/۱۴.

۲۵۹. بیانات در دیدار جمعی از ائمه جماعات مساجد استان تهران، ۱۳۹۵/۵/۳۱.

۲۶۰. بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران، ۱۳۹۵/۵/۳۱.

۲۶۱. دیدار خانواده شهید بدرالدین با رهبر انقلاب، ۱۳۹۵/۳/۶.

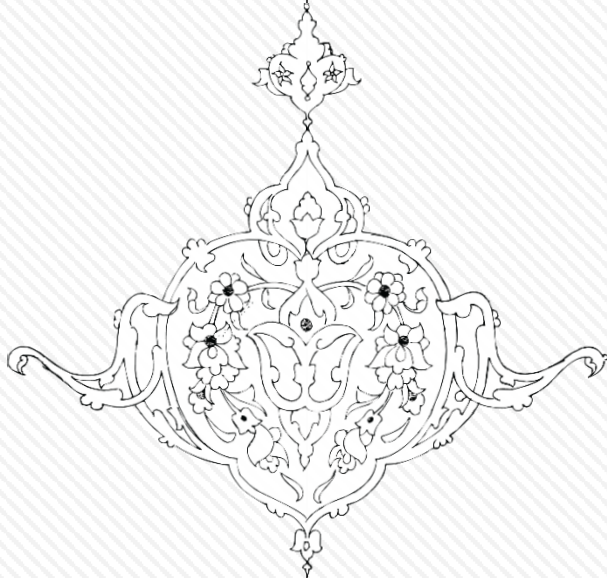
۲۶۲. دیدار دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین با رهبر انقلاب، ۱۳۹۵/۹/۲۴.

۲۶۳. دیدار رییس شورای ریاست جمهوری بوسنی و هرزگوین با رهبر انقلاب، ۱۳۹۵/۸/۴.

سال ۱۳۹۶

۲۶۴. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۶/۲/۵.

منابع و مآخذ



١. قرآن كريم.
٢. نهج البلاغه.
٣. ابن أبى جمهور، محمد بن زين الدين، عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينية؛ مصحح مجتبى عراقى، دار سيد الشهداء للنشر، 1405 ق.
٤. ابن أبى زينب، محمد بن ابراهيم، الغيبة، مصحح على اكبر غفارى، نشر صدوق، تهران، ١٣٩٧ ق.
٥. ابن بابويه، محمد بن على، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، دار الشريف الرضى للنشر، قم، ١٤٠٦ ق.
٦. ابن قولويه، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، دار المرتضوية، نجف اشرف، ١٣٥٦ ش.
٧. تميمى آمدى، عبدالواحد بن محمد، غررالحكم و دررالعلم، مصحح سيد مهدي رجايى، دار الكتاب الإسلامى، قم، ١٤١٠ ق.
٨. حائرى، سيد هادى، افكار و آثار ايرج ميرزا، انتشارات جاويدان، تهران، ١٣٦٦ ش.
٩. خامنه‌اى، سيد على، بيانات، مکتوبات از سال ١٣٦٨-١٣٩٦
١٠. خمينى، روح الله، صحيفه امام، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى عليه السلام، تهران، ١٣٨٩ ش.
١١. طبرسى، حسن بن فضل، مكارم الأخلاق، الشريف الرضى، قم، ١٤١٢ ق.
١٢. طوسى، محمد بن الحسن، الأمالى، مصحح مؤسسة البعثة، دار الثقافة، بيروت، ١٤١٤ ق.
١٣. _____، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، مؤسسة فقه الشيعة، بيروت، ١٤١١ ق.
١٤. عياشى، محمد بن مسعود، تفسير العياشى، مصحح سيد هاشم رسولى محلاتى، المطبعة العلمية، المطبعة العلمية، تهران، ١٣٨٠ ق.

۱۵. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، البلد الأمين و الدرع الحصین، مؤسسة الأعلمی

للمطبوعات، بیروت، 1418 ق.

۱۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت،

۱۴۰۳ ق.

۱۷. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۳۶۵ ش.